traité Erzeroum 1238 (1826)
un autre 1263 (1851)

هو الکافی

این عهدنامجات را
برسم یادگار برای مقرب الخاقان
میرزا مهدی خان کارپرداز اول
عراق عرب سلمه الله تعالی فرستادم
که هر وقت ملاحظه می فرمایند بنده را
بنده دولتی را یاد فرمایند
کاتب قسم ملفوفات
محمد ابن عبدالله رئیس دفتر
وزارت خارجه
عفی الله عنهما
[illegible]
[illegible]

فهرست

عهدنامه‌ها و غیره که در این اوراق مندرج است

انگلیس

- عهدنامه انگلیس با سر هارفورد جونز بسته شده در شهر محرم 1224
- عهدنامه ایضاً بتوسط سر گور اوزلی بسته شده در شهر صفر 1227
- عهدنامه ایضاً بتوسط سر [illegible] بسته شده در شهر ذی‌الحجه الحرام 1229
- صورت احکام حاجی میرزا آقاسی [illegible] بسته شده
- عهدنامه تجارتی با دولت انگلیس در 12 شهر شوال 1257
- عهدنامه در باب [illegible] در شهر شوال 1267
- دستورالعمل محمود خان [illegible] وزارت امور خارجه در باب [illegible] در شهر ربیع الاول
- عهدنامه با شیخ [illegible] در سنه 1269
- عهدنامه صلح ایران و انگلیس در هشتم شهر رجب 1273
- عهدنامه شاه صفی و سلطان مراد رابع سلطان روم در سنه [illegible]
- عهدنامه نادر شاه و محمود خان سلطان روم [illegible]
- سواد نامه از جانب خاقان مغفور [illegible] اتفاق دو دولت عثمانی
- سواد نامه مرحوم نایب السلطنه [illegible] سلطان محمود خان پادشاه [illegible]
- سواد نامه که از جانب سلطان [illegible] بنواب نایب السلطنه [illegible] نوشته شده
- عهدنامه [illegible] که فیمابین ایران و عثمانی منعقد شده در سنه 1263
- عهدنامه خاقان مغفور و سلطان محمود خان سلطان روم در سنه 1238
- قرارنامه سرحد [illegible] در باب [illegible] 1279
- عهدنامه بندر عباس [illegible] 1272
- عهدنامه ایران و روس در باب [illegible] شوال 1243
- [illegible] 1243
- عهدنامه روس در باب تجارت در پنجم شهر شعبان 1243

- مهاجرت نامه [illegible] جمادی الاولی 1226
- در باب [illegible] دولت روس و ایران 1243
- قرارنامه تجارتی ایران و [illegible] در شهر شوال 1250
- عهدنامه ایران و [illegible] در شهر شوال 1271
- عهدنامه گلستان در 29 شهر شوال 1228 [illegible] دولت روس منعقد شده
- عهدنامه [illegible] در ربیع [illegible] 1232
- عهدنامه [illegible] ایران در 9 ذی‌الحجه 1273
- عهدنامه ایران [illegible] در غره ذیحجه 1273
- عهدنامه اسپانیول در پنجم شهر محرم 1258
- عهدنامه دانمارک [illegible] ربیع الاول 1274
- عهدنامه سوئد در 3 شهر ربیع [illegible] 1273
- عهدنامه [illegible] ذیقعده 1273
- عهدنامه ایطالیا در [illegible] ربیع [illegible] 1279
- قرارنامه بندر عباس [illegible] امام مسقط [illegible] در [illegible] شهر شوال 1272
- عهدنامه دولت یونان در 23 شهر ربیع الاول 1278
- قرارنامه [illegible] سردار [illegible] محمد علی خان [illegible] 1273
- قرارنامه که سردار محمد علی [illegible] نوشته با [illegible]
- عهدنامه دولت ایران و [illegible]
- سواد [illegible] نامه [illegible] در باب عهدنامه [illegible] فرستاده شده
- عهدنامه [illegible] بتوسط [illegible] جعفر خان [illegible]
- صورت عهدنامه [illegible] منعقد شده 1273

هو الکافی

فهرست عهد نامه‌ها و غیره که در این اوراق مندرج است

بسم الله الرحمن الرحیم

صورت عهدنامهٔ که با دولت انگلیس بتوسط مستر حالس بسته شده

چون در این اوان سعادت نشان سفیر بی‌نظیر روشن ضمیر صاحب تدبیر صاحب
شان نشان همایون ... عثمانیه علیا عمدة الاعاظم المسیحیه سر هرفرد جونز بارونت
از جانب سعادت جانب شهریار نامدار کامکار خسرو عدل گستر
مکارم شعار نظم آرای مناظم کشورستانی صدرنشین اورنگ سلطنت و جهانداری
شرف افزای سپهر جلالت و بختیاری خدیو باذل عادل دارای
عدل کف دریادل پادشاه والاجاه فلک دستگاه ممالک
فسیح المسالک انگلستان و هندوستان ادام الله تعالی ایام سلطنته الباهره

برسم سفارت

برسم سفارت با نامه همایون پادشاهی وارد آستان سپهر نشان
و شرف اندوز تقبیل عتبه علیه اعلیحضرت قدر قدرت قضا همت گردون
حشمت جهانداور خدیو مکرم فلک یاور خسرو اعظم بلند اختر داور انجم خدم
مالک رقاب الامم غوث الاسلام والمسلمین عون الملة والدین قهرمان
الماء والطین شهریار جم اقتدار کشور خجسته اثر ایران و توران
لازالت مشارق اقباله مطالع کواکب الاجلال گردیده و موافق وکالت
نامچه معتبره میمونه ممهوره بمهر مهر آثار پادشاه ذیجاه معظم الیه در تشیید مبانی مهر و الفت
و تسیین علیتین وکیل مطلق و معتمد مختار بود و از طرف سنی الشرف شاهنشاه
سپهر بارگاه ممالک ایران نیز ایلچیان رفیع مکان نبالت و جلالت
پناهان عزت و دولت دستگاهان مجدت و حشمت همراهان
مقرب الخاقان صدر الوزراء الفخام معتمد الدولة العلیة الباهره میرزا محمد شفیع
وزیر و امیر الامراء العظام امین الحضرة البهیة القاهره حاجی محمد حسین خان مستوفی الممالک

دیوان همایون اعلی از قِبَل فرمان اشرف جهانگیرانه وکالت مطلقه تفویض رفته

بود با عالیجاه ایلچی مشارالیه تمهید شرایط مودت و یکجهتی و وفاق دولتین پرداخته

ارکان حضرتین علیتین را بنحوی که متضمن صلاح طرفین باشد مستحکم و مشید

ساخته باشند لهذا عالیجاهان مشارالیهم بعد از انعقاد مجالس عدیده

و طی مقالات و مکالمات لازمه باستصواب و رضای یکدیگر بنای عهد

و میثاق و اداء شروط یگانگی و وفاق فیمابین دولتین باصول مفصله

هشتگانه گذاشته بر اولیای دولتین لازم و ثابت داشتند و از این پس بر یک

نهج مسطور عمل و شرطی از شروط متروک و مهمل نگذارند **فصل اول**

چون تفصیل شروط و توضیح و تعیین مقاصد جانبین موقوف بود بمکالمات

گوناگون و مجالس متعدده علی العجاله الوقت این وثیقه میمونه را عهدنامه مجملات

مرقوم میگردد تا کاخ دوستی و اتحاد و اعتضاد دولتین متین و مکنونات ضمایر جانبین را

مبین و قرار داده اینکه عن قریب عهدنامه مفصله مشتمل بر جمیع مقاصد و کلیات

شرایط

شرایط و ضوابط مرقوم و بخط و مهر وکلاء اجلاء ثلثه مختوم گردد و مدار یکجهتی

دولتین بر آن باشد **فصل دوّیم** باید که این عهد خجسته که دولتین

دولت جاوید مدت بر ثبت صدق و راستی بسته اند از هرگونه تبدیل و تغییر

مصون و دور بود و لوازمات و مقتضیات یکجهتی و یگانگی در میانه افزون باشد

و پیوند مواصلت و موافقت میان این دو پادشاه جمجاه زاد هما الله ملکا

و سلطانا و ولیعهد و فرزندان و احفاد و احجاد ایشان و وزراء و امراء و ولات

و حکام ولایات و سرحدات مملکتین ابد الاباد استوار ماناد **فصل**

سیّم اولیای دولت علیه ایران بر خود لازم داشتند که از تاریخ این

عهدنامچه میمونه هر عهد و شرطی که با هر یک از دولتهای فرنگ بسته اند باطل سازند

و لشکری از طوایف فرنگ بمملکت ایران آمده در صورتیکه بیاید پادشاه

والاجاه انگلستان قشون و تدارک و اسباب یا در عوض آن وجه نقد از توپ

و تفنگ و مُعتَم و علمه بقدریکه صلاح دولتین باشد بهمت شهریار سپهر اقتدار

فصل چهارم [illegible]

ایران بفرستند و وجه نقد مرفوع ایشان یا پول کمال اعانت و امداد نماید
و بعد ازین قشون یا مبلغ وجه و مقدار تدارکات و اسباب از قراریست که در
عهد نامه مفصل مشخص و معین خواهد شد و اگر احیاناً ما بین مصالحه فیمابین طایفه
فرنگ با دولت علیه ایران نزاع و جنگ دارند و اولیای دولت بهیه
انگلیس اتفاق اقدس پادشاه والاجاه ممالک انگلستان کمال سعی و دقت
و اهتمام نماید که فیمابین ایران و آن طایفه نیز رفع دشمنی و نزاع شده صلح
واقع شود و اگر خدا نخواسته این سعی بجائی نرسد شاه والاجاه انگلستان بطریقیکه
مرقوم شده و در عهد نامه مفصل تشخیص و تعیین داده خواهد شد قشون و لشکر
یا وجه نقد و اسباب بکومک ایران بدهد و این اعانت و کومک را مادام
که جنگ فیمابین ایران و آن طایفه باشد داده تا هنگامیکه رفع جدال نشود و آن طایفه
با اولیای دولت ایران صلح ننمایند مضایقه در دادن کومک ننمایند
و هرگاه افاغنه هندوستان را با اولیای دولت انگلیس نزاع و جدال باشد

اولیای دولت ایران

اولیای دولت ایران از این طرف لشکر تعیین کرده بقسمی که مصلحت دانسته باشند
بدولت انگلیس اعانت و امداد نماید از قراریکه در عهد نامه مشخص و معین خواهد شد

فصل پنجم اگر از سواحل هندوستان قشون و لشکر وارد بحر العجم
شده باشد و قبل از اذن و رخصت اولیای دولت علیه ایران در
جزیره خارک یا جای دیگر از سواحل عمان نزول کرده باشند بهیچوجه من الوجوه
دخل و تصرف در آنجا نکرده و از تاریخ عهد نامه میمونه قشون مذکوره برای حراست
حدود هندوستان ضرور نداشته باشد و اولیای دولت علیه ایران خواهند
برای امداد خود همان قشون را نگاه دارند و اگر نخواهند روانه هندوستان
نمایند و در عوض قشون بطریقیکه سبق ذکر یافت و در عهد نامه مفصل مشخص خواهد شد
وجه نقد برای اخراجات و تدارکات باز یافت نمایند

فصل ششم اگر قشون مذکور بخواهش اولیای دولت ایران در جزیره خارک
یا جای دیگر از سواحل عمان توقف نمایند باید از جانب کارگذاران دولت ایران

کمال شفقت و مهربانی نسبت بایشان بعمل آید و بحکام مباشرین بنادر
فارس قدغن نمایند که هر قدر میوه رسات و آذوقه برای قشون انگریز ضرور
در کار باشد بنرخ و تسعیر عادله وقت بایشان فروخته قیمت باز یافت نمایند

فصل هفتم اگر جنگ و نزاعی فیمابین دولت ایران و افغان
اتفاق افتد اولیای دولت انگلیس را در آن میانه کاری نیست و بهیچ طرف
اعانت و امداد نخواهند کرد مگر آنکه بخواهش طرفین واسطه صلح گردند

فصل هشتم این عهدنامچه میمونه برسم و معنی عهد محافظه مرقوم
و در ضمن العهد شرط رفت که مادامیکه این عهد جاوید برسوم و شروط مقرره
مفصله بین الدولتین برقرار است اولیای دولت دولت علیه ایران عهد
و شرطی که مخالف دولت انگلیس و باعث اهانت و اضرار ایشان در حدود
هندوستان بشود با هیچیک از طوایف فرنگستان ننمایند امید که این عهد میمنت آثار
خجسته تا ابد پایدار باد و این پیوند میمون بالولی میان دو دولت محاسن و فواید

که

گردد ما که وکلا میباشیم براستی و استحکام این عهدنامه مبارکه میمونه را دستخط
و مهر گذاشته ایم بتاریخ نوزدهم ماه مارچ هزار و هشتصد و نه عیسوی مطابق
بیست و پنجم شهر محرم الحرام سنه ۱۲۲۴ من الهجرة المصطفویه

صورت عهدنامه که وکلای دولت ابد مدت علیه ایران با سر گور اوزلی ایلچی دولت بهیه انگلیس بسته اند

الحمد لله الوافی الکافی اما بعد این خجسته اوراق دسته گلهایست از گلزار
یگانگی و وفاق رسته و بدست وکلای حضرتین علیتین برسم عهدنامه
مفصل بر طبق صدق خلوص پیوسته میگردد چون قبل از اینکه عالیجاه
زبدة السفراء سر هرفرد جونس برونت از جانب دولت علیه انگلیس بجهة
تمهید مقدمات یکجهتی دولتین وارد دربار شهریاری شده بود در عهدنامچه مجمله فیمابین وکلای

دولت علیه ایران اجل الکفات الفخام فخر الصداره والوزاره
والاحتشام میرزا شفیع صدر اعظم والامیر الامراء الکرام المؤتمن الحضرت
العلیه العالیه امین الدوله البهیه السنیه قواما للجلاله والنباله حاجی محمد حسین خان
مستوفی الممالک دیوان معظم باشند و از جانب وکیل و سفیر دولت بهیه انکلیس بعد
بشروط چند در تبیین و تعیین این عهدنامه مفصل رجوع شده مرقوم گردیده بعد
عالیجاه رفیع جایگاه عزت و فخامت همراه شهامت و صداقت آگاه
فطانت و درایت آگاه دولتخواه بلا اشتباه سر گور اوزلی بارونت ایلچی بزرگ که الی ایران بوده
برای اتمام عهود و انجام مقاصد حضرتین شرفیاب التزام درگاه خلایق پناه
پادشاهی بوده‌اند و از جانب آن فرخنده دولت وکیل و کفیل مهمات گشته است
وکلای این دو دولت حضرت قاهره الصلاح و صواب دیدش را که شروع
در تفصیل عهود که مقصد تفصیل مقاصد از عهد است در فصول لاحقه علی حده
شرح داده خواهد شد و امور متعلقه بتجارات و معاملات علی حده از قرار ثبت

ادر عهدنامه

که در عهدنامه تجارت نامه جداگانه معین و مفصل خواهد گشت

فصل اول

اولیای دولت علیه ایران بر خود لازم داشته‌اند که از تاریخ این عهدنامه
هر عهد و شرطی که با هر یک از دولتهای فرنگ بسته‌اند باطل و ساقط سازند
و لشکر سایر طوایف فرنگستان را از حدود متعلقه بمملکت ایران بسمت
عبور بطرف هندوستان و بسمت بنادر هند ندهند و احدی را از این طوایف را
نگذارند که داخل مملکت ایران شوند و اگر طوایف مزبور خواهند
که از راه خوارزم یا تاتارستان و بخارا و سمرقند و غیره عبور بممالک هند نمایند
شاهنشاه ایران حتی المقدور پادشاهان و والی‌ها و اعیان آن ممالک را
مانع شوند و از راه طوایف مزبوره باز دارند خواه از راه تهدید و تخویف
و خواه از رفق و مدارا

فصل دویم

اگر دشمنی از طوایف فرنگ
بمملکت ایران آمده باشد یا بیاید و اولیای دولت علیه ایران از دولت
بهیه انکلیس خواهش اعانت و امداد نمایند فرمانفرمای ممالک هند از جانب

دولت بهیه انگلیس هرگاه امکان و قدرت داشته باشد بر اینکه از اولیای دولت
علیه ایران بشرط عسکر و سپاه از مملکت هندوستان روانه سمت ایران نمایند
و اگر بعلت بعضی گرفتاریها فرستادن عسکر امکان نداشته باشد هر ساله مبلغ
دویست هزار تومان بجهة اخراجات سپاه بسرکار دولت علیه ایران بدهند مادام
که جنگ و جدال با طوایف مزبوره در میان باشد وجه مزبوره برقرار باشد
و چون وجه نقد مزبور برای نگاه داشتن قشون است ایلچی دولت بهیه انگلیس را
لازم است که از رسیدن آن بقشون مستحضر و مطلع شود و بداند که در خدمات
مرجوعه صرف میشود **فصل سیم** اگر احیاناً طایفه فرنگ را که با دولت
علیه ایران نزاع و جدال دارند با دولت بهیه انگلیس مصالحه اتفاق
افتد پادشاه والاجاه انگلستان کمال سعی و دقت نماید که فیمابین آن طایفه رفع
دشمنی و نزاع شده صلح واقع گردد و اگر این سعی بجائی نرسد باز دولت انگلستان
بطریقیکه مرقوم شد از مملکت هند عسکر و سپاه بکومک ایران مأمور کنند یا اینکه وجه

مقرره را

مقرره را برای خرج عسکر وغیره کارسازی اولیای دولت علیه ایران نمایند
و این اعانت و امداد را مادام که جنگ فیمابین دولت علیه ایران و آن طایفه
باشد و رفع جدال نشود و آن طایفه با دولت علیه ایران صلح ننمایند مضایقه ننمایند
و بشروط مرقومه مفصله در این امداد کوتاهی ننمایند و در صورتیکه صلح فیمابین آن طایفه
و دولت بهیه انگلیس اتفاق افتد باز هر وقت اولیای دولت علیه ایران
خواهند و جنگ و جدال با آن طایفه نشود معلم وغیره بجهة تعلیم و تعلم سپاه ایران
خواهند اولیای دولت انگلیس بشرط فراغت وقت بقدر مقدور البته مضایقه ننمایند
فصل چهارم چون قرار داد مملکت ایران این است که مواجب
قشون شش ماه بشش ماه پیش داده میشود قرار داد شد که وجه عوض عسکر از دولت بهیه انگلیس
داده شود همچنین شش ماه بشش ماه وجه مزبور را ایلچی آن دولت بهیه هرچه ممکن شود زودتر پیشتر کارسازی
نماید **فصل پنجم** هرگاه طایفه افاغنه با اولیای دولت بهیه انگلیس نزاع و جدال داشته باشد
اولیای دولت علیه ایران لشکر تعیین نمایند بقسمیکه مصلحت دولتین باشد هر دولت بهیه

انگلیس اعانت و امداد نمایند و وجه اخراجات آن را از اولیای دولت بهیه
انگلیس بگیرند از قراریکه اولیای دولتین قطع و فصل خواهند کرد و اگر جنگ و نزاع
فیما بین دولت علیه ایران و افغان اتفاق افتد اولیای دولت بهیه انگلیس را در آن
میان کاری نیست و هیچ طرف کومک و امدادی نخواهند کرد مگر اینکه بخواهش طرفین
واسطه صلح گردند

فصل ششم

در صورتیکه در نواحی دریای قلزم چوب و اسباب
مهیا شود و شاهنشاه ایران خواهش فرمایند که در خورهای بحر مزبور کشتیهای جنگ سازند اولیای
دولت بهیه انگلستان اجازت معلم و عمله کشتی‌ساز و غیرهم از دار السلطنه لندن و از بمبئی
از بنبئی همراهی نمایند که بخدمت شاهنشاه ایران حاضر و بخدمت مرجوعه مامور شوند
و مواجب و اخراجات آن با سرکار پادشاه جمجاه دولت علیه ایران باشد
بر وفق قراری که با ایلچی دولت بهیه انگلیس داده خواهد شد

فصل هفتم

اگر از رعایای ایران کسی بخواهد دشمنی کند و یاغی شود و فرار بولایت انگلیس نماید
باید بمحض اشارت امنای دولت علیه ایران انگلیس را از ولایت مزبور بیرون کنند

و اگر

و اگر بیرون نرود او را گرفته روانه ایران نمایند و در صورتیکه پیش از رسیدن آن کس بولایت
مزبور اشارتی از امنای دولت علیه ایران درباره او بحاکم آنجا برسد آن کس را رخصت فرود
آمدن نخواهند داد و هرگاه از ممانعت آن کس فرود آید او را گرفته روانه ایران نمایند

فصل هشتم

اگر در بحر عجم اولیای دولت علیه ایران را امدادی ضرور شود اولیای دولت بهیه انگلیس بشرط
امکان و فراغبال در آن وقت کشتی جنگ و قشون بدهند و اخراجات آن را موافقی که در آن
آن وقت قطع و فصل نموده باشند بازیافت نمایند و کشتیهای مزبور بر آن خورها و لنگرگاهها عبور کنند

فصل نهم

که امنای دولت علیه ایران نشان بدهند و از جای دیگر بی‌رخصت و ضرورتی عبور نکنند
مواجب صاحبان منصب و معلم و عمله و غیره امنای دولت بهیه انگلیس خواهند داد و لیکن چون اعلیحضرت شاهنشاه
جمجاه ایران نخواسته‌اند کسیکه بخدمت ایشان مشغول شود از عنایات خسروانه بی‌بهره باشد
لهذا از وفور عنایت بموجب تفصیل صاحبان و معلمان و عمله که اکنون در رکاب ظفر انتساب

صاحبان و سرداران [illegible]
[illegible]
سرکار [illegible]
[illegible]

شاهنشاه وجمجاه ایران حاضر ومشغول خدمت می باشند وهر یک از صاحبان
مرتبهای مفصله حشوه هم ازین حاضر شوند از قراریکه در جزو مشخص شده است موافق مرتبه هر یک
انعام داده خواهد شد وهر یک از ایشان که بر سر برمقرین وحاضرین بزرگتر وحکمران
باشد نصف انچه موافق مرتبه برای او مقرر ومشخص شده است علاوه انعام داده خواهد شد
واگر خدا نخواسته یکی از ایشان در خدمت مرجوعه کوتاهی کند بمجرد اظهار آن بایلچی از حضرت
شاهنشاه رانده خواهد شد

فصل دهم

وچون منظور دو پادشاه آنست
که این عهد جاوید مهد ابدالاباد ما بین اولاد واحفاد ایشان پایدار وبرقرار
باشد از هر دو طرف بهی الشرف قرار داده چنین شد که هر یک از کواکب فروزان
سپهر پادشاهی که ولیعهد دولت وزینت بخش سریر سلطنت باشد با دولت دیگر
عهود یکجهتی ودوستی را پایدار نداشته این طریقه را ممضی ومعمول دارند وهرگاه
ولیعهد یکی از دولتین علیتین محتاج باعانت جدیدی از دولت دیگر گردد
بطریقیکه پیشرفت وصلاح دولتین ومملکتین ومقدور طرفین باشد مضایقه وکوتاهی

در امداد

در امداد واعانت ننمایند واعانت وامدادی که الحال از قرار تفصیل فصول
سابقه درین عهدنامه میمونه مشخص شده است باید با ولیعهد نیز مستمر وبرقرار باشد

فصل یازدهم

چون از قراریکه بر اولیای دولتین واضح از کنون دلایل صحیح
بیکدیگر داده شده اند منظور ازین عهد دوستی ازدیاد قوت هر دو دولت
ووسعت هر دو مملکت است وهریک را استشهاد خاطر این است که قوت
یکدیگر گرده امداد یکدیگر ممالک طرفین افزوده باشند ومطلب وخواهش اولیای دولت
بهیه انگلیس این است که دولت علیه ایران روز بروز زیاده قوی ومستحکم گردد واز خارج
کسی نتواند دخل در مملکت مزبور نماید ومادام دولت بهیه انگلیس دولت ومملکت
رعیت ایران قوی گردد اگر در امورات داخله مملکت ایران فیمابین شاهزادگان
ویا امرا وسرداران منازعتی روی دهد دولت بهیه انگلیس را در میانه
کاری نیست تا هر دو طرف خواهش نمایند واگر احیانا یکی از ایشان بجهت اعانت ولایتی
وجایی از خاک متعلقه ایران را بآن دولت بهیه بدهند که بازای آن کومک

و اعانتی نمایند هرگاه اولیای دولت بهیهٔ انگلیس با امرای افغان
برادری ان نخواهند گشت و دخل و تصرف در ممالک متعلقهٔ ایران
هرگز نخواهند نمود تمت الفصول بالیمن والسعادت امید که این عهدنامهٔ
خجسته فواید و نتایج نیک تا ابد منعقد و پیوسته باشد این عهدنامهٔ میمون را
که وکلای حضرتین علیتین ساختیم بصد اهتمام در استحکام فصولش بنحوی که لازمهٔ
استحکام است منعقد داشته و بخط و مهر گذاشته ایم بتاریخ چهاردهم ماه مارچ هزار و هشتصد و
دوازده عیسویه مطابق بیست و نهم شهر صفر المظفر سنه ۱۲۲۷ هجریهٔ مصطفویه علی هاجرها
السلام و التحیة المحرر فی دار الخلافه طهران صانها الله عن الحدثان

صورت عهدنامه که با دولت انگلیس در دفعهٔ ثانی بتوسط مستر اوسلی ایلچی دولت مزبوره بسته شده

اولیای دولت علیهٔ ایران برخود لازم دانند که از تاریخ این عهدنامه فیمابعد
هر ملتی از ملتهای فرنگ که با دولت بهیهٔ انگلیس در مقام نزاع
و دشمنی باشند سلسلهٔ مطالب آن قطع نمایند و لشکر تاتار طوایف ترکمان را
از حدود متعلقه بممالک ایران راه عبور بطرف هندوستان ندهند و همت باز داشتن بندند
و احدی از این طوایف که قصد هندوستان و دشمنی با دولت انگلیس داشته باشند اراده نمایند
که داخل مملکت ایران شوند و اگر طوایف مزبوره خواهند که از راه خوارزم یا تاتارستان
و سمرقند و غیره عبور بمملکت هند نمایند شاهنشاه ایران حتی المقدور پادشاهان و ولات آن ممالک را
آن ممالک را مانع شوند و از راه دادن طوایف مزبوره باز دارند خواه از راه تهدید
و تخویف و خواه از روی رفق و مدارا

فصل اول

چون این عهد خجسته که در میان
دو دولت ابد مدت بنیاد صدق و راستی بسته باید چنان است که تحریرات
جدا و یگانه از هر گونه تغییر و تبدیل مصون و دور بود و از خرابیها و نقصانات
که حکم و استحکام در میانه افزون و پیوند مودت و مواصلت میان این دو پادشاه جم جاه

دستگاه زاده بحمد الله تعالی ملکاً و سلطاناً و ولیعهد و فرزندان و احفاد و پادشاهان
و وزراء و امراء و حدود و حکام ولایات و سرحدات مملکتین ابدالآباد برقرار و استوار باشد
پادشاه والاجاه انگلیس قرارداد می‌نماید که اگر بر سر امور داخلهٔ مملکت ایران
فیمابین شاهزادگان و امرا و سرداران مناقشتی روی دهد دولت بهیه انگلیس را در این میان
کاری نیست تا پادشاه وقت خواهش نماید و همچنان اگر احدی از ایشان اسم ولایتی و جایی از
متعلقه ایران را بدولت بهیه بدهند که بازای آن کومک و اعانتی نماید هرگز اولیای دولت
بهیه انگلیس این امر را قبول نکرده پیرامون آن نخواهند گشت و دخل و تصرف در آن ملک
متعلقه ایران هرگز نخواهند کرد

فصل دویم

مقصود کلی از این عهدنامه آنست
که دو دولت قوی‌شوکت از جانبین امداد و کومک یکدیگر نمایند بشرطیکه
دشمنان در نزاع و جدال سبقت نمایند و منظور این است که از امداد جانبین یکدیگر
هر دو دولت قوی و مستحکم گردد و این عهدنامه محض از برای رفع سبقت نمودن دشمنان
در نزاع و جدال استوار شده است و مراد از سبقت تجاوز نمودن از خاک متعلقه بدیگر

و قصد ملک

و قصد ملک خارج از ملک خود کردن است و خاک متعلقه به هر کس از
دولتین ایران و روس از قراری است که باصوابدید دولت علیه ایران
و انگلیس و دولت روس بعد از این مشخص و معین خواهد گشت

فصل سیم

چون در یک فصل از فصول عهدنامه مجمله که فیمابین دولتین علیتین بسته شده
قرارداد چنین است که اگر طایفه از طوایف فرنگیان بممالک ایران
بعزم دشمنی بیایند و دولت علیه ایران از دولت بهیه انگلیس خواهش امداد نماید
فرمانفرمای هند از جانب دولت بهیه انگلیس خواهش مزبور را بعمل آورده لشکر از
حسب خواهش با عده از اسباب و اسلحه جنگ از سمت هندوستان بایران بفرستند
و اگر فرستادن لشکر امکان نداشته باشد بعوض آن از جانب دولت بهیه انگلیس مبلغی
نقد در قرار آن در عهدنامه مفصله که من بعد فیمابین دولتین علیتین بسته میشود معین خواهد شد
و الحال مقرر است که مبلغ وجه آن دویست هزار تومان سالیانه خواهد بود و اگر دولت علیه
ایران قصد ملک خارج از خاک خود نموده در نزاع و جنگ سبقت نموده با طایفه از طوایف

فرنگستان نمایند امداد مزکوره از جانب دولت بهیه انگلیس هیچوجه داده نخواهد شد
و چون وجوه نقد مزبور برای نگاه داشتن قشون است البته دولت بهیه انگلیس را لازم است
که از رسیدن آن تقشون مستحضر شود و خاطرجمع گردد و بداند که در خدمات مرجوعه ۱
صرف میشود **فصل چهارم** اگر کسی از طوایف فرنگ که در حالت مصالحه
با دولت بهیه انگلیس میباشند نزاع و جدال با دولت علیه ایران نمایند اولیای دولت
انگلستان کمال سعی و دقت نماید که فیمابین دولت علیه ایران و آن طایفه که شروع
دشمنی و نزاع شده صلح واقع گردد و اگر این سعی بجا نشد اولیای دولت انگلستان
بطریقیکه مرقوم شده از مملکت هند عسکر و سپاه کومک با ایران مامور کنند یا انکه وجه
هزار تومان مذکوره را برای خرج عسکر و سپاه و غیره کارسازی دولت علیه ایران نمایند
و این اعانت را مادام که جنگ فیمابین دولت علیه ایران با طایفه مذکوره باشد اولیای دولت
دولت علیه ایران صلح نمایند مضایقه ننمایند **فصل پنجم** چون
قرار داد مملکت ایران این است که موجب قشون بمشاهده داده شود و لهذا

نخواهی که بعوض عساکر از دولت بهیه انگلیس داده میشود چنین شد که تحویلدار
مزبور را اجرا اید دولت بهیه هر چه ممکن شود زود بر وجه سازی نمایند **فصل ششم**
هرگاه طایفه افاغنه را با اولیای دولت بهیه انگلیس نزاع و جدال باشد اولیای
دولت علیه ایران از اینطرف لشکر تعیین کرده بقسمی که مصلحت انگلیس باشد
بدولت بهیه انگلیس امداد و اعانت نمایند و وجه اخراجات آن را از اولیای
دولت بهیه انگلیس بگیرند از قراریکه اولیای دولتین قطع و فصل خواهند کرد
فصل هفتم اگر جنگ و نزاعی فیمابین دولت علیه ایران و افاغنه
اتفاق افتد اولیای دولت بهیه انگلیس را در آن میان کاری نیست و بهیچ طرف
کومک و امدادی نخواهد کرد مگر اینکه بخواهش طرفین واسطه صلح گردد
فصل هشتم اگر از رجال ایران کسی خواهد دشمنی کند و یاغی شود
و فرار بولایت انگلیس نماید بمحض اشارت اولیای دولت ایران انکس را
از ولایت مزبوره بیرون کنند و اگر بیرون نرود او را گرفته روانه ایران نمایند

و در صورتیکه پیش از رسیدن انگلیس بهایت مزبوره اخباری از امنای دولت

علیه ایران درباره او بحکم رسیده در رسیدن انگلیس را رخصت فرود آمدن ندهند

و بعد از ممانعت اگر انگلیس فرود آید او را گرفته روانه ایران نمایند و بحکم معلوم است

که از جانب دولتین شرایط این فصل استقرار پذیرفته **فصل نهم**

اگر در بحر العجم دولت ایران را امدادی ضرور شود دولت بهیه انگلیس بشرط

امکان و فراغبال در آن وقت کشتی جنگ و قشون بدهند و اخراجات

آن را موافق برآورد آن وقت بگیرند و کشتیهای مزبوره در بنادر و لنگرگاهها

عبور کنند که امنای دولت علیه ایران نشان بدهند و از جای دیگر بی رخصت

و ضرورتی عبور نکنند ما که وکلای حضرتین علیتین میباشیم این عهدنامه مفصله را

که سابقاً فیمابین دولتین علیتین بفصول دوازده گانه نگارش یافته حال

بتغییرات چند که منافی دولتین نبود و اصلاح حضرتین نسبت مینمود در فصول یازده گانه

تحریر و تنقیح یافته دستخط و مهر کرده ایم بتاریخ پانزدهم شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۲۲۹

هجریه مصطفویه علی هاجرها السلام و التحیه مطابق بیست و پنجم ماه نوامبر

سنه ۱۸۱۴ عیسویه علی مبادها علیه السلام در دار الخلافه طهران

صورت احتجاجی که مستر الیس ایلچی

دولت انگلیس بسته شده

ما ایلچیان عالیشان که ایلچیان دولت بهیه انگلیس و بسکفات مقامات دولتی

دولتین میباشیم در لزوم نخواه قرارداد باید معلوم شده حجت است **حجت اول**

مبنای این حجت همان عهدنامه مبارکه مجمله و مفصله است بیان این سخن را چنین میکنیم

که مادامی که صلح حقیقتاً واقع نشود باید دولت بهیه انگلیس از عهده شروط

قرارداد بر آیند و این صلح محارب با روسیه حقیقتاً مشروط باشد تا داد

مطالبات ایلچی ها بابت روسیه رفته است عهدنامه مفصله در میان دولت

تا ایلچیها که در عهدنامه مفصله بسته شد حقیقتاً صلح مشخص شده است و ما مشخص اخذ

غوریان ناست که مگر که این امر مبهم است و مخفی هم نبوده باشد بد ما را شبهه در مصالحه
ما با روسیه مشروط باسترداد ولایات است و هنوز ناتمام نرسیده است
همان کاغذهای ایلچی بزرگ شما است و جمعی که او سپرده و صحبتگذاران گرفته است
که تا عهدنامه منعقده نرسد غوریان را از عهده برآید دلیل است واضح بر عدم
تحقق مصالحه و اتمام آن و این سخن شما که حجت غوریان سپردن ایلچی بی رضای دولت
برای ما که ایلچیان جدید هم حجت نیست اگر فرضاً مسلم باشد جواب این سخن
ما نیست و چرا که ما بخلاف ایلچی مطالبه غوریان از شما نکنیم بلکه بحکم فصل چهارم و دویم عهدنامه
مجمله و منعقده غوریان مطالبه مینمائیم و حجت ایلچی و دیگر کاغذهای او را شاید عدم
تحقق مصالحه و اتمام آن قرار داده ایم **حجه دوم** منافی این حجه با سخنان
ایلچی بزرگ شما است که ایلچی بزرگ انگلیس را مراتب اختیارنامه پادشاه و حکم مطلق دولت
آن دولت بهیه در طی مقالات کپیتن و لستین علمها یافته ایم و مذاکرات که باد شده و کاغذهای
وزرای دولت که در دست است بر اختیار و عظمت آن وکالت مطلقه او دلیل

واضح است و همین معنی بر همه ایران و روس و جهانیان شما که در این جا بوده است
آشکار است که ما را در سال گذشته هیچ رأی مصالحه با روسیه نبود بلکه در جنگ
اصرار زیاده داشتیم ایلچی شما مایل مصالحه و واسطه صلح و مصر بر جنگ شد
و سخن او این بود که دولت انگلیس خواهان این صلح میباشد و این صلح را برای دولت
حدود دولت ایران افاده میدانند شما این صلح را مجملاً قبول کنید و در عقد
قرار و مدار استرداد ولایات با برادر روسیه در عهدنامه مجمله نباشد و خاطر جمع دارید
که مقصود اصلی و شرط کلی مصالحه که استرداد ولایات است متوسط دولت
انگلیس بعمل خواهد آمد کاغذهای او بر همین معنی شاهد است و از آنجا که دولت انگلیس در راستی
عهد و درستی قول مسلم و مشهور عالم است سخن ایلچی بزرگ هم بحکم اختیارنامه او که داشت
فلک جاه و مراسلات وزرای بزرگ آن دولت ثقه و تمام مدار ما قبول مصالحه
مجمله و مشروطه کردیم خاطر جمعی و اطمینان ما بدولت و سخنان ایلچی بزرگ آن دولت بقصد
و اگر چنین صلحی بی‌اثر ناتمام قبول و اقدام نمی‌نمودیم و بحکم همین کاغذها که دار

ایلچی در دست داریم استرداد ولایات و اتمام مصالحه را از دولت انگلیس
میخواهیم و تا ولایت استرداد نشود و عهدنامه مفصله بطریقی که ایلچی بزرگ آن دولت
با ما قرار داده است باتمام نرسد غوریان را مطالبه نمی‌نمائیم **حجت سیّم** در این حجه
قطع نظر از تفصیلهای گذشته می‌کنیم و همین میگوئیم ما از ایلچی بزرگ آن دولت که بحکم
اختیارنامه قایم مقام پادشاه فلک جاه است حجتی صریح در دست داریم که تا عهد
نامه مفصله نرسد غوریان را از عهده برآید و انصاف دولت انگلیس را بالاتر از این
میدانیم که حجه ایلچی بزرگ را که در حقیقت حجه دولت است انکار نماید شما که حال ایلچیان
معتمد آن دولت بهیه اید و بحکم اختیارنامه کفیل مهمات کپیتن و لستین میباشند
بمراتب مرقومه انصاف خواهید داد و ما را با ایلچیان که ایلچیان معتمد دولت
بهیه انگلیس اند در باب معلمین انگلیس سخن این است که البته بر شما ظاهر است انتظام
الات جنگ با نظام دولت علیه ایران در این سالها بقانون دولت بهیه
انگلیس منتظم گشته و همواره معلمین انگلیس متوجه تعلیم آنها بوده اند و اگر در این وقت

معلمین انگلیس

معلمین انگلیس ترک تعلیم آنها نمایند شیرازه نظام آنها مختل خواهد شد و اینهمه خسارت
و مرارت که در این مدت برای این نظام رسیده است ضایع و باطل خواهد
و لستین هم از حکم دولت واحد است و در حقیقت نقصانها بان دولت میرسد
و تفاوتی ندارد و اگر سخن شما این است که در این اوقات نیز برخلاف قانون معلمین
انگلیس اقدام بجنگ سپاه روس کرده اند البته گوش زد شما شده است که در این هنگام
واسطه مه و منعی اتفاق افتاد که غیرت فطری معلمین انگلیس تاب تحمل نیاورد
و بعضی خود باختیار نه بحکم کارسرداران این دولت علیه اقدام بکار جنگ کردند
روزنامه نواب مستطاب ولیعهد دولت علیه که بدولت انگلیس مرقوم شده و اعیان
شرحی نگاشته شد و اشاره شد که بعد از اینگونه امور روی نخواهد داد و اهتمام و اتفاق
زیاده در انتظام این مهام خواهد بود و یقین است که ایلچیان مضایقه از قرار
معلم نخواهند نمود و به نقصان و خسارت و لستین علیتین راضی نخواهند شد

صورت عهدنامه تجارتی که فیمابین

دولتین بهیتین ایران و انگلیس سمت انعقاد یافته

چون بیمن الطاف خداوندیگانه جلت نعمائه و عظمت آلائه از دور یکه عهد
دوستی و الفت مابین دولت قوی شوکت ایران و انگلیس مرتب و ممهد گشته
روز بروز سلاطین نامدار و خسروان معدلت شعار دولت ابد آیت واحدا
بعد واحد کل اصول و فصول آن را مرعی و ملحوظ داشته متعلقان مملکتین را
از فواید آن متمتع و محظوظ فرموده اند مگر عهد نامه تجارتی که در سنه ۱۲۲۹ چه عهد نامه
اولیای دولتین علیتین وعده انعقاد آن کرده بودند و تا اکنون به بعضی جهات
در عهده تراخی باقی ماند لهذا از برای تکمیل جمیع شروط معاهده میمونه درین سال
فرخنده فال اعلیحضرت قضا شوکت قدر قدرت فلک رتبت گردون حشمت
خسرو اعظم خدیو جم خدم غوث الاسلام و المسلمین عون الملة والدین شاهنشاه
ممالک فسیح المسالک ایران خلد الله ملکه و سلطانه جناب جلالت و نبالت همراه

عزت و فخامت دستگاه امیر الامراء العظام زبدة الکبراء الفخام حاجی میرزا
ابوالحسن خان وزیر دول خارجه را بوکالت مطلقه سرافراز فرموده اند و اعلیحضرت
کیوان رفعت خورشید رایت شهریار عادل کامکار خسرو بادل پادشاه
ممالک انگلستان و هندوستان ابد الله شوکته و دولته جناب جلالت و نبالت
نصاب مجدت و درایت انتساب عمدة السفراء المسیحیه زبدة الکبراء العیسویه
سرجان مکنیل وزیر مختار را بوکالت کلیه مفتخر فرموده اند و وکیلان مشار الیهما عهد نامه
تجارت را در ضمن این دو فصل منعقد و بذیل عهد نامه صلحیه ملحق نموده اند که بعون الله
تعالی این الدولتین همواره منظور شود و متعلقان طرفین را فواید آن عاید گردد

فصل اول

تجار دولتین علیتین بالتسویه مأذون و مرخصند که هر گونه امتعه
و اقمشه خود را بمملکت یکدیگر نقل نمایند و در هر بلدی از بلاد که بخواهند مبایعه یا معاوضه
و از متاعی که می آورند و میبرند در حین ورود یکمرتبه بطریقیکه از تجار دولتهای کاملة
الوداد و فرنگ گمرک مال التجاره گرفته میشود از تجار تبعه طرفین مطالبه خواهد شد

و در زمان خروج یکمرتبه بطریقیکه از تجار دولتهای کاملة الاتحاد و فرنگ گمرک مال التجاره
گرفته میشود از تجار تبعه طرفین مطالبه خواهد شد و دیگر هیچ اسم و رسم از تجار دولتین
در مملکتهای جانبین چیزی مطالبه نخواهد شد و تجار و متعلقان و منتسبان طرفین
در ولایات دولتین بنهجی که تبعه دولتهای کاملة الوداد و فرنگ از هر گونه رعایت
و حمایت و احترام بهره یاب خواهند گردید

فصل دویم

چون برای پرستاری تجار جانبین لازم است که از هر دو دولت وکیل التجاره
باماکن مشخصه تعیین شود لهذا قرار داده شد که دو نفر وکیل التجاره از جانب
دولت بهیه انگلیس در دار الخلافه طهران و دار السلطنه تبریز اقامت داشته باشد
فقط مشروط براینکه همانکه در دار السلطنه تبریز مقیم خواهد شد بالانفراد بخصایص جنرال
قونسولی سرافراز باشد لاغیر و چون سالهاست که بالیوزی از دولت بهیه
انگلیس در بندر ابوشهر متوقف است دولت علیه ایران اذن میدهند که بالیوز
کما فی السابق در آنجا اقامت نماید و کذلک دو نفر وکیل التجاره از جانب دولت علیه ایران
در دار الخلافه لندن و در بندر مبارکه ممبئی سکنا نمایند بهمان مراتب و امتیازات
که وکیل التجاره دولت بهیه انگلیس در مملکت ایران صانها الله تعالی
عن الحدثان خواهد بود این عهد نامه تجارت را
ماکه وکلای مختار دولتین هستیم در دار الخلافه طهران بتاریخ ۱۲ شهر رمضان
المبارک سنه ۱۲۵۷ هجری مطابق ماه اکتوبر سنه ۱۸۴۱ عیسوی بخط و مهر خود مختوم
و مرقوم نمودیم

سواد قرارنامه که مابین دولت علیه ایران و انگلیس در باب غلام و کنیز سیاه داده شده

دولت ایران قرار میدهد که کشتیهای جنگ دولت انگلیس و کمپنی تا مدت یازده سال
مأذون میباشند که بجهة احتمال حمل غلام و کنیز سیاه کشتیهای تجارتی
ایران را بتفصیلی که در این صفحه مرقوم میشود تفحص نمایند سوای کشتیهای

[illegible]

دولتی دولت ایران که کشتی تجار و رعیتی نباشد بان کشتیهای دولتی

مطلقا دخل و تصرف نباید بشود و اولیای دولت ایران قرار میدهند

که هیچ چه غلام و کنیز سیاه در کشتیهای دولت حمل ننمایند اوّلاً قرار است

که این اذن و اجازه تفحص که در کشتی های تجارتی رعیتی داده میشود از ابتدای

تفحص تا انتها بدستیاری و توسط و استحضار صاحب منصب ایران بشود که در کشتیهای

دولت انگلیس منزل و مکان دارند ثانیاً کشتی تجار را از بابت مقدار

زمان تفحص غلام و کنیز معطل نکنند و اگر غلام و کنیز در کشتی ایران و کشتیهای

کارگذاران دولت انگلیس گرفته ببرند و با آنکه خسارت و معطلی برانها

و سوای بردن غلام و کنیز نباید زحمت و ضرری برانها برسد خود کشتی

بدستیاری و استحضار صاحب منصبان ایران که در کشتیهای انگلیس هستند

بکارگذاران بنادر ایران و از جانب اینده دولت هستند بسپارند و صاحبان

کشتی را بخلاف حکم اعلیحضرت پادشاه ایران عمل نموده غلام و کنیز حمل

کارگذاران این دولت باندازه شیه و ترجمان نمایند و کشتیهای جنگی دولت انگلیس

بدستیاری صاحب منصب دولت ایران هیچ نوع دخل و تصرف در کشتیهای

تجارتی ایران نکنند لکن صاحب منصبان دولت ایران هم نباید در شغل محوّله

کوتاهی نمایند و این قرار است تا موعد یازده سال و بعد از گذشتن یازده سال

و تمام شدن موعد و مدت اگر از یکروز زیاده بر یازده سال معمول و مداخله

در کشتیها شود خلاف رویه دوستی دولت ایران و خلاف رعایت حقوق

ایشان شده است از جانب اینده دولت ترضیه مطالبه خواهد شد ثالثاً غلام

و کنیز قدیمی ایران که حال در ایران هستند از حال تحریر و ما بعدها اگر بخواهند

از راه دریا به حج یا بهندوستان بروند و یا سفر بسمت دریا نمایند باید بلیط

تذکره ایران در بندر ابوشهر عطا شود باستحضار بالیوز بوشهر بگیرند و کسی که نیز باید چهار نفر آدم

بعد از بلیط بان غلام و کنیز حرفی و ایرادی نخواهد بود و آن بلیط و استحضار

بالیوز دولت انگلیس موقف بندر ابوشهر مثل سایر قرارهای مسطوره

ویدند بدون اینکه خود آنها

نماینده باینکه از طرف کارگذاران فوق تا مدت یازده سال است ابتدای شروع با تقریر تفحص و رفتن صاحب منصبان

دولت بهیه انگلیس اذیت و آزار

پایران از غره شهر ربیع الاول ۱۲۶۸ لغایت از حال تحریر تا ابتدای این تاریخ

بانها برسد بانگاه اخبار نماینده

موافق دستورالعمل تقره ازینجا فوق حق تفحص ثبت شهر شوال ۱۲۶۷ (۱۸۵۱) سنه

قرارنامه دولت علیّه ایران با شیل صاحب وزیر مختار انگلیس در باب هراة

دولت ایران قرار میدهد که بوجهی من الوجوه قشون بخاک هراة نفرستند

در وقتی که قشون از خارج بر سر هراة بیاید یعنی از سمت کابل و قندهار

و خارج دیگر و در صورت فرستادن قشون در اتحاد دولت ایران

تعهد میکند قشون مزبور داخل شهر هرات نشود و بمحض مراجعت قشون

خارج رو بخاک خود فوراً بلا تأمل قشون ایرانی مراجعت بخاک ایران نماید

و نیز دولت ایران قرار میدهد وجهاً من الوجوه مداخله در امورات

داخله هراة ننماید همچنین از تصرف یا تصاحب یا تملک یا حکومتی که بهمان قدر

که در ایام ظهیرالدوله یار محمّد خان مرحوم مداخله فیما بین بود بعد نیز کما فی السابق

برقرار باشد بنا علیه دولت علیّه ایران قرار میدهد نوشته

مشتمل بر این مضامین باشد خطاب بسعید محمّد خان نوشته باتفاق

آدمی که از سفارت انگلیس در مشهد باشد بمقرّی الیه داده شود و نیز دولت

ایران قرار میدهد ترک کند ادّعای مطالبه سکّه و خطبه و یا هرگونه

علامتی از علامات رعیتی یا از حکومت ایران بودن اهالی هراة

باشد امّا اگر مثل ایام کامران مرحوم یا مرحوم یار محمّد خان از برای

پیشکش میل خود وجهی بفرستند و باسم همایون سکّه کنند دولت ایران

حرفی نیست و قبول خواهند کرد و همین قرار را هم فوراً بسعید محمّد خان

اعلام خواهند کرد و نیز قرار میدهند که عباسقلیخان پسیان را احضار کنند

توقف از تاریخ ورود مقیم باشد و بعد سیم وکیل مقیم در هرات بگذارد

مگر بشرط پایدار محمد خان بهرو رفت داشته باشد و هم از هرات وکیل مقیم الغیر

نگاه ندارد بازنشین عهد کامران دیار محمد خان از هر گونه مراوده و استمرارات

که چون اگر یک وقت از برای ثبت ترکان و اغتشاش یاغی گری در ممالک

ایران امدادی لازم شود که هرات بدولت ایران باشد چنانچه مرحوم یار محمد خان

کرد باز کاغذ ایشان بی میل رضای خود امداد بدهند و لانه بطور اقامت

و هم دولت ایران قرار میدهد بدون شرط و بدون استماع جمیع

خوانین هرات را که در مشهد یا در طهران و یا در جای دیگر ایران هستند

مستخلص سازد و من بعد هیچوجه بتقصیر محبوس و متهم از سعید محمد خان قبول نکنند

مگر اشخاصی را که سعید محمد خان خود از هرات بیرون کند و آن اشخاص بمیل خود

باینجا بیایند بخواهند باشند یا نوکر شوند مثل سابق مورد عنایات

و محبت شوند و همین قرارها را فوراً حکم صریح شاهزاده حاکم خراسان صادر میکنند

اعلیحضرت

عهدنامه صلح که فیمابین اعلیحضرت

شاهنشاه ایران و اعلیحضرت

شاهنشاه انگلیس بسته شده

۱۸۵۷

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون پادشاه اعظم شاهنشاه

بالاستقلال کل ممالک ایران و اعلیحضرت شاهنشاه انگلیس

آرزوی صدق مایل این هستند مصائب جنگ را که منافی میل و مکنونات

دوستانه ایشان است رفع نمایند و روابط دوستی را که بتدبیر فیمابین

دولتین علیتین برقرار بوده بتجدید یک صلحی که بر وفق فواید طرفین باشد

بر بنیان محکم برپا نمایند لهذا بجهت اجرای این مقصود و مطلوب اعلیحضرت

پادشاه ایران جناب جلالت مآب مقرب الخاقان فرخ خان

امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب تصویر همایون و حمایل

و دارای کمر مکلل بالماس وغیره وغیره وغیره را و اعلیحضرت پادشاه انگلیس

جناب جلالت نصاب هنری ریچارد چارلس بارون کاولی از ارباب

دولت انگلیس و از اجزای شورت مبارکه مخصوصه اعلیحضرت پادشاه انگلیس

حامل نشان بزرگ سلک تشریف حمام و سفیر کبیر مخصوص دولت انگلیس

در نزد اعلیحضرت امپراطور فرانسه وغیره وغیره وغیره وکلای مختار تعیین

فرمودند

فرمودند و ایشان بعد از آنکه اختیارنامه‌های خود را ابراز و مبادله

نمودند و موافق ترکیب رسمی دیدند فصول ذیل را مقبول و مقرر داشتند

فصل اول از روز مبادله امضانامه‌های عهدنامه حال

فیمابین اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت شاهنشاه انگلیس همچنین

فیمابین خلفا و ممالک و رعایای طرفین صلح و دوستی دائمی خواهد بود

فصل دویم چون بدولت و اقبال فیمابین دولتین ایران

و انگلیس صلح برقرار گردید بحکم این فقره مقرر است که عساکر دولت انگلیس ممالک

ایران را تخلیه خواهند کرد موافق شرایط و تعهدات ذیل **فصل**

سیم دولتین علیتین معاهدتین تعهد میکنند که کل اسرا که در حین جنگ

بدست عساکر طرفین افتاده باشند بلا درنگ آزاد نمایند **فصل چهارم**

اعلیحضرت شاهنشاه ایران تعهد میکند که بلافاصله بعد از مبادله

امضانامه‌های این عهدنامه یک عفونامه کامل اعلام نماید که بواسطه آن جمیع رعایای

ایران که در وقت جنگ بر اراده خود با عساکر انگلیس مصدر خدماتی
شده باشند از عقوبات این حرکت خود معاف باشند بطوریکه
هیچکس به هر درجه که داشته باشد بجهت این حرکت خود مورد تنبیه و اذیت
و تعدی نخواهد بود

فصل پنجم

اعلیحضرت پادشاه
ایران تعهد میکند بلا درنگ لازمه تدابیر را بکار برده عساکر و گماشتگان
ایران را از شهر و قلعه هرات و سایر ممالک افغان پس بکشند تخلیه ممالک
مزبوره تا مدت سه ماه بعد از مبادله امضا نامجات این عهدنامه ممضی خواهد بود

فصل ششم

اعلیحضرت شاهنشاه ایران راضی میشود
که ترک کند کل ادعای سلطنتی بر خاک و شهر هرات و ممالک افغان و هرگز مطالبه
نکند از رؤسای هرات و ممالک افغان هیچ علامت اطاعت مثل سکه
و خطبه و باج نیز اعلیحضرت ایشان تعهد میکند که بعد از این هرگز مداخله در امورات
داخله افغانستان را اجتناب نماید اعلیحضرت ایشان وعده میدهند که استقلال

که استقلال هرات و تمام افغانستان را اعتراف نماید و هرگز با استقلال
ممالک مزبوره مداخله نکند در صورت ظهور منازعه فیمابین دولت ایران
و ممالک هرات و افغانستان دولت ایران تعهد میکند که اصلاح آن را
رجوع به اهتمامات دوستانه دولت انگلیس نماید و اقدام بجنگ نکند مگر
در صورتیکه اهتمامات دوستانه دولت انگلیس مثمر ثمری نشود از طرف دیگر دولت
انگلیس تعهد میکند که همه وقت اعتبار خود را در ممالک افغان بکار برده نگذارد
که از آنها و هیچیک از آنها باعث هیچ نوع تشویش و پریشانی دولت ایران بشود
و اگر دولت ایران در وقوع مشکلات رجوع به دولت انگلیس نماید دولت انگلیس
نهایت کوشش را خواهد نمود که منازعات فیمابین را موافق حق و مطابق شأن
دولت ایران اصلاح نماید

فصل هفتم

در صورتیکه از جانب
هرات و ممالک افغان بر سرحدات ایران تجاوزی بشود و هرگاه
ترضیه شایسته داده نشود دولت ایران حق خواهد داشت که بجهت دفع و تنبیه جانب

متعدی اقدام بحرکات جنگ نماید اما این مرحمت معلوم و مقبول است
که هر لشکری از جانب دولت ایران که بجهت مقصود مزبور از سرحد بگذرد
بمحض اجرای مقصود خود مراجعت بخاک خود خواهد کرد و استعمال حق مزبور بهانه
بهانه توقف دائمی عساکر دولت ایران یا الحاق شهری یا یک جزء ممالک
مزبوره بممالک ایران نشود

فصل هشتم

دولت ایران تعهد
میکند که بلا فاصله بعد از مبادله امضا نامجات این عهدنامه جمیع اسرائیکه
در حین جنگ در افغانستان بدست عساکر ایران افتاده باشند
بدون عوض تعدی آزاد نمایند و همچنین جمیع افاغنه که باسم گروی یا بجهت
امورات در هر جای ممالک ایران مقید باشند همانطور آزاد خواهند بود
بشرط اینکه افاغنه هم از طرف خود اسرا و مقیدین ایرانی را که در دست آنها باشد
بدون عوض تعدی آزاد نمایند دولتین معاهدتین در صورت لزوم مأمورین
نصب خواهند کرد که شرایط این فقره را معمول دارند

فصل نهم

دولتین علیتین تعهد میکنند در باب نصب و اعتراف قونسولهای
جنرال و قونسولها و وکلای قونسول هر یک از این دو دولت در ممالک
همدیگر حالت دول کامله الوداد را خواهند داشت و نسبت برعایای
طرفین و تجارت ایشان در هر باب همانطور رفتار خواهد شد
که برعایا و تجارت دول کامله الوداد میشود

فصل دهم

بلا فاصله
بعد از مبادله امضا نامجات این عهدنامه سفارت انگلیس مراجعت
بطهران خواهد کرد در همان وقت دولت ایران راضی میشود
که سفارت مزبوره را پذیرائی نماید با شرایط خط عذرخواهی و شرایط
متن رجه شرح علیحده امروز وکلای دولتین علیتین معاهدتین
ممضی داشته‌اند

فصل یازدهم

دولت ایران تعهد میکند در مدت
سه ماه بعد از مراجعت سفارت انگلیس بطهران یک مأموری تعیین نماید
که باتفاق یک مأمور دولت انگلیس مطالبات نقدی جمیع رعایای دولت انگلیس

از دولت ایران تحقیق و مشخص نمایند دولت ایران هر یک از این مطالبات

را تصدیق مأمورین مزبور باشد یا دفعةً یا بالقسط خواهد داد در یک مدتی که نتیجه

از یکسال از تاریخ اعلام مأمورین نباشد و مأمورین مزبور تحقیق و مشخص خواهند کرد

قروض دولت ایران بر رعایای ایران و بر رعایای سایر دول را قبل از

عزیمت سفارت انگلیس از طهران در زیر حمایت انگلیس بوده‌اند و از آن وقت

ببعد ترک حمایت مزبور کرده‌اند **فصل دوازدهم** باستثنای

آنچه در ضمن مطابق مقرر شده دولت انگلیس این حق را از ترک

دارد که دیگر حمایت نکند بعد از این هیچیک از رعایای ایرانی

را بالفعل در نوکری سفارت و قونسولها و کارگذاران قونسول انگلیس نباشد

بشرط آنکه چنین حقی به دول دیگر داده و معمول نشود و در این باب

و جمیع خصوصیات دیگر دولت انگلیس مطالبه میکند و دولت ایران

هم تعهد می‌نماید که حالت امتیازات و معافات در ممالک ایران

به دولت انگلیس

بدولت انگلیس و نوکرها و رعایای آن داده خواهد شد بدول کاملة الوداد و نوکرها و رعایای ایشان

داده میشود و همچنین دولت انگلیس و نوکرها و رعایای او بهر نوع [illegible] داده شود از [illegible] دول

کاملة الوداد و نوکرها و رعایای آنها داده میشود **فصل سیزدهم** دولتین علیتین معاهدتین

بحکم این فصل تجدید میکنند قراری را که در ماه اغوست سنه ۱۸۵۱ مطابق شهر شوال ۱۲۶۷ در باب منع تجارت غلام و کنیز

در خلیج فارس فیمابین ایشان بسته شده است و علاوه بر این تعهد میکنند که قرار مزبور بعد از انقضای مدت آن

که عبارت از ماه اغوست سنه ۱۸۶۲ است تا مدت ده سال دیگر برقرار خواهد بود و بهمین نحو ممتد خواهد بود تا یکی از جانبین

بیک اعلام رسمی قرار مزبور را موقوف بدارد و اعلام مزبور معمول نخواهد بود مگر یک سال بعد از ظهور آن

فصل چهاردهم بلافاصله بعد از مبادله تصدیق نامهای این عهدنامه عساکر انگلیس از هر نوع حرکات

خصمانه نسبت بدولت و مملکت ایران ترک خواهند کرد و دولت انگلیس علاوه بر این تعهد میکند که در عرض

تخلیه هرات و ممالک افغانستان از طرف کارگزاران ایران [illegible] سفارت انگلیس بطهران [illegible]

عساکر انگلیس [illegible] از جمیع قلاع و اماکن و جزایره متعلقه بایران دارند [illegible]

دولت انگلیس تعهد میکند که در بین [illegible] عساکر انگلیس [illegible] موجب ضعف اطاعت رعایای ایران

نسبت باعلیحضرت شاهنشاه ایران باشد [illegible] بلکه تقویت اطاعت مزبور [illegible] انگلیس

و علاوه رعایای ایران دولت انگلیس تعهد میکند که [illegible] از رعایای ایران [illegible] انگلیس

[illegible] و همچنین [illegible] تعهد میکند [illegible]

خود قدغن نماید عساکر انگلیس را در تحصیل آذوقه مزبور اعانت کنند و نیز دولت ایران

تعهد میکند در حین اخذ اشیاء قیمت آنها موافق نرخ روز از جانب مأمورین

انگلیس بلا درنگ داده خواهد شد **فصل پانزدهم** عهدنامه حالیه ممضی خواهد گردید

و امضانامهای آن مبادله خواهد شد در بغداد در مدت سه ماه یا زودتر هرگاه

ممکن شود و بجهة اثبات مسطورات فوق ایلچیان طرفین این عهدنامه را

ممضی و بمهر خود ممهور ساختند در پاریس در چهار نسخه یوم هشتم شهر رجب ۱۲۷۳ [illegible]

[illegible] ۱۲۷۳ [illegible]

صورت عهدنامه‌ایست که در تاریخ سنه ۱۰۴۹ فیمابین پادشاه بهشت جایگاه شاه صفی طاب الله ثراه و سلطان مراد رابع سلطان روم منعقد شده است

بسم الله الرحمن الرحیم

لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بیده مقالید الامور و بقدرته

ظهور کل مقدور و الصلوة و السلام علی نبیه الکریم محمد افضل

من اوتی الحکمة و فصل الخطاب و علی آله الکرام و اصحابه الفخام خیر الآل

و خیر الاصحاب **اما بعد** چون مشیت جناب ذو العرش المجید

و ارادت حضرت فعال لما یرید انتظام عالم و رتق و فتق امور

بنی آدم مظاهر آیه کریمه الذین جاهدوا و نظم کریم و الموفون

بعهدهم اذا عاهدوا اولاد سلاطین روی زمین و خواقین [illegible]

قرینك توافق واتفاقلرین وابسته وموقوف اولوب زیر جناح حمایتلرنده
ممالك اسلامیه شور وشروندن این ومسالك مؤمنین كمال امن وسلامته
رهین اولمغله خصوصا انا جعلناك خلیفة فی الارض مدلولنجه رتبهٔ عالیهٔ سلطنت
كبری مزی وطبقهٔ سامیهٔ علیا مزی منتهی الغایه جمیع طبقات ایدوب خدمت
حرمین الشریفین شرفهما الله تعالی سعادتی ایله ذات قدسی صفاتمزه شرف
وعزت ومتابعت سنت سنیهٔ حضرت رسول الثقلین صلی الله علیه وآله وسلم
دایرهٔ دولت وسلطنتمزه وسعت وبسطت ویروب درون صفا مشحونمزی
انوار محبت آل واصحاب ایله محلی ومصفی وپیروی طریق پرتوفیقلرین سبب
رستگاری روز جزا ایلیوب فاحكم بین الناس بالعدل فحواسی اوزره
ممالك عدل وداد وجاهدوا فی الله حق جهاده امر لازم الاتباعی
اوزره مسالك غزا وجهاد ایدوب ان تنصروا الله ینصركم فحوای
شریفی وانما اندیشه مز ومقتضای لطفی ایله عمل همیشه كار وپیشه مز اولمغله

شمشیر ظفر

شمشیر ظفر قرینمزی دفع كفار مشركین ایچون سد آهنین وگرد سرحد ممالك
مسلمینه حصن حصین ایتمكله ایام دولت روزافزونمزه ثبات ودوام وسلسلهٔ
سلطنت همایونمزه ابد الدهر استقرار واستحكام ویردی شعر جل من لا یبید
نعمائه وه قدست ذاته واسمائه عالیحضرت متعالی منقبت سامی رتبت گرامی
منزلت مسندنشین اقلیم ایران حامی فارس ومازندران فرمانده ملك
عجم شاه صفی دام منظورا بعنایة ربه الوفی حضور مصافات ظهورلرینه دعوات
صافیات وتسلیمات وافیات اتحاف واهدا اسندن فكره انها مسالمت اشتمال
بودر كه عتبهٔ علیهٔ گردون وقار وسدهٔ سنیهٔ عالم مدارمزه عین الاعیان محمد
قولی زرقه سلامه وساطتیله نامهٔ خلت ختامه لری واصل اولوب خلاصهٔ فحوای
جامع خواستی حبل متینكم مودة آیت الفت عنوانی تفسیر وبیان والقیت
علیك محبة كریمه كرامت نشانی تقریر وعیان ایدوب صراط مستقیم مصافاته
مهتدی وشیمهٔ كریمهٔ قدمایه مقتدی اولوب الله طالب صلح وصلاح وراغب فوز وفلاح

اولوب بالفعل وزیر اعظم جلیل القدر وجانب شرقده سردار وسپهسالار
اولان دستور اكرم مشیر افخم نظام العالم ناظم مناظم الامم مصطفی پاشا
ادام الله تعالی اجلاله یه گوندریلان وكیلكز عمدة الخواص والمقربین صاروخان
زید رشده زهاب نام محلده ملاقی اولدقلرنده انتظام امور صلح وعهود وتعیید قضایای
قطع حدود خصوصنده مطارحه ومكالمه اولنوب بغداد ودادر پاكار رستملره اولان
سنور وحدوددن جسان وباودرایه نام محللر جانب همایونمزه متعلق اولوب
مندلیجین قصبه‌سی ودرتنگه مزین نام محل سنور تعیین اولنوب پاچنده اولان صحرا كرای
ایله جانب همایونمزه اولوب ونایند اولان طاغ اوته طرفه قالوب ودرنه ودرتنگه پیاری شی
سنور اولنوب جانب همایونمزه اوله وجاف عشیرتلرینك ضیاء الدین وهارونی
تعبیر اولنور قسمله‌لری طرف شریفمزه اولوب بیره وزردولی اوته طرفه قالوب
طاغ اوزرنده واقع اولان زنجیر قلعه‌سی هدم وخراب اولوب قلعهٔ مهدون
مزبوره‌نك غربی طرفنده اولان كویلكر جانب همایونمزه قالوب شرقی طرفنده اولان

اولان كویلكر

اولان كویلكر اوته جانبه اوله وشهرزور قربنده ظالم قلعه‌سنك اوته سنده واقع
اولان طاغك قلعهٔ مزبوره‌یه ناظر اولان اطرافی جانب همایونمزدن ضبط اولنوب
واورامان قلعه‌سی توابعی كویلری اوته طرفه قاله وشهرزوره چغان گدوكی سنور
اولوب قزلجه وتوابعی ایله جانب همایونمزه ضبط اولنوب مهربان وتوابعی
اوته طرفه قاله وان سرحدنده قطور وماكو وقارص جانبنده مغازبرد قلعه
لری طرفیندن تعدیرلق اوزره قرار ویرلمكین نشان الیهانك بر منوال مشروح
ایدكلری قول وقراره راضی اوله‌رق عسكری دفعا بعدما عهده ومصافات مراسمین
رعایت ومراسات وموالات لوازمین صیانت ایدوب ایمانمزه وكلام الله
زرده بتعهد ایدوكلری واگر خلفلری اباو اجتناب گوستردكلری
اول نامه‌ده تصریح ایدوب جانبكزدن گلان وثیقهٔ مختومه مقتضاسی همایونمزه ملحق
استدعا ایدكلرك اجلدن انجاز الوعد من دلائل المجد المحض آسایش خلایق
وعباد وآرامش ممالك وبلاد ایچون بو صلحی قرار داده وصلاح شمولی

واصل رتبهٔ قبول قبلوب شول سرحله مقرر طرفلریکه قطع وتعیین اولنان سنور حدوده
داخلنده واقع اولوب جانب همایونمزه متعلق ومنسوب وسایه عدالتپایه مزله
محمی بلدان وممالکدن محسوب اولان محال ومواضعدن صحاری واراضیدن
قزلباش طایفه سنه ال چکدیریلوب اکراضی معموره اکرخالیه درالیشرا اذا ثبت ثبت
بلوازمه مقتضاسنجه توابع ولواحقیله موکلان بارکاه اعلامز ومعتمدان درکاه
معلامز ضبطلرنده اوله وذکر اولنان موادّدن ماعدا خسنه وفارس ودوان
وشهرزور وبغداد وبصره نک وسایر سنورلرینه داخل اولان قلاع وبقاع
ونواحی واراضی وصحاری وبراری وتلال وجبال اوته طرفدن دخی بتعرض
اولنمه واجداد عظام انار الله تعالی براهینهم زمان سعادت اقترانلرنده اسلافکزه
کوندریلان عهدنامه لرک جمله شروط معتبره صریحه سی الدین النصیحه کلمه فصیحه سی اوزره
زیرحکومتلرنده بعض اسافل واداینه حاشا ثم حاشا شیخین وذی النورین
وزوجه مطهره رسول الثقلین وسایر اصحاب کزین وائمه مجتهدین رضوان الله

تعالی علیهم اجمعین

تعالی علیهم اجمعین حضراتنه زبان درازلغه رخصت ویرمیوب منع اولنمریدیکر
وبروجهله رخصت ویرلمیه بو صلح قرارداد الی انتها القرون ثبات ودوامه مقرون
اوله مادامکه جانبکزدن خلاف عهد ومیثاق وموجب خسته ف وشقاق بروضع
ناهموار ظاهر وآشکار اولمیه طرف کامل الشرف پادشاهانه مزدن دخی بر منوال
مذکور محرر مسطور اولان شروط وقیود مرعی قلنوب ابدا ممالککزه تعرض اولنمیوب
ایچون ارسال اولنان عهدنامه کزه مقابله سنده اشبو نامه همایون صدق مشحون
مزکشیده سلک تحریر وبیان قلنمشدرکه مابین خصومت برطرف ورعایت لوازم
الفت وموافقت فوق ما سلف اوله وسفیر مشعور شرف تقبیل رکاب طاعت انتسابز
پادشاهانه مزله مفتخر ومباهی اولوب اداب رسالتی کما هو حقه ادا ابتدکده
حکمه اجازت علیه مزله جانبکزه عودت وانصرافه مرخص اولمعین نامه همایونمز
خدمتنه تعیین اولنان درکاه سعادت دستکاهمز متفرقه لرندن افتخار الاماجد والاکارم
متفرقه مهرنام دام مجده ایله مسرا قلنوب روانه اولدیکی هموار صلاح اندیشان

دین ودولت مظهر احسان ملک منان باربرب العباد بالنسبی واله الامجاد ذوایادی

شهر شوال سنه ۱۱۵۹

سواد عهدنامه ایست که فیمابین علیین ارامگاه نادرشاه بهشت جایگاه ومحمود خان سلطان روم انعقاد یافته است

الحمد لله الذی انام عیون الفتن بایقاظ قلوب السلاطین واجری عیون الامن
بین الانام بالتماس انهار الالفة بین الخواقین والسلاطین واصلح
بمصالحتهم ما فسد من امور المسلمین واذهب غیظ قلوبهم لیشفی صدور قوم مؤمنین
ونزع ما فی قلوبهم من غل وامرهم بایفاء العهود کما ورد فی کتابه المجید یا ایها
الذین امنوا اوفوا بالعقود وصلی الله علی رسوله المحمود صاحب مقامه المحمود وعلی آله
واصحابه ولاسیما خلفاء الراشدین الذین بذلوا فی تصحیح الدین غایة المجهود اما بعد

چون درشورا

چون درشورای کبرای صحرای مغان که اهالی ایران ازنواب همایون ما
مستدعی قبول سلطنت شدند بنابرآنکه ازبدو خروج شاه اسمعیل صفوی سبّ
ورفض درایران شیوع ومعادات وتبغض میانه روم وایران ازین طریق
ظهور ووقوع داشت نظر بمذهب حنیف اهل سنت وجماعت که مختار آباء کرام
واسلاف عظام ما بوده ازسلطنت ایشان تحاشی وبعد ازانکه الحاح مکرر ازانگروه تأثیر کرد
امر فرمودیم که هرگاه این طایفه باللسان والجنان تارک اقوال لاطایل وتحقیق حقیقت خلافت
خلفاء کبار رضوان الله علیهم قایل شده بحصول مسئول نایل خواهند شد
حکم اقدس را قبول کرده از عبادات لغو نکول کردند چون اعلیحضرت قدر قدرت عظیم
سلاطین جهان وافخم خواقین دوران خدیو سلیمان حشم خسرو خورشید علم ناصر
الاسلام والمسلمین قامع الکفار والمشرکین خاقان البرین وسلطان البحرین
ثانی اسکندر ذوالقرنین خادم الحرمین الشریفین برادر جهان داور گردون بارگاه
پادشاه اسلام پناه ظل الله السلطان الغازی سلطان محمود خان ثبت الله تعالی اظلال خلافته

علی رؤس العالمین خلیفه اهل اسلام و فروغ شعل دولت ترکمانیه بوده‌اند برای مزید

الفت فیمابین الحضرتین و رفع غوایل شوروشین از میانه فریقین نواب همایون ما

مطالب خمسه را که در وثایق سابقه مسطور است از پادشاه سکندر دستگاه مأمول

و بعد از تکرار آمد و شد سفرای آنحضرت سه ماده را مستلتقی بقبول و دو ماده را بمعاذیر

شرعیه و محاذیر ملکیه موکول ساخته بموجب نوامج نوافج ختام خواستند فسخ این مرام کنند

اگرچه نواب همایون ما که بمبنای محبت غنچه گشای از نهار اظهار انبساط گشته‌ایم سوای

رفع شاقق و دفع تباغض و ازاحه عناد و ازاحه آثار عناد منظوری نداشتیم لیکن بنابر جوانب

آن پادشاه سلیمان مقام و حفظ ناموس اسلام تکالیف مسطوره را متروک داشته طریق

مسالمت مسلوک داشته این نوید آرام بخش را سجده بر فلک خرش اعلام نمودیم اما چون

بعضی از ممالک عراق و آذربایجان در ازمنه سابقه بسلاطین ترکمان تعلق داشت

که بسبب اختلاف انگیزی شاه اسمعیل بدولت علیه عثمانیه اشتغال یافته نظر باظهار

که هرگاه بر طبع اقدس پادشاه اسلام پناه شاق و مخالف رسم وفاق نباشد

بالاذان

یکی از آن دو مملکت بر سم عطیه از آنحضرت بحوزه ممالک محروسه اینطرف

انضمام یابد آنحضرت را از راه برادری دریغ و قبول آن محقق ساخته و در نامه همایون

ما را از دولت والا مصحوب افتخار الاماجد نظیف افندی عز وصول بخشید اندراج

یافته بود که اگرچه نظر باثر شکوره و مساعی مبروره که از دولت نادریه در امجاد اراده

آثار بدیع بظهور پیوسته دوستین علیتین را متحد میدانیم لیکن بنابر بعضی جهات خاطر خطیر

متعلق بر آنست که بجو یکه مواد سابقه منفسخ شده از اینمطلب نیز برای مزید الفت

والتیام اغماض و اغضاء و مصالحه ایام خدیو خلد مراتب سلطان مراد خان رابع مجدد

و ممضی شود تا دوستی در میانه دولت عظمی و اخلاف کرام و اعقاب عظام نسلاً بعد نسل و در همه

روزگار باقی و پایدار باند از آنجا که اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه وعده اینگونه تجدید

و حبل محبت را بعقود مواثیق مسدود فرمودند ما نیز مراعات سنن دوستی را بر ذمه

خود واجب و رضا جوئی خاطر آنحضرت و ارادش بلاد را اهم مطالب و اعظم مآرب

شمرده و از مصحف نامه مشکینه الختامه مأمول تأتی آنسخه بر اسلام را نیز بحسن ارتضا مقرون

ومعتمدی برای بنای مصالحه مأمور ساختیم فیمابین معتمدان دولتین امر صلح

بر یک اساس و شرط و سه ماده و تذییل برین نهج قرار یافته استحکام پذیرفته

اساس صلحی که در زمان خاقان خلد مراتب سلطان مرادخان واقع شده فیمابین

دولتین از عهد و حدود و دستوری که در میانه مقرر بود بحالت و دستور استقرار داشته تغییر و خللی در

ارکان آن راه نیابد شرط آنکه بعد فتنه نایم و تیغ در نیام بود آنچه لایق شان طرفین و مقرون

اصلاح دولتین باشد معمول و از امری که مهیج کدورت و منافی مصالحه صالحه دولتیه

سالمه باشد ماده اول حجاج ایران و توران که از راه بغداد و یا شام عازم بیت الله

الحرام باشند ولاة و حکام سر راه ایشان ممکن ساختن سالمین و آمنین بکدیگر رسانیده

صیانت مال و رعایت احوال ایشان را لازم دانسته ماده ثانیه از برای تأکید

مودت و توثیق محبت در سه سال شخصی از دولت در ایران و از ایران در آن

دولت بود اخراجات ایشان از طرفین داده شود ماده ثالثه اسرای طرفین مرخص

بوده بیع و شری بر ایشان روا نبوده هر یک که خواهند بوطن خود روند ممانعت ایشان نشود

تزییل حکام

تذییل حکام سرحدات از حرکاتی که منافی طرفین است احتراز نمایند و برای آن

اهالی ایران احوال ناشایست را که در زمان صفویه احداث شده تارک و در اصل

عقاید بمذهب اهل سنت سالک بوده خلفای راشدین را بخیر و رضا یاد نمایند و انحجاج

من بعد که بکعبه معظمه و مدینه مشرفه و باقی ممالک اسلام آمد و شد کنند از طرف روم

بدستور حجاج آن مملکت و اهالی سایر بلاد اسلامیه با ایشان سلوک شده از ایشان

دورمه و سایر وجوه خلاف شرع و حساب گرفته نشود و همچنین در عتبات عالیات هم

مادام که مال تجارت در دست انجاعت نباشد حکام و مباشرین بغداد باج نخواهند

و هر یک که مال تجارت در دست انجماعت نباشد حکام و مباشرین بغداد

باج نخواهند و هر یک که مال تجارت داشته باشند مال حاوی از انها اخذ نشده

زیاده مطالبه نشود و از اینطرف با تجار و اهالی رومیه بهمین منوال عمل و آنچه بعد الیوم

از اهل ایران بروم و از روم با ایران آیند حمایت نشده بوکلای دولتین تسلیم شود لهذا

ما نیز مراتب مسطوره را ممضی داشته عهد فرمودیم که مصالحه مذکوره و عهود مشروحه همیشه

بین الدولتین واعقاب واخلاف حضرتین مؤید و برقرار و مخلد و پایدار بهجه
مادام که از جانب این دولت علیه امری مخالف عهد و میثاق بظهور نرسد
از اینطرف نقض و خلل در قواعد آن راه نیابد فمن نکث فانما ینکث علی نفسه ومن
اوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجرا عظیما وحرر ذالک فی شهر محرم الحرام
سنه الف ومائة وستین من الهجرة النبویة علی مهاجرها الف الف ثنا والتحیة

سواد کاغذیکه از جانب سنی الجوانب همایون شاهنشاهی انفاد دولت عثمانی شد ه

بسمه تبارک وتعالی تیمناً وتبرکاً

شکر و سپاس و منت بیحد خدایرا که بار دیگر باب رحمت بر روی
اسلام گشود و نظر رأفت بر تابعان سید انام انداخت و ملک اسلام را
از وحشت انقلاب مصون ساخت کار ملک و دین بکام شد تیغ حرب و کین در نیام رفت

دلهای

دلهای رم دیده رام گردید روزگار آشفته آرام پذیرفت درهای مراودات
از دو دولت باز و مرغان مراسلات از دو جانب در پرواز آمد فالحمد لله علی
عظیم نعمه وعمیم رحمته والصلوة علی نبیه النبیه ورسوله الوحید الذی عرف الحق
والدین واجمع کلمة المسلمین وعلی اله واصحابه المتوسلین باعتابه والسلام
وبعد بر رای مهر ضیای خسرو ملک فرسای کفر زدای شاهنشاه اسلام پناه
الغازی فی سبیل الله شهریار عادل دل فرخ رخ تاجدار واکف کف مؤید ید
مهر سپهر فضل کوه شکوه و بذل بدر قدر و بها اوج موج سخا سما سماح وجود
سنای سینای وجود دانای خیر و شر دارای فخر و فر برادر معظم مظفر سلطان البرین
والبحرین خادم الحرمین الشریفین سلطان محمود خان که تا جهان است با مهر سعد قرین
و باشد بکام همنشین بلکه مکشوف و مشهود میدارد که چون ترتیب عالم تکوین بتألیف
وامتزاج طبایع مختلفة المزاج منوط و مربوط است انتظام کار جهان جز بائتلاف
وارتباط جهانیان ممکن و مقدور نیست و هرگز در عین مهر و الفت از عوامل

خلاف و کلفت مصون و مأمون نتوان زیست حکمت جناب کردگار
شوکت ملوک روزگار را مایه ربط و ائتلاف خلق و رفع اختلاف امر کرد
و معاشر ناس را که ودایع خاص او بودند بدست قدرت و حکمرانی
و فرط رأفت و مهربانی ایشان سپرد و در عهد عصره با قضای اختلاف طبایع عایله
خلافی بین الودایع ظاهر و واقع شد بحسن تدبیر و سلوک سلاطین و ملوک دفع و
رفع فرمود تا درین عهد میمون مسعود که چاکران اعتاب این دولت و حافظان
اطراف این دو مملکت را در عین کمال مهر و خوشی اسباب رنجش و ناخوشی
فراهم آمد و یک چند آثار آشوب و اطوار ناخوب در بعضی از ثغور و سنور
بظهور رسید باز فضل جناب باری یاری کرد و باطن پاک خواجه انام که پیوسته
مراقب اسلام و اهل اسلام است یاوری و مددکاری نمود تا بحسن تدبیر اولیای
دولتین رفع نزاع و خلاف بین الحضرتین بعمل آمد و سلم و اسلام و امن و امان
دیگر باره موافق و معانق شدند نوایر جنگ و کین که در ممالک مسلمین مضطرم

متعقد بود

متعقد بود منطفی و منعقد گردید و کلفتها بالفت و کاوشها بسازش مبدل گشت
اسم تخالف از میان رفت رسم تحالف در میان آمد جنگ و نفاق
رخت رابست صلح و وفاق تشریف قدوم داد آوازی رسوم تهنیت از جانب
لازم افتاد و تجدید عهد مراسلت بر آن حضرت واجب آمد لهذا درین عهد خجسته
و زمان فرخنده که طرح عشرت افکنده و بیخ غمها بر کنده بود عالیجاه رفیعجایگاه
جلالت و ارادت پناه بسالت و نبالت همراه صداقت و صرامت انتباه معتمد بحضره
علیه فاخره سلطان سرهنگ سپاه و نظام سلاکه تربیت یافته این دولت ابد دوام
و تجربت کرده خدام بلند مقام است از طرف آستانه این دولت بجانب ملوکانه
آنحضرت بارسال و نظم سلک و ربط عقد این نامه محبت ختامه تجدید عهود مراودات
قدیمه و تأکید رسوم معاهدات قویمه نموده ضمناً نگاشته خامه مودت علامه میشود
که اگر چه چندگاه نفاق ظاهر در میان سرحد داران بهم رسید بحمد الله وفاق
باطن در میانه دوستداران بود که باوصف آن ایام خلاف را حال امتداد نبخشید

وشعله مصاف را امکان اشتدادی نمی بود بلکه بمنزله سفله خار بوده بلندی
سرکشی کند و بزودی خاموش پذیرد وکفی بالله شهیدا معتقد محبت مهجور
جز این نیست که این خود از جانب قدس عزت مبنی بر این نکته حکمت بود
که مستظلان ظلال این دو دولت بیزوال را بسالیان دراز در مهد امن نغنوده
و در ظل فضل آسوده آید نسیان و غفلتیکه لازم اربابان رحت و دوام فراغت است
طاری نگشته نوع آگاهی و فرط انتباهی حاصل شود که قدر امن و رفاه دانند
و شکر و حمد اله کنند و جنس التیام المتین اسلام را بنقد جان خریدار اند
و بعد نعمت موالات را القب مبالات از کف ندهند علم الله تعالی
که این دو دولت صادق الولا بملاحظه همین دقیقت و نکات لا تعد و لا تحصی
از آنچه رفته و گذشته است با کمال تسلیم و رضا در گذشته خواسته خدا را آنچه
بوده و شده عین خیر و صلاح کلی میدانند و خاطر خود را کیف ما کان تواقعات
ایام ماضی خورسند و راضی میدارد و حال و بالفعل قدر مثقال ذره وتعداد

قطره

قطره از انسدولت پایدار گله و شکوه در دل ندارد و سهل است که قبل از این هم
مهر و برادری آن دولت اعلی که گنجایش چیز دیگر در دل مهر منزل محبت پرور نگذاشته
بود و الان که کاکان مهر مهر آن برادر را از قلب موذت جلب برنداشته
محبت و اخوت آنجناب اعلی را با تمام ملک و مال دنیا برابر نگذارد
و این واقعات جزئیه را در جنب آنکه هر عزیز بسیار بیموقع و ناچیز دیده
بهیچوجه در نظر اعتبار در نیاورد و محبت بیشتر محکم شود چون بشکند پیمان
شکوفه اول افشاند نهال آنگه ثمر گیرد امیدوار است که همین پریشانی جزئی
که چند روزی در صدد مملکتین حادث شد عاقبت باعث جمعیت کامل و الفت کلی شود
و بدین واسطه نوع کهتیدی در اتحاد و اتفاق بین الجانبین بعمل آید که روز بروز ثابت
اتحاد و اقتدار دو دولت پایدار بیفزاید چنانچه در باب عهود سابقه و شروط و مراتبه
دولتین که بمرور ایام و کرور شهور و اعوام فی الجمله اختلالی یافته بود در این ایام
خجسته که عهد مصالحت بتازگی و ثبات رکن بسته شد تجدید نظری رفت و با اهتمام اولیای

دولتین مزید انتظام و استحکام یافته و صیغه امضای فصول را مفصل و ممهور مصحوب
عالیجاه جلادت همراه مقرب الخاقان فاضل خان ارسال آنحضرت معتمد نمود
و جز نیکخواهی که در عالم مهر و محبت و برادری بوده اظهار آن را بفرزند ارشد
اسعد نهال نهال دوحه دولت و اقبال ولیعهد دولت ابد مدت بیزوال نایب السلطنه
القاهره الباهره اید الله بعونه و وفق الله بفضله و منه محول و مفوض داشت و چون
فرزند معزی الیه در حقیقت فرزند امره دولت و پیوند امره حضرت و حافظ ثغور
هره مملکت است و از عهد صبی و سن شباب تا حال متجاوز از بیست سال است
که اوقات و عمر جوانی را بجای عشرت و کامرانی با کمال رنج و تعب صرف
حفظ ثغور اسلام کرده و کرات و مرات در معارک مجاهدات نقد جان را
وقایه دین پاک سید انام نموده در بین اوقات مساعی جمیله و مجاهدات مشکوره در انعقاد
مصالحه دولتین و التیام اهالی جانبین مبذول داشته و هرگز در تقدیم مهام حضرتین
توقیر و تفاوت نگذاشته و نیت که دولت اسلام شایسته اعتنا و احترام اکثر

دهم ...

و مختتم و الا در صدق و خلوص بعرض حضرت اید ماوس رسانند از امضای
عم و پدر و شرف قبله و داور تاجور مقرون کرده دیگر آن برادر مهر پرور محبت آرا و دیانت
و ارزش محبت سیر همین قدر لطف ارزه کافیست و زیاده حاجت تکرار نیست ایام جلالت و عزت مخلد باد

صورت لات و مهستمات باشند

سواد نامه ایست که مرحوم مغفور نایب السلطنه نور الله مرقده بسلطان محمود خان پادشاه روم نوشته است

نحمد الله الذی اید الحق و شید الدین و الف بین قلوب المسلمین
و لو انفقت ما فی الارض جمیعا و اجتمعت الانس و الجن و کان بعضهم لبعض ظهیرا
لم تالف قلوبهم و لم تکشف کروبهم لکن الله الف بین قلوبهم و سهل صعب خطوبهم

انه عزیز حکیم و بعباده رؤف رحیم پاکا ملکا ملک جهان آن توست و جمله
دلها بفرمان تو سر پادشاهان کردن فراز بدرگاه تو بر زمین نیاز پادشاهی
تو را سزاست که شاهنشاهان بنده اند و خداوندان پرستنده صلح و جنگ
شهریاران و نام و ننگ تاجداران و قبض و بسط ممالک و امن و خوف ممالک
جمله در دست قدرت تست و منوط بمشیت تو لک الحمد ما اولیت من نعمتک
و اسبغت من کرمک و نشرت من رافتک و بسطت من رحمتک والصلوة
علی نبیک و ولیک و اصحابه و عترته و سلم **و بعد** بر پیشگاه عتبات سلطنت
اعلی جناب عرش باب قدس نصاب قدرت و شوکت انتساب ملک خدای
عدل فضای حشمکر و ای ظلم زدای شهریار کشورستان شاهنشاه شاهنشاهان
فتاب فلک دولت آسمان اساس و صولت معز الدولة والدین محی الاسلام
والمسلمین سلطان البرین و خاقان البحرین ضراوند بخت و تخت و افسر عجم اعظم تاجور
سلطان محمود خان لازالت علام الله عالیه و اعلام شوکته سامیه معروض و مرفوع سپهدار

که دیر گاهی بود

که دیر گاهی بود که این مخلص خالص الفواد را دیده امیدواری بمفاوضات
آنحضرت کرامت بسطت محامد روشنائی نیافته و فتاب الطاف عمیم تاجدار
بر ساحت احوال مخالصت شعار نتافته راه آمد و شد عرایض و مفاوضات
یکقلم مسدود بود و از نسیم باب طریق نجاح و سبیل افتتاحی مفتوح نمیشد لاجرم
رهگذر خاطر ارادت ذخایر زاید الوصف آشفته بود و غنچه دل عقیدت منزل بی بهار
صبا و نسیم سحر شکفته نمیگشت تا درین اوقات از حسن اتفاقات امر سلم
و التیام دو دولت ابد فرجام سمت حصول و انجام یافت و آنچه مکنون و مکنون
ضمیر صداقت سمیر بود از پرده غیب جلوه بروز نمود و عالیجاه رفیع جایگاه جلادت
و ارادت آگاه بسالت و نبالت همراه صداقت و صرامت پناه مقرب الحضرت
العلیه قاسم خان سرهنگ پیاده کان نظام از درگاه اشرف اسنی
بدرگاه معدلت روانه میشد انعطاف بوی احسن وسایط و اقرب وسایل دیده
بتحریر این ذریعه ارادت و دیعه مبادرت نمود و ضمنا بعرض عتبات سلطنت آیات

میرساند که مجاهد این خالص الفواد در راس سرحد دولت قوی بنیاد دو شاهی
جمیله که در اتفاق و اتحاد این دو حضرت شوکت نهاد منبعث البته از راه
بعرض کارکنان اعتاب جلال رسیده و معلوم فرموده اند در این مخلص
در خدمات حضرتین بی تفاوت لازمه کوشش و اهتمام دارد و ما بین
عثمان و پدر در راه دو رسم فرمانبری و طاعت فرق و تفاوت نمیگذارد و چون
درین سرحد متوقف و متمکن است کماشته حکم هر دو دولت میداند و بقاعده
لطف هر دو حضرت میخواهد و در همین سال خجسته فال سعی و تلاش در مصالحه
دولتین و دفع فساد مفسدین نمود و سبقت در گفتگو از این طرف کرد و اولیای دولت
والا استمداد از دولت بازرنه آل روم فرستاد یقین است که حال معروض دربار
درگاه قبول شده است و صدق نیت و خلوص عقیدت و صفای قلب در اصلاح
جوانب اولیای این دولت از همین رسالت در سایه بازرنه آل روم هم لا شک
حال بر ضمیر منیر فتاب تاثیر اعلی پوشیده و پنهان نخواهد بود جام جهان نما ضمیر منیر تو

اظهار عرض

اظهار عرض و حال در اینجا چه حاجت چشم داشت دولت ایران این بود در نفس
این مصالحه مبارکه نوع اتحادی ما بین شهریاران تاجدار دو تمامی دایم القرار
در نظر دوست و دشمن روز بروز یک جلوه کند و مایه مزید بیم و امید ادانی و اعالی و تمکین و کمال
اطمینان و استظهار سرحد نشینان مملکتین باشد و حال از قراری که بنظر ما
انجم تا جور خواهد رسید در حین قرار نامه جدیده مطلقا فصلی درین باب مرقوم نشده
و حال سند و خصال آن دولت بیزوال علم الله تعالی چه مصلحت دیده اند
در این امر اهم که مایه خیر عام و صلاح کل اسلام است بالمره سکوت نموده و سبب است
که در بعضی از شروط و مواد از ذکر اسم این دولت و ملاحظه شان این دولت و ملاحظه
شان این شوکت و کرارش امر این مملکت یکقلم غفلت نموده در سرحد با ملشان
خواهش بسیار جزئی از این دولت پذیرفته باشند بلفظی باز از طرزی بسیار ادا
کرده اند و ما پذیرفتن آن امر از باره بسیار است طور ذکر و بیان تفصیل در حال
داشت دیا بحکایه مضمون قلب نامه از ارزنه الروم در پایه تخت بلند

و ذروه اعتاب ارجمند سلطنت قاهره ایران بعرض رسید و از اوضاع
امور و محاورات و مشاورات و سایر واقعات آنجا استحضار ملوکانه
حاصل شد از این رهگذر که دولت اسلام در حقیقه یکی است و اتحاد و یگانگی
نیت و احترام آنحضرت اسعد امجد اعلی در هر حال ملحوظ و منظور است از مضامین نامه
مهر و مفصلی مصحوب مقرب الحضرة قاسم خان ابلاغ داشتند و در فصول کلیه
و اصول مهمه به هیچ وجه گفتگو و تغیر ننموده و تغییری نکردند و چون اول انعقاد عهد
صلح و بدایت افتتاح دوستی بود سکوت در امثال این امور را اولی دیده
و لکن این خالص القلب صافی ضمیر که خود را بی ملاحظه فرق و توفیر نیکخواه و از ادای کیش
هر دو دولت میداند با دولت علیه ابد مدت در عالم صدق و ارادت عرضه
میدارد که اعلیحضرت شاهنشاه ایران از آنحضرت تابع و شرکت است چشم مهر برادری
و این دو دولت ابد مدت را از اندولت جاوید نشان توقع مرالفت و یگانگی
این مخالصت گستر هم انتفاع عم اعظم اکرم تاجدار را سرمایه سود و صلاح دین و دنیا دانسته بلکه
در بعضی امور است

و بر خود ظاهر است که به هیچ وجه من الوجوه از این طرف مطلبی و طمعی و غرضی نیست الا اینکه
اولیای اندولت در عالم دوستی و موافقت فرق بین الدولتین نگذارند و با خود واحد دانند
و از خود شمارند و هر جا غایه حرف و کلامی میان آمده از همین رهگذر بوده که در جانب
خلاف توقع ظاهر شده با اینکه در ماده اولیه قرارنامه قیودی که در باب کردستان
و سمت بغداد کرده و در ماده ثالثه قیدی که در باب ... و حیدرانلو واقع لهذا اگر به قلب پاک
صاف و عرق عدل و انصاف عم اکرم تاجدار حکم باشد حسب الواقع معلوم و مفهوم
خواهد شد که این اخلاص منش بیجا و بی جهه نبوده بحمدالله تعالی شهریاران تاجدار
برادرند و برابر و دولتهای دایم القرار یکجهتند و یگانه و ممالک جانبین اسلامیه مهد
و در ذمه اسلام با وصف این امور ملاحظه این فرق و تفاوتها از چه راه است
اگر واقعا هر که از دولتی رو گردان شده به دولت دیگر متوسل گردد اسیر ... ایران
باکراه و اجبار یا برضا و اختیار موجب نقض شان و کسر شوکت تاجداران است
بالیت در همین باب ملاحظه شان هر دو دولت را ملحوظ داشته مراعات

نمایند و اگر انتصاب اینگونه فراری و مستجیر و متوسل باعث بی نظمی ممالک و امور
سالک و اختلال سرحدات و بی اقتداری سرحدداران خواهد شد بار باید
مصلحت جانبین و دفع مفاسد مملکتین را بیک سان در نظر گرفته باشند اولیای دولت
قاهره ایران برای تسهیل علاج و تقلیل زحمات آنها در بار کردن مجد و معاملی نقد
در اینکه اینگونه اشخاص را باجبار بگیرند و بدهند یا باختیار بگیرند و بدهند یا آنکه
اینجانب با هر که انجانب مبادله و معامله نمایند یا بقانون مستمره ایام و اعوام باقی
راضی شوند حاضرند و هر شق از این شقوق مرضی و مقتضی خاطر سعادت مشحون عم اکرم
افخم تاجدار است همان را عین صلاح و فلاح میدانند و بالطاف کریمانه و الطاف ملوکانه
آنحضرت واثق و مستظهر بوده و دیگر به تاج و تخت همایون و فر و بخت روزافزون
آنحضرت سپهر بسطت قسم است که منظور از این عرض و اظهار و شرح و تفصیل دادن
چند فقره ای بود و آنکه چند نفر گذشت و این نکته بر رای صافی روشن خواهد بود
و امثال این امور را چندان قابلیت نیست که از حالت قدیم برون رفتن انظار بلکه معقود
بالذات است

بالذات و علة غائی ذریعه نگاری و خواستاری این خالص الفواد همین است
که خواه درین باب و خواه در سایر مواد فرق و توفیری مابین دولت جاوید
بنیان خود با این دولت مستمره نگذارند و بواسطه امری که توهم شود بر وحدت و یگانگی
واقع نشود و دیگر امر و اختیار با عم اکرم تاجدار است همواره بصدور مفاوضات مشفقانه
در رجوع مهمات اتفاقیه خاطر اخلاص مغطوس را خورسند و مسرور دارند

نامه که از جانب همایون دولت سنیه عثمانی بحضور سپهر مرتبت نواب نایب السلطنه مرحوم نوشته اند

لا الی حد و سپاس بیحد و درارای شکر و ستایش لا یعد آنقدر مالک الملک لایزال
و خداوند بیمثال جلت نعمائه و عمت آلائه حضرت زیبنده بارگاه قدرت و دستگاه
و پیشگاه عظمت گستاخانه احق و اولی است که جواهر ماهیات ممکنه را از خزانه کمال نمایند

ابداع واختراع ایله رفع رسوم بدعت وقمع قواعد کفر وضلالت واظهار شعار
شریعت وایضاح مسالک ملک وملّت ایچون هر دم مسعد قوام وفلاح
خلائق عباد درافت نهاد بدرلن بجخسته طالع محمود الخصال کرد لن انبیا نه
تعلق ایلدی وعفو وفراید ودرهٔ ناسفته وسموط جواهر حمد ناحمد ادا
سرخیل انبیا وقافله سالار اصفیا امام الهدی شفیع الوری حضرت ابو القاسم
محمد المصطفی علیه من الصلوة اسناها ومن التسلیمات ازکاها نیک روضهٔ مطهره
فایضة الانوار وتربت معطّر بهشت آثار لرینه الیق درکه حامی سایر ارباب خرالله ان
مؤمنین ومهر مهر نبوتی نور افزای قلوب مسلمین در وطرف تحیات زاکیات
مشک انده خلفای راشدین وال ولاد واصحاب گزین رضوان الله تعالی
علیهم اجمعین حضراتنه اولسونکه رایات جهاد ولوای اعلای شان سپاه اسلام
ایتمشلر دروفاتحه وترضیه حضاتن قرب حضرتنک روان مبارکه ایثار قلنمشدر
مرکز دایرهٔ ولایت درت ومعتقدین حقنده رشتهٔ فیض وامداد اولمشلر در

اما بعد

اما بعد باگوهر اثینه خالصه که پرورده فواد مکارم اعتبار اید وشکوفه مراتج صافیه پرورت
یافته حدیقهٔ نهاد مخالصت معتاد در حاضر حضرت قرطلعت ذریکتای ایالت کامکاری
جوهر بیهمتای فرسه شهامت وبختیاری زبدهٔ ابرار عز ونجابت خلاصهٔ عناصر خسروی
ولب لباب سامی نسب معالی حسب شاهنشاه جوان بخت عباس میرزا دام عالیا
مفاخر دستگاه حضور رینه اهدا وتمثال نگار قرعا معدرت عروس حب ووفا
بو وجمله چهره نمای تقریر وانبا قلنور که دولتین فخیمتین بیننده مقدمجه تکون ایتمش
اولان آثار بیانیت الهیه مبدل حسن مصافات ومودت وهر مصالحه اقتضاسیله
جناب شاهنی درکاه خلافت قرار سلطانی وبارگاه عنایت اشتهار رفاقتی نزد
ایصال ولقدیمه مامور قلنمش ام ویدولت قاآنینه لن امارت مآب رفعت اکتساب
فاستمان زیدمجده درسلطنتیکه فرستاده قلنان نامه هدایه علامه کرمعروض سریر
شوکت مصیر شهریارانه مراد نوبدولت همایونمزه عرض اخلاص وبو دکرنجقه
مصالحهٔ مامی خیریه سنهٔ ابرار شیمی جمیله وارش وبمکنز درنعیمانک فطیع فیض دیع میلانه

مزار لرف صوب صدا ابنا کرده حسن توجه ومیلی درکون صفوت نمون نمایجه اولنمز
درجهٔ کماله مقرون اولمشدر جهت جامعهٔ اسلامیه وخلوص مصادقت ذاتیه
ملاسلهٔ کثیره رابطه دینیه وتشییه ضابطه علیه طرفین عندنده مابه المقصود اولوب حق
اولان اخلاص ومصافکرده دخی دوبا بونمزده رسیده حیز عشبار اولدرق بین الدولتین
منعقد اولان عهد وشروطه رعایت اولنه جق خلوص ومودت واثار یکجهتی ومحبت آتی
بان اوقرار زیر اولنه جقی ولید ضابطه مستحسنه نه جانب ابهت حاضر حال علیه مزدن
همت اولنه جقی درکار وشعیر مومی الیه قرب سریر خورشید نظیر پادشاهانمزده عزت
ودوارش والقاب شاهانمز ایله تحیت ومبانی قلوب حضرت رسان الفت احرام
گذشت دولایتک رتق امامه دوارش اید وب دفعه مالن عودونصراف اولنرینغه
مبنی کیفیت خلوص ومودتمز تقریر صدق سعیدن دخی عکس لنه اولز منمیه بینجه نظیر
کیفیانه لری اولنه جقی ظاهر وبرسیرار اولمغین نجز وتمهید ضابطه والاکاری ومودت
ضمننده شیوه نامه ملاطفت مقرونمز اصدار ولتبار اولنمشدر اوله ان تعالی الی الوصول

امانت بهیم ایرانی

ولت بهیهٔ ایرانیان جانبندن هر حاله تأیید موالات ووقایهٔ عهد وشرط
رعایت وخلاف وضع وحالت وقوعه کلامتی خصوصنده صرف رویت اولنه جقه
علی الدوام ماش وعائم اخلاص روداد وتکیه بنیان مصافات واتحاد ظرف
اشرف شاهانه مزدن دخی همت قلندجغی معلوم در اکلر وتکرار اولنه قدره جناب
شهامت نصاب لری دخی تشیید سلم صفوت وتأیید خلوص ومودت موجب اولور
اسباب وحالاتنک استحصالنه رعایت ووقوع مامول همایونمزدر مابقیه امر
سعد وبختیاری ونجابت ارائه وبمولت طالع دورخشنده بار

سواد قرارنامهٔ فارسیکه فیمابین
دولتین علیتین ایران وروم استقرار یافته است

غرض از تحریر وترقیم این کلمات خجسته دلالات آنکه از بدو بعثت بانظیر وحکومت
فیمابین سلطنت جاوید آیت سنیه ودولت دوران مدّت علیه ابدی الدوام

با دولت علیهٔ عثمانی بعضی عوارض و مشکلات حدوث و وقوع یافته
بود بر مقتضای التیام اساس دوستی و الفت و ضوابط اسلامیت و صفوت
وجههٔ جامعهٔ اسلامیه که میان دولتین علیتین در کار و افکار سلیمه که طرفین
علیتین بران متصف میباشند بالسویه اینگونه مواد موجب اعاده سابق و موافق
و مناسب شأن دولتین علیتین تجدید و تشیید بنیان صلح و مسالمت و تشیید
ارکان موالات و مصافات از جانب دولتین علیتین اظهار رغبت و موافقت شد
برای تنظیم و مذاکره و مواد عارضه و تحریر و تسطیر اسناد مقتضیه برحسب فرمان همایون
اعلیحضرت قدرقدرت کیوان حشمت مملکت مدار فلک اقتدار صاحب تاج
و سریر جهانبانی الاسلام و المسلمین جلال الدنیا والدین غیاث الحق والیقین قهرمان
الماء والطین ظل الله الممدود فی الارضین حافظ حوزه سلیمانی داور جمشید جاه
دارای دستگاه انجم سپاه اسلام پناه زینت بخش تخت کیان افتخار
ملوک جهان خدیو دریادل کامران شاهنشاه ممالک ایران السلطان ابن السلطان ابن السلطان

والخاقان ابن الخاقان

والخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان محمدشاه ادام الله تعالی ایام سلطنته
فلک الاجلال وزین فلک قدره بمصابیح کواکب الاقبال بنده درگاه
آسمان جاه میرزا محمدتقی خان وزیر عسکر منصوره نظام و غیرنظام
که حامل نشان شیر و خورشید مرتبه اول سرتیپی و حمایل افتخار خاص سرافراز
بوکالت مخصوص و مباهی گشته و نیز از طرف اعلیحضرت کیوان منزلت
شمس فلک تاجداری بدر افق شهریاری پادشاه اسلام پناه
سلطان البرین و خاقان البحرین خادم الحرمین الشریفین
ذوالشوکة والشهامة السلطان ابن السلطان ابن السلطان سلطان عبدالمجید خان
جناب مجدت مآب عزت نصاب انوری سلاله السید محمد انوری سعدالله
افندی که از اعاظم رجال دولت علیهٔ عثمانیه و حائز صنف اول از
رتبه اولی و حامل نشان مخصوص آن رتبه است مرخص و تعیین شده بود چون
اصحاب عادیه بعد از نشان دادن و ملاحظه و مبادله وکالت نامهای

مبارکه انعقاد معاهده میمونه در ضمن نه فقره آتیه قرار داده شد که درین
کتاب مستطاب بیان میشود در مجلس منعقده ارزنة الروم مبادله میشود
فقره اول دولتین اسلام قرار میدهند که مطالبات نقدیه
طرفین را که تا بحال از یکدیگر ادعا میکردند کلاً ترک کنند ولکن باین قرار
بمقاولات تسویه مطالبات مخصوصه مندرجه در فقره چهارم خللی نیاید **فقره
دویم** دولت ایران تعهد میکند که جمیع اراضی بسیطه ولایت ذهاب
یعنی اراضی جانب غربی آنرا بدولت عثمانی ترک کند و دولت عثمانی نیز تعهد میکند
که جانب شرقی ولایت ذهاب یعنی جمیع اراضی جبالیه آنرا مع دره کرند بدولت
ایران ترک کند و دولت ایران قویاً تعهد میکند که در حق شهر و ولایت سلیمانیه
از هر گونه ادعا صرف نظر کرده بحق تملک دولت عثمانیه در ولایت مذکوره
وقتاً من الاوقات بیک طور دخل و تعرض ننماید و دولت عثمانی نیز قویاً تعهد میکند
که شهر و بندر محمره و جزیرة الخضر و لنگرگاه و هم اراضی ساحل شرقی یعنی جانب یسار

شط العرب را

شط العرب را که در تصرف عشایر متعلقه معروفه ایران است بملکیت
در تصرف دولت ایران باشد و علاوه براین حق خواهند داشت که کشتیهای
ایران بآزادی تمام از محل مصب شط تا موضع الحاق حدود طرفین در نهر
مذکور آمد و رفت نماید **فقره سیم** طرفین متعاهدین تعهد میکنند که باین
معاهده حاضره سایر ادعاهای در حق اراضی ترک کرده از دو جانب بلاتاخیر
مهندسین و مامورین را تعیین نمایند برای اینکه مطابق ماده سابقه
حدود مابین دولتین را قطع نماید **فقره چهارم** طرفین قبول نموده اند
بر اینکه بعد از قبول اخطارات دوستانه دولتین بزرگ واسطه
که در شهر جمادی الاولی ۱۲۶۱ تبلیغ و تحریر شده بطرفین واقع شده و هم خسارات
مراعی است که بلاتاخیر قاطعه برای اینکه مسائل آنها از روی عدالت فصل و احقاق
بشود از دو جانب بلاتاخیر مامورین را تعیین نمایند **فقره پنجم** دولت عثمانی
وعده میکند که شاهزادگان فراری ایران را در برسا اقامت داده و غیبت آنها را

از ممالک مذکوره و مراودۀ مخفیۀ آنهارا بایران رخصت ندهد و از طرف دولتین علیتین
تعهد میشود سایر قراری بموجب معاهدۀ سابقه ارزنة الروم عموماً رد شده
فقرۀ ششم تجار ایران رسم گمرک اموال تجارت خود را موافق قیمت
حالیه و جاریۀ اموال مذکوره نقداً یا جنساً بوجهی که در عهدنامۀ منعقدۀ
ارزنة الروم در سنۀ ۱۲۳۸ در مادۀ ششم که دایر بتجارتست مسطور شده ادا کنند
و از مبلغی که در عهدنامه مذکوره تعیین شده زیاده وجهی مطالبه نشود فقرۀ هفتم
دولت عثمانی وعده میکند که بموجب عهدنامهای سابقه امتیازاتیکه لازم
باشد در حق زوار ایرانی اجرا دارد تا از هر نوع تعدیات بری بوده
بتوانند بکمال امنیت محلهای مبارکه را که کائن در دولت عثمانی است
زیارت کنند و همچنین تعهد میکنند که بواسطه استحکام و تقویه روابط دوستی و اتحاد لازمست
فیمابین دو دولت اسلام و تبعه طرفین بر قدر مناسب ترین وسایل را
استحصال نماید تا چنانکه زوار ایرانیه در ممالک دولت عثمانیه بجمیع امتیازات
نائل بشوند

نائل میشوند سایر تبعه ایرانیه نیز از امتیازات مذکوره بهره ور بوده خواه در تجارت
و خواه در مواد سایره از هر نوع ظلم و تعدی و بیحرمتی محفوظ باشند و علاوه برین
بالیوزهائیکه از طرف دولت ایران برای منافع تجارت و حمایت تبعه
و تجار ایرانیه بجمیع محلهای ممالک عثمانیه که لازم باشد نصب و تعیین شود بغیر از مکه
مکرمه و مدینه منوره دولت عثمانیه قبول مینماید و وعده میکند که کافه امتیازاتیکه
شایسته منصب و مأموریت بالیوزهای مذکوره باشد در حق قونسولهای سایر دول
متحابه جاری میشود در حق آنها نیز جاری شود و نیز دولت ایران تعهد میکند که
بالیوزهائی که از طرف دولت عثمانیه بجمیع محلهای ممالک ایرانیه که لازم باشد
بنا باید نصب و تعیین شود در حق آنها و در حق تبعه و تجار دولت عثمانیه که در ممالک
ایران آمد و شد میکنند معامله متقابله را کاملاً اجرا دارند فقرۀ هشتم
دولتین علیتین اسلام تعهد میکنند که برای دفع و رفع و منع غارت و سرقت
عشایر و قبایل که در سرحد میباشند تدابیر لازمه اتخاذ و اجرا کنند و بهمین خصوص

در محلهای مناسب عسکر اقامت خواهند داد و دولتین علیتین تعهد میکنند که از عهدۀ
هر نوع حرکات تجاوزیه مثل غصب و غارت و قتل که در اراضی یکدیگر وقوع
بیابد برآیند و قرار داده اند عشایریکه متنازع فیه میباشند و صاحب آنها معلوم نیست
بخصوص انتخاب و تعیین کردن محلی که بعد ازین دائماً اقامت خواهند کرد
یکدفعه باراده و اختیار خودشان حواله بشود و عشایریکه تبعیت آنها معلوم است
جبراً باراضی دولت متبوعه آنها داخل شوند فقرۀ نهم جمیع مواد و فصول معاهدات
سابقه خصوصاً معاهده که در سنۀ ۱۲۳۸ در ارزنة الروم منعقد شده بخصوصه با این معاهده
حاضره الغا و تغییر نشده مثل اینکه کلمه بکلمه درین صحیفه مندرج شده باشد کافه احکام
و قوت آن ابقا شده است و فیمابین دو دولت علیه قرار داده شده است که بعد از مبادله
این معاهده در ظرف دو ماه یا کمتر تصدیقنامهای آن از جانب دولتین قبول و امضا شده
تصدیقنامهای آن مبادله خواهد شد و کان ذلک التحریر فی یوم السادس عشر من شهر جمادی الآخر ۱۲۶۳

در دار الخلافه طهران [illegible] بطبع رسید

صورت عهدنامه ایست که فیمابین
خاقان خلد آشیان فتحعلیشاه
مغفور و سلطان محمود خان سلطان روم
منعقد گردیده بسم الله الرحمن الرحیم

غرض از تحریر این کتاب مستطاب اینکه درین چند سال بسبب حدوث
و بعضی عوارض در میان دولتین علیتین اسلام روابط صلح و صفوت
و ضوابط دوستی و الفت قدیمه مبدل به نقار و خصومت و مؤدی بحرب
و کدورت گشته بود بمقتضای جامعه اسلام و عدم رضای طرفین بسفک دماء
و وقوع اینگونه حوادث و غوغا اعاده سلم و مودت و تجدید رسم
و محبت از جانب دولتین فخامتین اظهار رغبت و موافقت شده بموجب فرمان
اعلیحضرت قدر قدرت کیوان حشمت ملک بخش ملک گیر دارای تاج
و سریر حقه بورثین وارثان جمال الاسلام و المسلمین جلال الدنیا و الدین

غیاث الحق والیقین قهرمان الماء والطین ظل الله الممدود فی الارضین
حافظ حوزهٔ مسلمانی باسط بساط جهانبانی دارا حشمت جمشید جاه سلیمان دستگاه
انجم سپاه اسلام پناه زینت بخش تخت کیان ملک ملوک جهان
تاج بخش کامران شاهنشاه ممالک ایران الخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان
فتحعلی شاه خلد الله ملکه و اقباله و حکم مأموریت عزت غرای دولت شهریاری
درجهٔ علیای شوکت و جهانداری مالک الرقاب کیوان رفعت برجیس
فطنت ملک فر افلاک مقدار رکن رکین جلال غضنفر بیشه اقبال پادشاهزادهٔ عالیجاه
آزاده ولیعهد دولت علیهٔ ایران عباس میرزا اعز نصره این عبید مملوک
و چاکر جان نثار و وکالت نامهٔ شاهی مخصوص گشته از جانب دولت علیهٔ
عثمانیه نیز بامر و فرمان اعلیحضرت کیوان منزلت شمس فلک شهریاری
بدر رفعت تاجداری پادشاه اسلام پناه سلطان البرین و خاقان البحرین
خادم الحرمین الشریفین ذو الشوکة والشهامة السلطان ابن السلطان

الغازی سلطان

الغازی سلطان محمود خان ایده الله ملکه و اقباله و وکالت نامه بجناب عزت
نصاب دولت انتساب جلالت اکتساب متمم الامور الجمهور بالفکر الثاقب
ممهد قواعد الامور بالرأی الصایب صدر اسبق اکرم والی ولایت ارزنة الروم
سرعسکر جانب شرق محمد امین رئوف پاشا دام مجده عطا و عنایت شده بود
این عبید مملوک در مدینهٔ مزبوره با جناب سرعسکر مشار الیه بعد از مبادلهٔ وکالت
نامهای مبارکه عقد مجلس مکالمه کرده مصالحهٔ مبارکه باین آیین ترتیب و تعیین یافت
اساس بتاریخ هزار و یکصد و پنجاه و نه هجری بموجب مصالحه و عهدنامه که در حق
گشته حدود ثغور قدیمه و شرایط سابقه از امر حجاج و تجار و رد فراری و تکلیفیه تبعید
از اوطان و اقامت شخص معین در دولتین علیتین بنحو تماما و کمالا بین الدولتین باقی
بوده و مرعی و معتبر بوده بارکان آن و جهانحن الوجوه خلاف عارض نشده و در مابین دولتین
علیتین شرایط دوستی و مقتضای الفت و محبت ابدا و کار بسته شرایط فیما بعد جمیعا
آشوب و خصام در میان بوده و زمیان دولتین علیتین معامله مؤدی بکدورت و ارتیاب

و منافی سلم و صفوت باشد وقوع نیابد و آنچه داخل حدود قدیمهٔ دولت
علیه عثمانیه بوده در اثنای حرب و مقدم بر آن بدست دولت فخیمه
ایران آمده از جمله قلاع و اراضی و فضا و قصبه و قراء بهیئت حال تحریر مصالحهٔ خیریه
از تاریخ این تمسک تا باختتام مدت شصت روز بطرف دولت عثمانیه تماما
تسلیم کرده و مراعات خدمات این مصالحهٔ خیریه کرده از طرفین بلا تأخیر
و اخفا تخلیه و سیراکه آنچه در اثنای ره محتاج الیه آنها شود از ماکولات و غیره
عطا شود و بسرحدات طرفین ایصال شوند ماده اول طرفین دولتین علیتین بلا
در امور داخلیه یکدیگر مداخله جایز نیست فیما بعد از بغداد و کردستان مداخله
جایز ندانسته در جمله محال که از توجهات سنجاق کردستان داخل حدود میباشند
سبب مانع للاسباب و وجها من الوجوه از طرف دولت علیهٔ ایران مداخله و تعرض
و تجاوز در متصرفین سابق و لاحق تصاحب نشود و در حدود نیز کرده اگر از ایلات طرفین
ییلاق و قشلاق عبور نمایند در باب رسومات عادیه ییلاق و قشلاق و دیگر

دعاوی

دعاوی که وقوع یابد باین وکلاء نواب ولیعهد دولت ایران و وزیر بغداد
مجاز بوده رفع نمایند که باعث کدورت بین الدولتین نباشد ماده ثانی
بابت زوار ایران بکعبهٔ مکرمه و مدینهٔ منوره و سایر بلاد اسلامیه
آمد و شد می نمایند مثل حجاج و تجار روز وارد و متردد بین اهالی بلاد اسلامیه دولتیه
معامله نمایند و از ایشان باسم دورمه و سایر وجه خلاف قانون شرعیه اصلا چیزی
مطالبه نشود و کذالک از زوار عتبات عالیات مادامیکه مال تجارت همراه نداشته
باشند از ایشان چیزی مطالبه باج و غیره نشود و اگر مال تجارت داشته باشند
موافق حساب گمرک مطالبه شود زیاده طلب ننمایند و در طرف دولت ایران
نیز با تجار طرف دولت عثمانیه و اهالی ایشان بر این وجه معامله نمایند و بمقتضای
شرایط سابقه فیما بعد در حق حجاج و تجار دولت بهیه تیغنه و اجرای شرایط
قدیمه از جانب وزرای عظام امیر حاج و میر میران کرام و سایر ضابطان
و حکام دولت عثمانیه کمال دقت و رعایت شود و ارشام شریفه الحرمین

محترمین وزرای ایشان مشرّف از جانب امنای دولتین نیز نظارت
حال ایشان بشود و خلاف شرایط بهیچ وجه واقع نگردد و در حمایت ایشان همت نمایند
و اگر در میان ایشان نزاعی روی دهد امنای دولتین بمعرفت معتمدین دولتین در میان
آنها نظارت ایشان نمایند و از مخدرات حرم شاهنشاهی و حرمهای شهزادگان
عظام و سایر اکابر دولت ایران که بمکه معظمه و عتبات عالیات میروند
فراخور مرتبه ایشان حرمت و اعزاز نمایند و کذلک در خصوص رسومات گمرک
تجار و اهالی ایران مانند رعیه علیه عثمانیه معامله شود و از مال تجارت ایشان یکدفعه
بقرار یکصد قروش چهار قروش گمرک گرفته و بدست ایشان تذکره داده مادامیکه از دست
ایشان بدست دیگری منتقل نشده است از ایشان گمرک نگیرند و تجار ایرانی که تنباکوی
چوبوق شیرازی را که بدار السعاده می‌آورند در بیع و شرا [illegible] انحصار نشود بهر کس که بخواهند
بیع نمایند و از تجار و تبعه و اهالی دولتین علیتین بممالک جانبین آمد و شد نمایند
بمقتضای رابطه جامعه اسلامیه معامله دوستانه شده از ایذا و اضرار محفوظ باشند ماده سیم

از عشره

از عشره حیدرانلو و سپیکانلو که در میان دولتین متنازع فیها بوده و امروز در خاک
دولت علیه عثمانیه ساکن میباشند ما دامیکه در سمت آنهاست اگر در خاک
ایران تجاوز کرده غارت بزنند سرحدداران در منع و تربیت ایشان دقت نمایند
اگر از تجاوز و غارت دست بر ندارند از جانب مأمورین سرحدات منع ایشان
بشود و از تصاحب ایشان دولت علیه عثمانیه کف ید نمایند و اگر ایشان برضا
و رغبت خود بجانب ایران بگذرند دولت عثمانیه ایشان را منع و تصاحب
نکنند و بعد از آنکه بطرف دولت بهیه ایران بگذرند بعد اگر بخاک عثمانیه بیایند
قطعاً تصاحب و قبول ایشان نشود و در صورتیکه ایشان بطرف ایران بگذرند
آنوقت از حدود دولت عثمانیه تجاوز کرده غارت بزنند سرحدنشینان
دولت بهیه ایران در منع و تجاوز ایشان دقت نمایند ماده چهارم بموجب شروط
قدیم فیمابین دولتین از جانبین تصاحب نشود و کذلک از جمله عشایر و ایلات
هر کسی که بعد از این از دولت عثمانیه بدولت بهیه ایران و از دولت فخیمه ایران

بدولت علیه عثمانیه بگذرد [illegible] تصاحب نشود ماده پنجم آنچه در دار السلطنه
و سایر ممالک دولت علیه عثمانیه اموال تجار ایران بموقف شرع دفتر
محفوظ و نگاه داشته شده است از تاریخ این تمسک بمدت شصت روز هر چه که باشد
بمعرفت دفاتر مرقومه و بمعرفت شرع و معتمد دولت علیه ایران بصاحبان
آنها تسلیم شود و سوای اموال محفوظه آنچه در ابتدای وقوع عداوت از حجاج و تجار و زوار
و سایر اهالی ایران در ممالک عثمانیه از جانب بعضی ارکان و ضابطان جبراً و قهراً
گرفته باشند بعد از افاده و اظهار [illegible] ایران از دولت بهیه عثمانیه فرمان از برای طلب آنها
بعد و کسی آنها در مجلس بعد از اثبات شرعی گرفته تسلیم شود ماده ششم در ممالک دولتین علیتین
از اهالی ممالک طرفین کسیکه فوت بشود اگر وارث و وصی شرعی نداشته باشند
مأمورین بیت المال ترکه متوفی را بمعرفت شرع دفتر کرده بثبت سجل
رسانیده آن مال را بعینه در محل مأمن تا مدت یکسال حفظ نمایند [illegible]
شرعی او آمده بموجب ثبت سجل ترکه شیاء متروکه تسلیم شود و در رسوم عادیه [illegible]

گرفته باشند

گرفته باشند و آن اشیاء اگر در مدت مذکوره حریق و تلف شود ادعای
آن نشود و اگر در مدت مزبوره وارث و وصی نرسد ترکه محفوظه مأمورین بیت
المال باطلاع معتمد دولت ایران فروخته ثمن آن را محفوظ نمایند ماده هفتم
بموجب شروط سابقه برای تأیید دوستی و مودت در هر سه سال یکنفر از طرف
دولتین علیتین مقیم و معتکف باشند و از تبعه دولتین علیتین در اثنای حرب
که بطرفین گذشته اند در حق ایشان بنا بجهت مصالحه خیریه سیاست این اشخاص
نشود و خاتمه بغیر شیء آنچه از اساس و شروط و مواد که در فوق مذکور شد [illegible]
محرره با الله اگر [illegible] شده از طرفین قبول گشته ادعای اموال
منهوبه و تضمین مصارف جزئیه از جانبین منصرف کرده صرف نظر نمایند
و از جانب دولتین بروفق عادت تصدیقنامه‌ها بواسطه سفیر و ایلچی
از تاریخ این تمسک الی مدت شصت روز در سر حدود دولتین یکدیگر
ملاقات کرده با استانه طرفین ایصال و تسلیم شود و باین وجه عقد و کتابت مصالحه

خیریه بر سلامت عقیقه از تاریخ تمسک معتبر و مرعی و معتبر گشته و از این باره

کدورت و خصومت مظفر به منافرت و خلاف این عهود و شروط

معقوده مربوط از جانبین وضع و حرکتی و معامله جایز ندانند و از جانب جناب

وکیل مختار رایه نظر به رخصت کامله از جانب دولت عثمانی از این تاریخ

هزار و دویست و سی و هشت […] شهر […] فی […] ذیقعده الحرام […] این

تمسک ممهور شده و از این جانب نیز […] دولت علیه ایران

بر رخصت کامله خود […] و شروط […] مذکوره […] قبول

نمود این تمسک تحریر و بجناب وکیل مختار رایه مبادله و تسلیم […] بالخیر والسعاده

والیمن والبرکه والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً والسلام .

قرارنامه سردار کهندل خان و پسرش سلطان علیخان مظفر الدوله در باب قندهار

بنده درگاه جهان پناه کهندل خان سردار با […] از قندهار […]

همیشه چشم داشت

همیشه چشم داشت و امیدوار مرحمت بدولت علیه ایران داشته و داریم برای

اطمینان دولت علیه ایران صانها الله عن الآفات […] با ارادت […]

در خدمت دولت علیه فقرات مسطوره ذیل را تعهد میدهیم اولاً آنکه

از قدیم الایام قندهار تابع دولت علیه ایران بوده […] کمالان […]

خدمت و تبعیت این دولت انحراف و عدول ننمائیم و هرچه فرمایش اولیای

اولیای این دولت علیه باشد بدون تعلل قیام و اقدام نمائیم و خود را بسته

و متعلق باین دولت بدانیم و خود را در زیر حمایت این دولت دانسته و بدانیم

و هرکدام از سرداران افغانستان که خواسته باشند با دولت علیه ایران

مخالفت نمایند این بندگان باجازه اولیای دولت در مقام طرد و منع برآئیم

و به هر طور اولیای دولت ابد مدت دستورالعمل بدهند رفتار نمائیم […]

نکنیم ثانیاً آنکه از فرستادن پیشکش و عریضه و آدم فرستادن و عرض حالات

و امورات خودمان باولیای دولت علیه کوتاهی ننمائیم و اولیای دولت […]

خودمان همیشه مفتخر سازیم و در […] خدمت و تبعیت باین دولت

ابد مدت و از جمیع دول احتراز و تبری خواهیم داشت و آنچه سرداران

قندهارست بدون اذن و اجازه دولت ایران از خاک خود تجاوز

ننمائیم و هرگاه هر […] از خاک خود بخواهد بگذرد و داخل خاک […]

بشود اولیای دولت آنها را ممانعت نماید و همچنین هرگاه سرداران کابل

بخواهد از خاک خود تجاوز بکنند و داخل خاک ما بشود از جانب دولت علیه

مدت باید تنبیه شوند و تکلیف و تجاوز نکنند بر منزل و حد خود باشند […] قدم

نگذارند ثالث آنکه دولت علیه ایران با هر دولتی صلح یا جنگ داشته باشند

این بندگان در صلح شریک و در جنگ رفیق دولت هستیم و موافق […]

دولت علیه ایران میباشیم رابع آنکه هر وقت ضرور شود و از دولت علیه […]

و قشون برای دولت ضرور شود از فرستادن قشون […] لازم باشد […]

باید از جانب اولیای دولت […] مقرر شود که […]

قبله از […]

بعد از احتیاج دولت معاودت نماید و نیز تعهد میدهند کمترین بندگان

و سرداران قندهار […] که مطلقاً و اصلاً با دولت انگلیس مراوده ننمائیم

و معلم قشون یا توپخانه هرچه ضرور داشته باشیم از دولت علیه ایران بخواهیم

و از دولتهای دیگر ابداً معلم برای فوج یا سرباز نگاهداریم […]

ابد الاباد این عهد […] خواهد ماند و از جانب اعلیحضرت شاهنشاه

دولت ایران نسلاً بعد نسل نسبت باینان مرحمت و التفات […]

و از جانب سرداران قندهار نسلاً بعد نسل خدمتگزار دولت ایران خواهند

بود و مطلقاً دولت دیگر را نخواهند شناخت تحریراً […] شهر […] ۱۲۷۹

[illegible]

قرارنامه بندر عباسی که در سنه […] الغ […]

چون از بدایت طلوع نیر اعظم جهان افروز این دولت قوی شوکت
قاهره روز افزون ابد مقرون با دوالیان ذی شوکت و شان بندر مسقط و عمان
هر یک از ایشان با دولت قاهره ایشان بنحوی خاص سمت ارادت و اخلاص
و جهه یکانکی و اختصاص سبد شسته و از زمان پادشاهان خلد آشیان انار الله برهانهم و اعلی
مقامهم فی فرادیس الجنان مرحمت و عنایات ملوکانه مبذول و پیوسته خلوص
نیت و صفای طویت ایشان نسبت بآن پادشاهانه و غیرت ملوکانه در نشر مراحم و بذل
مکارم در حق آنها بهیچوجه من الوجوه مضایقت و غفلت نفرموده اند تا در این عهد
فرخنده که تا ابد پاینده باد و تاج و تخت سلطنت کبری بفر وجود ذیجود اعلیحضرت
قدر قدرت قضا شوکت مریخ مهابت مشتری درایت سلطان الاعظم و خاقان الاکرم
مالک رقاب الامم غوث الدنیا والدین غیاث الاسلام والمسلمین ملک الملوک
والسلاطین قهرمان الماء والطین ظل الله الممدود فی الارضین شاهنشاه [illegible]
السلطان ابن السلطان ابن السلطان والخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان ناصر الدین شاه خلد الله

ملکه و سلطانه

ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین بره و احسانه زینت و زیور یافت بمقتضای
الحب والبغض یتوارثان بتجدید سنت سنیه آباء تاجدار کرام و احیای رسوم نیاکان
ذو الحشمة والشوکة والاحترام [illegible] امان مرحمت و عاطفت شاهانه را در باره
جناب ابهت و نبالت نصاب فخامت و مناعت انتساب امارت و ایالت
مآب کفایت و درایت اکتساب عمدة الولاة العظام زبدة الکفات الفخام
دوست محترم [illegible] سعید خان امام با احتشام بندر مسقط و عمان ظهور و بروز
ساخته لیکن بواسطه بعضی سوانح که در غیبت جناب معزی الیه از رجال کار
کنان و کارگذاران ایشان در بندر عباس روی داد و اهمال و اغفال در لوازم
خدمتگزاری دولت علیه بظهور رسید چندی آفتاب عنایت ملوکانه در سحاب
تأخیر بود تا در این زمان سعادت اقتران که جناب معزی الیه بمقتضای
کفایت و کیاست و کاردانی و اقتضای خلوص نیت و دوام ارادت و یکانکی
بدولت علیه تدارک و تلافی ما فات و ما مضی از در اخلاص و بندگی

در آمده فرزند ارجمند خود [illegible] را برسم معذرت و اظهار ارادت بحضور
عالی فرستاده بود بندکان عبید شان اعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فداه
نیز رعایت احترام جناب معزی الیه را کماکان از سابق منظور نظر مرحمت کستر فرموده
از ابتدای هذه السنه میمونه لوی ئیل سعادت دلیل تا نهایت مدت بیست سال
حکومت بندر عباس را و ما یتعلق به را از جزایر بحریه و محال عیسین و [illegible]
و [illegible] و بندر [illegible] ملک منحصر دولت علیه است موافق قرارداد
و شرایط منقحه ذیل بجناب معزی الیه محول و واگذار فرمودند که هر یک از منتسبان
خود را مصلحت بداند واگذار نماید و جناب معزی الیه نیز قرارداد [illegible] تعهد
میکند مطابق فقرات ذیل رفتار نموده بهیچ الوجوه از فقرات شروط ملوکانه
ذیل فروگذاشت ننماید و اگر در یکی از شرایط مزبوره فروگذاشت نماید
اولیای دولت علیه [illegible] استرداد
حکومت مزبوره خواهند بود

[illegible] حاکم بندر عباس

اول آنکه حاکم بندر عباس باید تابع [illegible] این دولت باشد و مثل سایر حکام فارس در اطاعت فرمانفرمای فارس [illegible] و در خدمت اولیای دولت علیه [illegible] و از شعبه دولت ایران باشد

دوم [illegible] از بابت مالیات و پیشکش [illegible] از قرار [illegible] ولایات [illegible] تسلیم نماید

سیم [illegible] حفر نهر [illegible] ابدا خندق را حفر ننمایند

[illegible]

چهارم مدت بیست سال حکومت آنجا باجناب امام مسقط و اولاد او مفوض است بعد از انقضای مدت بیست سال [illegible] آنجا را مأمور و اباد به دولت [illegible] واگذار نماید و اگر در ماندن باز دولت خواسته باشد [illegible] با امام مسقط و اولاد او واگذار [illegible] باتفاق [illegible]

پنجم بیرق دولتی با چند نفر [illegible] بجهت [illegible] شرایط احترام بیرق دولتی [illegible] هر ماه [illegible] روز نامه [illegible] بیرق [illegible] و علم بیرق با آنجا باید [illegible] در روز عید و مولود [illegible]

ششم حکام بندر عباس [illegible] که در دولت حاکم بندر عباس [illegible] و در این چند سال خدمت [illegible] و در مقام [illegible] رعایت [illegible] و سر پرستی [illegible]

که خود تصرف کرده حاکم دیگر بگمارند

هفتم حاکم بندر عباس [illegible] که در عهد خاقان [illegible] با حکمران لارستان [illegible] فتح [illegible] زیاده از آن بکار دیگر [illegible] نکند

هشتم هر وقت فرمانفرمای فارس [illegible] حاکم بندر عباس [illegible] شرایط خدمتگزاری [illegible] و احترام و خدمت کرده باشد

نهم اگر برای حکام فارس [illegible] لازم شود [illegible] کیج و مکران و [illegible] سایر حکام [illegible] خدمت [illegible]

دهم اگر فرمانفرمای فارس [illegible] حاکم بندر عباس [illegible] بجناب معزی الیه بدون عذر [illegible] معزول نموده حاکم دیگر [illegible] بجای او بگمارد

یازدهم هرگاه از دعایای [illegible] و سایر ممالک [illegible] مملکت کرمان [illegible] فرار کننده محض اظهار [illegible] شود [illegible] خود و [illegible] و در اطاعت حاکم فارس باشند ضابطا [illegible]

دوازدهم این شروط و قرارداد با جناب امام مسقط حی و حاضر و اولاد و احفاد [illegible] اگر متغلب مالک عمان [illegible] دولت ابد مدت را [illegible]

شهید

سیزدهم مادام که بندر عباس و جزایر بحرین و ... جناب ... سایر متعلقات آنها در دست جناب امام مسقط است اصلا از مامورین دول خارجه را در آنجا راه نه دهند و متعهد شوند حفظ و حراست اینها را که در دست او است بر او بحرا با نظام ... و چون ... توقف جهاز کشتی جنگی و بغله ... باشند و لنگرگاه بران صادق باشد که از خاک ایران دولت علیه مفوض است ... متعهد ... جمیع ... که مذکور شد ... از مدخله دولت ... احدی از راه دوستی یا دشمنی باشد محفوظ بدارد ... بهیچ وجه ... نگذارد ... کشتی و بغله و جهاز ... و دشمن با اسلحه یا بی اسلحه از عرب و غیر عرب ... از جهات ... مزبوره بخیال عداوت و دشمنی یا بهانه دیگر با خاک ایران ... یا جاهایی که در دست حاکم بندر عباس است بگذارد

چهاردهم از قراری که تجار تبعه دولت ایران ... بیشتر شخص ... مستاجر گمرکخانه مسقط ... بندر عباسی ... است و تجار ... مال التجاره ... تبعه دولت علیه ایران ... در بندر عباسی ... و جای دیگر ... عشور ... در بندر عباسی ... میگرده لهذا حال ... تجار ... عشور ... از آن بخواهد ... کنند ... رسم ... و حذف قاعده است لهذا جناب امام مسقط این فقره ... باید موقوف دارد ... تاریخ این ... بعد الیوم ... و جناب مال التجاره که از طرف ... وارد بندر عباس ... و بعد الیوم ... سیف ... خود عشور ... بگیرند ... عشور ...

پانزدهم جناب امام مسقط حق ... بندر عباس ... و ... مرقومه را ... اگرچه شرایط ... ایشان ... مدت ... و بندر عباس ... و شرایط مرقومه ...

... تمام ... تسلیم ... نمایند و ضبط بکنند

تحریر فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۷۲

صورت عهدنامه ایران و روس

بعون الله الملک القدوس بسم الله الرحمن الرحیم

اعلیحضرت قضا قدرت پادشاه اعظم والاجاه امپراطور اکرم شوکت و شکوه مالک بالاستقلال کل ممالک روسیه و اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت خسرو نامدار پادشاه اعظم با اقتدار ممالک ایران چون هر دو علیه اراده و تمنای صادقانه دارند که بنوایب و مکاره جنگ که بالکلیه منافی رای والای ایشان است نهایتی بگذارند و بستگیهای قدیم حسن مجاورت و مودت را مابین این دو دولت بواسطه صلحی که متضمن دوام باشد و بر عدم بعث خلاف و نفاق آتیه را دور کند در بنای مستحکم استقرار دهند لهذا برای تقدیم این کار خجسته آثار اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه جناب ایوان پسکویچ جنرال انفانتری سردار عسکر جداگانه قفقاز و ناظم امورات ملکیه گرجستان و ولایتهای قفقاز و حاجی ترخان مدبر سفاین حربیه بحر خزر و صاحب حمایلات

الکساندر نوسکی مقدس مرصع بالماس و آن مقدس مرتبه اول مرصع بالماس و ولادیمیر مقدس مرتبه اول و گیورگی مقدس مرتبه دویم و صاحب شمشیر افتخار طلا موسوم برای شجاعت و دیگری مرصع بالماس و صاحب حمایلات خارجه مرتبه اولین عقاب سرخ پروسیه و هلال دولت عثمانی و نشانهای دیگر و جناب الکساندر ابرسکوف دیستویتلنی استاتسکی سوتنیک خاص دربار امپراطوری و صاحب حمایلات مقدسه مرتبه ثالث ولادیمیر مرتبه ثانی ستانیسلاو لهی و ... پروسیه را و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران نواب مستطاب معلا شاهزاده نامدار جمیل العنوان نایب السلطنه عباس میرزا و وکلای مختار خود تعیین کرده و ایشان بعد از آنکه در ترکمان چای مجتمع شدند و ... اختیارنامهای خود را ... مبادله کرده موافق قاعده شایسته دیدند فصول آتیه را تعیین و قرار داد کردند

فصل اول

بعد الیوم مابین اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران و ولیعهدان و اخلاف و ممالک و رعایای ایشان مصالحه و مودت و وفاق کامل الی یوم الابد واقع خواهد بود

فصل دویم

چون نزاع و جدال که فیمابین دولتین علیتین رفیع الارکان واقع شده و امروز بسعادت منقطع گردیده عهود و شروطی را که بموجب عهدنامه گلستان بر ذمت ایشان لازم بود موقوف و متروک میدارد لهذا اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران چنین لایق دیدند که بجای عهدنامه مزبوره گلستان عهدنامه دیگر با این شروط و عهود قرار دهند که مابین دولت روس و ایران بیش از پیش موجب استقرار و انتظام روابط آتیه صلح و مودت گردد

فصل سیوم

اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران از جانب خود و از جانب ولیعهدان و جانشینان خود بدولت روسیه واگذار میکند تمامی الکای نخجوان و ایروان را خواه اینطرف رود ارس و خواه آنطرف و نظر باین تفویض اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران تعهد میکنند که بعد از امضای این عهدنامه در مدت شش ماه همه دفتر و دستورالعملهای را که متعلق باداره این ولایات مذکوره بتصرف امرای روسیه بدهند

فصل چهارم

دولتین علیتین معاهدتین عهد نمودند

میکننده برای سرحد فیمابین دو مملکت بموجب خط سرحد وضع نمایند از نقطه
سرحد ممالک عثمانیه که از خط مستقیم بقله کوه اغری کوچک اقرب است ابتدا کرده
اینخط تا بقله آنکوه کشیده میشود و از آنجا تا بسر چشمه رودخانه قهور بقرا سوی پایین
که از سراشیب جنوبی اغری کوچک جاری است فرود آمده بمتابعت مجرای این رودخانه
تا باتصال آن برودخانه ارس در مقابل شرور ممتد میشود چون اینخط بالکلیه
بمتابعت مجرای ارس تا بقلعه عباس آباد میرسد و در دور تعمیرات و ابنیه خارجه
آن که در کنار راست ارس واقع است نصف قطری بقدر نیم فرسخ که عبارت از سه ورس و نیم
روسی است رسم میشود و این نصف قطر در همه اطراف امتداد و جمیع ما بین آن از زمین و وجه
که در این نصف قطر محاط و محدود میشود بالانفراد و تعلق بروسیه خواهد داشت و از تاریخ
امروز در مدت دو ماه با صحت و درستی تمام معین و مشخص خواهد شد و بعد از آن از جائیکه
طرف شرقی این نصف قطر متصل بارس میشود خط سرحد شروع و متابعت مجرای ارس
میکند تا بمعبر یدی بلوک و از آنجا خاک ایران بطول مجرای ارس امتداد و جمیع ما بین آن بالکلیه

ومسافت سه

ومسافت سه فرسخ که عبارت است از بیست و یک ورس روسی بعد از فصول
باین نقطه خط سرحد باستقامت از صحرای مغان میگذرد تا بمجرای رودخانه بالهارود
بجائی که در سه فرسخی واقع است که عبارت است از بیست و یک ورس پائین تر از ملتقای
دو رودخانه کوچک موسوم باوینه بازار و سارقمش و از آنجا این خط بکنار چپ بالهارود
تا بملتقای رودخانهای مذکور آدینه بازار و سارقمش صعود کرده بطول کنار راست
رودخانه آدینه بازار شرقی تا بمنبع رودخانه و از آنجا تا باوج بلندیهای جکیر امتداد
یابد بنوعیکه جمله آبهائیکه جاری بجر خزر میشود متعلق بروسیه خواهد بود و همه آبهائیکه
سراشیب و مجرای آنها بجانب ایران است تعلق بایران خواهد داشت چون سرحد
دو مملکت اینجا بواسطه قلل جبال تعیین میشود لهذا قرار داده شد که سراشیبهائیکه از این کوهها بسمت
بحر خزر است بروسیه و طرف دیگر آنها بایران متعلق باشد از قله بلندیهای
جکیر خط سرحد تا بقله کمر قویی بمتابعت کوههائیکه طالش را از محال ارشق منفصل میکند
چون قلل جبال از جانبین مجری میاه را فرق میدهند لهذا در اینجا نیز خط سرحد را

همان قسم تعیین میکند که در فوق در باب مسافت واقعه مابین منبع ولو سر بازار
وقلل جگیر گفته شد بعد از آن خط سرحد از قله کمرتولی بلند بهاری که بهمانها محال
زوند را از محال ارشق فرق میدهد متابعت میکند تا بسرحد محال ولکیج
همواره بر طبق همان ضابطه در باب مجری میاه معین شد محال زوند بغیر از آن
حصه در سمت مخالف قلل جبال مذکوره واقع است از آنقرار حصه
روسیه خواهد بود از ابتدای سرحد محال ولکیج خط سرحد مابین دولتین تقریب
جبال کلوپوتی و سلسله کوههای عظیمه که از ولکیج میگذرد متابعت میکند تا بمنبع
شمالی رود خانه موسومه باستارا پیوسته علاوه خط همان ضابطه در باب مجری میاه
واز آنجا خط سرحد متابعت مجرای این رودخانه خواهد کرد تا بملتقی دهنه
آن بحر خزر و خط سرحد را که بعد از این متصرفات روسیه وایران را از هم فرق
خواهد داد تکمیل خواهد نمود فصل پنجم اعلیحضرت پادشاه ایران برای اثبات
دوستی خالصانه که نسبت باعلیحضرت امپراطور کل روسیه دارد باین فصل از خود

وازعوض اخلاف

و از عوض اخلاف و ولیعهد اسریر سلطنت ایران تمامی الکاء و اراضی و جزایر
که درمیانه خط حدود معینه در فصل مذکوره فوق وقلل برف دار کوه قفقاز
و دریای خزر است وکذا جمیع قبایل راحه خیمه نشین چه خانه دار که از اهالی این نواحی
هستند واضحاً وعلی الابد مخصوص و متعلق بدولت روسیه میداند فصل ششم
اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران بتلافی مصارف کثیره که دولت روسیه را
برای جنگ واقعه بین الدولتین اتفاق افتاده و همچنین بتلافی ضررها
و خسارتهائی که بهمان جهت برعایای دولت روسیه رسیده تعهد میکند
که بواسطه دادن مبلغی وجه نقد آنها را اصلاح نماید و مبلغ این وجه بین الدولتین
به ده کرور تومان رایج قبول گرفت که عبارت از بیست میلیون مناط سفید
روسی و چگونگی و موعد و رهاین تحصیل این وجه در قرار داد علیحده که همان قدر
قوه و اعتبار خواهد داشت که گویا لفظاً بلفظ درین عهدنامه مصالحه امیه مندرج است
معین خواهد شد فصل هفتم چون اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران شایسته

و لایق دانسته همایون فرزند خود شاهزاده عباس میرزا ولیعهد و وارث
تخت فیروزی بخت خود تعیین نموده است اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه
برای اینکه از میلهای دوستانه و تمنای صادقانه خود که در مزید استحکام این
ولیعهدی دارد با اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران برهانی واضح و شاهدی لایح
بظهور رسانیده تعهد میکنند از این روز به بعد شخص وجود نواب مستطاب شاهزاده
عباس میرزا ولیعهد و وارث برگزیده تاج و تخت ایران شناخته از تاریخ
جلوس بتخت شاهی پادشاه بالاستحقاق این مملکت داند فصل هشتم
سفاین تجارتی روس مانند سابق استحقاق خواهند داشت که بآزادی
بر دریای خزر و طول سواحل آن سیر کرده بکنارهای آن فرود آیند و در حالت شکست کشتی
در ایران اعانت و امداد خواهند یافت و همچنین کشتیهای تجارتی
ایران را استحقاق خواهد بود که بقرار سابق در بحر خزر سیر کرده بسواحل
روس آمد و شد نمایند و در آن سواحل در حالت شکست کشتی به همان نسبت

و امداد

و امداد خواهند یافت در باب سفاین حربیه که علمهای عسکریه روسیه دارند
چون از قدیم بالانفراد استحقاق داشته‌اند در بحر خزر سیر نمایند لهذا این حق
مخصوص کما فی السابق امروز باطمینان به ایشان داده می‌شود بنحوی که
غیر از دولت روسیه هیچ دولت دیگر نتواند در بحر خزر کشتی جنگی داشته باشد
فصل نهم چون مکنون خاطر اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه
و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران این است که من کل الوجوه عهودی را
که باین سعادت و میمنت مابین ایشان مستقر گشته مستحکم نمایند لهذا قرارداد
نمودند که سفرا و وکلا و کارگذارانی که از جانبین به دولتین علیتین تعیین می‌شوند خواه
برای انجام خدمتهای اتفاقیه یا برای اقامت دائمی بفراخور رتبه و موافق شأن
دولتین علیتین و بملاحظه مودتی که باعث اتحاد ایشان گشته بعادت مملکت مورد
اعزاز و احترام شوند و در این باب دستورالعمل مخصوص نوشته باتفاق خواهند نمود که
که از طرفین مرعی و ملحوظ گردد فصل دهم چون اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه

و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران استقصاد و فراوانی روابط تجارت را
مابین دو دولت مانند یکی از نخستین فواید ملاحظه کرده چنانچه از تجدید مصالحه
حاصل شود لهذا قصد وارد نموده تمامی اوضاع و احوال متعلقه به تجارت و امنیت
تبعه دو دولت را بنوعی متضمن مراتبه کامله باشد معین و منتظم و در معاهده جداگانه
عهد نامه ملحق و مابین وکلای مختار جانبین مقرر و ناشد جزو متمم او شمرده
و ملحوظ می شود مضبوط و محفوظ دارند اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران برای دولت
روس کما فی السابق این اختیار را مرعی میدارند که در هر جا مصلحت دولت
اقتضا کند کونسلها و حامیان تجارت تعیین نماید و تعهد میکنند این
کونسلها و حامیان تجارت را که هر یک زیاده از ده نفر اتباع نخواهند داشت
فراخور رتبه ایشان متمتع حمایت و احترامات و امتیازات سازند
اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه از جانب خود وعده میکنند در باره کونسلها
و حامیان تجارت اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران همین حقوق مساوات

کامله مرعی دارد

کامله مرعی دارد و در حالتیکه از جانب دولت ایران نسبت یکی از کونسلها و حامیان
تجارت روسیه شکایتی محققه باشد وکیل یا کارگذار دولت روس که در دربار
اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران متوقف خواهد بود و این حامیان و کونسلها بلاواسطه
در تحت حکم او خواهند شد او را از شغل خود معزول داشته هر کسرا لایق داند ازو
امر مزبور را بر سبیل عاریه رجوع خواهد کرد فصل یازدهم همه امور و ادعاهای طرفین تبعه
که بسبب جنگ بتاخیر افتاده بعد از انعقاد مصالحه موافق عدالت باتمام
خواهد رسید و مطالباتی که رعایای دولت جانبین از یکدیگر یا از خزانه داشته باشند
بتعجیل و تکمیل وصول پذیر خواهد شد فصل دوازدهم دولتین علیتین متعاهدتین
بالاشتراک در منفعت تبعه جانبین قرار داد میکنند برای آنهائیکه مابین خود
بسیاق واحد در دو جانب رود ارس املاک دارند موعدی سه ساله
مقرر نمایند تا بآزادی در بیع یا معاوضه آنها قدرت داشته باشند لیکن اعلیحضرت
امپراطور کل ممالک روسیه از منفعت این قرارداد در حق آن مقداری که باو متعلق

سردار سابق ایروان حسینخان و برادر او حسنخان و حاکم سابق نخجوان
کریمخان را مستثنی نمیدارد فصل سیزدهم همه اسیرای جنگ دولتین خواه در
جنگ آخر باشد یا قبل از آن و همچنین تبعه طرفین که باسیری افتاده باشند
از هر ملت که باشد الی غایت چهار ماه باز داده شود و بعد از آنکه جیره و دیگر
لوازمه به ایشان داده شد بعباس آباد فرستاده میشود تا اینکه بدست مباشرین جانبین
که در آنجا مامور گردیده‌اند و تدارکات فرستادن ایشان بولایت خودشان بدهند
تسلیم شوند دولتین علیتین معاهدتین در باب همه اسرای جنگ و تبعه روس
و ایران که باسیری افتاده و بعلت دوری مکان نهانی که در آنجا بوده اند یا بعلت دیگر
و اسباب دیگر تبعه مسترد نشده باشند همان قرار را مرعی میکنند و دولتین
در هر وقت کامل اختیار را بی حد و نهایت خواهند داشت که آنها را مطالبه
کنند و تعهد میکنند که هر وقت اسیر خود به دولت عرض نماید یا ایشان را
مطالبه کنند از جانبین مسترد سازند فصل چهاردهم دولتین علیتین متعاهدتین

جلای وطن کنندگان

جلای وطن کنندگان و فراریان را که قبل از جنگ یا در مدت آن
بتحت اختیار جانبین گذشته باشند مطالبه نمیکنند ولیکن برای منع نتایج
مضره جانبین که از مکاتبات و علایق خفیه بعضی از این فراریان باهم قبیله
یا اتباع قدیم ایشان حاصل میتواند شد دولت ایران تعهد میکند که حضور
و توقف اشخاص فراری که الحال یا بعد از این باسمه یاد شوند خواهد
خود جانبین ارس و خط رودخانه موسوم بچهریق و دریاچه ارومی و رودخانه
بچقنو و قزل اوزن تا انتقال آن بدریای خزر واقع است رخصت نخواهد
امپراطور کل ممالک روسیه از جانب خود همچنین وعده میکند که فراریان
ایران را در ولایت قراباغ و نخجوان و که آنک در آن حصه ولایت ایروان
که در کنار رودخانه ارس واقع است اذن توطن و سکنا ندهند لیکن معلوم است
که این شرط مجری و معمول نخواهد بود مگر در باب اشخاصیکه صاحب مناصب ملکیه یا رتبه
و شان دیگر باشد مانند خوانین و بیکها و ملاهای بزرگ که صورت رفتار

واغواها و مخابرات و مکاتبات خفیه ایشان در باره هم ولایتیان
و اتباع و زیردستان قدیم خود موجب یک نوع رسوخ و تاثیر با فساد و اخلال
تواند شد در خصوص رعایای عامه مملکتین با هم ملتزمین قرار داده شد رعایای ساکنین
که از مملکت بمملکت دیگر گذشته باشند یا بعد از این بگذرند ماذون و مرخص خواهند بود
که در هر جائیکه آن دولت که این رعایا تحت حکومت و اختیار او گذشته باشند
مناسب داند سکنی و اقامت کنند فصل پانزدهم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران
باین حسن اراده آرام و آسایش را بممالک خود باز آرد و موجبات مکاره که ممکن
بسبب این جنگ و خصومت بر اهالی مملکت رو آورده و بجهة انعقاد این عهدنامه
به تغییر دوری تمام سمت انجام می پذیرد از ایشان دور کند همه رعایا و ارباب مناصب
آذربایجان عفو کامل و شامل مرحمت میفرماید و هیچیک از ایشان بدون
استثنای مراتب و طبقات بجرم غرضها و عملها و رفتارهای ایشان در زمان استثنا
جنگ یا در اوقات تصرف چند وقتی ولایت مذکوره از ایشان ناشی شده

نباید معاقب شود و از اراز چند و نیز از امروز یکسال مهلت بایشان مرحمت میشود که بآزادی
با عیال خود از مملکت ایران بمملکت روس انتقال نمایند و اموال و اشیاء خود را
نقل یا بیع کنند بدون آنکه دولت یا حکام ولایات اندک ممانعت کنند یا از اموال
و اشیاء منقوله یا مبیعه ایشان حقی و مزدی اخذ نمایند و در باب املاک ایشان پنج سال مدت
مقرر میشود که در آن مدت بیع یا برحسب خواهش خود واگذاری در باب آنها نمایند و این
عفو و بخشش شامل نمیشود کسانی را که در این مدت یکسال بسبب بعضی تقصیرها و گناهانیکه مستلزم
سیاست دیوانخانه باشد مستوجب عقوبت میگردند فصل شانزدهم بعد از امضای این عهدنامه
مصالحه فی الفور وکلای مختار جانبین اهتمام خواهند داشت که بهمه جا دستور العمل
و حکمهای لازمه بفرستند تا بلا تاخیر خصومت را ترک نمایند این عهدنامه مصالحه در دو نسخه
بیک مضمون ترتیب یافته است و بدستخط وکلای مختار جانبین رسیده و بمهر ایشان
ممهور و مابین ایشان مبادله شده است از جانب اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه
و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران مصدق و ممضی و تصدیق نامهای ملتزمه اولیه بدستخط اقدس

ایشان مرتین خواهد بود در مدت چهار ماه یا زودتر اگر ممکن باشد ما بین وکلای
مختار ایشان مبادله خواهد شد تحریراً در قریه ترکمان چای بتاریخ دهم شهر فبرال
سنه ۱۸۲۸ مسیحیه که عبارت است از پنجم شهر شعبان سنه ۱۲۴۳ هجری بملاحظه و تصدیق نواب
نایب السلطنه رسید بامضای وزیر دول خارجه جناب میرزا ابوالحسن خان رسید

در باب کرورات و تخلیه سرحدات

بسم الله الرحمن الرحیم

فصل اول نظر بامضای فصل چهارم عهدنامه عمده امروزه اعلیحضرت
پادشاه ممالک ایران تعهد میکند که از تاریخ اختتام عهدنامه مزبوره
در مدت ده ماه همه حصه طالش را که بالاستحقاق متعلق بدولت روسیه است
و سرحد آن بصحت و درستی بموجب فصل چهارم عهدنامه عمده معین شده است
و بعلت افعال خصمانه صادره قبل از جنگ که این عهدنامه بسعادت باتمام رسانید
بتصرف عسکر ایران در آمده است از قشون خود تخلیه کرده بامورینکه از جهت

بان مکانها

بان مکانها فرستاده خواهد شد تسلیم نماید تا آنان تفویض حدود مذکوره
بوکلای روسیه دولت ایران بدقت متوجه خواهد شد که هیچگونه ظلم و تعدی باهالی
آن ولایت و اموال ایشان معمول نباشد و حکام ولایت از هر گونه خلاف ضابطه
و نظام که درین مدت احتمال اتفاق بیفتد از طرف دولت مواخذه خواهد بود

فصل دوم نظر بامضای فصل ششم عهدنامه عمده امروزه بموجب آن
اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران بصراحة متعهد شده است که باعلیحضرت
امپراطور کل ممالک روسیه بعوض خسارت ده کرور تومان رایج که عبارت
از بیست ملیون مناط سفید روسی بوده باشد و چون ... علیتین معاهدتین مقرر
گشته است که سه کرور تومان از آن در مدت هشت روز بلافاصله بعد از اختتام
این عهدنامه مذکوره انقضای یابد بوکلای مختار روسیه یا بکماشتگان ایشان داده شود
دو کرور تومان نیز پانزده روز بعد از انقضای آن و سه کرور هم در غره شهر ابریل سنه ۱۸۲۸
مسیحیه که عبارت است از بیست و ششم شهر رمضان سنه ۱۲۴۳ هجری ایصال کرده و دو کرور باقی هم

که تتمه ده کرور تومان است دولت ایران بدولت روسیه متعهد ایصال گشته

فصل سیم

در غره شهر ینوار سنه ۱۸۲۹ مسیحیه عبارت از بیست و دویم جمادی سنه ۱۲۴۴

به نیت آنکه با اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه جهت ایصال صحیح

و کامل وجه خسارت مذکوره امنیت بهمرسد مابین دولتین علیتین متعاهدتین

قرار داده شده است که تا ایصال کل هشت کرور تومان تمامی ولایت آذربایجان

در تصرف بواسطه عساکر روسیه مانده اداره و انتظام آن بالانحصار برای منافع

روسیه باشد بنوعیکه حکومت مستعاری که الحال در تبریز وضع شده است

در اجرای شغل و رفتار خود مراعات و حفظ ضابطه و وسایل دیگر متعلق

و با مصارف و سایل مخصوصه جهت تدارک ضروریات عساکری که باید علی سبیل العاریه

در ولایت مذکوره مقیم باشد مربوط است امتداد یابد اگرچه اگر ده مبلغ مزبور فوق

هشت کرور تومان است تا روز پانزدهم ماه آغوست سنه ۱۸۲۹ که عبارت

از پانزدهم شهر صفر المظفر سنه ۱۲۴۵ هجری تماماً تسلیم شود معلوم بوده و خواهد بود که تمام

ولایت آذربایجان

ولایت آذربایجان از ایران انفصال دائمی خواهد یافت و اعلیحضرت امپراطور

کل ممالک روسیه مطلق استحقاق خواهد داشت که آن را یا ضمیمه مملکت خود نماید

یا در زیر حمایت بیواسطه و بالانفراد خود جانشینهای خودسرانه اشغال آنها بارث شخصی

در آن معین کننده و باب سلطنتهای بروفق آن قرارداد وراثت

بدولت روس مصلحت باشد ایضاً معلوم است که همچنانکه دستور داده برای نقض آن

اما درین صورت دولت ایران نزد دولت روس بالمره از تعهدات نقدیه بری الذمه

خواهد بود اگر مقرر است همینکه اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران ده کرور از پنج کرور

ده از پنجکرور تومان وجه خسارت مشروطه علیحده داده شود و تسلیم کرده شود

همه آذربایجان انتهای مرتبه در مدت یکماه از عساکر روسیه تخلیه خواهد شد

و با اختیار را بر ایشان واگذار خواهد کرد الا قلعه و ولایت خوی مانند رهن ایصال

کرور سیم از کرورات مذکوره که باید بالتمام در پانزدهم ماه اغوست سنه ۱۸۲۹ مسیحیه بقرار

عساکر روسیه خواهد ماند خبر الا که لشکر روسیه در اختیار او خواهد بود در باب تخلیه ورود

همه با جزو اوزباپایان موافق آنکه اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران به دولت امپراطوریه
روسیه در موعد معهود همه هشت کرور یا همین هفت کرور تومان را داده باشد پیش از وقت دستور العمل
لازمه در دست خواهد داشت و حکومت مستعار تبریز در آن وقت اختیار را که دارد از خود
سلب کرده وکلای ایران هم برای این کار از طرف اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران
مأمور خواهند بود فوراً بتصرف آن خواهند پرداخت لکن بدون اینکه ضابطه و آسایش
خلق مشوش تواند شد و در شرایط و تعهداتی که در عهدنامه عمده مصالحه اکمال و در این فصل مذکور
مقرر گشته است تغییری حاصل تواند کرد

فصل چهارم

عساکر روسیه بنابر فصل سابق چند وقته اوزباپایان را در تصرف خواهند داشت چون بر اختیار تام
و تمام که موافق صوابدید فرمانفرمای عساکر روسیه در هر جای این مملکت اقامت نمایند
لهذا قید واداشته که عساکر ایران که هنوز بعضی اماکن آذربایجان منتشر هستند بلا فاصله بیرون
روند و خود را بولایت داخله ایران بکشند

فصل پنجم

برای رفع امور که
موجب اختلال ضابطه و نظام عسکریه می‌شود و حفظ آن مابین عساکر چنین

در مدت توقف

در مدت تصرف چند وقته ولایات که در فصل سابق قید واداشته شد
بغایت لازم است مقرر شده در مدت اقامت همه فراری لشکر روس از جانب
ایرانیان بگذرد باید که بواسطه روسای ایران گرفته شده فی الفور بنزدیک ترین روسای
عسکر روس تسلیم شود و همچنین همه فراری لشکر ایران هم از جانب روسیه بگذرد بلا فاصله
گرفته شده بنزدیک ترین حاکم ایران تسلیم شود

فصل ششم

همان ساعت
بعد از مبادله تصدیق نامها از جانبین مباشرها برای تشخیص خط سرحدی که بواسطه
فصل چهارم عهدنامه عمده امروزه شرط شده ناظر خواهند گذاشت وکلا برای ترتیب
نقشه صحیح از آن که یک نسخه بمهر مباشرین روسیه بتصحیح فرمانفرمای گرجستان
و نسخه دیگر در کمال ثبات بتصحیح نواب مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا
عرض خواهند شد و بعد از آن این نقشه مبادله شده بستوثق و در مستقیم داشتن دست اوز
و بسته خواهد بود

این فصل جداگانه که برای تکمیل عهدنامه
عمده امروزه تشخیص یافته مشتمل بر دو نسخه است همانقدر قوت و اعتبار خواهد داشت

۲۰ احمد ... [illegible]

مهاجرت نامه ... [illegible]

... که گو یا بلفظ بلفظ در اینجا مندرج است در هر حال ما وکلای مختار اعلیحضرت امپراطور

کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران آنها را دستخط کرده شده

در کدام تحریر داد در قریه ترکمانچای دهم شهر فبروال ۱۸۲۸ مسیحیه عبارت از پنجم

شهر شعبان سنه ۱۲۴۳ هجری بملاحظه و تصدیق نواب نایب السلطنه رسید

با امضای وزیر دول خارجه عالیه میرزا ابوالحسن خان رسید

عهدنامه در باب تجارت روس فصل تجارت

بسم الله الرحمن الرحیم

فصل اول چون دولتین علیتین معاهدتین تمنا دارند که اتباع خود را از جمیله منافع

و فوایدی که از آزادی و رخصت تجارت حاصل میشود بهره مند دارند لهذا باین تفصیل قرار

دادند که اتباع روس که تذکره متعارفه در دست داشته باشند در همه ممالک ایران

میتوانند تجارت کرد و کذلک بممالکی که همجوار ایرانند میتوانند رفت و همین

اتباع ایران امتعه خود را از دریای خزر یا از راه خشکی سرحد بین روس و ایران

بمملکت روس می توانند برد و معاوضه و بیع نمود و خرید کرده

متاع دیگر بیرون برد و از هر گونه حقوق و امتیازاتیکه در ممالک

اعلیحضرت امپراطوری با اتباع دولتهای کامله الوداد او رو

پا داده میشود بهره مند خواهند شد در حالتیکه یکی از اتباع دولت

روس در مملکت ایران وفات یابد اموال منقوله او چون

متعلق برعیت دولت دوست است بدون قصور باقوام

یا شرکای او تسلیم خواهد شد که باختیار تمام بنحویکه شایسته دانند

معامله نمایند و در صورتیکه اقوام و شرکای او موجود نباشند

اشیا را ضبط و کفالت همین اموال بوکیل یا کارگذاران ایلچی یا قونسول

روسیه واگذار میشود بدون اینکه هیچ ممانعت از جانب حکام

ولایت ظاهر شود **فصل دویم** حجج و بروات یکه برای

امور تجارت خود ما بین اهالی جانبین نوشته میگذارند و نزد قونسول روسیه

... بلکه ... [illegible]

وحاکم ولایت و در جائی که قونسول نباشد تنها نزد حاکم ولایت
ثبت میشود تا اینکه هنگام منازعه بین الطرفین برای قطع دعوای بر طبق
عدالت تحقیقات لازمه توانند کرد اگر یکی از طرفین خواهد که بدون
اینکه بخود مذکور فوق تمسکات محرّره و مصدّقه که لایق قبول هر محکمه عدالت
در دست داشته باشد از دیگری ادعائی نمایند و جز اقامه شهود دلیلی
دیگر نیاورد این قبیل ادعاها مادامیکه مدّعی الیه خود تصدیق بحقیت آن نماید
مقبول نخواهد شد و همه معاملات منعقده که بصورت مذکوره مابین اهالی
جانبین واقع شده باشد با دقت تمام مرعی و ملحوظ شده هر گونه [illegible]
که در انجام آن بظهور رسد و باعث ضرر یکی از طرفین گردد مورث تلافی خسارت
شایسته از جانب دیگر خواهد گردید و در صورتیکه یکی از تجار روس در ایران مفلس و شکسته شود
حق ارباب طلب از امتعه و اموال او داده میشود اما اگر ارباب طلب یا وکلا و کارگذار ما [illegible]
استعلام نمایند مفلس مذکور مال ممکن التصرف [illegible]

در ولایت

در ولایت روسیه گذاشته است یا نه برای تحقیق کردن مطالب ارباب طلب
جمیله خود مضایقه نخواهند کرد این قرار دادها که درین فصل معین گشته همچنین
درباره اهالی ایران که در ولایت روس موافق قوانین ملکیه تجارت
میکنند مرعی خواهد شد

فصل سیم

برای اینکه بتجارت تبعه جانبین
منافعی را که علت غائی شروط سابقة الذکر گشته اند محقق و مستحکم نمایند قرار
داده شد که از هر گونه متاعی که بتوسط تبعه روس بایران آورده یا از این
مملکت بیرون برده شود وکذلک از امتعه محصوله ایران که بتوسط تبعه
آن دولت از دریای خزر یا از راه خشکی سرحد دولتین روس و ایران
بولایت روس برده شود و همچنین از امتعه روس که رعایای ایران [illegible]
را از آنجا بیرون می برند کما فی السابق در وقت داخل شدن و بیرون
رفتن بهره یکدفعه پنج از صد گمرک گرفته میشود و بعد از آن هیچگونه گمرک دیگر
از ایشان مطالبه نخواهد شد و اگر دولت روس لازم داند که قانون تازه در گمرک

و تعریفه های مجدد قرار داد کند متعهد میشود که درین حالت نیز گمرک
مزبور را که پنج از صد است اضافه نماید **فصل چهارم**
اگر دولت روس با ایران با دولت دیگری در جنگ باشد تبعه جانبین
ممنوع نخواهند شد از اینکه با امتعه خود از خاک دولتین علیتین متحاربتین
عبور کرده بممالک مزبوره بروند **فصل پنجم** چون موافق عادات
که در ایران موجود است برای اهالی بیگانه مشکل است که خانه یا انبار
و مکان مخصوص برای وضع امتعه خود باجاره پیدا کنند لهذا به تبعه
روس در ایران اذن داده میشود خانه برای سکنا و انبار و مکان
برای وضع امتعه تجارت هم اجاره نمایند و هم بملکیت تحصیل کنند
و متعلقان دولت ایران بآن خانها و انبارها و مکانها عنفاً و غصباً داخل نخواهند
شد لیکن در وقت ضرورت از وکیل یا کارگذار و یا کونسول روسیه استرخاص
میتوانند نمود ایشان صاحب منصبی را بر جای تعیین کنند در وقت ملاحظه خانه

ملاحظه خانها با امتعه

با امتعه حضور داشته باشد **فصل ششم** چون وکیل و کارگذار دولت ایمپراطوری
و صاحب منصبان مامور باایشان و کونسلها و ترجمانها در ایران امتعه که بکار ایشان از ملبوس
باید و اکثر اشیاء ضروریه معیشت برای ابتیاع پیدا نمیکنند لهذا میتوانند بدون باج
و خراج هرگونه امتعه و اشیاء که خاصه مصارف ایشان تعیین شده باشد بیاورند و کذالک
این امتیازات بتمامه درباره وکیل و کارگذار و کونسول دولت ایران که مقیم در ممالک دولت
روس باشند مجری و ملحوظ خواهد شد و هر یکی از اهالی ایران برای خدمت ایلچی یا وکیل و کونسلها
و حامیان تجارت روس لازم است مادامیکه نزد ایشان باشند مانند تبعه روس از حمایت
ایشان بهره مند خواهند بود و لکن اگر شخصی از اینها مرتکب جرمی شده موافق قواعد آیین مملکتیه
مستحق تنبیه باشد در آن صورت وزیر دولت ایران یا حاکم در آنجائی که آنها نباشند بزرگ ولایت
مجرم را بیواسطه از ایلچی یا وکیل یا کونسول در نزد هر کدام که باشد مطالبه میکند تا اجرای عدالت نمود
و اگر این مطالبه مبنی بر دلایل که جرم و تقصیر متهم را ثابت کند ایلچی یا کونسول یا وکیل در دادن او
مضایقه نخواهد کرد **فصل هفتم** همه ادعاها و امور متنازع فیها که مابین تبعه روسیه باشد

بالانحصار بملاحظه [illegible] قطع و فصل وکیل یا کونسولهای اعلیحضرت امپراطور
برطبق قوانین و عادات دولت روسیه مرجوع میشود و همچنین است منازعات
و دعواهای که مابین تبعه روسیه و تبعه دولت دیگر اتفاق بیفتد در حالتیکه
طرفین بآن راضی شوند و منازعات و دعواهائیکه مابین تبعه روس و ایران
واقع شود بدیوان حاکم شرع و یا حاکم عرف ولایت معروض و محاکمه میکردد و ملحوظ
و طی نشود مگر در حضور ترجمان وکیل یا کونسولها چون اینگونه دعاوی که یکدفعه موافق
قانون طی شده باشد دوباره استماع نمی تواند شد هرگاه اوضاع نوعی باشد که دوباره اقتضای
تحقیق و ملاحظه ثانی کند بدون آنکه وکیل یا کارگزار یا کونسول روسیه را از آن اطلاع
اخبار شود ملاحظه نمی تواند شد و در این حالت آن امر استماع و محکوم علیه
نمی تواند گردید مگر در دفترخانه اعظم پادشاهی که در تبریز یا طهران باشد که در حضور
یک نفر ترجمان وکیل یا کونسول روسیه

فصل هشتم

کار قتل و سایر
آن گناههای بزرگ که در میان رعایای روسیه واقع شود تحقیق و قطع و فیصل آن بالمطلق

در اختیار ایلچی یا وکیل

در اختیار ایلچی یا وکیل یا کونسول روسیه خواهد بود بر وفق قوانین شرعیه که بایشان
در باب اهل ملت خود واگذار شده است اگر یکی از تبعه روسیه بدعوی جرمی مستلزم السیاست
با دیگران متهم باشد بهیچوجه از او تعاقب و اذیت نباید کرد مگر در صورتیکه شراکت او
بجرم ثابت و مدلل شود و در اینصورت نیز مانند حالتی که یکی از تبعه روسیه بجرمی
متهم میشود حکام ولایت نمی توانند که تشخیص حکم جرم بروی رانند مگر در حضور گماشته
از طرف وکیل یا کونسولهای روسیه اگر در اماکنی که صدور جرم از آن شده وکیل و کونسولی
نباشد حکام ولایت مجرم را بجائی که کونسول یا صاحب منصبی از اداره وکالت روسیه در آنجا
باشد روانه میکنند و استشهادنامه در باب برائت و شغل ذمه متهم بواسطه حاکم و مفتی
آن مکان از روی صداقت مرتب و بمهر ایشان رسیده باشد و با این کیفیت تمام حکم
جرم خواهند فرستاد و شود اینگونه استشهادنامها سند معتبر و مقبول اوقات خواهد بود مگر آنکه
متهم عدم صحت آنرا علانیه ثابت نماید و در صورتیکه متهم چنانچه باید ملزم گشته
و تقصیر صریح حاصل شود مجرم را بوکیل یا کونسول روسیه تسلیم میسازند برای اجرای

فصل نهم

سیاستی که در فوز این مقررات بمملکت روسیه لغو شده
دولتین علیتین متعاهدتین اهتمام تمام در باب رعایت و اجرای شروط
این معاهده خواهند داشت حکام ولایات و ولات سرحدات و سایر ارکان
طرفین هم از مواخذه شدید و داشته در هیچ حالت تخلف و تجاوز نخواهند کرد بیم
بی وجه استیکه تکرار تخلف چنانچه باید محقق شود موجب معزولی ایشان خواهد گردید
خلاصه با وکلای مختار اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه
ممالک ایران که در ذیل و شرط نوشته این شروطی را که در متن معاهده مندرج است
و از نتایج فصل ۱۰ عهدنامه عمده است که در ترکمانچای منعقد یافته است و چنان
اعتبار و قوت خواهد داشت که گویا لفظ بلفظ در خود عهدنامه مرقوم و ملصق گشته است
منضم و مقرر داشتیم لهذا این معاهده جداگانه که مشتمل بر دو نسخه است بتوسط ما و شرط
که نوشته بمهر ما رسیده و مبادله شد تحریراً فی قریه ترکمان چای دهم شهر فیورال ۱۸۲۸ مسیحیه عیسویه
از پنجم شهر شعبان المکرم ۱۲۴۳ سنه هجری ... بتوقیع نایب السلطنه ... با سفارت وزیر ... میرزا ابوالحسن خان

پاسکوی

در باب تشریفات دولت روس و ایران

چون وکلای مختار روس و ایران مجتمع شده بودند تا اینکه بر طبق فصل
نهم عهدنامه عمده امروزه برای تشریفات شایسته پذیرش ایلچیان و وکلا و کارگزاران
عالی الرتبه بدربار دولت جانبین تعیین میشوند قاعده و نظامی بگذارند لهذا امر رابطه شده که
چنانچه با بنظر رخصت داده گردید همینکه دولت ایران بر رسم دولت اروپ یکنفر ایلچی روس بتعاقب خبر دادن
بلاتاخیر یکنفر از مرتبه ایشان ایلچی مناسب اختیار کرده تا سرحد باستقبال او فرستد
دولت ایران بما نوق فقرا نقاط گرجستان را از عزیمت مهماندار خبر میکند و روز
ورود او را بسرحد تخمیناً تعیین مینماید و ایلچی از جانب خود استمام کرده سفر خود را بنوعی
حساب خواهد کرد هم مقارن ورود او وارد آنجا شود و از ساعتی که مهماندار ایلچی را ملاقات
خواهد کرد بمتعلقه این وجه ادا و احترامات و اکرامات که لایق اوست خواهد نمود
ایلچی را در هر منزل استقبال خواهد کرد که رئیس آن منزل یا یکنفر آدم معتبر آن از جانب متقبلین

با معارف و اتباع شایسته و اگر ایلچی در شهر معتبر مملکتی مکث کند حاکم خود برای تعارفات
ایلچی با مستقبلین بعد تا منزلی که برای او مهیا شده همراهی خواهد کرد و اگر ایلچی در شهری که
از شهرهای کوچک حاکم باشد مکث کند معظم له که حاکم آن شهر است برای خوش آمد
و تعارفات ایلچی وزیر خود را بملاقات او خواهد فرستاد و اگر ایلچی زیاد از یکشب مکث کند معظم له
ایلچی و جمله اشخاص را که جزو سفارتند تکلیف قهوه خواهد کرد و یک صندلی برای ایلچی حاضر
خواهد نمود و هر جا که در رهگذر ایلچی لشکری باشد مسلح شده احترامات عسکریه معموله نسبت
با و خواهند نمود مهماندار اهتمام خواهد نمود که قبل از وقت حکام ایالات را از ورود
تازه ایلچی خبر کند تا آنکه تدارکات لازمه جهت ورود و سلام او را آماده ساخته
چونکه ایلچی بآخر منزل دار السلطنه بارده اعلیحضرت پادشاه تشریف دلله رسیدن ایلچی
با یکی از اشخاص معتبر باسم و اسم همایون خود تهنیت فرستاده خواهد شد و در همه راه دار السلطنه با اراده
با استقبالچی عظیم از جانب پادشاه و در سر آنها شخص جلیل الشأنی از دربار پادشاهی خواهد بود
پذیرفته خواهد شد مستقبلین شهر با اراده برای ایلچی پیش قدم خواهند کرد و احترامات عسکریه

که لایق او باشد

که لایق او باشد بعمل خواهند آورد و سر خیل مستقبلین پادشاهی بهمان عنوان ایلچی را
بمنزلی که برای او مهیا شده پیش خواهد برد و در آنجا قراول احترامی برای او خواهد بود
فردای ورود او وزیر پادشاه و عظمای دربار سلطنت ایلچی را عیادت خواهند کرد و پس فردا
بسلام خاص اعلیحضرت پادشاهی خواهد رفت و ایشیک آقاسی باشی در ساعت مقرر
آمده او را اعلام خواهد کرد که برای پذیرفتن او همه آماده است در صورت ایلچی با پای تخت
روانه میشود فراشان شاهی پیش رو دسته ایلچی پیشاپیش راه میروند جمعی از قراول
با نوکرهای پیاده ایلچی از عقب ایشان میروند در حالتیکه ایلچی اسب مزین که از اسبهای
شاهی فرستاده شده یا اسب خاصه خود را سوار شده باشد و جلودار سرکار پادشاهی
پیش روی او برود و اشخاص سفارت و اتباع او در جانب راست و ایشیک آقاسی باشی
در جانب چپ او باشند و از دو جانب شاطران پادشاهی راه بروند و بلافاصله
از عقب او دسته از قراولان ایلچی با از نوکران پیاده و فراشان پادشاهی
و دنباله دسته ایلچی باشند عساکری که در میدان قصر پادشاهی ایستاده باشند

تا بدر عمارت یا سراپرده برای ایلچی پیش قدم می‌کنند و ایشیک آقاسی باشی پیشتر

ایلچی خواهد بود و اهتمام خواهد داشت در اشخاصی که در رهگذار او باشند بر پا بایستند و ایلچی

در در عمارت یا سراپرده پیاده خواهد شد و با اوطاق وزیر اول یا جای دیگر سپهسالار رفته

تا بیرون آمدن پادشاه چند لمحه در آنجا آرام خواهد گرفت و در این حال ایلچی با همراهان

خود و ایشیک آقاسی باشی از پیش به محوطه عمارت یا سراپرده داخل خواهند شد قراولها و ذکرکار

پیاده ایلچی در میدان بیرون خواهند ماند بعد از آنکه ایشیک آقاسی باشی آمدن ایلچی را

با علیحضرت پادشاهی عرض کند او را از جانب شاه به دخول اوطاق یا جای دیگر

تکلیف خواهد کرد و ایلچی با همه اصحاب خود یا تنها خواهد رفت اما در هیچ حالت

از ایلچی و از هیچیک از اصحاب او درخواست نخواهند شد که هیچگونه تغییر بوضع زی خود

بدهند لیکن ایلچی و اتباع او اهتمام خواهند کرد و برای خود یک جفت کفش

تدارک نمایند که قبل از دخول شاه آن بیرون بیاورند بعد از عرض نیاز بحضرت شاه

ایلچی را از جانب شاه تکلیف به نشستن می‌شود و برای او صندلی حاضر میکنند و بعد از انقضای

واشهای مجلس

واشهای مجلس ایلچی بهمان ترتیبی که آمده بود مراجعت میکند لیکن بدون آنکه

با اوطاق وزیر اعظم یا بجای دیگر سپهسالار داخل شود بعد از این سلام اول ایلچی بسایر

اشخاص عمده بدیدن او آمده بعد میروند و رسوم تشریفات برای پذیرفتن و گرفتن

با کارگذار روس همان خواهد بود مگر اینکه صاحب منصبانی که باستقبال او فرستاده شده

در مرتبه پست تر خواهند بود و اصحاب ایشان در عدد کمتر و همه مستحفظین برای ایشان

بیرون نخواهند آمد و همان عسکری که در قراول هستند برای ایشان پیش فنگ

خواهند کرد و وزیر اعظم پادشاهی اولا بدیدن ایشان نخواهد رفت اما بدون

تکلف دیگر در عوض بیازدید ایشان خواهد رفت اگر ایلچی یا وکیل یا کارگذار از جانب دولت علیه نعمت

خفه‌های مراسله باشد اعلیحضرت پادشاه از دست ایشان خواهد گرفت

تشریفات بتوسط دولت روس در حق ایلچیان و وکلا و کارگذاران ایران

که بماموریت به دربار پطربورغ می‌آیند مرعی و ملحوظ میشود و لیکن عادة حفظ اختلافات

رسومات معموله در دو مملکت این شرط که مشتمل بر دو نسخه است و دستخط و مهر وکلای مختار

جانشین را دارد و همان قدر و قیمت دارد که گویا لفظ بلفظ بعهدنامهٔ عهد امروز مندرج گشت

تحریراً فی قریه ترکمانچای ... دهم شهر فیورال ۱۸۲۸ مسیحیه و عبارتست از پنجم شهر شعبان

المعظم سنه ۱۲۴۳ هجری بملاحظه و تصدیق نواب نایب السلطنه رسیده بامضای وزیر دول خارجه عالیجاه

میرزا ابوالحسن خان رسید

قرارنامه تجارتی فیمابین ایران و روس

تدبیراتیکه بجهة دفع افلاس جعلی و رفع حیله جات ورشکسته ها لازم آمده از

قید فقرات ذیل است فقره اول جمیع سندات خرید و فروخت و تمسکات

و غیره من بعد باید در دیوانخانه معتبر و در دفتر مخصوص در حاکم هر ولایت ممهور بمهر رسیده

ثبت شود و در دفتر مذکور کل مطالبات از روی تاریخ نمره باید ثبت گردد و نمره دفتر

باید بر روی سندات نوشته شود و اوراق دفتر نمره داشته نخ و ملکوک و قلمزده باشد

فقره دوم سنداتی که در دفتر بزرگ معتبر شده اند باز باید جداگانه در دیوانخانه از روی حروف

الف با اسامی معاهدین نوشته شود و نمره دفتر بزرگ فهرست شود فقره سیم چنانچه

دیگر بمقام مطالبه

بگذا بمقام مطالبه نخواهد تمسک که در دیوانخانه معتبر شده است برخیزد نه آنکه ثبت دیوانخانه از زنش

قدیم تر است اول وصول خواهد شد و اینقرارداد مبطل قواعد غرما در هنگام افلاس تجارت نیست

نخواهد بود فقره چهارم ثبت سندات چندان ضرور نیست در جب ولی بخصوصه سنداتی

که موافق قاعده در دیوانخانه صورت اعتبار بهم رسانیده است ترجیح دارد بر سندات

خارجه که محسوب نخواهد بود مگر بعد از اجرای سندات که در دیوانخانه معتبر شده است

و این نوع سندات خارجه را تا مدت یکسال بعنوان ... بدیوانخانه آورده معتبر نمایند

فقره پنجم هرکه مال غیر منقول را بخواهد بفروشد یا بشرط بگذارد باید قباله دیباقی

آنرا بدست مشتری بدهد چنانچه سررشته نخواهد انداخت بیع لازم خواهد بهم رسانید

و در دیوانخانه قبل از ثبت و معتبر نمودن چنان سند خرید و فروخت باید مشخص نماید که قباله

دیباقی آنرا بدست مشتری داده است و پیش از آن چنان غیر منقول بغیر فروخته

نشده بیع و نه بکسی بشرط گذاشته نشده باشد فقره ششم ادای وجه تمسک ثابت نخواهد بود

مگر آنکه طلبکار رو به کار مهر و بخط خود بر روی تمسک نوشته باشند که وجه آن کلاً رسید والله عند الضروره

باید با اقامهٔ شاهدهای شرعی و یا قسم ادای قرض ثابت کرده. فقرهٔ هفتم: بعد از وفات
بدهکاری طلبکاران حق مطالبهٔ طلب خود را از ورثهٔ مرحوم قبل از انقضاء وعده خواهند
داشت مگر ورثه اموال مرحوم را رد نمایند. فقرهٔ هشتم: هر یک از کسبه و تجار ادعای افلاس
نماید باید قسم یاد کند که از اموالش چیزی پنهان نکرده است و افلاس خود را هم ثابت
کند و همچنین شرکا و کارکنان او هم باید قسم یاد نمایند که از اموال او چیزی پنهان
نکرده‌اند. فقرهٔ نهم: از این نوع ورشکستها دست برنمی‌دارند تا خسارت حاضر
نمایند و دیوان اموال ورشکسته را و اموال اولاد و زنی او را ضبط خواهند
کرد در صورتیکه ثابت شود که بعد از ظهور ورشکستگی او صاحب این اموال شده‌اند
و آنچه که از اقوام آن بهیچوجه دخلی بورشکسته نداشته بارث بایشان رسیده باشد
یا آنکه حصه که علیحده جداگانه باشد مع جهاز دختران شوهر رفته از ضبط محفوظ
خواهد بود. فقرهٔ دهم: چنانچه باعث افلاس از حرق اتفاقی و از غرق تا بتجاره
و از غارت دشمنان باشد در اینصورت ضرر در اوان خسارت نیست. فقرهٔ یازدهم

که از تقصی

سزای مفلس جعلی همان سزای دزد و سزای شخص کاذب خواهد بود و اختیار
تخفیف سزای آن درباره مواد استثنائی منحصر باعلیحضرت قدرقدرت شهریاری
خواهد بود مفلس جعلی باید مدت طول مرافعه‌اش در حبس باشد و بعد
حتی با حکم‌اش هم نباید مراوده داشته باشد جمیع اموالش ضبط خواهد شد و بار دیگر
تجارت نمی‌تواند نمود و مباشر شغل نمی‌تواند شد همین سزا برای رفقای او و برای
اشخاصی که اموال او را پنهان داشته‌اند باقی خواهد بود. فقرهٔ دوازدهم: شرط با معاملات
شخص مفلس که بعد از افلاس ثابته‌اش واقع شده است باطل است و همچنین شرط
نامه‌ها و بخششها که بعد از ظهور افلاس نموده است باطل. فقرهٔ سیزدهم: تقسیم اموال ورشکسته فیما بین
طلبکاران بعد از چهار ماه خواهد بود و اگر اجناس ورشکسته از قبیل چیزهائیست که زود
ضایع و تلف میشود مثل چارپا و آذوقه و سایر باید بلادرنگ نقد نمایند
و مال التجاره که بعد از اشتهار افلاس بدست مفلس میرسد باید در گمرک
ضبط نموده بدیوانخانه فرستاد و همچنین هر نوع مراسلات باسم مفلس بعد از شهرت

صدق افلاسش بشود باید به دیوانخانه برسد فقره چهاردهم مادامیکه مفلس کل
قرض خود را ادا ننموده است باز بده کار حساب خواهد شد و طلبکاران بر ضدی
خودشان برای طلبهای باقی مهلت خواهند داد و در آن اثنا هرچه حاصل از بعد نمایان شود
باو برسد عوض قرض باید داده شود فقره پانزدهم چنانچه در مقابله دفتر ثبت یا سند
تقلب ظاهر شود و دیوانخانه ثبت را تقلب نموده باشد دیوانخانه باید از عهده قرض ورشکسته برآید
فقره شانزدهم آنهائیکه مفلس جعل محروب بشوند از این قدر کتیبه اول آنکه شوند افلاس خود
ثابت نماید و بطریق واضح حساب قرض و جنس خود را که از مردم گرفته است بدهد حکم
آنکه به پنهانی و آشکار جنس بخانه غیر و بتیم آنهائیکه افلاس خود را دانسته بعد از ظهور افلاس بشر
بقصد فریفتن مال طلبکاران بخشند که تا نمانند چهارم آنکه مال غیر منقول را که سالها
بغیر فروخته است یا بشرط گذارده است مبدا الفروشد یا بشرط بگذارد پنجم
آنکه مال وقف را بفروشد یا بشرط بگذارد فقره هفدهم اعلیحضرت قدر قدرت
شهریاری سوای در بعضی مساجد و اماکن شریفه که از قدیم الایام مشکل خانهای علمای

وعمارات پادشاهی

وعمارات پادشاهی بست بوده لهذا بست ها را بعضی بست خانهای مردم سلب
موقوف فرموده قدغن میفرمایند که در هیچیک از ارضهای اینده دولت جاوید مدت
مقصرین را مشتی دزد و مفلس و سایر را آنجا پنهانی خود راه نخواهند داد هر که
خلاف حکم پادشاهی نماید مورد مؤاخذه خواهد شد فقره هیجدهم چون بجهت تقویت
امر تجارت بهمه جا ملک التجار ضرورت لهذا اولیای دولت قاهره در همه جای
ایران در تجارتگاه بیشتر و ملک التجار معین خواهند فرمود و دیگر آنکه
هر وقت کار تجار دولت روس به دیوانخانه رجوع میشود باید قطع و فصل آن در حضور
یکنفر صاحب منصب سفارت یا قونسولگری شود همچنین ضبط اموال مفلس و متخلفات
مقروض متوفی در جائیکه پای رعایای خارجه میان آید باید همیشه در حضور
یکنفر صاحب منصب روس بشود کارگذاران روس طلبهای ورشکسته را از بهر کارکنانش
در ایالت و ولایات ساکنند چنان خواهند مطالبه کرد مثل آنکه مقروض خود
رعایای دولت بهیه روسیه باشد دیگر درباب فقره پنجم که مال غیر منقول ذکر شده است

مجدداً ایراد میشود که در ایران سه کس بر قراء حق دارند اوّل دیوان اعلی

دویم مالک سیم رعیت چنانچه مالک بخواهد قریه خود را بعشر طلبکار و[اگذارد]

بجهة رفع گفتگو باید قبل از وقت از دیوان اعلی و رعیت اذن حاصل کند

تحریراً فی شهر شوال ۱۲۷۱ در دار الخلافه طهران سمت تحریر یافت

عهدنامه منعقده مابین دولت علیه ایران و دولت بهیه فرانسه

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت فلک بسطت گردون حشمت خسرو

اعظم خدیو اکرم جمشید جاه دارا دستگاه وارث تاج و تخت کیان شاهنشاه

اعظم باستقلال کل ممالک ایران و اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت

شمس فلک تاجداری مهر افق شهریاری برازنده دیهیم صاحب کلاهی شقه طراز

لوازم شاهنشاهی خسرو با اجلال تاجداران امپراطور ممالک فرانسه هر دو علی السویه

اراده و تمنای صادقانه دارند در روابط دوستی فیمابین دولتین برقرار و بواسطه عهد دوستی

و تجار

و تجارتیه که با التسویه نافع و مفید بتبعه دولتین قوی بنیان خواهد بود دوستی

و اتحاد جانبین را مستحکم سازند لهذا برای تقدیم این کار اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالک

ایران اعتماد الدوله العلیه صاحب نشان مکلل امیر تومانی با حمایل سبز و قرمز و حمایل نشان (بالاتر از همه رتبه)

تمثال همایون از درجه اول و حمایل شمشیر مرصع و عصای مکلل بالماس و دو دانه

شرابه الماس و مروارید صاحب نشان درجه اول امیر نویان اعظم و حمایل سبز درجه

مخصوص شخص اول و صاحب لقب اتابک جناب اشرف امجد ارفع میرزا آقاخان

صدر اعظم دولت علیه ایران را و اعلیحضرت امپراطور ممالک فرانسه

جناب موسیو نیکولا پروسپر بوره وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت بهیه فرانسه

صاحب نشان افتخار سیمی طرابلس دنور و حمایل سیمی لشکر و کوارده ان افتخار مجیدیه درجه دوم

وکلای مختار خود تعیین کردند و ایشان قرار آنکه در دار الخلافه طهران مجتمع شدند

و اختیارنامه خود را مبادله کردند موافق قاعده شایسته دیدند و فصول آتیه را مقرر داشتند

فصل اول

فصل اول بعد الیوم الی الابد فیمابین دولت علیه ایران و دولت

و دولت بهیهٔ فرانسه و رعایای آن دولت دوستی صادق و اتحاد [illegible] برقرار خواهد بود

فصل دویم سفرای کبار و وزرای مختار هریک از دولتین متعاهدتین مجاز خواهند
بود که در بار یکدیگر مقیم و مأمور باشند و همان رفتار و سلوکی که در حق سفرای کبار
و وزرای مختار دول متحابه و اتباع آنها معمول می‌شود بعینها همان رفتار نیز در حق سفرای
کبار و وزرای دولتین متعاهدتین و اتباع ایشان معمول و مجری و همان امتیازات محفوظ خواهد بود

فصل سیم تبعهٔ دولتین علیتین متعاهدتین از قبیل سیاح و تجار و سایرین در [illegible] هم
که در مملکتین محروستین سیاحت یا توقف نمایند ما النسبه از جانب حکام و ملازمان و کارگزاران دولتین
بعزت و حمایت قادرانه بهره‌مند خواهند گردید و در هر حال سلوکی که نسبت به اتباع
دول کاملة الوداد منظور می‌شود در حق ایشان نیز منظور خواهد شد و مطلقاً [illegible]
و مرخصند که هرگونه امتعه و قماش و محصولات چه از راه دریا و چه از راه خشکی از مملکت
یکدیگر بیاورند و از مملکت همدیگر ببرند و بفروشند و مبایعه و معاوضه نمایند و به هر بلدی از بلاد
مملکتین که خواهند حمل و نقل نمایند **فصل چهارم** هرگونه امتعه و قماش

که اتباع دولتین علیتین متعاهدتین بمملکت یکدیگر حمل نمایند و از مملکت همدیگر بیرون برند
و به گمرکی که در ازمنهٔ [illegible] از اتباع دولت کاملة الوداد حین ورود امتعه و محصولات ایشان مطالبه
دولتین و حین خروج از مملکتین مطالبه می‌شود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و حقوق علیحده
علیحده بهیچ اسم و رسم در دولتین علیتین مطالبه نخواهد شد **فصل پنجم** در ممالک
محروسهٔ ایران اگر فیمابین اتباع دولت بهیهٔ فرانسه مرافعه و مباحثه و منازعه روی دهد
طی کردن آن و اجرای عدالت آن بالتمام بعهدهٔ کپیتان یا قونسول دولت بهیهٔ فرانسه است
اگر متوقف در جای دیگران [illegible] مرافعه و مباحثه و منازعه بعهده [illegible] باشد و الا در مملکت [illegible]
مزبوره رفت خواهد بود و کپیتان یا قونسول مزبور طی این [illegible] را برطبق [illegible]
در مملکت فرانسه خواهد کرد هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه فیمابین تبعهٔ دولت بهیهٔ فرانسه
و اتباع دولت علیه در مملکت ایران حادث گردد در مجلسی که کپیتان یا قونسول دولت بهیه
فرانسه مقیم باشد [illegible] متداعیین و تحقیق و تدقیق و اجرای حکم بعدل و انصاف
در محکمهٔ دولت علیهٔ ایران که محل عادی طی اینگونه امورات است با حضور احدی از منتسبان

وکیل با قونسول دولت بهیه مزبوره خواهد شد هرگاه مرافعه یا مباحثه با اتباع غیره
در مملکت ایران فیمابین اتباع دولت بهیه فرانسه و تبعه سایر دول
خارجه واقع شود تحقیق و اجرای حکم آن بعهده وکلا یا قونسولهای طرفین
خواهد بود کذلک گفتگوها و نزاعهائی که فیمابین تبعه دولت علیه ایران
و اتباع دولت بهیه فرانسه و تبعه سایره خارجه در ممالک محروسه فرانسه
اتفاق افتد قطع و انجام و اتمام آن بنحوی خواهد بود که با اتباع دول کامله
الوداد در مملکت مزبوره معمول و مرتب میشود تبعه دولت علیه ایران در ممالک
فرانسه با اتباع دولت بهیه فرانسه در ممالک ایران اگر متهم بجنایات
کبیره گردند همچنانکه در مملکتین مزبورتین با اتباع دول کامله الوداد رفتار میشود
باشان نیز معمول و مرتب و قطع و فصل خواهد شد **فصل ششم** هرگاه احدی
از اتباع دولتین علیتین در مملکتین محروستین وفات یابد در صورتیکه بثبوت رسد
اقوام یا شرکاء باشد ترکه او بالتمام بایشان تسلیم خواهد شد و در صورتیکه ثابت شود که شخص

قوم و یا شر

قوم و شریک نباشد متروکات او را امانة بوکیل یا قونسول دولت متبوعه تسلیم میشود
تا مشارالیه بر وفق قوانین متعدده در مملکت خود چنانچه شاید و باید
در این باب معمول دارد **فصل هفتم** دولتین علیتین معاهدتین جهت حمایت
اتباع و تقویت امور تجارت و فراهم نمودن اسباب حصول معاشرت
دوستانه و عادلانه فیمابین تبعه جانبین اعتنا نموده اند از طرفین
سه نفر قونسول برقرار گردد قونسولهای دولت بهیه فرانسه در دار الخلافه طهران
و بندر ابوشهر و دار السلطنه تبریز تعیین و قونسولهای دولت علیه ایران در دار السلطنه
پاریس و شهر مرسلیه و جزیره بوربان توقف نمایند این قونسولهای دولتین
معاهدتین بالسویه در حق متوقفه مسکونه مملکتین محروستین از اعزاز
و احترامات و معافیاتی که قونسولهای دول کامله الوداد در ممالک
محروسه جانبین محظوظند بهره یاب خواهند گردید **فصل هشتم** این عهدنامه
دوستی و تجارت حاضره بملاحظه کمال صداقت و دوستی و اعتماد فیمابین

دولتین ذی شوکتین ایران و فرانسه منعقد شده است بعون الله تعالی
طرفین شروط مندرجه در آنرا ابدالدهر از روی صدق و راستی مرعی و محفوظ
خواهند داشت وکلای مختار دولتین متعهدین امضا نموده مبادله
از جانب سنی الجوانب شاهنشاه خود در دار الخلافه طهران یا دار السلطنه
پاریس در ظرف مدت شش ماه یا کمتر اگر مقدور گردد مبادله نمایند وکلای
مختار دولتین معاهدین این عهدنامه مبارکه ۵ فقره را ایکظ و مهر خود مرقوم
و مختوم نمودند این عهدنامه مبارکه بتاریخ بیست و هفتم شوال المکرم ۱۲۷۱
مطابق دوازدهم ژوئیه ۱۸۵۵ عیسوی در دو نسخه بخط فارسی
و فرانسوی مطابق و موافق یکدیگر مرقوم شد
سردار و سفیر عظیم
صدراعظم دولت علیه ایران
مهر

صورت عهدنامه گلستان که در سنه ۱۲۲۸ هجری فیمابین دولتین ایران و روس منعقد گردید

اعلیحضرت قضا قدرت خورشید رایت پادشاه جمجاه و امپراطور
عالی دستگاه مالک بالاستقلال کل ممالک امپریه اروسیه و اعلیحضرت
قدر قدرت کیوان رفعت پادشاه اعظم سلیمان جاه مالک بالاستقلال کل
ممالک شاهانه ایران بملاحظه کمال مهربانی و اشفاق علیتین که در باره
رعایای متعلقین دارند رفع و دفع عداوت و دشمنی که برعکس رای ملوکانه
ایشان است طالب و باستقرار مراتب مصالحه میمونه و دوستی جوار
سابقه مؤکده را در بین الطرفین راغب میباشند باحسن الوجه رای علیتین
قرار گرفته در انجام این امور نیک و مقصود مستصوبه از طرف اعلیحضرت قدر قدرت
پادشاه اعظم بالاستقلال کل ممالک روسیه جناب مقیع جایگاه جنرال
لتنانت اروسیه سپهسالار و مدبر عساکر ساکنین جوانب قفقازیه و گرجستان
ناظم امور و مصالح شهریه ولایات غوبرنی های گرجستان و قفقازیه و حاجی ترخان
و کارهای تمامی ثغور و سرحدات اینجوانب و سامان امر فرمای عساکر سفاین

بحر خزر صاحب حمایل الکسندر نیوی و حمایل مرتبه اولین انای مرتبه دار رابع
عسکریه معتبره حضرت کبور که صاحب نشان شمشیر طلا المرقوم بجهة رشادت
و بهادری نیکولای رتیشچوف اختیار کلی اعطا شده و اعلیحضرت قدر
قدرت فلک رتبت پادشاه اعظم مالک بالاستقلال کل ممالک ایران
هم عالیجاه معلی جایگاه ایلچی بزرگ دولت ایران مأمور دولتین روم و انگلیس عمدة الامراء العظام
والاعیان مقرب درگاه پادشاهان و محرم اسرار نهان و مشیر اکثر امور دولت علیه
ایران از خانواده دودمان وزارت و از امرای دیوان حضور در رتبه
دوم آن صاحب شوکت عطایای خاص پادشاهی خود از خنجر و شمشیر و کارد
مرصع و استعمال ملبوس ترمه و اسب یراق مرصع میرزا ابوالحسن خان را
در این کار مختار بالکلیه نموده‌اند حال در معسکر روسیه در رودخانه زیوه متعلق
گلستان متعلقه ولایت قراباغ ملاقات و جمعیت نموده بعد از ابراز و مبادله
مستمسک مأموریت و اختیار کلی خود بیکدیگر و ملاحظه و تحقیق امور متعلقه بمصالحه

مبارکه بنام نامی

مبارکه بنام نامی پادشاهان عظام قرار داده و بموجب اختیار نامجات
طرفین قیود و فصول شروط مرقومه را الی الابد مقبول و منضبط و استوار
میداریم **فصل اول** بعد ازین امور جنگ و عداوت و دشمنی که تا حال در میان دولتین
علیتین روسیه و ایران بود بموجب این عهدنامه الی الابد مقطوع و متروک
و مراتب مصالحه اکیده و دوستی و وفاق شدید در بین اعلیحضرت قضا قدرت
پادشاه اعظم امپراطور مالک بالاستقلال کل ممالک روسیه و اعلیحضرت
خورشید رایت پادشاه دارا شوکت ممالک ایران و وراث و ولیعهدان
عظام و میانه دولتین علیتین ایشان پایدار و مسلوک خواهد بود **فصل دویم**
چون پیشتر بموجب اظهار و گفتگوی طرفین قبول و رضا از جانبین دولتین
شده است که مراتب مصالحه در بنای استاطسکواوپرزندیم یعنی طرفین در هر وضع
و حالی که الحال قرار داده مصالحه الی الآن بوده است از قرار باقی و تمامی الکاء و ولایات
خوانین نشین که تا حال در تحت تصرف هر یک از دولتین بوده کماکان

در ضبط و اختیار ایشان بماند لهذا در بین دولتین علیتین روسیه و ایران
بموجب خط مرقومه ذیل سنور و سرحدات مستقر و تعیین گردیده از ابتدای
اراضی آدینه بازار بخط مستقیم از راه صحرای مغان تا معبر یدی بلوک رود ارس
و از بالای کنار رود ارس تا اتصال داخل رود خانه کپنک چای به پشت
کوه مغری و از آنجا خط حدود سامان ولایات قراباغ و نخجوان از بالای کوههای
آلکز بدر آلکز میری و از آنجا سرحدات قراباغ و نخجوان و ایروان و نیز رسدی
از سنور گنجه جمع و متصل گردیده بعد از آن حدود مزبوره که ولایات ایروان و گنجه
و هم حدود قزاق و شمس الدینلو را تا مکان ایشیک میدان انتهی و منقضی
و از ایشیک میدان نیز از بالای سر کوههای طرف راست طرق و رودخانهای
حمزه چمن و از سر کوههای پنبک الاگوز حدود محال شوره گل و از کوه شوره گل
از بالای کوه برف دار آلکز گذشته از سرحد محال شوره گل و میانه قریه
سدره و دارنیک بر رود خانه ارپه چای ملحق و متصل شده معلوم و مشخص گردید چنین

ولایات خانی نشین ایروان

این عهدنامه در دو نسخه بزبان فارسی و فرانسه در بروکسل فی نهم شهر ذیحجة الحرام سنه هزار و دویست
۱۲۷۳
هفتاد و سه هجری تحریر یافت

عهدنامهٔ ایران و مشیران شهر آزاد

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون شاهنشاه اعظم و پادشاه
بالاستقلال کل ممالک ایران و مجلس مشیران شهر آزاد و انسه تیک لوبک و مجلس
مشیران شهر آزاد و انسه تیک برم و مجلس مشیران شهر آزاد و انسه اتیک هامبورغ هریک
ازین ممالک جداگانه علی السویه اراده و نیت صادقانه دارند که روابط دوستی فیمابین ممالک
خود برقرار و بواسطه عهدی تجارتی نافع و سودمند تبعه ممالک متعاهده خواهند بود
مروت و اتحاد جانبین را مستحکم سازند لهذا برای تقدیم این کار اعلیحضرت پادشاه
ایران جناب جلالتمآب مقرب الخاقان امین الملک فرخ خان سفیر کبیر دولت علیه
ایران دارای تصویر همایون و حمایل آبی و صاحب کمر مکلل بالماس و غیره و غیره و غیره را
و مجلس مشیران شهر آزاد و انسه تیک لوبک و مجلس مشیران شهر آزاد و انسه اتیک برم و مجلس مشیران شهر آزاد

و اینکه اینک ها مورک سیدارسن آن روسیف وزیر مقیم خود را در نزد اعلیحضرت امپراطور
فرانسه از وکلای مختار خود تعیین نموده و ایشان بعد از آنکه در پاریس مجتمع شده و اختیارنامجات
خود را مبادله کردند و موافق ترکیب رسمی دیدند فصول آتیه را برقرار نمودند
فصل اول بعد الیوم فیمابین دولت علیه ایران و دولت‌های آمریکا
و جمهوریهای اتازونی در حالی آنکه جمهوریها دوستی صادق و اتحاد محکم برقرار
خواهد بود فصل دویم سفرای کبار و وزرای مختار و سایر مأمورین دیپلوماتیک
هریک از جوانب متعهده بخواهند هر یک در دربار یکدیگر مأمور و مقیم سازند آن
رفتار و سلوکی که در حق سفرای کبار یا وزرای مختار دول کامله الوداد در اتباع آنها
معمول میشود بعینها آن رفتار نیز در حق سفرای کبار و وزرای مختار و سایر مأمورین
دیپلوماتیک ممالک متعهده و اتباع ایشان معمول و مجری و بهمان امتیازات محظوظ
خواهند بود فصل سیم تبعه ممالک متعهده از قبیل سیاحان و تجار و پیشه وران و غیرهم
که در ممالک یکدیگر سیاحت یا توقف نمایند بالتسویه از جانب حکام ولایات

دو وکلای ممالک

دو وکلای ممالک متعهده از قبیل سیاحان و تجار و پیشه وران و غیرهم که در ممالک یکدیگر
سیاحت یا توقف نمایند بالتسویه از جانب حکام ولایات دو وکلای ممالک متعهده
بعزت و حمایت فاورانه بهره مند خواهند گردید و در هر حال سلوکی که نسبت باتباع
دول کامله الوداد منظور میشود در حق ایشان نیز منظور خواهد شد و بالمفاوضه مأذون و مرخص
خواهند بود که هرگونه امتعه و اقمشه و محصولات چه از راه دریا و چه از راه خشکی مملکت یکدیگر
بیاورند و از مملکت همدیگر ببرند و بفروشند و معاوضه نمایند و در کل ممالک متعهده حمل و نقل
نمایند و این مقررات تجار طرفین که اقدام بتجارت داخله و خارجه مینمایند مطیع
قوانین ملکی مختص تجارت مزبوره خواهند بود فصل چهارم کشتیها و امتعه اتباع
ممالک متعهده بمملکت همدیگر میروند و میبرند و حکم که از کشتیها و تجار و اتباع
دول کامله الوداد و حین ورود امتعه و محصولات ایشان بممالک جانبین و حین خروج
از ممالک مزبوره مطالبه میشود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و هیچ حق و وجه علیحده
بهیچ اسم و رسم در ممالک مزبوره مطالبه نخواهد شد فصل پنجم ممالک متعهده بجهة

حمایت اتباع و تقویت امور تجارت و فراهم نمودن اسباب حصول معاشرت

دوستانه عادلانه فیمابین تبعه جانبین چنین اختیار نمودند که هر کدام سه نفر قونسول

تعیین نمایند قونسولهای دولت علیه ایران در هر یک از شهرهای متحده امریک مقیم

خواهند بود و قونسولهای دولت متحده امریک در دارالخلافه طهران و بندر ابوشهر

و دارالسلطنه تبریز اقامت خواهند داشت این قونسولهای ممالک متعهده با تبعه

در جهت منسوبه مسکونه ممالک مزبوره از اعزازات و امتیازات و معافیتی

که قونسولهای دول کاملة الوداد در ممالک مزبوره محظوظ بهره یاب خواهند گردید

مامورین دیپلوماتیک و قونسولهای ایران رعایای متحده امریک را نه در ظاهر و نه

در خفیه حمایت نخواهند کرد مامورین دیپلوماتیک و قونسولهای متحده امریک رعایای

ایران را نه در ظاهر و نه در خفیه حمایت نخواهند کرد قونسولهای ممالک متعهده

که در ممالک همدیگر مشغول تجارت شوند مطیع خواهند بود بهمان قوانین و رسومی

که سایر رعایای دول متبوعه ایشان که مشغول تجارت مزبوره میباشند مطیع هستند

این عهدنامه

این عهدنامه دوستی و تجارتی که بملاحظه کمال صداقت و دوستی و اعتماد فیمابین ممالک

محروستین ایران و جمهوریهای متحده امریک منعقد شده است بعون الله از تاریخ

مبادله امضانامجات طرفین تا دوازده سال از جانبین بصدق و راستی مرعی و محفوظ

خواهد بود اما اگر یک سال پیش از انقضای این موعد مقرر هیچیک از ممالک متعهده

میل خود را در توقیف و اجرای این عهدنامه رسماً بدولت دیگر اعلام نکرده باشد عهدنامه

حالت برقرار خواهد ماند تا یکسال بعد از تاریخ روز اظهار چنان اعلام هر وقت اعلام

مزبور ظهور نماید ولکن این مقرر است که اگر یک یا جمعی از جمهوریهای متحده امریک

بعد از انقضای دوازده سال موعد مقرره اعلام توقیف این عهدنامه را اظهار نمایند

با صدور نماینده این عهدنامه کاملاً برقرار خواهد ماند نسبت بان جمهوریهای متحده امریک

که اعلام مزبور را نه اظهار و نه صدور کرده باشند و وکلای مختار جانبین تعهد میکنند که امضانامجات

دول متبوعه خود را در مدت یکسال یا زودتر هر گاه میسر شود در طهران یا در اسلامبول

مبادله نمایند و وکلای مختار جانبین این عهدنامه را بخط و مهر خود مرقوم و مختوم نمودند

در پاریس در دو نسخه بزبان فارسی و فرانسه غرّهٔ شهر ذیحجه سنه هزار و دویست و هفتاد و سه ۱۲۷۳

عهدنامهٔ دولتین ایران و اسپانیول

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین دولتین علیتین ایران و اسپانیول بجهة ملاحظه
صرفه و صلاح تجار و عموم رعیت مملکتین و ترقی و وسعت دادن بصنعت
تجارت و تشویق این امر مهم که از مصالح معظم دولت است چنین یافتند
که هیچ مقدمه مانند انعقاد عهدنامه باین مهم جسیم معین و مفید نخواهد شد
لهذا هر دو علی السویه مناسب دیدند که بعد از این مابین دولتین ذیشوکتین
و تبعه آنها اساس دوستی و اخذ و رشد موافق عهدنامه مبارکه
دوستی و تجارتی که بزیور حقانیت و عدالت آراسته شده است
برقرار و پایدار باشد برای اتمام این مرام اعلیحضرت فلک رفعت
شمس برج جلالت نخبه سلاطین زمان وارث تاج و تخت کیان

صاحب

صاحب اختیار ممالک وسیع المسالک ایران ظل الله فی الارضین
کهف الاسلام و المسلمین السلطان ابن السلطان ابن السلطان و الخاقان
ابن الخاقان ابن الخاقان محمد شاه قاجار اید الله سلطنته از طرف
قرین الشرف خود جناب مقرب الخاقان میرزا جعفرخان مهندس باشی
عساکر منصوره ایلچی مخصوص دولت علیه ایران در بار عثمانیه صاحب نشان
مهر تمثال صورت همایون و نشان اول شیر و خورشید سرتیپی و صاحب حمایل
افتخار سبز و سرخ و نشان درجه اول افتخار دولت علیه عثمانیه را در ضمن اختیار
نامه جداگانه در این خصوص وکیل مطلق و مختار نموده و همچنین بدر منیر ابهت
و آفتاب درخشان سلطنت شکوفه نونهال بوستان جلالت السلطان
دونا ازابل ثانی که بنام نامی ایشان در ایام صغر سن امور سلطنت ملقب
ولیعهدی بحضرت بال دو مر دا اسپرنز و صاحب اختیار مملکت و بک قرار
و مربلا محول است از طرف خود موسیو آل طوانی لوئیس دولکار دونافاجان

بسیار مشهور و ممتاز چارلز سیم پادشاه ممالک اسپانیول و صاحب نشان
امیر قان سلطان ازابل کتالیک و صاحب نشان عیسوی دولت پورتغال
و صاحب نشان صدور دولت یونان و صاحب نشان صلیب کبیر مقدس جنت المقدس
و صاحب نشان اول افتخار دولت علیه عثمانیه اجرای مشورت خانه حضرت سلطان
ازابل کتالیک نویسنده خاص پادشاهی و وزیر مختار دولت مشار الیهما در آستانه
علیه را از قبل خود نوشته وکیل مطلق و مختار نام کرده مامورین مزبورین بعد از نشان دادن
و ملاحظه نمودن اختیار نامه یکدیگر همه را موافق رسم و ضابطه یافته عهدنامه
مبارکه را در ضمن هفت ماده آتیه باین نهج دادند ماده اول بعد الیوم مابین دولت
علیه ایران و دولت بهیه اسپانیول و تبعه طرفین الی ماشاءالله تعالی اساس دوستی
صادق و محبت و موالات دائمه باقی و برقرار بوده ماده دویم تبعه دولتین
علیتین مأذون باشند که بآزادی و امنیت تمام بمملکت یکدیگر آمد و شد نمایند و بمعامله
تجارت و سیاحت کنند و خانه و دکان و حجره و انبار بقدر ضرورت امور خود کرایه سازند

وازطرف

و از طرف مباشرین دیوان اعلی هیچ جهه ممانعت نشود بلکه پیوسته احوال
ایشان را مراعات نموده دقت کنند که سیاحان و تجار طرفین خوش رفتاری
شود و بقدر مقدور براحت و آرام آنها بیفزایند و در وقت ضرورت احکام
و باشیر و عبور بآنها مرحمت شود که کسی مانع نشده حمایت از آنها کنند
ماده سیم در حق تبعه دولتین ذی شوکتین که بعنوان معامله و تجارت و یا بطور
سیاحت بمملکت یکدیگر تردد مینمایند از زمان ورود تا وقت خروج لازمه
احترام مرعی شود و از آنها هیچ اسم و رسم عوارض مطالبه نکنند مگر اینکه از امتعه
آنها در حین ورود و خروج در مملکت یکدیگر مثل تبعه دولت متحابه گمرک گرفته شود ماده
چهارم دولتین علیتین بجهة آسایش و اطمینان تبعه خودشان که بمملکت یکدیگر
آمد و شد خواهند کرد مأذون خواهند بود که در محل مناسب وکیل تجار اقامت
کنند دولت علیه ایران مأذون خواهند ساخت که یکنفر وکیل التجار
از طرف دولت بهیه اسپانیول در دار الخلافه طهران و یکنفر دیگر در دار السلطنه تبریز

مقیم شود و همچنین دولت بهیه اسپانیول راضی خواهند گشت که یکنفر وکیل از طرف
دولت علیه در مدرد پای تخت دولت مزبوره و یکنفر دیگر در بندر برصلون و بالعوض
مختار است که در یک بندر دیگر که دولت علیه ایران مناسب دانند وکیل تجار
نصب نمایند ماده پنجم هر وقت که در خصوص معامله و داد و ستد و غیره ما بین
تبعه دولتین متعاهدتین گفتگو و نزاعی اتفاق افتد آن نزاع باید که با حضور و اطلاع
وکیل التجار و با ترجمان آن دولت موافق عادت و شریعت مملکت قطع و فصل شود
و اگر کار یکنفر تاجر از تبعه دولتین علیتین معیوب شود و یا آن شخص ادعای افلاس نماید
باید از ملاحظه دفتر و ارسال مرسول اموال و مطالبات او با اطلاع وکیل تجار
و با ترجمان آن دولت قسمت غرما شود و هر قدر که از قرض آن مفلس باقی بماند
طلب او باید ذمه او را بری نموده مشتکات او را ادا نمایند و همچنین وقتی که یکنفر از تبعه دولتین
وفات کند باید جمیع متروکات و دفتر او به وکیل تجار آن دولت تسلیم شود و قرض و طلب او
با حضور وکیل تجار موافق شریعت مملکت جاری شود ماده ششم اگر یکی از دولتین متعاهدتین

با دولت

با دولت دیگر جنگ و محاربه داشته باشد از این رهگذر به دوستی ابدی دولت علیه
ایران و دولت بهیه اسپانیول هیچ خللی و قصوری نرسد ماده هفتم
این عهدنامه دوستی و تجارت که ما بین دولتین بهیتین گذشته در ضمن هفت ماده
قید و داد شده است به یاری خداوند لیکن نه امنای دولتین متعاهدتین به جمیع مواد
آن اعتماد داشته هیچ جه بارکان آن خللی نخواهند رسانید و این عهدنامه باید
در مدت پنج ماه و یا کمتر عهدنامه مزبور با امضا و مهر امنای دولتین علیتین رسیده
در اسلامبول ما بین وکلای دولتین مبادله خواهد شد خاتمه این هفت ماده
به تصدیق وکلای طرفین در دو نسخه به سیاق واحد انجام پذیرفته بود از جانب وکلای مختار
طرفین در دار الخلافه اسلامبول معهود بتاریخ سیم مارچ مطابق بیستم محرم ۱۲۵۸ سنه ۱۸۴۲ عیسوی
مبادله گردید محل امضا محل مهر

صورت عهدنامه که فیمابین دولت علیه ایران و دولت بهیه سوید در سنه ۱۲۷۲ در پاریس منعقد گردیده است

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون شاهنشاه اعظم
و پادشاه بالاستقلال کل ممالک ایران و اعلیحضرت اوسکار اول
پادشاه سوئد و نروژ و گت و واندال هر دو علی السویه اراده و تمنای صادقانه
دارند که روابط دوستی فیمابین دولتین برقرار و بواسطه عهدنامه دوستی و تجارتی رابطه پایه
نافع و سودمند تبعه دولتین بنای مودت و اتحاد جانبین را مستحکم سازند
لهذا برای تقدیم این کار اعلیحضرت شاهنشاه ایران جناب جلالتمآب
مقرب الخاقان امین الملک فرخ خان سفیر کبیر ایران صاحب تقریر
همایون و حمایل آبی و دارای کمر مرصع و منگل بالماس و غیره و غیره و اعلیحضرت

پادشاه سوئد و نروژ مسیو لوئی بارون واهنرستروم حاجب مخصوص
و ایلچی مخصوص و وزیر مختار خود صاحب نشان بزرگ ستاره قطبی و صاحب نشان
شارل سیزدهم و نشان سنت اولاف نوروژ و صاحب نشان بزرگ شیر نیدرلند
و دانبروگ و غیره و غیره و غیره را وکلای مختار خود تعیین نمودند و ایشان بعد از آنکه
در پاریس مجتمع شدند و اختیارنامهای خود را مرتب دانسته و موافق رسم یافتند
و به نه فصول آتیه را برقرار کردند فصل اول بعد الیوم فیمابین دولت علیه ایران
و رعایای آن دولت و دولت بهیه سوئد و نروژ و رعایای آن دولت دوستی صادقانه
و اتحاد محکم برقرار خواهد بود فصل دوم سفرای کبار و وزرای مختار که هر یک از دولتین
بخواهند به دربار یکدیگر مامور و مقیم سازند همان رفتار و سلوک که در حق سفرای
کبار و وزرای مختار دول کامله الوداد و اتباع آنها معمول میشود بعینها همان
رفتار نیز در حق سفرای کبار و وزرای مختار دولتین معاهدتین و اتباع ایشان
معمول و مجری و همان امتیازات محفوظ خواهد بود فصل سیم تبعه دولتین معاهدتین

[illegible]

از قبیل سیاحت و تجارت و پیشه و غیرهم در مملکتین سیاحت یا توقف
نمایند بالتسویه از جانب حکام ولایات و وکلای طرفین بعزت و حمایت
فادرانه بهره مند خواهند گردید و در هر حال سلوکی که نسبت باتباع
دول کاملة الوداد منظور میشود در حق ایشان نیز منظور خواهد شد و بالمقاوضه
باذون و مرخص خواهند بود که هر گونه امتعه و اقمشه و محصولات چه از راه
دریا و چه از راه خشکی بمملکت یکدیگر بیاورند و از ممالک یکدیگر ببرند و بفروشند
و یا بیع و معاوضه نمایند و بهر بلدی از بلاد مملکتین که خواهند حمل و نقل نمایند
و لیکن این مقررات که تجار طرفین که اقدام بتجارت داخله مملکتین نمایند مطیع
خواهند بود بقوانین آن مملکت که جهة تجارت مرعی است فصل چهارم کشتیهای
تجارتی و هر گونه امتعه و اقمشه که اتباع دولتین متعاهدتین بممالک یکدیگر نقل نمایند
و یا از ممالک یکدیگر بیرون ببرند وجه گمرکی که از تجار و اتباع دول کاملة
الوداد و از کشتیهای ایشان حین ورود امتعه و محصولات ایشان بولایات دولتین

وجمیع [illegible]

[illegible]

وحین خروج از مملکتین مطالبه میشود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و حق و وجه
و رسم در دولتین متعاهدتین مطالبه نخواهد شد فصل پنجم دولتین متعاهدتین بجهة
حمایت اتباع و تقویت امور تجارت و فراهم نمودن اسباب حصول معاشرت
دوستانه و عادلانه فیمابین جانبین چنین مستحسن شمردند که از طرفین
سه نفر قونسول بر قرار گردد قونسولهای ایران در استوکهولم و کرستیانیا
و گوتامبورگ مقیم خواهند بود و قونسولهای سوئد و نوروژ در دارالخلافه
طهران و دارالسلطنه تبریز و بندر ابوشهر اقامت خواهند داشت قونسولهای
دولتین بالتسویه در حق متوقفه سکنه مملکتین از اعززات و امتیازات
و معافیت قونسولهای دول کاملة الوداد در ممالک محروسه جانبین محظوظ
بهره یاب خواهند گردید مأمورین دیپلوماتیک و قونسولهای ایران رعایای
دولت سوئد و نوروژ را نه در ظاهر و نه در خفیه حمایت نخواهند کرد قونسولهای
دولتین که در مملکتین طرفین مشغول تجارت باشند مطیع خواهند بود

[illegible]

قوانین و رسومیکه سایر رعایای دولت متبوعه ایشان مشغول تجارت میباشند

میباشند مطیع هستند فصل ششم این عهدنامه تجارتی و دوستی بطور کامل

صداقت و دوستی و اعتماد فیمابین دولتین محروستین ایران و سوید و نوروژ

منعقد شده است بعون الله تعالی از تاریخ روز مبادله امضاهات

طرفین تا دوازده سال از جانبین بصدق و راستی مرعی و محفوظ خواهد بود

اما یک سال پیش از انقضای این موعد مقرره هیچیک از دولتین معاهدتین

میل خود را در توقف اجرای این عهدنامه رسماً بدولت دیگر اعلام نکرده باشد

عهدنامه حالیه برقرار خواهد ماند تا مدت یک سال بعد از تاریخ اظهار خاتمه

اعلام هر وقت واقع اعلام مزبور ظهور نماید وکلای مختار طرفین تعهد میکنند که امضاهات

و فوق نه شهر ربیع الاول ... پادشاه و پادشاه خود در مدت یک سال یا زودتر هر گاه ممکن شود یا در پاریس یا در اسلامبول

مبادله شود وکلای مختار دولتین معاهدتین این عهدنامه را بخط و مهر خود مرقوم و مختوم

نمودند این عهدنامه را در دو نسخه بزبان فارسی و فرانسه بتاریخ بیستم ربیع الاول سنه ۱۲۷۴ هجری

لذا جانبین بتصرف ... از انقضای این عهد ... اما اگر یک سال پیش از انقضای ... خواهند بود

هیچیک از دولتین معاهدتین ... در توقف اجرای این عهدنامه ... دولت دیگر اعلام ... یک سال ... برقرار خواهد بود ... بعد از تاریخ اظهار ... از اعلام مزبور ظهور نماید وکلای مختار طرفین تعهد کنند ... امضاهات پادشاه ... در پاریس یا در اسلامبول مبادله شود وکلای مختار دولتین معاهدتین این عهدنامه را بخط و مهر خود مرقوم و مختوم نمودند

این عهدنامه در دو نسخه بزبان فارسی ... هزار و دویست و هفتاد و چهار

تحریر یافت

عطای آزاده

هزار و دویست و هفتاد و چهار هجری مطابق هفدهم نوامبر سنه ۱۸۵۷ عیسوی

تحریر یافت محل مهر امین الملک محل مهر [illegible]

صورت عهدنامه هولند بیاری خداوند

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون شاهنشاه اعظم

و پادشاه بالاستقلال کل ممالک ایران و اعلیحضرت گیوم سیم

پادشاه هولند امیر اورانژ نا و گراند دوک لوکزامبورگ و غیره و غیره و غیره

علی التسویه اراده و تمنای صادقانه دارند که روابط دوستی فیمابین دولتین را تجدید

و بواسطه عهدنامه دوستی و تجارتی که بالتسویه نافع و سودمند تبعه دولتین قوی بنیان

بنیان خواهد بود مودت و اتحاد جانبین را مستحکم سازند لهذا برای تقدیم

این کار اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالک ایران جناب جلالتمآب مقرب الخاقان

فرخ خان امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب تمثال همایون و حمایل

و دارای کمر مکلل با الماس وغیره وغیره وغیره را از اعلیحضرت پادشاه دولت علیه ایران
لستیتو ملیت ایلچی مخصوص و وزیر مختار خود در دربار اعلیحضرت امپراطور فرانسه
صاحب نشانهای بزرگ شیر زلاند و تاج طاوس که کماروها صاحب منصب بزرگ
لژیون دونور وغیره وغیره وغیره را وکلای مختار خود تعیین نمودند و ایشان بعد از آنکه
در پاریس مجتمع شدند و اختیار نامهای خود را مبادله کردند و کلمات فی ما بین
رسمی دیدند فصول آتیه را برقرار نمودند فصل اول بعد الیوم مابین رعایای
ایران و رعایای آن دولت و دولت بهیه هولند و رعایای آن دولت و جزایر
و ممالک خارجه آن دوستی صادق و اتحاد محکم خواهد بود فصل دویم
سفرای کبار و وزرای مختار هر یک در دولتین معاهدتین بیکدیگر مدارا
یکدیگر مامور و مقیم میشوند همان رفتار و سلوکی که در حق سفرای کبار
یا وزرای مختار دول کاملة الوداد و اتباع آنها معمول میشود با ایشان رفتار
نیز در حق سفرای کبار و وزرای مختار دولتین علیتین معاهدتین و اتباع ایشان

معمول و مجری و همان امتیازات محفوظ خواهد بود فصل سیم تبعه دولتین
علیتین معاهدتین از قبیل سیاحان و تجار و پیشه وران وغیرهم که در مملکتین سیاحت
یا توقف نمایند با تذکره از جانب حکام ولایت و وکلای طرفین بعزت
و حمایت فائقه بهره مند خواهند گردید و در هر حال سلوکی که نسبت
باتباع دول کاملة الوداد منظور میشود در حق ایشان نیز منظور خواهد شد
و بالمواضعه مأذون و مرخص هستند که هر گونه امتعه و اقمشه و محصولات چه از راه
دریا و چه از راه خشکی بمملکت یکدیگر بیاورند و از مملکت یکدیگر ببرند و بفروشند و مبایعه
و معاوضه نمایند و هر بلدی از بلاد مملکتین که خواهند حمل و نقل نمایند ولی
این منفعت تجار طرفین که اقدام بتجارت داخله مملکتین نمایند مطیع قوانین
آن مملکت در تجارت مزبوره باشند خواهند بود فصل چهارم کشتیهای تجارتی
و هر گونه امتعه و اقمشه اتباع دولتین بمملکت یکدیگر نقل نمایند و بالعکس مملکت
یکدیگر بیرون ببرند و چه گمرکی که از کشتیهای تجارتی و از تجار رعیه دول کاملة الوداد

حین ورود امتعه و محصولات ایشان به ولایات طرفین و حین خروج از مملکتین
مطالبه میشود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و حق و وجه علیحده به هیچ اسم و رسم در هیچ یک از دولتین
مطالبه نخواهد شد از این قانون عهدنامه حال مستثنی است آنچه متعلق است به عبارات
مخصوصه در جزایر خارجه هولند در هند شرقی بطور الف اسبابا از ارزاق شرقی
بجهة حمل و نقل محصولات و امتعه ولایتی خود داده شده یا بعد از این داده خواهد شد
و این مقرر است که در این خصوص نیز نسبت به رعایای دولت ایران همان طور رفتار
خواهد شد که نسبت به رعایای دول کامله الوداد یوروپ و امریک در آسیا بغیر از آنچه
مستثنی است به طایفه آسیائی در شنیع شرقی معمول است و مخصوصه رعایای دولت
ایران همان حقوق را خواهند داشت که رعایای دولت انگلیس در قطعه [illegible] دارند
دارند قصد مخصوص دولتین معاهدتین بجهة جلب انتباع و تقویت امور تجارت و قوائم
نمودن اسباب حصول معاشرت دوستانه و عادلانه فیمابین تبعه جانبین
اشیاء ممنوعه که از طرفین به نقل و نقل [illegible] علیحده

دولتین [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

امره علی التسویه ارائه و تمثال صادقانه دارند و روابط دوستی فیمابین دولتین برقرار

و به واسطه عهد دوستی و تجارت که بالتسویه نافع و سودمند تبعه دولتین خواهد بود

مودت و دوستی و جانبین را مستحکم سازند لهذا برای تقدیم این کار اعلیحضرت

شاهنشاه ایران جناب جلالتمآب میرزا سعید خان وزیر امور

دول خارجه مؤتمن السلطان صاحب تصویر همایون مرصع بالماس و دارای

شرابه و عصای مکلل بالماس صاحب حمایل سرتیپی اول و نشان اول با حمایل

نشان اول لیوپولد بلجیک نشان اول دانبروغ دانمارک و نشان اقدس اول

نشان اول مجیدیه دولت عثمانی و نشان اسطانیسلاس روسیه از درجه اول و نشان

فرانسه و غیره و غیره و غیره و اعلیحضرت پادشاه ایطالیا موسیو ... وزیر مختار

و ایلچی مخصوص صاحب نشان کماندور نشان ... مورس و لازار

دارای نشان مجیدیه عثمانیه از درجه دوم و نشان کماندور از دولت یونان و نشان

چهارم از لژیون دونور فرانسه و لیوپولد بلجیک و غیره و غیره وکلای مختار خود تعیین کردند

[illegible]

داشته بعد از آنکه در طهران مجتمع شدند و اختیارنامه‌های خود را مبادله کردند
و موافق قاعده و شایسته دیدند فصول آتیه را برقرار کردند فصل اول فیمابین
دولت علیه ایران و دولت ایطالیا و رعایای این دو دولت دوستی صادقانه و اتحاد دائمی
محکم و برقرار خواهد بود فصل دویم سفرای کبار و وزرای مختار که هر یک از دولتین
معاهدتین بخواهند به دربار یکدیگر مقیم بسازند همان رفتار و سلوکی که در حق
سفرا و وزرای مختار دول متحابه و اتباع آنها معمول میشود بعینها همان رفتار
نیز در حق سفرای کبار و وزرای مختار دولتین معاهدتین و اتباع ایشان معمول
و مجری و همان امتیازات ملحوظ خواهد بود فصل سیم تبعه دولتین علیتین
معاهدتین از قبیل سیاحان و تجار و پیشه‌وران و غیرهم که در مملکتین محروستین سیاحت
یا توقف نمایند بالتسویه از جانب حکام و عمال و وکلای طرفین بعزت و حمایت
قادرانه بهره‌مند خواهند گردید و در هر حال سلوکی که نسبت با اتباع دول
کامله الوداد منظور میشود در حق ایشان نیز منظور خواهد شد و بالفقره ماده ان

و در خصوص

و در خصوص که هر گونه امتعه و اقمشه و محصولات چه از راه دریا و چه از راه خشکی
بمملکت یکدیگر بیاورند و از مملکت همدیگر ببرند و بفروشند و مبایعه و معاوضه نمایند
و به هر بلدی از بلاد مملکتین که خواهند حمل و نقل نمایند ولیکن این مقررات که تجار
طرفین که اقدام بتجارت داخله مملکتین نمایند مطیع قوانین آن ممالک در باب تجارت
مزبوره بشوند خواهند بود فصل چهارم هر گونه امتعه و اقمشه که اتباع دولتین علیتین
معاهدتین بمملکت یکدیگر نقل نمایند و یا از مملکت همدیگر بیرون ببرند فقط بهمان گمرکی
که از تجار و اتباع دول کامله الوداد حین ورود امتعه و محصولات ایشان بممالک
دولتین و حین خروج از مملکتین مطالبه میشود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و وجه
علیحده بهیچ اسم و رسم در دولتین علیتین مطالبه نخواهد شد فصل پنجم در ممالک محروسه
ایران اگر فیمابین اتباع دولت ایطالیا مرافعه یا مباحثه یا منازعه روی دهد
طی گفتگو و اجرای عدالت آن بالتمام بعهده وکیل یا قونسول دولت ایطالیا است
اگر متوقف در مکان وقوع مرافعه و مباحثه و منازعه باشد و الا در مملکت اقرب

بمکان مزبور رسیده خواهد بود و کیفیت قونسول مزبور طرز این گفتگو را به قوانین
متداوله در مملکت ایطالیا خواهد کرد هر گاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه فیما بین تبعه
دولت بهیه ایطالیا و اتباع دولت علیه در مملکت ایران حادث گردد در محکمه
و وکیل یا قونسول دولت ایطالیا مقیم بشرط مقالات تعیین و تحقیق
و اصلاح حکم بعدل و انصاف در محکمه دولت علیه ایران در محل عادیه
امورات است با حضور یکی از منتسبان یا قونسول دولت مزبوره خواهد شد
هر گاه مرافعه یا منازعه یا مباحثه در مملکت ایران فیما بین اتباع دولت ایطالیا و تبعه یک
دول خارجه واقع شود تحقیق و اجرای حکم آن بعهده وکلا یا قونسولهای طرفین خواهد بود
که این گفتگوها و منازعات فیما بین تبعه دولت علیه ایران و اتباع دولت بهیه
ایطالیا و تبعه سایر دول خارجه در ممالک محروسه ایطالیا اتفاق افتد قطع و انجام
و اتمام آن بنحوی خواهد بود که با اتباع دول کاملة الوداد در مملکت مزبوره معمول و مرتب
میشود تبعه دولت ایران در ممالک ایطالیا یا اتباع دولت ایطالیا در ممالک ایران الی آخر

بکنایات کبیره

بکنایات کبیره کرده باشد بهیچکه در مملکتین مزبورتین با اتباع دول کاملة الوداد
رفتار میشود با ایشان نیز معمول و مرتب و قطع و فصل خواهد شد فصل ششم
هر گاه احدی از اتباع دولتین علیتین در مملکتین وفات یابد ترکه او بتوسط
قونسول متبوعه او بالتمام تسلیم اقوام و وراث و صاحبان حقوق او خواهد شد
در صورتیکه شخص میت را وصی یا وارث شرعی نباشد متروکات او در مملکتین
بوکیل یا قونسول دولت میت تسلیم میشود تا مشارالیه مجبور از ادای قروض و وراث آن مالک
بر عهده میت است بر وفق قوانین متداوله در مملکت خود چنانکه شایسته
و باید در این باب بعمل آورد فصل هفتم دولتین متعاهدتین بجهة حمایت اتباع و تقویت
امور تجارت و فراهم نمودن اسباب حصول معاشرت دوستانه و اتحاد لازمه
فیما بین تبعه جانبین چنین اختیار نمودند که از طرفین سه نفر قونسول برقرار کرده قونسولهای
دولت ایران در دارالسلطنه طورن و ژن و کالیاری توقف خواهند داشت و قونسولهای
دولت ایطالیا در دار الخلافه طهران و بندر ابوشهر و دارالسلطنه تبریز مقرر خواهند بود

دولتین معاهدتین بالسویه در مدت توقف و سکونت مملکتین از اعزازات و امتیازات
و معافاتیکه قونسولهای دول کامله الوداد در ممالک محروسه جانبین محظوظ هستند بهره‌یاب
خواهند گردید مأمورین دیپلوماتیک و قونسولهای ایطالیا رعایای دولت ایران را
نه در ظاهر و نه در خفیه حمایت نخواهند کرد و مأمورین دیپلوماتیک و قونسولهای
ایران رعایای دولت ایطالیا را نه در ظاهر و نه در خفیه حمایت نخواهند کرد
قونسولهای دولتین معاهدتین که در مملکت طرفین مشغول تجارت شوند
مطیع خواهند بود بهمان قوانین و رسومی که سایر رعایای دولت
متبوعه خود شان مشغول تجارت مزبوره میباشند مطیع هستند فصل هشتم (ایشان نیز چنانچه)
این عهد نامه دوستی و تجارت حاضره که بملاحظه کمال صداقت و دوستی
و اعتماد فیمابین دولتین محروستین ایران و ایطالیا منعقد شده است بعون الله
از تاریخ روز مبادله امضا نامجات طرفین تا ده سال از جانبین بصحت
و دوام مرعی و محفوظ خواهد بود اما اگر یکسال پیش از انقضای این مدت هیچیک از دولتین
معاهدتین

معاهدتین میل خود را در توقیف اجرای این عهد نامه رسما بدولت دیگر
اعلام نکرده باشد عهد نامه حاضر برقرار خواهد ماند تا مدت یکسال بعد از تاریخ روز اظهار
چنان اعلام هر وقتیکه اعلام مزبور ظهور نماید وکلای مختار دولتین معاهدتین متعهد
میگردند که امضا نامجات پادشاه ذی جاه خود را در پاریس در ظرف شش ماه یا کمتر
اگر مقدور گردد مبادله نمایند وکلای مختار دولتین معاهدتین این عهد نامه مبارکه را
بخط و مهر خود مرقوم و مختوم نمودند در ۲۷ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۹ در طهران میان جناب جلالتمآب
وزیر امور دول خارجه و جناب موسیو چروتی وزیر مختار دولت ایطالیا منعقد و تمهید گردید
در روز سه شنبه ۵ ربیع الثانی موسیو چروتی وزیر مختار به ولایت خود معاودت نمود

از آنجا که منظور نظر همایون ما شاهنشاه بالاستقلال اعظم شهریار
بالاستحقاق اکرم مالک بالارث کشور ممالک ایران همیشه و معمولا حفظ
استحکام بنیان دوستی و مراعات خالصانه و یکجهتی با دولت بهیه ایطالیا بوده و هست
لهذا بر حسب صدور این اختیار نامه همایون جناب جلالتمآب میرزا سعید خان وزیر امور خارجه

مؤتمن السلطان صاحب تصویر همایون مرصع بالماس و دارای شمشیر و
و عصای مکلل بالماس صاحب حمایل سرتیپی اول و نشان آمل تاج آهنین
و نشان اول لیوبل بلجیقا و نشان اول وانبورغ و دانمارک و نشان
اول پوسر سوید و نشان اول مجیدیه عثمانی و نشان همشای روسیه از تبریز
اول و نشان دوئیم ژاپان و نور فرانسه و غیره و غیره و غیره را وکیل مختار
تعین فرمودیم که عهدنامه سابقه را با جناب موسیو چروتی وزیر مختار
و ایلچی مخصوص دولت ایطالیا بتغییر بعضی فقرات بنحویکه موجب حصول
منظور سطور فوق و مایه کمال استقرار دوستی و یک رنگی ما با اعلیحضرت کیوان
رفعت شهریار عادل دوست یگانه ملک پادشاه ایطالیا بوده باشد
و مقرون بمصلحت بداند منعقد نماید و اعلیحضرت ملوکانه ما بکمال وثوق و اعتماد بصدق ذات
آن را خواهیم فرمود و در اجرای آن عهدنامه توجه و مراقبت را بظهور خواهیم آورد

فی ۲۵ شهر ربیع الاول ۱۲۷۹

صورت قرارنامهٔ بندر عباسی که امام مسقط را بحکومت آنجا مأمور فرمودند

[illegible]

چون بر حسب امر و اجازت اولیای دولت قاهره ابد مدت جلیله
دوام شوکته و امره حکومت بندر عباسی و جزایر قشم و هرموز و جمال عسکر بازان
و شمیل و میناب و بیابان و بندر خمیر و هنگام که ملک مخصوص دولت ایران است
از قرار شروط و قیود مشروحه که مقرره مفصله ذیل بگذاران جناب
جلالت و نبالت پناه مجدت و نجدت و شوکت انتباه شهامت و دولت
و نبالت همراه صید سعید خان امام مسقط و عمان واگذار و مفوض کردیم
هرگاه قبول همیت شروط و قیود مقرره رفتار نماید و هیچ شرطی از شروط را
مهمل و متروک نگذارند اولاً آنکه حاکم بندر عباس باید تابع اجزای دولت ج

و نشد سایر حکام فارس در اطاعت فرمانفرمای فارس باشند و نوشته
حضرت اولیای دولت بسپارد و هم از تبعه دولت علیه ایران ثانیاً
همه ساله مبلغ شش کرور هزار تومان مالیات بابت پیشکش و تعارف
ارزو هر ساله [illegible] طهران یا دار العلم شیراز از قند تعصیب در چهار قطعه کار
از کارکنان دیوان اعلی سند خرج بگیرند تا آنکه خندق قلعه بنا گذارده در
در قلعه بندر عباس حفر می نمودند پر نمایند و بعد از این هم ابداً خندق را
حفر نکنند را ایچ مدت بیست سال اختیار حکومت آنجا با جناب
امام مسقط و اولاد و احفاد او باشد بعد از انقضاء مدت بیست سال آنجا را
معمور نموده بدولت واگذار نمایند اگر در ثانی باز اولیای دولت خواسته باشند حکومت
آنجا را با امام مسقط و اولاد او واگذار نمایند با انقضای [illegible] فرمان [illegible]
خواهند داد و الا اختیار خواهند داشت که خود تصرف کرده حاکم
دیگر بگذارند [illegible] سپاهی دولتی یا چند نفر مستحفظ سپاهی دیگر نگذارند که همیشه

در اینجا بوده

در اینجا بوده رعایت شرایط احترام بیدق دولت را منظور دارند که در ماه چهار روز
بگذارند و در روز نامه و سایر کشتی بیدق دولت و علامه بیدق با آنجا بیایند [illegible]
در روز مولود مسعود بندگان اقدس شهریاری روحنا فداه توپ شادی و همه کشتیها را [illegible]
و همچنین هر شب و صبح شلیک توپ و الله [illegible] باشد و سایر حکام بندر عباس در عالم
و قاطبه ساکنین آنجا در دست حاکم بندر عباس خواهند بود و در این چند سال که
دولت کرد [illegible] در [illegible] امداد و [illegible] بهانه جویی با اهالی [illegible] و کمال رعایت
و [illegible] بعمل بیاورند سابقا حاکم بندر عباس برای [illegible] بندر عباس [illegible] عهد
خاقان [illegible] مشتمل [illegible] در دست داشته [illegible]
بجای دیگر دخل و تصرف کند تا منتها هر وقت فرمانفرمای فارس یا حکمران [illegible]
برسبیل تفرج [illegible] خواسته باشند با آنجا رفته حاکم بندر عباس مثل سایر حکام شرایط
[illegible] و استقبال و لوازم احترام را بعمل آورده تا [illegible] اگر برای حکام فارس
یا کرمان بجهة مهمی لازم شود قشون بصفحات [illegible] دیگران [illegible] بنویسند [illegible]

حکام ولایات در لوازم خدمت در رسانیدن سیورسات و علیق و بدرقه و استطلاع خبرها
اهمال نکرده و خودداری ننمایند خاصه اگر فرمانفرمای فارس و صوبه‌داری [illegible] مملکت [illegible]
حاکم بندرعباس [illegible] نماید به محض اخبار بجناب امام مسقط بر دفع اشرار اهمال
نورزد و در دفع کسی که حاکم دیگر امام مسقط سلطنت برانند و در اطاعت حاکم فارس نباشند
بجای او دیگری را گمارد حادی عشر هرگاه از رعایای لارستان و سبعه و سایر ممالک فارس
یا از رعایای مملکت کرمان به آنجا پناهنده و بیان حدود فرار کنند به محض اظهار
و اعلام ضابط آن ملک به وطن اصلی خود مسترد دارند ثانی عشر این
شروط و قرار داد با جناب امام مسقط سید سعید خان که حاکم و والی [illegible]
است اگر متقبل مالک عمان و مسقط بشود در [illegible] او هست را با او [illegible]
و قرار نیست ثالث عشر الوالم بندرعباس و جزایر هرمز و قشم و تمیاب و میناب
و سایر متعلقات آنها در دست کسان جناب امام مسقط است جمعی از
مأمورین اهل خارجه را در آنجا راه ندهند و متعهد نشوند حفظ و حراست آنها را

و در این

و در دست اوست بر آنجا به انضمام هر مکان دیگر را استعداد توقف جهاز
بغله و کشتی جنگی داشته باشد و لنگرگاه بودن جهاز از [illegible] ادوات
دولت [illegible] باشد صراحتاً متعهد نشود که جمیع حدود و ثغور را که
مذکوره را از [illegible] دوست بر دو عربا داخلی [illegible] از راه دوستی و آشنایی باشند
محفوظ بدارد و ثانیاً مطلقاً اذن ندهد که هیچ جهازی دیگر کشتی و بغله و جهاز [illegible]
و دشمن با اسلحه یا بی اسلحه خواه عرب یا غیر عرب یا از دول خارجه از
حدود ممالک مذکوره بجنگ عداوت یا دشمنی یا به بهانه دیگر پا به آنجا بگذارد البته
و بجا [illegible] که در دست بندرعباس است بگذارد رابع عشر امام مسقط حق
ندارد که بندرعباس و ولایت مزبوره را اگر چه شرایط مذکوره هم باشد
بدیگری اعم از دول خارجه و غیره واگذار نماید بلکه باید بموجب قباله [illegible]
خود آن شیخ و یک نفر از کسان و منسوبان او در بندرعباس و توابع ولایات
از جانب او دخل و تصرف کنند لاغیر و شرایط مرقومه باید عمل نمایند

از قرار یکه تجار و تبعه دولت علیه ایران بعرض رسانیده بدستور سابق
شخص هندوستانی مستاجر گمرک کنانه مسقط عاملا از جانب خود مستقیم عباسی میگرفته است
و محمولات مال التجاره تبعه دولت علیه ایران را که از عباسی حمل هندوستان
و جای دیگر بشته عشور مقطوع را در عباسی دریافت میکرده در حالتیکه از هیچ
دولت و ولایتی چنین رسمی نیست محمولاتی که وارد ولایتی شود مع ذلک عشور
آن ولایت را از دولت محموله اخذ و دریافت کنند چون این فقره بدعت
و خلاف قاعده است لهذا باید امام مسقط این فقره را موقوف دارد
تا رفع این بدعت بعد الیوم بالمره شده شیء از اجناس مال التجاره از طرف
بر دیگر وارد عباسی شود آنهم بنحوی که شیخ سیف در حال حیوة خود عشور گرفته
بگیرند زیاده ازین بخط بعد عشور [illegible] عشر محمولات تجار [illegible]
در جزیره قشم باید به بندر عباسی آورده بتوسط [illegible] حاجی [illegible] التجار
بنده [illegible] تجار [illegible] عباسی [illegible] دقیق الوا[illegible]

دارای دارد

۱۲۷۲
دارای دارد که خلاف این بوده باشد حرر فی عشر [illegible] من شهر شعبان المعظم
سطان [illegible] بموجب تفصیل هذه ست عشر القیود والشروط
المقررات المسطورات فی هذه الورقة الذی امضاه الدولة العلیة [illegible]
قرره صحیح وقبول [illegible] بعد الیوم [illegible] طرفی ما یوقع [illegible]
حرر فی ۲ شهر شعبان ۱۲۷۳ صحیح [illegible] الفقیر [illegible]
صحیح الفقیر [illegible] صحیح است [illegible] سلطان
محمد [illegible] صحیح الفقیر [illegible]
[illegible] ضبط است
بنده درگاه آسمان جاه [illegible] را از تبعه [illegible] و [illegible]
ایران [illegible] حکومت عباسی و جزیرتین قشم و هرمز و [illegible]
و [illegible] که [illegible] بنده درگاه آسمان
جاه [illegible] شده است [illegible] محمولات [illegible]
موافق تشخیص [illegible] بدون تعطیل [illegible]
و [illegible] خود [illegible] و آبا و اجداد [illegible]
[illegible] الله [illegible]
و اگر [illegible] خلاف حکم [illegible] بنده درگاه صادر [illegible]
حکمش [illegible] حرر فی ۳ شهر [illegible] ۱۲۷۳
[illegible]

صورت عهدنامه دولت یونان در یوم بیست و چهارم شهر ربیع الاخری هزار و دویست و هشتاد و هشت هجری نبوی صلعم

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه بالاستقلال
کل ممالک محروسه ایران و اعلیحضرت اوتون اول پادشاه
یونان ملک افخم جانشین هر دو علی السویه میل صادقانه دارند
که روابط دوستی فیمابین دولتین برقرار و بواسطه اتفاق و یک عهدنامه
و تحریر
دوستی و تجارتی و سیر سفینه بالسویه نافع و سودمند تبعه دولتین متعهد

مودت و اتحاد جانبین را مستحکم سازند لهذا برای تقدیم این کار
اعلیحضرت شاهنشاه ایران جناب فخامت نصاب مقرب الخاقان
حاجی میرزا حسینخان ایلچی مخصوص و وزیر مختار خود مأمور دربار دولت عثمانی
صاحب نشان تمثال و خورشید از درجه اول با حمایل سبز و صاحب نشان امیر
تومانی و سرتیپی با حمایل مخصوص آنها و صاحب نشان درجه اول مجیدیه
و صاحب نشان درجه اول سلک شمشیر سوید و نروژ و صاحب نشان
درجه اول لیوپولد و صاحب نشان سنت آنا از درجه دویم مکلل بالماس
و دارای کمر مرصع و غیره و غیره و غیره را و اعلیحضرت پادشاه یونان جناب
سیور مارک رینزی ایلچی مخصوص و وزیر مختار خود مأمور دربار دولت عثمانی
صاحب نشان سنت سور را از درجه پنجم و غیره و غیره و غیره وکیل مختار خود تعیین کردند
و ایشان بعد از آنکه در اسلامبول مجتمع شدند و اختیارنامهای خود را
مبادله نمودند موافق ترکیب رسمی و بدیهیه فصول آتیه را برقرار کردند

فصل اول

فصل اول من بعد فیمابین دولت علیه ایران و رعایای آن دولت
و دولت بهیه یونان و رعایای آن دولت دوستی صادق و اتحاد محکم برقرار
خواهد بود

فصل دویم سفرا و مامورین دیپلوماتیک که دولتین علیتین
متعاهدتین هر بار بیکدیگر مامور و متوقف سازند در مملکتین نسبت به ایشان و اتباع
سفارت ایشان همان چیزها رفتار خواهد شد که در حق سفرا و سایر مامورین
دیپلوماتیک دول کاملة الوداد میشود و در هر باب از همان تشریفات
و معافات و امتیازات بهره یاب خواهند بود

فصل سیم تبعه دولتین علیتین متعاهدتین من بعد مأذون خواهند بود که بازادی
۹۸ اتمام در ممالک طرفین سیر نمایند و از خاک یکدیگر به ممالک همجوار بگذرند
و چنانکه کارگزاران دولتین متعاهدتین نسبت به ایشان کمال دقت را خواهند
کرد ایشان را از هر نوع مزاحمت محفوظ بدارند و همیشه بر امنیت شخصی ایشان
مراقبت نمایند و در حق ایشان نیز امکان اظهار رعایت کنند و در مدت سفر

و سیاحت بهیچوجه تعرض و تعدی بایشان وارد نیاید و دیگر حصول
این مقصود دیدند که عبور و مرور فراهم آید و سایر تاجرات بایشان اعطا خواهند گردید

فصل چهارم

رعایای دولتین علیتین از صنوف
تجار و پیشه وران و سیاحان که برای مصالح خود بممالک جانبین بروند
از حین دخول تا وقت خروج نسبت بایشان همان رعایت و مهربانی
و رفتار خواهد شد که نسبت برعایای دول کامله الوداد می شود بنابراین تبعه دولتین
علیتین متعاهدتین مادام که خواهند بود چه از راه دریا و چه از راه خشکی
آزادی تمام امتعه ممالک یکدیگر را بیاورند و از مملکتی بدیگر ببرند و در ولایات
طرفین حمل و نقل نمایند و در تمام وسعت ممالک دولتین موافق قواعد و قوانین
جاریه ولایات طرفین تجارت نمایند خانه ها و انبارها و دکاکین بجهت امور خود
اجاره کنند و از ایشان بهیچ اسم و رسم و بهانه مالیات مطالبه نخواهد شد
مگر آنچه از رعایای دول کامله الوداد مطالبه می شود و این مقرر است که هر اختصاص

وحق و امتیا

وحق و امتیازی که دولتین علیتین متعاهدتین بیک دولت ثالث بدهند
همان اختصاص وحق و امتیاز نیز برعایای دولتین اعطا خواهد شد بغیر از
اختصاصات و امتیازاتیکه یکی از دولتین متعاهدتین بدولت ثالثی بنا بر
بر اطمینان تحصیل عوض در مقابل داده باشد و این نیز مقرر است که هرگاه یکی
از دولتین متعاهدتین با وجود دادن عوض بالمساویه مستحق خواهش همان
امتیاز خواهد بود بشروط براینکه آن عوض بالمساویه قابل رضا و موجب
قبول طرف دیگر باشد رعایای دولتین علیتین متعاهدتین در مملکتین بجواز دهند
تجارت داخله نمایند در باب تجارت مزبوره تطبیق آن قوانین خواهند
بود که مختص تجارت مزبوره است صاحب منصبان و مأمورین با رعایای
دولت علیه ایران به عنف و جبر خانه ها و انبارها و دکاکین یک رعیت ایرانی را
نخواهند گشود در صورت لزوم باید در هر جائیکه مأمور پلیس با تبعه قونسول یا وکیل قونسول
بدهان پیش از وقت اخبار کنند که شارالیهم نیز از طرف خود کسی همراه

در موافقت خواهش کارگذاران محلی خواهند کرد و هیچ تجسس فائق
جایز نخواهد بود مگر در حضور تا پانزده مأمور یا قونسول ایشان را ایشان تعیین کرده باشند
در جائیکه مأمور یا قونسول یونان نباشد در این باب نسبت به تبعهٔ دولت
مشارالیها همان رفتار خواهد شد که نسبت برعایای دول کاملة الوداد میشود
در جائیکه از دولت مشارالیها مأمور یا قونسول نیست

فصل پنجم

رعایای دولت بهیه یونان که بممالک محروسه ایران امتعه ببرند یا از ممالک
مزبوره حمل بخارج نمایند در باب حقوق گمرک نسبت بایشان همان رفتار
خواهد شد که نسبت برعایای دول کاملة الوداد علیهذا میشود و همچنین رعایای دولت
علیه ایران که بممالک یونان امتعه ببرند یا از ممالک مزبوره حمل بخارج
نمایند در باب حقوق گمرک و مالیات نسبت بایشان همان رفتار خواهد شد

فصل ششم

که نسبت برعایای دول کاملة الوداد میشود
کشتیهای تجارتی که به بنادر مملکتین محروستین داخل شده اقامت خواهند کرد

چه خالی و چه محمول

چه خالی و چه مملو از امتعه تجارت از حین دخول تا وقت خروج بهره‌مند
از جمیع مراعات و امتیازات خواهند شد و مجبور باداء وجه بالیه دیگر
باستثنای آنچه از کشتیهای دول کاملة الوداد مطالبه میشود نخواهند شد هر گونه
امتعه و محصولات بدون تعیین محل خروج و دخول آنها که بواسطهٔ
کشتیهای دولتین معاهدتین حمل و نقل خواهد شد وجه گمرکی که از کشتیهای
دول کاملة الوداد علیهذا چه در حین ورود امتعه و محصولات بممالک جانبین

فصل هفتم

و چه در حین خروج مطالبه میشود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد
هرگاه کشتیهای دولت علیه ایران یا دولت بهیه یونان در بنادر و سواحل
ممالک جانبین غرق شوند معاونت لازمه که بکشتیهای سایر دول

فصل هشتم

کاملة الوداد داده میشود بعینها نیز بآنها داده خواهد شد
بجهت حمایت تبعه و تجارت جانبین و بجهت تسهیل مراودات حسنه و علاقه
فیمابین رعایای طرفین دولتین علیتین معاهدتین برای خود این حق را اختیار

میکنند که هر یک سه نفر قونسول تعیین نماید قونسولهای دولت علیه ایران
در آتن و سیرا و در یکی از بنادر دیگر که بعد باید معین شود اقامت خواهند کرد
و قونسولهای دولت بهیه یونان در دار الخلافه طهران و دار السلطنه تبریز و در یکی
از بنادر خلیج فارس که بعد باید معین شود اقامت خواهند کرد قونسولهای
مملکتین چه شخصاً و چه برای اجرای مأموریت و چه برای خانه خود و چه برای
مأمورین و خدمه ایشان بهره یاب خواهند بود از همان احترامات و امتیازات
که در حق قونسولهای هم رتبه و مأمورین تجارتی دول کاملة الوداد مرعی و معمول
میشود در حالت ظهور اغتشاش ولایتی باید که بموجب استدعای قونسولها بحکم
حفظ و حراست خانه قونسولگری لازمه مستحفظ مأمورین و سلاماتیک و قونسولها
یونان نباید که از خفیه و در ظاهر هیچ یک از تبعه دولت علیه ایران را که در خدمت
سفارت یا قونسول جنرال یا قونسول و وکلای قونسول دولت یونان
نباشد حمایت کنند و این مقرر است که اگر یک قونسول یا وکیل قونسول یا مأمور قونسول
دولت بهیه یونان

دولت بهیه یونان در ممالک محروسه ایران مشغول تجارت شود در باب
تجارت خود مطیع خواهد بود بهمان قوانین و رسومیکه در حق رعایای دولت
متبوعه او جاری است سفرا و قونسولهای دولتین علیتین متعاهدتین برای
خدمات خود هر مترجم و هر خدمه خانه و ملازم را که مناسب دانند نگاه
خواهند داشت بدون تشخیص تبعیت آنها هرگاه اتفاقاً یکی از اراذل
اشخاصیکه در خدمت سفارت الیهم هستند مرتکب حرکات ناشایست شوند
سفیر و قونسولیکه در خدمت خود او را دارد باید بمحض اظهار کارگذاران
ولایتی او را از خدمت خود اخراج نماید در صورتیکه مأمور و ملازم مزبور از تبعه دولتین اند

فصل نهم

مرافعات و مباحثات و منازعاتی که در ممالک محروسه
ایران فیمابین رعایای یونان و یا فیمابین تبعه یونان و رعایای خارجه
واقع شود قطع و فصل آن موافق قاعده و رسومیکه در ممالک جانبین در حق
سایر رعایای دول کاملة الوداد مقرر و معمول است خواهد شد مرافعات و مباحثات

و منازعاتیکه در ممالک محروسه ایران فیمابین رعایای ایران و رعایای
یونان واقع شود رجوع به دیوانخانهای ایران خواهد شد و لیکن قطع و فصل و حکم
مباحثات و دعاوی جایز نخواهد بود مگر در حضور مامور و وکیل ماتیک یا قونسولهای
یونان یا باسم او در حضور دیگر مترجم یونان و در هر حال موافق شان
رفتار شود که در حق سایر دول کاملة الوداد معمول و مجری است در باب جرایم
کبیره هرگاه رعایای دولت بهیه یونان در ممالک محروسه ایران و یا رعایای
دولت علیه ایران در مملکت یونان متهم بگناهان کبیره گردند بهیچ وجه در
ممالک جانبین موافق قواعد مقرره معموله در حق سایر رعایای دول
دول کاملة الوداد در این باب رفتار شود با ایشان نیز معمول و مرتب خواهد شد
هرگاه احدی از اتباع دولتین در مملکتین محروستین وفات یابد متروکات
او را ماشاء بالتمام بوکیل یا قونسول دولت متبوعه طلب تسلیم خواهند نمود
تا شرایط موافق قوانین متبعه او در مملکت خود چنانکه شاید و باید معمول دارند

فصل دهم

فصل دهم

هرگاه فیمابین یکی از دولتین متعاهدتین
و یک دولت دیگر جنگ واقع شود محض این سبب هیچ نوع خلل و ضرر
و تغییری بمراوده حسنه و بروش صادقانه که باید الی الابد فیمابین دولتین
علیتین ایران و یونان برقرار شد نخواهد رسید

فصل یازدهم

این عهدنامه دوستی و تجارت که بجهت حفظ کمال صداقت و دوستی و اعتماد فیمابین
دولتین محروستین ایران و یونان منعقد شده است بعون الله تعالی
از تاریخ روز مبادله امضانامجات تا دوازده سال از جانبین بعد از
وداد مرعی و محفوظ خواهد بود و اما اگر یک سال پیش از انقضای موعد مقرره
هیچ یک از دولتین میل خود را در توقیف و اجرای این عهدنامه رسماً
بدولت دیگر اعلام نکرده باشد عهدنامه حاضره برقرار خواهد بود تا مدت
یک سال بعد از اظهار چنان اعلام هر وقت که اعلام مزبور ظهور نماید و وکلای
مختار دولتین متعاهدتین تعهد میکنند که امضانامجات پادشاه و دستخط خود را در اسلامبول در ظرف شش ماه

یا کمتر اگر مقدور گردد مبادله نمایند وکلای مختار دولتین متعاهدتین این
عهدنامه مبارکه حاضره را بخط و مهر خود مرقوم و مختوم نمودند این عهدنامه
در دو نسخه بزبان فارسی و فرانسه در تاریخ بیست و چهارم شهر
ربیع الاخر یکهزار و دویست و هفتاد و هشت هجری مطابق
شانزدهم ماه اکتوبر یکهزار و هشتصد و شصت و یک سنه عیسوی
در اسلامبول منعقد شد

محل مهر میرزا حسین خان وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت علیه

محل مهر [illegible] ایلچی و وزیر مختار دولت یونان

صورت قرارنامه که اولیای دولت علیه ایران در باب قندهار با سردار محمد علم خان پسر سردار رحمدل خان مقرر فرمودند مورخه ۱۲۷۳ هجری [illegible] بمهر صدر اعظم رسید بسردار الیه داده شد

بسم الله الرحمن الرحیم

نظر باینکه مرحوم سردار کهندل خان در خدمت اولیای دولت علیه
ایران از سایر افغانستان حسن خدمت و سبقت خود را ظاهر ساخت
کمال سعی و اهتمام از اولیای دولت علیه مبذول خواهد افتاد که مملکت
قندهار را از تصرف امیر دوست محمد خان بیرون آورده بتصرف عمدة الامراء
العظام سردار رحمدل خان و اولاد مرحوم کهندل خان بدهند و حکومت آنجا
بسردار رحمدل خان تعلق داشته باشد و سایر خانواده نیز حکام تابع
در جای خودشان و گذرانی داشته باشند و این اوقات که سردار برادر
وکالة از جانب خود شفیقه عمدة الامراء العظام سردار محمد علم خان پسر ارشد خود را
برکاب مبارک سرکار اقدس اعلیحضرت شاهنشاه ایران صانها الله تعالی
عن الحدثان فرستاده بود اولیای این دولت جاوید مدار خواسته که سردار
معزی الیه را از مکنونات خاطر خود مستحضر سازند حسب الامر الاقدس ترقیم

اینصفحه پرداخته که سردار معزی الیه مطلع گشته باطمینان خاطر خدمت
دولت را از کف نگذارد

چنانکه سرداران قندهار از عهد [illegible] دولت علیه ایران در قندهار و سایر افغانستان
بسر برده الیه الله تعالی [illegible] بطرز تملک و تصاحب هرات نخواهد کرد
دولت ایران نسبت بسایر افغانستان [illegible] خواهش مالیات و غیره [illegible] نخواهد
[illegible] از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت [illegible] نموده که [illegible] خاطر [illegible]
شاهنشاه جهان پناه ایران [illegible] اولیای دولت علیه قبول خواهند [illegible]
مکرمت و ظهور مرحمت بر سایر سرداران [illegible] و همیشه بجمع [illegible] و مکارم [illegible]
قندهار سبقت داشته باشند و در مقام [illegible] از جانب سنی الجوانب همایون اعلیحضرت
[illegible] بیشتر و بهتر از سایر افغانستان شاهنشاهی [illegible] الله تعالی ایام [illegible]
باشند [illegible] مفتخر و سرافراز خواهند [illegible]

دولت علیه ایران هر یک از سرداران دولت ایران [illegible] قندهار [illegible]
افغانستان را در قندهار [illegible] در قندهار نخواهد [illegible]
[illegible] خود [illegible] سردار رحمدل خان اگر برای تقویت
[illegible] خود خواهش کند هر قدر [illegible]
[illegible] موفق [illegible]
دولت ایران از حمایت طرف ضعیف [illegible] معزی الیه [illegible] استقلال
دریغ نخواهد نمود هر یک در مملکت متعلقه و استقرار سردار معزی الیه [illegible]
بجود استقلال و استقرار [illegible]

اگر احتیاج از دولت اجنبیه [illegible] قشون دولت در طرف قندهار
بقصد [illegible] تصاحب افغانستان [illegible] برای دفع دشمن سردار [illegible]
عموما و قندهار خصوصا [illegible] برای دفع دشمن دولت علیه

دولت ایران

دولت ایران از فرستادن قشون [illegible] البته سردار رحمدل خان بقدر قوه در [illegible]
اخراجات هیچ مضایقه نخواهد نمود [illegible] قشون دولت معاونت خواهد نمود علاوه
دفع دشمن و معاندان را از آنها [illegible] سردار [illegible] سردار رحمدل خان از خود [illegible]
رحمدل خان نیز [illegible] اگر برای این دولت [illegible] قشون دولت کمک خواهد [illegible]
[illegible] دشمن [illegible] برای دولت [illegible] لازمه اهتمام و سعی را بعمل خواهد آورد
[illegible] ضرور شود از قندهار
[illegible] قشون و موافقت با قشون
[illegible] از دولت [illegible] آنها

[illegible]

اگر خدا نکرده [illegible] خارج [illegible] در باب سرداران قندهار [illegible]
سرداران قندهار [illegible] آنها حرف سردار رحمدل خان
زیست نمایند [illegible] بهمه مقدم خواهد [illegible]
ایران معزز و محترم خواهند بود [illegible] معزی الیه [illegible] خواهند داد [illegible]
اقامت آنها [illegible] خواهند [illegible] زادگان را [illegible]
برای [illegible] معاش آنها داده خواهد [illegible] اولیای دولت علیه نخواهند [illegible]
آسوده باشند
[illegible] ممالک ایران خواهند آمد [illegible]
اخراجات [illegible] باید موافق [illegible]
اولیای دولت علیه سردار معزی الیه [illegible]
[illegible] مدار معاش [illegible] ایران [illegible]

جمیع حجاج و زوار [illegible] اصلح [illegible]
عموما و قندهار خصوصا [illegible] از ممالک [illegible] اولیای دولت علیه [illegible]
[illegible] نخواهد [illegible]
[illegible] دولت علیه ایران با آنها [illegible]
[illegible] دولت [illegible] اولیای دولت علیه [illegible]
[illegible]
[illegible]
ممالک محروسه بر فاه [illegible]
دولت علیه مغفول الیه [illegible]

در خصوص تجار و عابرین ولایات ایران چونکه دولت ایران نسبت بحجاج و زوار و تجار قندهار سلوک میکنند سرداران قندهار نیز با آنها سلوک کرده از شر تعدی جهال و اشرار و قطاع الطریق محافظت و صیانت نمایند و اگر تعدی برانها بشود در مقام بازخواست و چاره برآیند

یک شخص از جانب دولت علیه در قندهار بماند که مراقب و متصدی امور رعیت ایران و بعضی از تا تعیین مخصوص دولت علیه در آنجا باشد و هر گاه نسبت بانها تعدی شود با امر او رجوع شود اتفاق افتد در خصوص آن شخص مخصوص سرداران کفایت نمایند و تحقیقات آن امر را نماید و این شخص هرگاه از اینها مقرر شود خواه از اینجا برقرار شود تفاوت نمیکند انتقید بر این کار را از او خواسته شود

[illegible]

صورت قرارنامه که همین قهرت را سردار محمد علم خان نوشته باولیای دولت علیه سپرده

بنده درگاه جهان پناه وکالة از جانب قبله گاه صاحب خود سردار [illegible]

سرداران قندهار که از عرایض ایشان معلوم میشود مراد کمترین بنده است در خدمت

اولیای دولت

اولیای دولت علیه ایران صانها الله تعالی عن الحدثان فقرات مسطوره ذیل را قبول فرمایند ان شاء الله تعالی بعد از فتح قندهار امضای همین فقرات را

بمهر قبله گاه خود سردار رحمدل خان کرده بفرستند

چنانکه از قدیم الایام قندهار تابع دولت ایران بوده [illegible] علیه ایران بعد بعد از این کماکان از نوکری و عرض حالات خود بان اولیای دولت علیه [illegible] و خدمت این دولت انحراف نداریم و در [illegible] دولت علیه را همیشه از روی لطف فرمایش را طاعت بقدر طاقت لاادای [illegible] مستحضر بوده [illegible] خدمت این دولت بیدون تعلق قدم و اقدام نمائیم [illegible] ابدی آیت داشته از جمیع دول احتراز بسته و متعلق باین دولت بدانیم و خود را در [illegible] حمایت این دولت دانسته و تیره [illegible] خواهیم داشت و آنچه سرداران قندهار است بدون اذن [illegible] از سرداران افغانستان خواسته باشد [illegible] دولت ایران از خاک خود [illegible] علیه مخالفت نماید این بنده درگاه [illegible] اولیای دولت علیه در مقام [illegible] و به هر طوری اولیای دولت علیه [illegible] رفتار که مغایرت تمامی [illegible]

[illegible]

نیز قرار میدهد هر گز بین بندگان و سرداران قندهار مطلقا واصلا با دولت انگلیس مراوده و دوستی [illegible] بلکه مردم خود را ممانعت نمایند از آمد و رفت و مراوده و دوستی با انگلیس

معلم فرنگی یا توپچی و غیره هر چه ضرور شود و اللهم داشته باشیم از دولت علیه ایران میخواهیم و از دیگران [illegible] قرچ یا سرباز لازم نداریم

از جانب اولیای دولت علیه اگر در حق کسی از اهالی آنجا وظیفه یا مستمری مرحمت شود اولیای دولت علیه بقندهار حواله نمایند [illegible] مضایقه آن را مقرر دهند خواهیم داشت [illegible] اگر مظلوم و ملهوف از اهالی این ملک خدمت اولیای دولت علیه عارض شود اولیای دولت علیه حق خواهند داشت و عذر [illegible] بهر طور حکم از دولت صادر شود ان شاء الله تعالی سرداران قندهار [illegible] دارند

سرداران قندهار متعهد میشوند [illegible] تجار ایران را از هر جهت [illegible] از خاک [illegible] و محروس دارند و اگر از جهال و قطاع الطریق [illegible] اموال آنها را [illegible] و مرتکبین را [illegible]

بعد از برقرار شدن سردار رحمدل خان در قندهار [illegible] و دیگر آنکه شخص از جانب دولت علیه ایران در قندهار [illegible] مراقب [illegible] امور رعیت ایران [illegible]

[illegible]

و مردم را راضی کنند [illegible] سردار رحمدل خان ولایات قندهار [illegible] علیه ایران [illegible] و مصلحت سرداران قندهار [illegible] و آن اینست که سکه و خطبه را در قندهار بنام نامی و اسم سامی سرکار اقدس اعلیحضرت شاهنشاهی صانه الله تعالی [illegible] روح العالمین فداه بکنند لکن از آنجا که مردم آن سامان همه افغان و [illegible] صفت [illegible] انجام این مرام قدری صعب الحصول است [illegible] دولت علیه [illegible] و سردار رحمدل خان را برقرار نمایند [illegible] خواهد نوشت بر ذمه کل سرداران [illegible] بعد از آنکه قبول نکنند خواهند کرد [illegible] سردار رحمدل خان و سایر سرداران البته بالطوع والرغبه قبول خواهند داشت و اگر لطف [illegible] نبوده مردم خود [illegible] که قشون دولت علیه [illegible] قندهار را تخلیه نمایند [illegible] حصول این مقصد [illegible] و سردار رحمدل خان و سایر سرداران آنچه لازمه سعی و کوشش است در هر صورت [illegible] این [illegible] برادر [illegible] خارج [illegible]

بنده درگاه جهان پناه [illegible] محمد علم خان [illegible]

[illegible]

صورت عهدنامه دولت ایران
با دولت اوستریا بعون الله

بعون ایزد متعال پادشاه با استقلال اعظم و شهریار بالاستحقاق اکرم رتبت
افزای سریر خلافت و تاجداری و زینت بخش اریکه سلطنت و شهریاری مجری آثار
عدل و انصاف ماحی علایم جور و اعتساف دارای تاج و تخت دارای فر و بخت دارا اقتدار
ملوک کیان مالک بالارث ممالک ایران موافق این مبارک سطور
هر کس بتواند تعلق داشته باشد معلوم میفرمائیم که در بیست و دویم شهر رمضان
المبارک هذه السنه هزار و دویست و هفتاد و سه هجری در پاریس فیمابین اعلیحضرت
ملوکانه و اعلیحضرت امپراطور اوستریا موافق اختیارنامه‌هائی که از طرفین
داده شده بود یعنی از جانب ما بجناب جلالتماب مقرب الخاقان فرخ خان
امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب تصویر همایون با حمایل آبی
و دارای کمر مکلل

و دارای کمر مکلل بالماس و غیره و غیره و از جانب اعلیحضرت امپراطور
اوستریا بجناب بیور بارون ژرژف الکسندر و هوبنر صاحب نشان‌های
سلک امپراطوری لئوپولد و تاج آهنی از رتبه اول سفیر مخصوص و سفیر کبیر
مقیم دربار دولت فرانسه عهدنامه دوستی و تجارت قرار داده و منعقد شده است
و مشتمل است بر فصول آتیه و کلمه بکلمه از این قرار است

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون شاهنشاه اعظم
و پادشاه بالاستقلال کل ممالک ایران و اعلیحضرت امپراطور
اوستریا پادشاه ماجارستان و چه و لمبارد و ونیک و دلماچیا
و خرواط و اسکلاونیا و کالیچیا و لودومریا و ایلیریا و ارشیدوک
اوستریا و غیره و غیره هر دو علی السویه آرزوی صادقانه دارند که فیمابین
روابط دوستی برقرار نمایند و یک عهدنامه دوستی و تجارتی و سیاحت سفینه‌ها

نافع و سودمند بتبعه دولتین متعاهدتین که مدت چندین سال مستحکم سازند لهذا
برای تقدیم این کار اعلیحضرت شاهنشاه ایران جناب جلالتماب مقرب الخاقان
فرخ خان امین الملک سفیر کبیر خود صاحب تصویر همایون با حمایل آبی و دارای
کمر مکلل بالماس و غیره را و اعلیحضرت امپراطور اوستریا جناب بیور بارون
ژرژف الکسندر و هوبنر صاحب نشان سلک امپراطوری لئوپولد و تاج آهنی
از رتبه اول سفیر مخصوص و سفیر کبیر خود مقیم دربار اعلیحضرت امپراطور
فرانسه را وکلای مختار خود تعیین کردند و ایشان بعد از آنکه در پاریس
مجتمع شدند و اختیارنامه‌های خود را مبادله کردند و مطابق و موافق
ترکیب رسمی یافتند فصول آتیه را قرارداد کردند فصل اول از تاریخ امروز
فیمابین ممالک و رعایای دولت علیه ایران و ممالک و رعایای دولت بهیه اوستریا
دوستی صادق و اتحاد صمیمی برقرار خواهد بود فصل دویم سفرای اوستریا و مأمورین
دیپلوماطیک که دولتین علیتین متعاهدتین بخواهند در دربار یکدیگر مأمور و مقیم سازند

در مملکتین

در مملکتین نسبت بایشان و اتباع سفارت ایشان همان پذیرائی و رفتار
خواهد شد که در حق سفرا و مأمورین دیپلوماطیک دول کاملة الوداد میشود
و در هر باب از همان تشریفات و معافات و امتیازات بهره‌مند خواهند
بود فصل سیم تبعه دولتین متعاهدتین بعد از این مأذون خواهند بود که با نهایت آزادی
تام در ممالک طرفین سیر نمایند و از کلیه ممالک همجوار بگذرند و بآنجا
کارگزاران اولیای دولتین متعرض ایشان نشوند بلکه کمال دقت را خواهند کرد که ایشان را از هر نوع
مرارت محفوظ بدارند و همیشه هیئت شخص ایشان را مواظبت نمایند و در حق ایشان
بقدر امکان اظهار رعایت کنند و در مدت سفر هیچ چیز مضر و تعرض و تعدی بایشان
وارد نیاید و بجهة این مقصود مذکوره همه روزه فراهم دارند تا حاجات ایشان را عطا
خواهند کرد فصل چهارم رعایای دولتین از صنوف تاجر و پیشه‌وران و سیاحان از برای
مصالح خود بممالک جانبین بروند از همین و غیره ... بایشان رعایات
بشود که از رعایای دول کاملة الوداد متوقع نیابد تبعه دولتین مأذون

خواهند بود چه از خشکی و چه از دریا امتعه بممالک یکدیگر بیاورند و از مملکت
همدیگر ببرند و در ملاءات طرفین حمل و نقل کنند و در تمام وسعت ممالک
دولتین موافق قواعد و قوانین جاریه ملاءات طرفین تجارت نمایند و خانه‌ها
و انبارها و دکاکین از جهة امور خود اجاره نمایند و از ایشان بهیچ اسم و بهانه مالیاتی
مطالبه نخواهد شد مگر آنچه از رعایای دول کاملة الوداد مطالبه میشود و این نیز مقرر است
که اگر دولت علیه ایران برعایای یک دولت خارجه در ایران حق تحصیل و تملیک اراضی و خانه‌ها
و انبارها و سایر املاک بدهد همان حق نیز برعایای دولت اوستریا داده خواهد
شد رعایای دولتین که در مملکتین بخواهند تجارت و اقامه نمایند در باب این تجارت مطیع
قوانین آن مملکت خواهند بود و همچنین تجارت مزبوره مخصوص آن تا مأمورین
یا رعایای دولت علیه ایران بعنف و جبر خانه‌ها و انبارها و دکاکین یک رعیت
اوستریا نخواهند شد و در صورت لزوم باید در هر جائیکه مامور دیپلوماتیک یا قونسول
اوستریا هست آن را پیش از وقت اخبار کنند و تفتیش خانه جایز نخواهد بود

مگر در حضور

مگر در حضور نایب مامور یا قونسول مشار الیهم که تعیین کرده باشند در جائیکه مامور
یا قونسول اوستریا نباشد در این باب نسبت به تبعه دولت مشار الیها همان رفتار
خواهد شد که نسبت برعایای دول کاملة الوداد میشود در جائیکه از دول مشار الیهم مامور
یا قونسول نیست فصل پنجم رعایای دولت اوستریا بممالک ایران امتعه
ببرند یا از ممالک مزبوره بخارج حمل نمایند در باب حقوق گمرک نسبت بایشان همان
رفتار خواهد شد که نسبت برعایای دول کاملة الوداد میشود و همچنین رعایای ایران
که بممالک دولت اوستریا امتعه ببرند یا از ممالک مزبوره بخارج حمل کنند در باب
حقوق گمرک و مالیات نسبت بایشان همان رفتار خواهد شد که نسبت برعایای دول
کاملة الوداد میشود فصل ششم نظر باتحاد صمیمی و مراودات مخصوصه فیمابین
دولت اوستریا و سایر دول اتفاق جرمانیا برقرار است اعلیحضرت شاهنشاهی قبول مینمایند
امپراطوری قبول مینمایند که تبعه ممالک مزبوره جرمانیا باید در ایران بهره‌یاب باشند
از جمیع حقوق و امتیازات که بواسطه این عهدنامه تجارت به تبعه اوستریا واگذار شده است

بشرط آنکه دول مزبوره جرمانیا در مدت سه سال از تاریخ تصدیق این عهدنامه
تعهد کنند همان حقوق و منافع را در ممالک اوستریا بتجارت و رعایای ایران واگذار شده
خود نیز بتجارت و رعایای ایران بدهند فصل هفتم دولتین علیتین متعهدتین بجهة حمایت تبعه
و تجارت جانبین و بجهة تسهیل مراودات حسنه و عادلانه رعایای طرفین برای
خود این حق را اختیار میکنند که هر یک از دولتین سه نفر قونسول تعیین نمایند و قونسولهای
ایران در وینه پایتخت و طریست و ونیز اقامت خواهند داشت قونسولهای اوستریا
در دار الخلافه طهران و دار السلطنه تبریز و در یکی از بنادر خلیج فارس که باید معین
شود مقیم خواهند بود و از کل احترامات و امتیازات که در حق قونسولهای سایر
و مامورین تجارتی دول کاملة الوداد معمول میشود در حالت ظهور اغتشاش و بلوای
باید بموجب استدعای قونسولها بجهة حفظ و حراست خانه قونسول گری اهل نظام مستحفظ
بایشان بدهند مامورین دیپلوماتیک و قونسولهای اوستریا نباید در حمایة و نوکری خود
هیچیک از تبعه ایران را بجز خدمت سفارت امپراطوری یا قونسولهای خود

یا قونس

یا قونسول و وکلای قونسول اوستریا نداشته باشند حمایت اما اگر دولت ایران بیک
دولت خارجه چنین حقی بدهد همان حق نیز بدولت اوستریا داده خواهد شد و در این خصوص
مثل سایر خصوصیات دولت اوستریا بهره‌یاب خواهد بود از همان امتیازاتی
که بدول کاملة الوداد داده میشود و این نیز مقرر است که اگر از اتباع و مامورین قونسولگری دولت
اوستریا در ایران مشغول تجارت شود در باب تجارت خود بهمان قوانین و رسوم
که در حق رعایای دولت متبوعه ارجاع است مطیع خواهد بود فصل هشتم دولتین علیتین
جمیع تعهدات و سایر قید و دادهائیکه تبعه جانبین را در باب امور تجارتی
با کمال صدق و درستی محفوظ و معتبر خواهند داشت بجهة مزید مواظبت
تبعه اوستریا در ایران تمسکات و ضمانات و ناخیات و جمیع قباله‌جات
که فیمابین رعایای دولتین علیتین متعهدتین در باب امور تجارتی منظور و ابراز شود باید
در دیوانخانه و در صورت عدم آن در نزد کارگذاران دولتی و محترمین رجوع ایشان
کار ما باشند و کذالک در هر جائیکه قونسول اوستریا باشد در نزد او نیز تمضی شود

امور متنازعه نتوانند از عهده تحقیق را بجا آورند و متنازعات مزبوره را بوجه عدالت
قطع و فصل نمایند بنا بر این هرگاه مستندات صحیحه بطریق مذکور نوشته باشد و بر علیه
یک رعیت اوستریا ادعائی برپا نماید و بجز اقرار مدعی هیچ بینه و دلیل ثابته
ادعای او مسموع نخواهد شد مگر در صورتیکه ادعای مذکور بعقیده رعیت اوستریا نیز ثابت
و همچنین دولت بهیه اوستریا تعهد میکند در ممالک خود بر وفق قواعد دول بهیه
مواظب امنیت رعایای ایران بشود و در ایاب و ذهاب نسبت بایشان مثل رعایای دول
کاملة الوداد رفتار نماید فصل نهم جمیع متنازعات و مباحثات و کلیه دعاوی
که در ایران فیمابین تبعه اوستریا روی دهد در آن محل یا در مکان اقرب بآنجا
مقیم باشد مواد مذکوره را بر وفق قوانین اوستریا تحقیق و فصل خواهد کرد و الحکم
کارگذاران دولتی نتوانند بهیچ وجه من الوجوه مخالفت یا معارضه نمایند
دعاوی و متنازعات و مباحثاتیکه در ایران فیمابین تبعه اوستریا و رعایای سایر
دول خارجه اتفاق بیفتد قطع و فصل مواد مذکوره فقط بتوسط مأمورین

یا قونسولها

یا قونسولهای ایشان خواهد بود جمیع متنازعات و مباحثات و کلیه دعاوی
که در ایران فیمابین تبعه دولتین علیتین متعاهدتین ظهور نماید در دیوانخانهای
ایران قطع و فصل خواهد شد ولی قطع و حکم این مباحثات و دعاوی جایز نخواهد بود
مگر در حضور رسید الحکم مأمور دیپلوماتیک یا قونسول امپراطوری یا بحضور
یک مترجم اوستریا و طرفین تمام این مواد بر وفق قوانین و رسوم مملکت فیصل خواهد یافت
وقتیکه مرافعه بحکم حاکم مشروع طی شد تجدید محاکمه آن ممکن نخواهد بود و اگر
بعد از وقوع حکم مجدداً استطلاع و تحقیق آن واجب شد این تجدید محاکمه جایز
نخواهد بود مگر بعلم مأمور دیپلوماتیک یا قونسول اوستریا یا بحضور قونسول مشارالیه
در حضور مترجم اوستریا و دیگر از دیوانخانهای بزرگ و قطعی در طهران یا تبریز یا اصفهان
مقرر است بالمعاوضه این تعهدات تبعه دولت علیه ایران در ممالک
اوستریا در حالت ظهور متنازعه که مصالح و حقوق گشته خود بهره یاب
خواهند بود از حمایت کامل قوانین و دیوانخانهای اوستریا بجهات تحمل [illegible]

مملکتی و تبعه سایر دول خارجه بهره مند هستند و در باب هر خلعه مأمورین دیپلوماتیک و قونسولها
و کارگذاران دولت علیه ایران در امور رعایای ایران در نزد کارگذاران امپراطوری دولت بهیه اوستریا
بایشان بهمان مرتبه توسط خواهند داد در ممالک اوستریا [illegible] قونسولهای دول کاملة الوداد توسط مینمایند
فصل دهم اگر یکی از تبعه دولتین علیتین در ممالک جانبین مفلس شود تمام اموال و اشیاء و مطالبات او را قونسولها
ثبت خواهند کرد و از عهده حساب را قطع و بعد از آن اموال و اسباب طلبکاران را بموجب حقانیت
و بوفق مناسبت تقسیم نمایند و پس از اتمام این امر طلبکاران مذکوره باید بعد از اخذ مبالغ
منقسمه مستندات طلب خود را رد نمایند این مقدمه درباره یک رعیت اوستریا در ایران
معمول نخواهد بود مگر بعلم و توسط مأمور دیپلوماتیک یا قونسول اوستریا و قونسولهای مشارالیه قبل از اظهار
طلبکاران باید تا آنجا که لازمه تفحص اقدام خواهند نمود و معلوم کنند که آیا مفلس مذکور در وطن خود اموالی
که کفایت طلب ایشان را نماید باقی گذاشته است یا خیر هرگاه یک رعیت ایرانی در ممالک اوستریا
مفلس شود دولت بهیه اوستریا بمأمورین و قونسولها و کارگذاران دولت علیه ایران
در خصوص توسط ایشان در امر مرقومه بهمان مرتبه [illegible] خواهد داد که در حق اتفاق با مأمورین دیپلوماتیک و قونسولهای

دول کاملة الوداد

دول کاملة الوداد داده میشود فصل یازدهم هرگاه یکی از تبعه جانبین در ممالک [illegible]
وفات یابد ترکه او باتمام امانه تسلیم مأمورین یا قونسول دولت متبوعه میت خواهد شد [illegible]
قوانین و رسوم مملکت خود در اینباب بمناسبت حال اقدام نماید فصل دوازدهم هرگاه در مواد جزائیه
رعایای ایران در ممالک اوستریا یا رعایای اوستریا در ممالک ایران مورد اتهام شوند محاکمه مواد مذکوره در [illegible]
خواهد بعینه نسبت بتبعه دول کاملة الوداد معمول است فصل سیزدهم هرگاه مابین یکی از دولتین و یک دولت دیگر [illegible]
بدون تغییر [illegible] فصل چهاردهم [illegible] فیمابین دولتین علیتین ایران و اوستریا [illegible]
از تاریخ [illegible] والتصدیق مبادلات [illegible] برقرار خواهد [illegible] و همچنین [illegible]
از دولتین متعهدتین [illegible] در توقیف [illegible] اجرای [illegible]
دولتین مأمور خواهند بود [illegible] در اجرای این شروط کمال دقت [illegible]
علیتین [illegible] ۱۸۵۷ [illegible]
دولتین متعهدتین این عهدنامه را ممضی و مهر نموده [illegible] در زبان فارسی [illegible] ۲۲ [illegible]
تحریر یافت [illegible]

موافق این طور بهیمونه قبول و تصدیق نمودیم و در کل مضامین آن و تعهد ملوکانه ما از برای خود و ورثه و اخلاف خود وعده می فرمائیم آنچه در این عهدنامه قید و درج شده از هر باب بلا تخلف معمول خواهد شد و از برای اعتبار آن ما این تصدیق نامه را بخط خود تزئین نموده حکم کرده ایم که بمهر دولت علیه ما مختوم شود بتاریخ پنجم شهر ذیحجة الحرام از اوایل سال نهم سلطنت ما سنه ۱۲۷۳

محل دستخط و مهر همایون
الواثق بالله الملک الغفار السلطان ناصرالدین شاه قاجار

محل امضا و مهر جناب مستطاب اشرف امجد ارفع میرزا آقاخان
اعتمادالدوله صدراعظم دولت علیه ایران
شهر ذیحجة الحرام ۱۲۷۳

سواد اعلام نامه که نزد مقرب الخاقان میرزا حسینخان وزیر مختار ارسال و فرستاده شد

بایگانی [illegible] چون جناب کونت بلوف رئیس مجلس وزرا و وزیر امور خارجه دولت غراندوک مکلنبورغ شورین از جانب دولت متبوعه خود رسما اظهار داشته بود دولت غراندوک خواهان آنست که آمادگی بموجب فقره نهم عهدنامه دوستی و تجارتی که مابین دولتین ایران و اوستریا بتاریخ ۲۲ رمضان سنه ۱۲۷۳ در پاریس منعقد [illegible] اتفاق دیده است در حقوق و امتیازات عهدنامه مزبوره [illegible]

که تجارت و اتباع

که تجارت و اتباع دولت علیه ایران در مملکت غراندوک همان حقوق و امتیازات داده خواهد شد که بموجب فقرات عهدنامه مذکوره در ممالک اوستریا بهره یاب هستند مادام که تجارت و اتباع دولت غراندوک در ممالک ایران بهمان امتیازات و حقوق بهره مند و ممتاز باشند لهذا وزیر امور خارجه دولت علیه ایران بجناب کونت بلوف رئیس مجلس وزرا و وزیر امور خارجه دولت غراندوک مکلنبورغ شورین نصوص نوشته شد و اظهار نموده از جانب دولت علیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ولینعمت خود رسما اعلام مینماید که در ممالک ایران تجارت و اتباع دولت بهیه غراندوک همان حقوق و امتیازات داده خواهد شد که بموجب عهدنامه پاریس منعقده مابین دولتین بهیتین ایران و اوستریا بتاریخ ۲۲ رمضان المبارک سنه ۱۲۷۳ بتجارت و اتباع دولت اوستریا داده شده است مادام که اتباع دولت علیه ایران در مملکت غراندوک همان حقوق و امتیازات نائل و بهره یاب باشند در دارالخلافه [illegible] بتاریخ شهر [illegible] سنه ۱۲۷۴ تحریر یافت محل مهر جناب وزیر امور خارجه دولت علیه ایران میرزا سعیدخان دام مجده العالی

عهدنامه بلجیق که در اسلامبول با میرزا جعفر خان بسته شده ۱۲۵۷

بسم الله الرحمن الرحیم

بر خردمندان تیزهوش و تیزهوشان سخن نیوش پوشیده نماند که جناب رب الارباب انتظام امور معاش و معاد عباد را بقبضه ارادت و اختیار سلاطین با عدل و داد و دادگستر داده تا کافه برایا در تحصیل مال و حصول آمال و انجاح مطالب و اسعاف مآرب طریق تهیه و داد سپرده و پیرامون تعدی و خلاف حساب نگردند تبیان این مقال شاهد حال آنکه اعلیحضرت کیوان رفعت مشتری سریرت بهرام سطوت خورشید رایت ناهید بهجت مالک ممالک محروسه ایران محمد شاه قاجار خلد الله ایام سلطنته الی آخر الزمان و اعلیحضرت فلک رفعت پادشاه تمامی بلجیق لئوپولد ادام الله ایامه الی آخر الدوران هر دو بالسویه چنین مناسب دیدند که تاسیس قواعد

محبت

محبت و مودت و ترفیه حال رعیت و گشایش ابواب منافع تجارت برروی عامه رعایا و برایای این دولتین علیتین معاهده دوستی و تجارت منعقد گردد لهذا دولت علیه ایران عالیجاه مقرب الخاقان میرزا جعفرخان مهندس باشی را که ایلچی مختار دولت علیه ایران در دربار عثمانیه صاحب نشان صورت همایون و نشان درجه اول شیر و خورشید مرتبه سرتیپی و صاحب حمایل افتخار سبز و سرخ و نشان افتخار دولت علیه عثمانیه را از قید و شرط اعلیحضرت همایون و امضای جناب جلالتمآب امیر اعظم حاجی میرزا آقاسی سلمه الله تعالی در خصوص وکیل و مختار نموده و اعلیحضرت پادشاه بلجیق از قید و شرط و امضا نامه جداگانه جناب بارن فرانسوا ژان [illegible] وزیر مختار دولت بهیه بلجیق مقیم اسلامبول صاحب نشان پادشاه تمامی مملکت بلجیق و صاحب نشان [illegible] عزت دولت [illegible] دولت عثمانیه را در این باب وکیل و مختار ساخته لهذا مومی الیهما بعد از [illegible] اختیارنامه طرفین [illegible] را در ضمن [illegible] فصل قرار داده اند فصل اول [illegible] فیمابین دولت علیه ایران و دولت بهیه بلجیق و تبعه

اساس دوستی مؤبد پابرجا و برقرار شود. ماده دویم تبعه دولتین فخیمتین آمد و شد از ممالک
بمملکت یکدیگر تردد و گشت و گذار نمایند و هر کدام خواهند با کرایه برای امر تجارت
و نشیمن خود منزل و حجره و انبار اجاره کنند مأذون باشند و از طرف مباشرین
و دیوان ممانعت نشود و در حق آحاد رعیت دولتین رعایت عزت و حرمت ملحوظ شود
از اجحاف و ستم مصون و محروس باشند و اگر یکی از دولتین و ... کنند با دولتی دیگر جنگ
داشته باشد حقوق دوستی این دولت بهیچوجه خللی نخواهد رسید. ماده سیم اشخاصی که از تبعه دولتین
بهیئت بعنوان تجارت یا سیاحت بممالک همدیگر بروند یا توقف نمایند در حق آنها
لوازم احترام مرعی شود از عوارض و تعدی معاف باشند و در وقت دخول و خروج تجار
دولت بلجیق از امتعه آنها در یک جا یکدفعه از صد پنج گمرک زیاده مطالبه نشود و تبعه
تجار دولت علیه ایران مثل تبعه دولتین متحابتین قوانین و تکلیف مراقب تعرفه ...
گردد. ماده چهارم از تبعه دولت بهیه بلجیقا اگر کسی بطریق سیاحت یا تجارت بممالک دولت علیه
ایران احکام ... [illegible] ... از آنها ...

ماده

[illegible]

ماده چهارم از تبعه دولت بهیه بلجیق اگر کسی بطریق سیاحت یا تجارت بممالک دولت علیه

ماده پنجم دولت علیه ایران مأذون نمایند دو نفر رئیس تجار دولت بلجیق در دربار دولت علیه
طهران مقیم شوند و باموری تبعه دولت خود وارسی کنند و همچنین اگر دولت علیه ایران
بخواهند که در شهرهای بروکسل و انورس مملکت بلجیق رئیس تجار بگذارند مأذون خواهند
بود. ماده ششم اگر ما بین تبعه جانبین از بابت معامله نزاع و دعوائی اتفاق افتد
باستحضار رئیس تجار یا ترجمان آن دولت موافق شریعت و عادت مملکت قطع و فصل
آن دعوی شود و در صورتیکه یکی از تبعه دولتین مفلس شود بعد از تشخیص و تحقیق اموال
او را فیمابین طلب طلبکارها توزیع و تقسیم نمایند و همچنین در وقت وفات
یکی از تبعه طرفین اموال و متروکات او بکسی تجار آن دولت تسلیم شود. ماده هفتم
این عهدنامه دوستی و تجارت ابد الدهر بکمال صداقت ... اتفاق واحد در دو نسخه تحریر و امضا شد
و از جانب طرفین ... علیتین ممضی و مهور گشته و مبادله گردیده است. الله تعالی نسخه مزبوره
از طرف دولتین بهیتین تصدیق گشته و در مدت چهار ماه یا کمتر آن تصدیقنامها با هم مبادله گردد

صورت عهدنامه امریک و ینگی دنیا بتوسط فرخ خان امین الملک در هزار و دویست و هفتاد و سه بسته شد

چون اعلیحضرت کیوان رفعت شاهنشاه اعظم بالاستقلال
کل ممالک ایران و رئیس ممالک مجتمعه امریک شمالی هر دو علی التسویه
تمنا و اراده صادقانه دارند که روابط دوستی فیمابین دولتین برقرار و بواسطه
عهد دوستی و تجارت که بالسویه نافع و سودمند تبعه دولتین قوی بنیان خواهد بود
مودت و اتحاد جانبین را مستحکم سازند لهذا برای تقدیم این کار اعلیحضرت
شاهنشاه کل ممالک ایران جناب جلالت و فخامت نصاب فرخ خان امین الملک
ایلچی کبیر دولت علیه ایران صاحب نشان تمثال همایون و حمایل مخصوص آن
و حمایل کمر مکلل بالماس و غیره و غیره و غیره و رئیس ممالک مجتمعه امریک شمالی کارل اسپنس

وزیر ممالک

وزیر ممالک مجتمعه مزبوره مقیم دربار دولت عثمانیه را وکیل مختار خود
تعیین کردند و ایشان بعد از آنکه اختیارنامهای خود را مبادله کردند
و موافق قاعده یافتند فصول آتیه را برقرار کردند. فصل اول الی الابد
فیمابین دولت ایران و رعایای آن دولت و دولت و رعایای ممالک مجتمعه
شمالی دوستی صادق و اتحاد محکم برقرار خواهد بود. فصل دویم سفرای کبار
و مأمورین و ایلچیهای که از طرف هر یک از دولتین متعاهدتین و اتباع ایشان
سعادت و مجاری و همان امتیازات ملحوظ خواهند بود. فصل سیم تبعه دولتین
متعاهدتین از قبیل سیاحان و تجار و پیشه وران و غیرهم در مملکتین محروستین
سیاحت و توقف نمایند بالسویه از جانب حکام و ولات و وکلای طرفین
بعزت و حمایت قادرانه بهره مند خواهند گردید و ... سلوکی که نسبت باتباع
دول کامله الوداد منظور میشود در حق ایشان نیز منظور خواهد شد و با مفاوضه مأذون
و مرخصند هر گونه امتعه و اقمشه و محصولات چه از راه دریا و چه از راه خشکی

بمملکت یکدیگر بیاورند و از مملکت همدیگر ببرند و بفروشند و مبایعه و معاوضه نمایند
و به هر بلدی از بلاد مملکتین که خواهند حمل و نقل نمایند ولکن اینکه مقرر است که تجار طرفین
که اقدام بتجارت داخله مملکتین نمایند در خصوص تجارت مزبوره مطیع قوانین آن مملکت
که محل تجارت مزبوره باشد خواهند بود و در صورتیکه یکی از دولتین بعد از این درباب تجارت
داخله امتیازات تازه برعایای سایر دول بدهد همان امتیازات نیز داده خواهد شد
برعایای هریک از این دو دولت که در ممالک دیگری مشغول بتجارت داخله باشند فصل چهارم
هرگونه امتعه و اقمشه که اتباع دولتین علیتین معاهدتین بمملکت یکدیگر نقل نمایند و یا از مملکت
همدیگر بیرون ببرند وجه گمرکی که از تجار و اتباع دول کاملة الوداد حین ورود امتعه
و مصادرات ایشان برعایای دولتین و حین خروج از مملکتین مطالبه میشود از ایشان نیز مطالبه
خواهد شد و وجه دیگر بهیچ اسم و رسم در دولتین علیتین مطالبه نخواهد شد فصل پنجم
در ممالک محروسه ایران هرگاه مرافعه یا مباحثه فیمابین تبعه دولت علیه ایران و اتباع
دولت ممالک مجتمعه امریک شمالی حادث شود در محضر وکیل یا قونسول دولت مجتمعه امریک مقیم

۹۳

مقالدت منه حین و تحقیق و تدقیق و اجرای حکم بعدل و انصاف در محکمه دولت علیه ایران
در محلی که عادت جاریه است باحضور احدی از منشیان وکیل یا قونسول دولت ممالک
مجتمعه امریک خواهد شد در ممالک محروسه ایران اگر فیمابین اتباع دولت ممالک مجتمعه
مرافعه یا منازعه روی دهد طی گفتگو و اجرای عدالت آن بالتمام بعهده وکیل
یا قونسول دولت ممالک مجتمعه امریک است اگر متوقف در محل این مرافعه
دیده شده و منازعه بوده باشند والا در مملکتی که اقرب محل مزبوره است خواهد بود
وکیل یا قونسول مزبور طی این گفتگو را بر وفق قوانین متداوله در ممالک مجتمعه خواهد
کرد هرگاه مرافعه یا مباحثات منازعه در ممالک ایران فیمابین اتباع دولت
ممالک مجتمعه و تبعه سایر دول خارجه واقع شود تحقیق و اجرای حکم آن بعهده
وکلا یا قونسولهای طرفین خواهد بود که اکثر گفتگوها و منازعات که فیمابین
تبعه دولت علیه ایران و اتباع ممالک مجتمعه اتفاق افتد قرار انجام
و انجام آن بنحوی خواهد بود که با اتباع دول کاملة الوداد در ممالک مزبوره معمول میشود

تبعه دولت علیه ایران در ممالک مجتمعه با اتباع دولت ممالک امریک شمالی
در ممالک ایران اگر متهم بقتلها یا کبیره گردند منجر در مملکتین مزبورتین باتباع دول
کاملة الوداد رفتار شود با ایشان نیز معمول و مرتب و قطع و فصل خواهد شد فصل ششم
هرگاه احدی از اتباع دولتین علیتین در مملکتین محروستین وفات یابد در صورتیکه میت را
اقوام یا شرکا باشد ترکه او بالتمام تسلیم ایشان خواهد شد و در صورتیکه شخص میت را
قوم و شریک نباشد متروکات او امانة بوکیل یا قونسول دولت متبوعه میت تسلیم میشود
تا آنرا بر وفق قوانین متداوله در مملکت خود چنانکه شایسته باید در انجاب معمول دارد
فصل هفتم دولتین علیتین معاهدتین بجهة حمایت اتباع خود و تقویت امور تجارت
فراهم آوردن اسباب حصول معاشرت دوستانه و صادقانه فیمابین تبعه جانبین چنین مناسب
نموده حق داشته باشند هریک مامور دیپلوماتیک در پای تخت دولتین مقیم سازند
و از طرفین سه نفر قونسول برقرار نمایند قونسولهای دولت علیه ایران در شهرهای واشنگتن
و نیویورک و نیو اورلئانس توقف خواهند داشت و قونسولهای دولت ممالک مجتمعه

در دار الخلافه طهران و بندر ابوشهر و دار السلطنه تبریز توقف خواهند نمود این وکلا و قونسولها
دولتین معاهدتین بالسویه در مدت متوقفه مسکونه مملکتین محروستین از اعزازات و امتیازات
و معافیت قونسولهای دول کاملة الوداد در ممالک جانبین محظوظ و بهره یاب خواهند
گردید مامور دیپلوماتیک و قونسولهای ممالک مجتمعه امریک رعایای دولت علیه ایران را
نه آشکارانه و نه خفیه حمایت نخواهند کرد و از این معمول که برضای طرفین مقرر شده
تجاوز را جایز نخواهند داشت و نیز مقرر است که اگر قونسولهای مزبوره مشغول بتجارت
۹۵ شوند ایشان نیز مطیع خواهند بود بهمان قوانین و رسوم که سایر اشخاص رعایای دولت متبوعه
ایشان که در همان محل تجارت میکنند مطیع هستند و هم چنین فیمابین دولتین مقرر است
که عدد نوکرهای دیپلوماتیک و قونسولهای دولت ممالک مجتمعه امریک بیشتر از آن
نخواهد بود که بموجب عهدنامه برای مامورین روس در ممالک ایران معین شده است
فصل هشتم این عهدنامه دوستی و تجارت که بجهة حفظ کمال صداقت و حسن اعتقاد فیمابین
دولتین ایران و ممالک مجتمعه امریک منعقد شده است از تاریخ مبادله امضاهای دولت

طرفین تا ده سال برقرار خواهد بود و اگر پیش از انقضای ده سال مذکور هیچ یک
از این دو دولت بموجب اعلام رسمی نیت خود را در قطع و توقیف اجرای این عهدنامه
به دولت دیگر اظهار ننماید عهدنامه مزبور تا یک سال دیگر علاوه بر وعده مذکور
برقرار خواهد بود و همچنین تا دوازده ماه بعد از نوشتن چنان اعلامی هر وقتیکه اعلام مزبور
بظهور رساند و وکلای مختار دولتین متعاهدتین قرار میدهند که امضا نامجات دولت متبوعه
خود را در مهلت مبدل در مدت شش ماه یا کمتر اگر ممکن گردد مبادله نمایند
وکلای مختار دولتین متعاهدتین این عهدنامه مبارکه حاضره را بخط و مهر خود مرقوم و مختوم
نمودند این عهدنامه مبارکه در دو نسخه بزبان فارسی و انگلیسی بتاریخ یکهزار و دویست و هفتاد و سه هجری
فی پانزدهم شهر ربیع الثانی مطابق یکهزار و هشتصد و پنجاه و هفت عیسوی در پاریس مرقوم گردید
بنابر علیه ما اعلیحضرت پادشاهی بعد از ملاحظه کامل عهدنامه
در حق هر یک از فصول مسطوره فوق را امضا و تصدیق داشتیم بنحویکه موافق ایمان
صمیمانه قبول و امضا و تصدیق میفرمائیم در کل مضامین آن و بقول ملوکانه ما از برای
حفظ [illegible]

خود مان و اخلاف مان وعده می فرمائیم که آنچه در آن عهدنامه قید و ذکر شده
از جانب ما بلاخلاف معمول و مجری خواهد شد از برای استحکام آن ما این تصدیقنامه را
بدستخط خود مان مزین نموده حکم کرده ایم که بمهر دولت خود مان ممهور شود مرقوم شده
به تاریخ بیستم ماه جمادی الاولی سنه یکهزار و دویست و هفتاد و سه هجری سال نهم سلطنت ما

محل دستخط همایون — محل مهر مبارک شاهنشاهی که [illegible] زده میشود

ناصرالدین شاه قاجار

محل مهر جناب اشرف صدراعظم

محل خط جناب اشرف ارفع امجد میرزا آقاخان
صدراعظم دولت علیه ایران

کتابچه امتیازات

فهرست

امتیاز راه آهن حضرت عبدالعظیم

دولت علیه بمسیو فابیوس بواطال مهندس فرانسوی با شرکاء یا وارث یا محقین او
امتیاز خط راه آهن مابین طهران و شاهزاده عبدالعظیم را میدهند تمام مخارج
برای ساختمان و بیع زمین و اسباب لازمه متعلق براه بعهده مسیو بواطال با شرکای
او خواهد بود و دولت علیه فقط حق مخصوص مطلق ملکی را در اداره داشتن خط مزبور بمشار الیهم
میدهند

و نیز دولت علیه ایران حق گمرکخانه را در ورود اشیاء لازمه راه آهن را به مشار الیه
گمرکخانه بعد از ملاحظه معاف خواهند داشت بجهت ساختمان و اداره داشتن راه مزبور
معاف میدارد

و مادامی که مشار الیه در چوب آلات لازمه را معین نمایند که برای خط طهران با شاهزاده
عبدالعظیم ضرورات از جنگل دولتی مجاناً دریافت دارند و هیچوقت را مالیات
و حقوق دیگر از راه مزبور مطالبه نخواهند کرد

هرگاه در بیع زمین یا در عمل ساختمان یا در عمل اداره داشتن بجهت صاحبان امتیاز
اشکالات رخ دهد دولت علیه متعهد است که رفع آنرا از نظر حقیقت و شرع
نموده حمایت و داد رسی را نسبت بصاحبان امتیاز مرعی دارد

هر اوقات را که اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی در روی راه مزبور اراده
حرکت بفرمایند کالسکه مخصوص از برای شخص همایون ایشان موجود خواهد بود
این امتیاز بمسیو بواطال داده میشود باین شرط که خط مزبور را قبل از غره ماه شوال را
شش ماه با تمام رسانیده دایر بدارد اگر باین وعده وفا نکند امتیاز مزبور کان
لم یکن لغو و باطل خواهد شد

و دارنده امتیاز تعهد خواهد کرد که خیابان مشجر مابین طهران و شاهزاده عبدالعظیم را
بهیچوجه متعرض نشود این امتیاز به دو نسخه نوشته شد و نسخه در دست صاحبان
امتیاز است باید بصحه اعلیحضرت اقدس شاهنشاه و دولت علیه ایران برسد

متعلقات راه آهن

مقصود از این نگارش آنست که این خدمتگذاران بوسیله توانیم راه طهران
الی حضرت عبدالعظیم علیه السلام را قرار و اعتراف نمودیم که هرگاه راه آهن
مزبور را در طول مدتیکه در امتیازنامه مقرر رفته یعنی از روز امضای امتیازنامه
الی هجده ماه تمام با اتمام و انجام نرسانیده دایر نسازیم
اولاً از وجهی را که از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت همایون شاهنشاهی روحی
و روح العالمین فداه و غیره مجاناً در این خصوص باین خدمتگذاران بوسیله ایشان

مزبور تفویض شد مرد است بهیچگونه ضرر وارد نکرده و مسترد سازیم
ثانیاً اراضی را که از اشخاص متفرقه بمعرض بیع درآورده ایم بهر قیمت و مبلغ
که ابتیاع شد وجه آنرا دریافت داشته اراضی را نبرده نمائیم و تعهد میکنیم که بهیچوجه
من الوجوه مصدع اوقات دولت علیه نشویم
تحریراً فی یوم شنبه ۴ رمضان المبارک ۱۳۰۴ [illegible]

[illegible]

حضرت مستطاب اجل اشرف آقای وزیر دام اقباله العالی را معروض میدارد که
اشیاء لازمه مقامات راه آهن بالتمام فراهم و موجود است هرگاه زمینهای
لازمه خط راه طهران الی حضرت عبدالعظیم ع تحویل کمپانی شود شروع در عمل
خواهد شد
از قرار نقشه که اینک بحضور داشت منزل راه آهن (گار) در طهران
گرچه در دروازه قدیم حضرت عبدالعظیم ع در منتهی الیه [illegible]
خواهد شد از محل مزبور حرکت کرده خط راه آهن از زمینهای غیر مسکونی
جاشه الی خندق امتداد دارد و توسط شکافی از خاک زیر خندق عبور
نماید [illegible] را بازاره سنگی مسدود و پل مخصوصی نیز در آن احداث خواهد شد

و از آنجا مستقیماً بسمت دولت آباد امتداد می یابد که طول آن الی اینجا تقریباً ششهزار و
پانصد ذرع میباشد و عرض راه همه جا پانزده ذرع است
از محل مزبور عبور خط راه از حسین آباد تقریباً پانصد ذرع میباشد و بعد متصل باراضی
نواب علیه عالیه شاهزاده عزت الدوله دامت شوکتها میگردد که تقریباً طول آن هزار و
پانصد ذرع میباشد و از آنجا الی منزل حضرت عبدالعظیم ع در قرب تکیه الهیاری
حضرت مستطاب اجل اشرف عالی است امتداد می یابد (گار) تقریباً ششهزار
ذرع مفروض و بی است
خط مزبور لازم بتعریف نیست ولی لازم است معروض دارم زمینهائی که
متعلق بسرکار اعلیحضرت اقدس همایون روحنا فداه میباشد از حضرت
مستطاب اجل اشرف مستدعی چنان است از خاکپای همایونی روحنا فداه استدعا
نمائید
اولاً مرحمت فرمایند در خاک زیر خندق را شکافته پلی و دروازه سنگی مخصوص
راه آهن احداث سازد و شب ها را بتوان مسدود ساخت
ثانیاً اراضی متعلق بسرکار اعلیحضرت اقدس همایونی روحنا فداه میباشد
از خندق الی دولت آباد تا نقطه که در روی نقشه تعیین یافته است بموجب
فرمان مهر لمعان مبارک همایونی از برای طول مدت امتیاز نامه

[illegible]

متعلقات راه آهن

تصرف کمپانی داده شود

ثالثاً درخصوص حمل سنگ و ریگ لازمه اذن حاصل شود که یک رشته مختصری از عرض راه سمت کوه و انجائی که معدن سنگ است استرداد یابد

رابعاً مرخصی حاصل شود که شش یا چهار نفر شاگرد مهندس ایرانی از مدرسهٔ دارالفنون بجهت تعلیم گرفته شود

خامساً دو دسته سرباز در هر دسته شش نفر باشند برای مستحفظی و قراولی ادارات مرحمت گردد درخصوص اراضی متعلق به بعضی از اشخاص هرچه باشند به نسبت قرار مرحمت فرمایند در بقیت حالیه بمعرض بیع درآید و کمپانی نیز حاضر است که استدعا بپول نقد ابتیاع نماید و در هر آنی در تمام اراضی مزبوره یا قسمتی از آن تصرف کمپانی واداده شد شروع در عمل ساختمان نماید

و ضمناً معروض میدارد که جمیع اسباب و مصالحی که بجهت ساختمان و دایر داشتن راه آهن است از حقوق گمرکی و راهداری معاف باشند هر کس نیکه اشیاء و مصالح راه سر آورند غیر از ادارات متعلقه راه آهن باشتباه چیزی بخواهند رد نموده که رانند براه جواز راهداری ان در مرتبه اول بکمپانی اظهار نموده هرچه ثبوت رسانند تا خود کمپانی مزبور بطور تشدد در مقام مواخذه برآید

[illegible]

امتیازنامهٔ تراموه

درخصوص ساختمان و دایر داشتن راههای اسبی در شهر طهران دولت علیه ایران از قرار شروط ذیل بمسیو فابیوس بوالطال رعیت فرانسه امتیاز میدهم

شرط اول صاحب امتیاز بمخارج خود خطوط ذیل را احداث و دایر خواهد داشت اولاً خطی از ابتدای خیابان لاله زار امتداد یابد الی سبزه میدان است خط دیگر از میدان توپخانه مبارکه شروع میشود و از خیابان چراغخانه گاز و از خیابان دروازه حضرت عبدالعظیم علیه التکریم و از خیابان قبرستان الی خیابان دروازه قزوین کشیده شده از آنجا نیز با خیابان مریضخانه الی میدان توپخانه مبارکه در ممتد راه آهن اسبی است امتداد خواهد یافت از آنجا خط دیگری بواسطه طرف شمیرانات میرود منوط باختیار کمپانی است

شرط دویم صاحب امتیاز حق ساختمان و دایر داشتن خط دیگری را نیز در طهران دارد و باین شرط در قبل از اقدام نقشه آنرا بدولت علیه ایران تسلیم نماید

شرط سیم تمام مخارج بیع زمین برای ساختمان انبار و طویله و ساختمان لازمه و غیر در هنگام ساختمان یا دایر داشتن راههای آهن اسبی مزبوره بعهده صاحب امتیاز است ولی زمین کوچها و خیابانها درخصوص راه مزبور مجانی است

امتیازنامه تراموه

شرط چهارم خطوط راه آهن اسبی یکرشته است و در محلهای لازمه که وسعت داشته باشد دو رشته خواهد شد

شرط پنجم هر قدر دکاکین وارد در خط راههای آهن اسبی بر بودن از کنار خیابان ساخته و احداث خواهد شد در حق املاک اسباب ممانعت از جهة عابرین و متردّدین حاصل نشود

شرط ششم دولت علیه ایران ادعا و مطالبه گمرک و راهداری را در ورود ادوات لازمه بجهة ساختن و دایر داشتن راههای مزبوره نموده معاف خواهد فرمود ولی اجزاء گمرک حق رسیدگی اسباب و آلات را که هر چه وارد شد

شرط هفتم دولت علیه ایران حق مطالبه مالیات و غیره از بابت ادوات و اشیاء لازمه ساختن و دایر داشتن راههای مزبوره بهیچ جهة ندارند

شرط هشتم دولت علیه ایران بصاحب امتیاز اطمینان میدهد (تعهد) که ساختن و دایر داشتن راههای آهن اسبی در طهران فقط حق او باشد و همچنین در حمایت لازمه را درباب او مرعی داشته رفع جمیع مشکلات را که در زمان ساختن و دایر داشتن رخ دهد بنماید

شرط نهم صاحب امتیاز شروع در ساختن و اقدام بانجام قرار ممکن است باید بزودی بنماید به نحویکه خط الی منزل راه آهن (کار

امتیازنامه تراموه

حضرت عبدالعظیم ؏ امتداد پیدا نموده از روز امضای این قرارنامه الی دو سال باتمام برساند

شرط دهم این امتیازنامه از روز امضای آن الی نود و نه سال منعقد است

شرط یازدهم از زمان مسیو بواتال مأذون است که امتیازنامه را بکمپانی انونیم راه آهن تجارتی و اسبی در ایران کمپانی انونیم جدید باشد و یا کمپانی دیگر معرفی او را بدولت علیه بدهد با جمیع شرایط منتقل سازد — مطابق است

در طهران در دو نسخه در ۳۰ ماه مه هزار و هشتصد و هشتاد و هشت ۱۸۸۸ مسیحی مطابق با نهم شهر رمضان المبارک ۱۳۰۵ هجری

نوشته شد

برادر حظ قوام الملوک وزیر امور خارجه
[illegible] ... قرارنامه را بکمپانی بلژیک
... در طهران الی ... فقره با تمام شرایط نامه ...
قرارنامه منتقل نموده ... امضا کرده است
وزارت امور خارجه دولت علیه ایران

امتیازنامهٔ چاه آرتزین

سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه برای ازدیاد آبادی و انتفاع اهالی و تسهیل عمل زراعت و فلاحت در ممالک شاهانه امتیاز و اختیار شرح ذیل را بموجب فرمان همایون بدکتر طارنس و شرکاء مشارالیه واگذار میفرمایند که در تحت شرایط و فصول آتیه کمپانی ایرانی و امریکائی تشکیل نموده و بوسیله اسباب چاههای آرتزین در اراضی و اماکن متعلقه آب جاری یا معادن غیرمکشوفه استکشاف کنند

فصل اول دارنده امتیاز متعهد است که در ظرف یکسال پس از تاریخ مبادلهٔ این قرارنامه شرکت مختلط مرکب از اهالی ایران و ینگی دنیای شمالی ترتیب داده با کمال سعی از تشکیل کمپانی قیمت کافی از اسباب و اشخاص را برای احداث چاهها ضرور است برای اطراف طهران بیاورد

فصل دویم این چاههای آرتزین مثل آنچه در ینگی دنیا معمول است حفر و استعمال میشود و لوازم استعمال آنها بمناسبت موقع و محل با اسبابی خواهد بود که بحصول مقصود کافی باشد

فصل سیم این امتیاز بمدت پنجاه سال شمسی تمام مخصوص دکتر طارنس و شرکای او خواهد بود باستثنای او احدی از اهالی خارجه و داخله حق نخواهد داشت در ممالک محروسهٔ ایران چاههای آرتزین حفر نمایند مگر

امتیازنامهٔ چاه آرتزین

بتوسط این کمپانی یا با اجازه ایشان و مدت این امتیاز از اول شروع بامر احداث تا انقضای زمان مقرر

فصل چهارم درصورتیکه مطابق فصل اول بمهلت مقرر شده است تشکیل کمپانی و شروع باعمال مقرره تاخیر شود این امتیازنامه لغو و کان لم یکن محسوب خواهد شد

فصل پنجم دارنده امتیاز مأذون است در زمینهای بایر غیر مزروع که امروز قابل هیچ انتفاع در ملکیت و تصرف احدی نیست بوسیله احداث چاههای آرتزین آب جاری کرده باغ برپا نماید و در تسهیل و تزئید انتفاع مزروعات مجاز است آن نوع آلات و اسباب و تخم حبوبات و بقولات و اشجار که در امریکا معمول است بکار دارد

فصل ششم از اراضی و املاک مذکوره در فصل پنجم هرچه حاصل شود عشر منفعت خالص آن بدولت علیه ایران تسلیم خواهد شد علاوه بر این مبلغ کارگزاران دیوانی حق هیچگونه مطالبه و تحمیل بباغات و ابنیه و مزروع مذکوره ندارند

فصل هفتم اگر چاههای آرتزین بچشمه و منبع نفط برخورد کمپانی متعهد است که ثمن منافع خالص آنرا بدولت علیه ایران بپردازد و اگر معادن دیگر در ضمن چاههای مزبور استکشاف شود از نفع خالص آنها عشر بدولت ایران برسد

مگر معادن قیمتی مثل طلا و نقره و جواهرات که بمجرد انکشاف بکارکنان دولت ایران واگذار میشود

فصل هشتم در اراضی و املاک که متعلق باشخاص در ممالک ایران است چاههائی بمیل صاحبان زمین حفر میشود و منفعت انتفاع برای مالک آن حاصل خواهد شد کارکنان دولت علیه ایران مستقیماً با صاحب ملک قرار و مبانی آن را معین خواهند

فصل نهم در این امر که مایه آبادی و ترقی محصولات و ازدیاد غلات ممالک محروسه ایران است اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی و اولیای دولت علیه ایران متعهد خواهند شد توجه و مساعدت معنوی دریغ نفرموده نگذارند دارنده امتیاز و شرکای او به بهانه جوئی و تعرضات غیرحقه و بعضی مشکلات دچار شوند

فصل دهم چرخها و لوله‌ها و آلات و ادوات متعلق به امتیاز که بجهت حفر و احداث چاههاست از گمرک و هر نوع رسومات دیوانی معاف خواهد بود

فصل یازدهم برای اجرای این مقصود دارنده امتیاز و شرکای او مجبورند که از مهندسین مخصوص این فن اجیر نمایند و مخصوص اینکه معرفت در اسباب و آلات و طرز استعمال آنها و مواضع حفر و جریان آنرا

با اهالی مملکت آموخته این صنعت بطور دائمی در ایران باقی بماند از شاگردان ایرانی مدرسه درستی ایجاد خواهند کرد که باعمال لازمه چاهها و معادن آموخته شوند

فصل دوازدهم هرگاه در معادن این کمپانی و کارگزاران دولت ایران گفتگو و اشکالات ظهور کند از جانب طرفین هیئتی از اشخاص امین و بی غرض تعیین و انتخاب خواهد شد در دارالخلافه طهران مجلس تشکیل داده رفع مشکلات و واقعه را حل و فصل نمایند

فصل سیزدهم کمپانی مأذون خواهد بود که اگر کمیت یا چند مرتبه بواسطه چاههای ارتزین آب کافی پیدا کند و بخواهد چرخها و اسبابیکه بطرز نیکو و بنا برای حلاجی و پاک کردن پنبه لازم است ترتیب داده و بقوت آب دستگاه مزبور را راه بیندازند دولت علیه ایران مثل سایر فصول این امر را نیز محل رعایت و تقویت خود قرار خواهد داد که وسیله نافعه در ترقی یکی از محصولات مملکتی است

فصل چهاردهم پس از انقضای مدت قرارنامه آنچه اسباب متحرکه و منقوله از قبیل چرخها و آلات و ادوات است باختیار کمپانی است که بهر کس که میل دارد بفروشد یا برای خود نگاه دارد اما املاک و اراضی آباد کرده و باغ و اشجار که معمول داده است بقیمت عادله دولت برعایای

امتیازنامه چاه ارتزین

ایران خواهد فروخت و بدین وسیله حقوق خود را در املاک مزبوره ساقط خواهد نمود

فصل پانزدهم چنانکه در نزدیک شهر طهران یا شهرهای دیگر دارنده امتیاز و شرکای او در آن نقطه مقدار کافی از چاههای ارتزین تحصیل آب کنند و مقرون بصرفه و رضای مردم بخواهند لوله کشی بطوریکه در فرنگستان معمول است بنمایند آب برسانند از طرف دولت علیه ممانعتی از آن نخواهد بود

فصل شانزدهم قبل از ختم این امتیاز صاحبان امتیاز یا شرکای آنها چنانچه بخواهند تماماً یا مقداری از سهم منافع خود را به دیگری واگذار نمایند فقط باید از تبعه دولت علیه ایران یا یکی از تبعه آتازونی امریک باشند

فصل هفدهم در صورتیکه بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی در باغات و عمارات خود شهر یا خارج از شهر بخواهند چاههای ارتزین دایر قرار بدهند صاحبان امتیاز یا شرکای آنها باید در نصف قیمت چاهها را بکنند و یا اگر که آب را برای زمین باغات لازم شد به نصف قیمت بدهند

فصل هجدهم در صورتیکه یکی از چاههای ارتزین در نزدیک مسجدی یا یک بقعه متبرکه واقع شود صاحبان امتیاز یا شرکای آنها مجبورند که بآن مسجد یا بآن بقعه آب را بنصف قیمت بدهند

امتیازنامه چاه ارتزین

فصل نوزدهم این امتیازنامه در میان وزارت جلیله امور خارجه دولت علیه ایران و دارنده امتیاز در دو نسخه مبادله شد عبارات و فصول آن بفارسی و فرانسه متساویاً سند طرفین خواهد بود

۱۳۰۵

تحریراً فی شهر جمادی الثانی تنگوزئیل هزار و سیصد و پنج هجری

امتیازنامهٔ بانک شاهنشاهی ایران

مقدمه

اشکالاتیکه ما بین دولت بهیه کان اعلیحضرت شاهنشاه ایران و بارن
ژولیوس رویتر متعلق بوده چون از هر طرف کرده بود امتیازنامچه
که ببارن ژولیوس رویتر مذکور در بیست و پنجم ۲۵ ژوئیه ماه یکهزار و هشتصد و
هفتاد و دو عیسوی ۱۸۷۲ عطا شده بود چون معدوم گردید باتفاق طرفین مراتب مفصله
ذیل برقرار شد

امتیازنامچه

فصل اوّل بموجب این امتیازنامچه دولت بهیه کان اعلیحضرت اقدس
شهریاری ببارن ژولیوس رویتر و شرکای او در مملکت ایران حق احداث
یک بانک دولتی موسوم به «بانک شاهنشاهی ایران» میدهند

مدّت

حق مزبور برای مدت شصت سال از ابتدای تاریخ امضای این امتیازنامچه
بتوسط بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی عطا میشود

مرکز بانک

مرکز و مقر بانک در طهران خواهد بود بانک مزبور خواهد توانست در شهرهای
دیگر ایران و در خارجه شعبات برقرار سازد محض بسط تجارت و ازدیاد

اقدامات مختلفه

ثروت ایران بانک شاهنشاهی که گذشته از اعمالیکه متعلق بصرافی چه بشر
باخرج خود یا بخرج ثالث اقدام در تمام کارهای محاسبه و صنعتی و تجارتی که
برای این مقصود نافع بداند خواهد کرد
مشروط بر اینکه هیچیک از آن اقدامات مخالف عهدنامه تا دو این

امتیاز بانک شاهنشاهی

دولت و ملت و مذهب ایران نباشد و قبل از شروع اطلاع بدولت ایران
داده شود

تقییدات

بانک حق نخواهد داشت در قلمرو دولت علیه کرو بیشتر از قبول کند و غیرمنقول
از قبیل املاک و اراضی و دهات و غیرها خریداری نماید مگر اراضی در برای یک بنائی
کافی در طهران و شعباتش در سایر ایالات لازم باشند
و نیز قرض آنکه است که بانک مزبور بروات دولتی حواله باو نشر بدهد ذیل
که با باعتبار آنها وجهی بکسی قرض بدهد

سرمایه

فصل دویم سرمایه بانک دویست کرور فرانک یعنی هشت کرور لیره
انگلیسی خواهد بود لهذا تعدادی سهام اصدارات خواهند شد که بانک آنها را
بدفعات نشر خواهد داد هر وقت که تقسیم قسمت اول سرمایه یعنی پنجاه کرور
فرانک یا دو کرور لیره انگلیسی امضا شد بانک مزبور تشکیل شده ملاحظه خواهد
گردید متن امضای تقسیم سرمایه در پای نسخهای مختلفه خصوصاً در طهران
و برلن و لندن و پاریس و پطرزبورغ و وینه و در صورت
اجازه دول متبوعه آن ممالک وضع خواهد شد
و سهام بالاسم حامل خواهند بود و بانک سهام اسم دار هم میتواند نشر بدهد
بانک مزبور میتواند هر وقت مفید بداند سرمایه و عهد سرمایه خود را باتفاق

امتیاز بانک شاهنشاهی

نشر بلیتهای بانک

دولت زیاد کند

فصل سیم بانک شاهنشاهی چون بانک دولتی است حق دائمی و غیر
نشر بلیتهای بانک بی اسمی خواهد داشت که بمحض رؤیت قابل الاداء خواهد بود
هرگز از چهل کرور فرانک که هشتصد هزار لیره انگلیسی باشد بلیت بانک نشر
نخواهد داد مگر اینکه بدولت اطلاع بدهد برای مساعدت بسط اعتبار عامه
و محض تجدید جریان مسکوکات نقره و ازدیاد نشر مسکوکات طلا بانک
دولتی من حیث الاقامه قبول وضع یک عیاری مسکوکه مبنی بر تومان طلا
در مدت ده سال اول تشکیل بانک دولت ببرکات اعلیحضرت شهریاری
و مدیرهای بانک چون خود قرار و مدارهای لازمه را برای وصول باین مقصود
خواهد داد معهذا نظر باقتضای وضع حالیه مسکوکات نشر بلیتهای بانک
شاهنشاهی مدواماً مبنی بر پایه نقره خواهند بود
این بلیتها را تمام عمال و مامورین دولت علیه قبول خواهند کرد در تمام معاملات
ایران رواج خواهد داشت ولی هر آینه بانک نتواند قیمت یکی از
بلیتهای خود را اداء نماید نشر بلیتهای بانک در تمام مملکت ایران منع
خواهد گردید بانک مجبور خواهد بود که قیمت بلیتهای خود را اداء کند

ضمانت اداء

محض اطمینان ادای بلیتها بانک مزبور صریحاً متعهد میشود که در دو سال

امتیاز بانک شاهنشاهی

اول ابتدا از شروع بکار اقلاً قیمت نصف بلیتهای منتشر شده خود را و پس از
انقضای این دو سال اقلاً ثلث قیمت آنها را موجود داشته باشد
تفاوت بین وجه نقد موجودی و سرجمع بلیتهای منتشر شده بتوسط اسناد منقولات
و غیر منقولات متعلقه ببانک که آنها را در ایران موجود خواهد داشت
ضمانت کرده میشود بانک شاهنشاهی مجبور است که قیمت بلیتهای خود را
بمحض رؤیت در هر کجا نشر آنها را داده اداء کند معهذا بلیتهای شعبات نشر خواهند
توانست در اطراف اداء شوند
بلیتهای بانک بزبان ایرانی خواهند بود و بانک نخواهد توانست بدون
اذن دولت علیه ایران بلیت کمتر از دو تومان نشر بدهد
بلیتهای بانک علامت یا مهری خواهند داشت که مبین ثبت دفتری ایران
باشد و ممضی خواهد بود با امضای یک مدیر یا مدبر و با امضای تحویلدار
عمده یا شعبه که در آنجا نشر شوند
دولت ببرکات اعلیحضرت اقدس شهریاری متقبل میشود که در طول مدت
این امتیاز مادامیکه هیچ نوع مسکوکات کاغذی نشر ننمایند و اجازه نشر
هیچ بانک یا تأسیس صاحب اینگونه امتیاز باشد اعطا ننمایند

فصل چهارم دولت علیه ایران سرمایه بانک را ضمانت نمیکند

امتیاز بانک شاهنشاهی

وخواهد توانست بمیل خود خریدار سهام شود و یا در خرید سهام ساعی تبعه
خود گردد تا سهم خمس سرمایه منظور و یا بهیچوجه مداخلت نکند

اداره بانک

فصل سیم سرمایه باسهام و عده و قیمت بلیطهای بانک مطابق بمدلولات
این امتیازنامچه و نظم و نظارت بانک و تعیین رؤسا و اجزاء چه در
ایران وچه در خارجه و اداره کردن وجوهات بانک با منافع
حاصله که یا خساراتیکه ممکن است عایدش گردد بیکبار بعهده دارای این
امتیاز و شرکای آن خواهد بود هر نفع و ضرری باشد مدخلیت ندارد
دولت علیه ایران مراقبت تامه خود را در بانک بتوسط یک مأمور
محرمی که خود معین کند جاری خواهد ساخت و این مأمور حق خواهد داشت
از نظارت بانک اطلاع تحصیل کند و مواظب باشد در امورات بانک
بروفق این امتیازنامچه بگذرد

مأمور مخصوص محرم

مأمور مزبور هر وقت دعوت شود حسب تکلیف در مجالس عمومی صاحبان سهام و داران
و همچنین در مجالس شورای مدیران در طهران حضور بهم رساند و نشر بلیطهای بانک را
وارسی خواهد کرد و مواظبت تام خواهد داشت که مدلولات فصل سیم
این امتیازنامچه رعایت شود و مراقبت در روابط بانک با خزانه
دولت علیه بر عهده اوست و نخواهد توانست در تدبیر و نظارت اعمال

امتیاز بانک شاهنشاهی

بانک خود را داخل سازد و مأموریت او بهیچوجه اسباب مسئولیت دولت علیه
ایران نخواهد گردید

حمایت دولت

فصل پنجم چون غرض از این بانک تأسیس است ملی خیر عامه و خیر
دولت میباشد دولت بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری حمایت مخصوصه
خود را که برای حفظ امنیت مقر اصلی و شعباتش لازم است دریغ نخواهد داشت
دولت علیه ایران ابتیاع اراضی را که لازمه برای بنای مقر اصلی بانک و
شعباتش لازم است حتی الامکان سهل و بوجه عادلانه و حامیانه بانک خود را
مابین بانک و صاحبان اراضی ثالث خواهد ساخت

معاف بودن از مالیات

خود بانک و بناهای او و شعباتش بکلی از هر نوع عوارض دولت و مالیات
معاف میباشند و همچنین سهام بلیطها و قبوضات و چکها و جمیع اسناد که
در باب امورات و دادوستدهای او از طرف خود و شعبات او صادر میشود
ولی هرگاه دولت در مملکت خود مالیات تمبر را قرار دهد بانک هیچ برات
و سندی را نخواهد گرفت مگر تمبر دولت علیه را داشته باشد

اداره وجوه

فصل ششم بانک شاهنشاهی در سهولت تادیه حوالجات خزانه
عامره چه در ایران و چه در خارجه کوتاهی نخواهد کرد و برای هر خدمتی
که دولت باو رجوع کند کارگذاران و رؤسای بانک حقی باید

امتیاز بانک شاهنشاهی

بانک واگذار شود چنین خود معین خواهند نمود

قرض دو کرور فرانک

پس از تشکیل و تهیه سرمایه خود بانک شاهنشاهی تعهد میکند مبلغ دو کرور فرانک
یعنی هشتاد هزار لیره انگلیسی برای مدت ده سال سالی صدی شش تنزیل به بندگان
اعلیحضرت اقدس شهریاری قرض بدهد و اصل آن تنزیله و منافعش بموجب
میل بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری از بابت صدی شش منافع خالص که
بر حسب فصل هفتم این امتیازنامه به پیشگاه سلطنت تعهد شده است محسوب
خواهد گردید

پیشکی

عمل وجه برات بانک شاهنشاهی پیوسته پس از تشکیلش حاضر خواهد بود
لذا برای تمام وجوه پیشکی و استقراضاتیکه دولت علیه لازم داشته باشد و از
او طلب نماید در هر وجه قرار بدین آن استقراض چنین دولت و بانک
واگذار خواهد شد و یا آنکه آن وجوه پیشکی یا استقراضات بمعادل
خودشان یک ضمانتی خواهند بود از برای مرجع بقیهای نشر شده
این وجوه پیشکی و استقراضات را دولت علیه در راس موعدهای
مقرره رد داده خواهند نمود مرجع تنزیلات منتظمه در آخر هر سال
مالیاتی ایران یعنی در آخر حوت واگذار خواهد شد

ده کرور فرانک

اولین این وجوه پیشکی غیر از مبلغ دو کرور فرانک فوق الذکر

امتیاز بانک شاهنشاهی

چنانشه به ترتیب داده کرور فرانک یعنی دویست هزار لیره انگلیسی در سالی
با صدی هشت تنزیل خواهد بود

حصه منافع

فصل هفتم در آخر هر سال مالیاتی ایران یعنی آخر حوت بانک شاهنشاهی
باید صدی شش منافع خالص آن سال خود را به دولت بندگان اعلیحضرت
اقدس شهریاری بدهند و یا بجمعش بپردازد در صورتیکه حصه منافع صدی شش مرقومه
در یک سال کمتر از صد هزار فرانک یعنی چهار هزار لیره انگلیسی بشود بانک
مجبور است که این مبلغ کامل نماید لذا دیگر کسر از هر چه خواه باشد
در فرد مخارج خود محسوب بدارد دولت که حق داشته باشد و جهات فراوانی
از اخراج حصه منافعی که منتجه عمل سال بعد است بپردازد

ضمانت

فصل هشتم وجه الضمانه چهل هزار لیره انگلیسی که در هزار و هشتصد و هشتاد و
نهم بارون ژولیوس رُیتر در بانک انگلیس گذارده بود برای ضمانت
تشکیل بانک شاهنشاهی به دولت علیه ایران تسلیم خواهد شد فردای
تشکیل بانک دولت علیه ایران مبلغ مزبور چهل هزار لیره انگلیسی را
بارون مزبور پس خواهد داد هرگاه ابتداء از تاریخ امضای این
امتیازنامه بتوسط بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری تا مدت
نه ماه بانک شاهنشاهی دایر نشود وجه الضمانت مزبوره به دولت ایران

امتیاز بانک شاهنشاهی

متعلق خواهد شد و این امتیازنامچه معدوم و ساقط از اعتبار خواهد بود مگر
درصورتیکه بین بعضی دول بزرگ اروپا جنگ برپا شود و یا درصورتیکه دولت
علیه ایران در آن جنگ دخالت بهم رساند و یا در وجه هر اتفاق
فوق العاده

قوانین — **فصل نهم** در حین تشکیل بانک شاهنشاهی باید نظامات و قواعدی را
که بموجب آنها باید بانک دایر شود نشر خواهند داد و آن قواعد باید
مطابق مدلولات این امتیازنامچه باشند پس از تشکیل بانک
قواعد مزبوره متغیر نخواهند شد مگر بموجب قرارداد مجلس عمومی صاحبان
سهام و مجلس مزبور باید در تغیراتیکه جاری میسازد حفظ رعایت مدلولات
این امتیازنامچه را بنماید

حمایت — **فصل دهم** برای اجرای حفظ حقوقیکه بموجب این امتیازنامچه
داده شده بانک مزبور در ظل حمایت سنیه کامله اعلیحضرت شهریاری
و دولت شاهنشاهی خواهد بود بانک هم متعهد میشود که قوانین عمومی مملکت را
از جمیع جهات محترم داشته اطاعت نماید

حکمیت — درصورتیکه بین دولت و بانک و یا بین بانک و سایر مردم اختلافی
ظاهر گردد هر یک از طرفین یک نفر حکم منتخب خواهند نمود

امتیاز بانک شاهنشاهی

و قرارداد این حکمها قاطع خواهد بود و درصورت عدم توافق بین حکمها حکم
دیگر منتخب خواهند نمود که حکمش بدون برگشت اطاعت خواهد شد

معادن — **فصل یازدهم** از آنجائیکه بانک شاهنشاهی حضرات که برای
احیاء تمام وسائل استخراج ثروتهای طبیعی مملکت و ازدیاد مکنت و ثروت رعایا
پادرو دولت علیه به بانک مزبور در تمام مدت این امتیازنامچه
امتیاز مانع لغیر قطعی میدهد که در تمام وسعت مملکت ایران معادن
**آهن و مس و سرب و جیوه و زغال سنگ و
نفط و منگنز و بوره و امیانت** را که متعلق بدولت میباشد و قبل از
وقت بدیگران واگذار نشده اند دایر نماید چون مضاف این امتیاز
نامچه دولت علیه ایران در روز امضای این امتیازنامچه صورت
رسمی معادنی را خواهد داد که قبل از وقت بدیگران واگذار شده اند
معادن طلا و نقره و جواهرات در آن فقراتیکه در فوق ذکر نشده اند
متعلق بدولت میباشند لاغیر و مهندسین بانک که آنها را کشف کنند
مجبورند فوراً کشف آنها را بدولت سنیه کامله اعلیحضرت شهریاری اطلاع
بدهند

دست مزد — غیر از مهندسین در کارهائیکه ضروری میباشد تمام عملیات معدنی را

امتیاز بانک شاهی

برای دایر نمودن معادنش بانک اجیر یا از میان متعهدین کان از اعلیحضرت اقدس شهریاری منتخب خواهند شد

دولت علیه ایران تمام وسایل در دست دارد و بانک را اعانت خواهد کرد از اینکه دست مزد عملجات لازمه بنرخ عادلانه وقت برایش میسر شود

تمام معادنیکه بانک ده سال بعد از تشکیل خود شروع در دایر نمودن آنها ننموده باشد مثل این ملاحظه خواهد شد که بانک مزبور صرف نظر از آنها نموده است و دولت علیه خواهد توانست هر نوع تصرف در آنها بکند بدون اینکه بانک صاحب امتیاز بتواند مانع بشود

اراضی مجانی

فصل دوازدهم اراضی که برای دایر نمودن معادن و برای ساختن یک راه مراوده با طرق حمل و نقل اقرب یا اسرع لازم باشد آنچه متعلق بدیوان است از جانب دولت علیه مجاناً ببانک داده خواهد شد هرگاه در معبر این راه مراوده املاکی یافت شود متعلق باشخاص متفرقه دولت علیه ایران بانک را در خریدن آن املاک از صاحبانش تمام وسایل در دست دارد و اعانت خواهد نمود

معاف از خرج

ادوات لازمه برای دایر نمودن معادن که بایران داخل

امتیاز بانک شاهی

خواهند شد بدون اینکه هیچ حقی بدهند اراضی و ابنیه متعلقه بآن ادوات جات معدنیه معاف از هر مالیات و عوارض خواهند بود

منفعت دولت

فصل سیزدهم از منافع خالص تمام معادنی که بانک برای خود دایر نموده است دولت علیه ایران سالی شانزده درصد نصیبش را اخذ خواهد نمود

در انقضای مدت این امتیاز نامچه اراضی معادن با ابنیه آنها و ادوات و متعلقات بدولت علیه ایران تعلق خواهد گرفت موافق قوانین کلیه که در هر دول این را معمول داشته اند و در این باب شرایط بسیار مساعد را برقرار ساخته اند

صرف نظر از حقوق سابقه

فصل چهاردهم بازای حقوقیکه بموجب این امتیاز نامچه ببارون ژولیوس رویتر داده که از بارن مذکور صریحاً اقرار بترک کامل و دست شد از تمام حقوق و امتیازاتیکه بموجب امتیاز نامچه قدیم مورخه بیست و پنجم ژوئیه ماه یک هزار و هشتصد و هفتاد و دو عیسوی که بتوسط این شروط معدوم و ساقط الاعتبار میشود باو عطا شده بود

این قرار نامه در طهران در نسخه نوشته شد و آن نسخه با قبول و صحه مبارک همایون اعلیحضرت اقدس شهریاری و مهر وزارت امور خارجه

امتیاز بانک شاهنشاهی

رسیده دو دیگر را مسیو بارن جرج رتیر از جانب مسیو بارن ژولیوس
رتیر امضا کرده در پنج و هفتم جمادی الاول سنه ۱۳۰۶ یکهزار و
سیصد و شش هجری مطابق سیام ژانویه یکهزار و هشتصد و هشتاد و نه ۱۸۸۹
مسیحی مبادله شد

(جرج رتیر)

در حضور من امضا کرده

(درومن ولف)

(وزیر مختار دولت انگلیس
در دربار ایران)

فصل ملحقه امتیاز بانک شاهنشاهی

ضمیمه اول

امضا کننده ذیل متعهد میشود اصل امتیاز که به بارون ژولیوس دو رتیر بتاریخ ۲۵
بیست و پنجم ژوئیه سنه ۱۸۷۲ یکهزار و هشتصد و هفتاد و دو مرحمت شده بود طرف ده روز
بعد از ورود خود شان به لندن بوزیر امور خارجه انگلیس تسلیم نماید از این نوشته باسم
نامی اعلیحضرت پادشاه انگلیس در طهران عنوان خواهد شد و جناب
معزی الیه متعهد میشود که نوشته مزبوره را بدولت علیه ایران تسلیم نماید

تحریرا در طهران بتاریخ سیم ژانویه ۱۸۸۹ سنه

(محل امضا و مهر) جارج رتیر

امضا شد در حضور من

(محل مهر و امضا) هنری درامند ولف ایلچی مخصوص
و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلیس
در دربار ایران)

فصل ملحقه امتیاز بانک شاهنشاهی

ضمیمه دویم

مقرر است که بانک شاهنشاهی موجب امور مخصوص مذکوره در فصل چهارم این امتیازنامه بدولت علیه ایران اداء نماید این موجب مذکور که عبارت است از سه هزار قران در آخر هر سال مالیه یعنی در بیستم مارس بانک باید کارسازی نماید

تحریراً در طهران مورخه سیم جانویه هزار و هشتصد و هشتاد و نه مسیحیه ۱۸۸۹

(محل مهر و امضاء) جارج رویتر

در حضور من امضا شد

(محل مهر و امضاء) هنری درامند ولف ایلچی مخصوص و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلیس در دربار ایران

فصل ملحقه امتیاز بانک شاهنشاهی

ضمیمه سیم

واضح و معلوم میباشد که وجه الضمانه چهل هزار لیره انگلیسی که بموجب فصل ششم امتیازنامچه بدولت علیه ایران داده شود و تسلیم بانکهای اعلیحضرت اقدس شهریاری خواهد گردید. این مقوله برای بانکهای اعلیحضرت همایونی قرض دو کرور فرانک یعنی چهل هزار لیره انگلیسی خواهد بود که در فصل ششم ذکر شده و باین نحو از پیش تسلیمش وقوع بهم میرساند. بناءً علیه فردای روز تشکیل بانک بانکهای اعلیحضرت اقدس شهریاری بعوض آنکه از برای وثیقه این قرض مذکور دو کرور قید شده در فصل ششم را بخواهند مدیرهای بانک شاهنشاهی اجرا خواهند فرمود که این مبلغ را چون رد وجه الضمانه به بارون ژولیوس رویتر بدهند این مضاف الیه اعتبار را خواهد داشت در هر کجا کلمه انگلیسیه در خود امتیازنامچه درج شده بود

در هزار و هشتصد و هشتاد و نه در دارالخلافه طهران قلمی گردید

(محل مهر و امضاء) در حضور من امضا شد

جارج رویتر (محل مهر و امضاء)

هنری درامند ولف ایلچی مخصوص و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلیس در دربار ایران

فصول اصلاحیه

ضمیمهٔ چهارم

این فصول ذیل هرگاه با شرایط اصل امتیازنامچه و ضمیمات آن تفاوت دارند برقرار و قاطع خواهند بود

فصل اوّل مرکز معاملات در طهران خواهد بود و نشر و صدور بلیت بانک در اینجا خواهد بود در سایر جاها نخواهد بود

فصل دویم بانک شاهنشاهی بدون اجازه دولت علیه ایران حق نخواهد داشت در قلمرو دولت علیه ایران ملک و بعضی طرق از قبیل املاک و اراضی و دهات وغیره کند و هم بدون اجازه حق نخواهد داشت بروات دولتی را شریک کند یا با عقار را رهنا داده بکسی قرض بدهد غیر از برواتیکه ببانک حواله شده باشد

فصل سیم سرمایه بانک میتواند منقسم شود با سهام و اسهامیکه که مناسب باشد بانک میتواند تشکیل شود مطابق قانون ولایت که سرمایه یا قسم دیگر آن در آنجا تحصیل شده باشد ممکن است امضا فقط در مکانهای مناسب وضع خواهد شد و سهام بانک دار خواهد شد

فصل چهارم ضمانت ردّ این بلیتها از قرار ذیل خواهد بود بانک صریحاً متعهد میشود که اقلاً یک ثلث از وجه بلیتهای منتشر شده خود را

نقد موجود داشته باشد و دو ثلث از این وجه نقد میتواند قرض طلا و نقره باشد تفاوت مابین وجه موجودی نقدی و وجه بلیتهای منتشر شده هرگز زیاده‌تر از وجه سرمایه اداکرده نخواهد بود

فصل پنجم دولت علیه ایران مراقبت تامه خود را در بانک توسط مأمور محرمی که خود معین کند جاری خواهد ساخت حقوق این مأمور از قرار ذیل خواهد بود برحسب حق در مجالس عمومی بانک و همچنین در مجلس شورای رؤسا در طهران حضور بهم خواهد رسانید و دولت علیه از هر تغییر و تبدیلی فصول امتیازنامچه مطلع خواهد ساخت و مخصوصاً مراقبت تام خواهد داشت در مدلولات فصل سیم از امتیازنامچه و در این فصول بیان شده است رعایت شوند و مراقبت روابط بانک با خزانه دولت علیه بر عهده اوست و چون نخواهد توانست در تدابیر و نظارت اعمال بانک خود را داخل سازد مأموریت او بهیچوجه من الوجوه اسباب مسئولیت دولت علیه نخواهد بود

فصل ششم علاوه بر چهل هزار لیره انگلیسی که قرار شده است بانک شاهنشاهی بدولت علیه بدهد استقراضات و پیشکیهای دیگر را بدون ضمانات پسندیده نخواهد داد وجه کل این پیشکیها و استقراضات

هیچوقت زیادتر از یک ثلث وجه سرمایه ادا کرده بانک نخواهد بود

فصل هفتم ادای حق سالیانه بدولت علیه که در فصل هفتم از امتیاز
نامچه مقرر است در بیستم ماه مارس یعنی آخر حوت خواهد بود که بعد از
انقضای یک سال تمام بعد از شروع بکار بانک

فصل هشتم در صورت عدم توافق بین حکمیه مطابق فصل دهم از
امتیاز نامچه مقرر شده برای انتخاب حکم آخری جهت قطع اختلاف
که مابین بانک و اشخاص مختلف ظاهر گردد آن حکم آخری بتوسط
سفیری از دول فرانسه یا المان یا اطریش یا ایطالیا مقیم طهران
انتخاب خواهد شد و هر اختلافی در ممالک ایران خارج از دار الخلافه
مابین بانک و اشخاص مختلف ظاهر گردد میتواند قطع شود بتوسط حکمیه در خود
محل اختلاف بتوسط قنسول یا وکیل قنسولگری دول مزبوره برضای طرفین
انتخاب شده است و هرگاه اختلافی مابین دولت علیه و بانک
ظاهر گردد بانک حق دارد که شخصی از اهل خبره جهت حکمیت بخواهد و این
شخص باید ساکن اروپ باشد و بتوسط رؤسای کل از بانکهای دولتی
فرانسه و المان و اطریش و ایطالیا یا بتوسط یکی از آنها انتخاب خواهد
شد و دولت علیه رای حکم اولی و یا رای حکم آخری را نافذ و اجرا خواهد ساخت

فصل نهم خود بانک معادن و کارهای دیگر مذکوره در فصل یازدهم
و دوازدهم و سیزدهم از امتیاز نامچه و ایضاً کارهای تجارتی مذکوره در
فصل اول از امتیاز نامچه دایر نخواهد نمود اما بانک حق خواهد داشت
یا همه یا یکی از حقوق مطابق فصول مزبوره عطا شده را بکمپانیهای بفروشد
یا واگذار نماید اما فروش یا واگذاری مطابق فصول امتیاز نامچه خواهد
بود مشروط برآنکه آن کس یا کسان را جهت اجازه بدولت معرفی
کند و بدون چنین اجازه از جانب دولت چنین واگذاری یا فروش
کامل نخواهد بود هرگاه دولت علیه این اجازه را بدون اظهار
سببی که صحیح باشد بتعویق بیندازد یا اصلاً نپذیرد بانک حق دارد فقره را
بحکمی رجوع نماید مطابق فصل دهم از امتیاز نامچه که در فصل هشتم
این اصلاحات بیان شده است و حق سالیانه فصل سیزدهم از امتیاز
نامچه آن کس یا کسان که معادن را دایر نمایند ادا خواهند نمود
و بانک ضامن صحت حساب و رسانیدن آن حقوق دولت است
که در فصل سیزدهم اصل امتیاز نامچه مقرر است و بانک حق دارد
این معادن و کارهای دیگر را تفتیش و عموماً اعتبار آنها را تحقیق
کند بتاریخ ۲۸ ذیقعده الحرام سنه ۱۳۰۶ هجری مطابق ۲۷ جولای

متعلق ببانک

سنه ۱۸۸۹ مسیحی در بر اسپان امضا شده و دو نسخه متساوی مبادله شد

سواد دستخط مبارک همایونی درباب نشر بلیت یکتومانی

بموجب فصل سیم از امتیاز بانک شاهنشاهی ایران حق ندارد بدون اذن
دولت علیه بلیت کمتر از دو تومانی نشر بدهد ولی چون این اوقات
معلوم کارگذاران دولت ابد مدت گردید که نشر بلیتهای یکتومانی اسباب
سهولت معاملات و داد وستد با بانک مزبور میشود با اهالی ایران
لهذا بموجب این نوشته دولت مدرکان اعلیحضرت شاهنشاهی اجازه
میدهند ببانک شاهنشاهی در بابت آن امتیازیکه بموجب
امتیازنامچه حق نشر دارد قسمی از آن را صلاح بداند بلیت یکتومانی
نشر بدهد بتاریخ ۲۲ رجب المرجب اودئیل سنه ۱۳۰۷ هجری

محل مهر مبارک

متعلق ببانک

عریضه ایست که رئیس بانک بحضرت اشرف عرض کرده

شاهنشاه بانک

بحضور مبارک جناب مستطاب اجل اکرم اشرف عرضه میدارد مطابق فصل
دهم از ضمیمه چهارم امتیازنامه که اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی مرحمت فرموده اند
باکمال شرف و افتخار بدولت علیه عرض مینماید خیال دارد که حقوق دایر نمودن
عمل معادن را بکمپانی انگلیس واگذار نماید و مدیری آن کمپانی بیکی از رؤسای
بانک شاهنشاهی باشد و از رؤسای دیگر سه نفر از رؤسای بانک مزبور
خواهد بود و چون این قرار مزبور بدولت علیه ضمانت کافی خواهد بود
که نصفه از معادن بدرستی کارسازی خواهد شد محترماً از جناب مستطاب
اجل اکرم اشرف استدعا مینماید که از دولت علیه اذن و اجازه حاصل نمایند
در این واگذاری مزبور قبول شود

محل امضای رئیس بانک
رابینو

متعلق به بانک

جواب است که از وزارت عظمی به رئیس بانک مرقوم شد

مقرب الخاقان دوستان استظهار مشفق محترم مهربان مسیو رابینو رئیس بانک شاهنشاهی ایران در خصوص ورقه که از کردن حقوق واگذار نمودن عمل معادن را بکمپانی کمپانی انگلیس در بانک شاهنشاهی ایران بموجب فصل نهم ضمیمه چهارم امتیازنامه مجاز کرده اید کاغذی در تاریخ یوم جمعه سیم ژانویه ۱۸۸۹ مسیحی مطابق یازدهم جمادی الاول ۱۳۰۷ هجری نوشته بودید ملاحظه گردید و از خاکپای مبارک همایونی روحنا فداه که رانم مقرر فرمودند در صورتیکه بانک شاهنشاهی متقبل اجرای تمام شرائط مندرجه در فصل مزبور ضمیمه یازدهم و دوازدهم و سیزدهم اصل امتیازنامچه و ضامن صحت حساب و رسانیدن تمام حقوق دولت علیه ایران است که در فصل سیزدهم اصل امتیازنامچه قید شده است اجازه باو میدهیم که اداکار مزبور را جاری سازد و البته در صورتیکه شرکت معدنی باین ترتیب تشکیل شود از جانب دولت علیه کمال تقویت باو خواهد شد فی ۱۳ جمادی الاولی ۱۳۰۷ هجری مطابق ۱۵ ژانویه ۱۸۸۹ مسیحی

[illegible]

امتیازنامچه قند

فیمابین بندگان حضرت مستطاب اشرف امجد افخم اعظم آقای امین السلطان وزیر اعظم دولت علیه ایران من جانب بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه موشح بصحه همایون شاهنشاهی و مسیو ادوارد ولهمیکن و رعیت بلژ ساکن طهران مراتب ذیل از طرفین برقرار گردید

فصل اول دولت علیه ایران بمسیو ولهمیکن و وارث یا وکلای او امتیاز و حق مطلق برای ساختن قند و گلوکز قند را در تمام دولت علیه ایران میدهند

فصل دویم این کارخانجات و محل کشت و زرع نیشکر و چغندر و نباتات قندی باید در جائی که صاحب امتیاز مصلحت بداند اختیار و معین شود ولی باطلاع دولت علیه ایران

فصل سیم دولت علیه ایران بصاحب امتیازنامچه اجازه میدهد که تمام ادوات و اسباب و مصالحی که برای ساختن و دایر داشتن و محصول این کارخانجات لازم است بدون حقوق گمرک و راهداری و غیره وارد نماید و دولت علیه ایران مالیات و حقوق دیگر از ادوات و مصالح و حاصل کارخانجات و دخل و املاک و نیز از افراد و عملجات خلاصه آنچه در متعلق باین امتیازنامچه میباشد و جائی من الوجوه حق مطالبه نخواهند داشت

فصل چهارم صاحب امتیاز آنچه را که متعلق باشد به دایر داشتن امتیاز و فروختن حاصل خود لازم باشد بکار بردن و مجاز است

فصل پنجم صاحب امتیاز همه ساله را باید در وجه دولت سرکار اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه صدی پانزده از منفعت خالصی که از دایر داشتن این امتیاز نامه حاصل میشود بپردازد و دولت علیه ایران حق خواهد داشت یکنفر مامور معین نماید که در آخر هر سال از دفتر خرج و دخل یعنی حسابهائیکه منافع سالیانه را معلوم میکنند اطلاع حاصل نماید

فصل ششم طول مدت این امتیاز نامچه از روز امضای آن الی مدت سی سال میباشد در این مدت سی سال ساختن قند و گلوکز قند در تمام دولت ایران چه از برای تبعه ایران و چه از برای تبعه خارجه بکلی قدغن و ممنوع است و حق مطلق ساختن قند و گلوکز قند در تمام مدت مزبور برای صاحب امتیاز خواهد بود ولی کارخانجاتیکه الحال دایرند قند درست میکنند خواهند توانست که همان قند را درست نمایند هرگاه در انقضای مدت دو سال صاحب امتیاز شروع در برقرار نمودن کارخانجات خود ننمود این قرارنامه باطل و از درجه اعتبار ساقط خواهد شد

فصل هفتم دولت علیه ایران تعهد مینماید که نسبت بمعلمین و اجزای آن کارخانجات

خود را مبذول فرمایند

فصل هشتم هرگاه در این مدت سی سال دولت علیه ایران تغییر در عهدنامهای تجارتی خود با دول خارجه بدهند بطوریکه از برای دولت علیه ممکن گردد وارد کردن قند و گلوکز قند را در تمام خاک ایران قدغن نماید آنوقت تعهد مینماید که بمسیو دانیل یا آن اشخاص که این قرارنامه باشان منتقل میشود مونوپل تام ادخال و ساختن و فروختن قند و گلوکز قند را در تمام خاک دولت علیه ایران فقط بموجب شرایط مرقومه ذیل بدهند

اولاً صاحب امتیاز با سایرین منجمله حق دارند هر چوب آلات لازمه را برای ساختن و دایر داشتن این امتیاز از جنگلهای دولتی مجاناً استخراج نمایند ولی فقط بجهة این امتیاز است

ثانیاً قدغن اکید بشود که کسان دیگر در تمام دولت علیه ایران قند و گلوکز قند داخل ننمایند و نسازند و نفروشند

ثالثاً در عوض صدی پانزده که در فصل پنجم ذکر شده است صدی بیست از منفعت خالص در وجه سرکار اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه پرداخته شود

فصل نهم مسیو دانیل از الحال مأذون است که این امتیاز نامچه را

امتیاز قند

با تمام حقوق و تعهدات خود باشخاص دیگر یا بیک کمپانی منتقل سازد و این انتقال
باذن و اجازه و امضای دولت علیه ایران خواهد بود

فصل دهم این امتیاز نامچه که بخط ایرانی نوشته شد و ترجمه رسمی آن که بخط
فرانسه در حاشیه مسطور رفته است باید بمهر حضرت مستطاب اشرف افخم
اعظم آقای امین السلطان ممهور و بصحه مبارک اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه
مزین گردد

در دار الخلافه طهران بتاریخ هفدهم شهر شعبان المعظم ۱۳۰۶ هجری مطابق هجدهم
ماه آوریل ۱۸۸۹ مسیحی نسختان نوشته شد

امتیاز شیشه آلات

فیمابین بندگان حضرت مستطاب اشرف افخم آقای امین السلطان وزیر اعظم
دولت علیه ایران من جانب بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه
و موشح بصحه مبارک همایونی و مسیو ادوارد نی فهنس رعیت بلژیک ساکن پاریس
مراتب ذیل از طرفین برقرار گردید

فصل اول دولت علیه ایران بمسیو ادوارد نی و وارث یا وکلای او
امتیاز و حق مطلق برای ساختن شیشه آلات در و پنجره و بلور آلات و غیره
و بار فتن آلات و آنچه را متعلق باین صنایع است در تمام دولت علیه
ایران میدهد

فصل دوم این کارخانجات باید در جائی که صاحب امتیاز مصلحت بداند
احداث و معین شود ولی با اطلاع دولت علیه ایران

فصل سیم دولت علیه ایران بصاحب امتیاز اجازه میدهد که ادوات
و اسباب و مصالحی را که برای ساختن و دایر داشتن و محصول این کارخانجات
لازم است بدون حقوق گمرک و راهداری و غیره وارد نماید دولت علیه
ایران مالیات و حقوق دیگر از ادوات و حاصل کارخانجات
و در حق املاک و نیز از اجزاء و عملجات حاضره آنچه را که متعلق باین امتیاز است
وجها من الوجوه حق مطالبه نخواهند داشت

امتیاز شیشه آلات

فصل چهارم صاحب امتیاز همه ساله را باید در وجه دولت بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه صدی پانزده از منفعت خالص که از دایر داشتن این امتیاز نامه حاصل میشود بپردازد دولت علیه ایران حق خواهد داشت که یکنفر مامور تعیین نماید که در آخر هر سال از دفتر خرج و دخل منافع حاصله که منافع سالیانه را معلوم نموده اطلاع حاصل نماید

فصل پنجم صاحب امتیاز آنچه را که متعلق بساختن و دایر داشتن امتیاز و فروش حاصل خود میباشد بکلی ماذون و مختار است

فصل ششم طول مدت این امتیاز نامچه از روز امضای آن الی مدت سی سال میباشد ساختن شیشه آلات از قبیل در و پنجره و بلور آلات و ظروف و آینه وغیره و بارفتن آلات در تمام دولت علیه ایران چه از برای تبعه ایران و چه از برای تبعه خارجه بکلی قدغن و ممنوع است اما شیشه گرخانهایی که از سابق دایر میباشند خواهند توانست که بسیاق سابق باقی باشند و آنچه را که الحال میسازند بعد ها نیز بسازند و حق مطلق ساختن اشیاء مزبور در تمام مدت مذکور برای صاحب امتیاز خواهد بود هرگاه در انقضای مدت دو سال صاحب امتیاز شروع در برقرار نمودن کارخانجات خود ننموده این قرار نامچه باطل و از

امتیاز شیشه آلات

درجه اعتبار ساقط خواهد شد

فصل هفتم دولت علیه ایران تعهد مینماید که نسبت بصنعتی و اجزای آن حمایت خود را مبذول فرماید

فصل هشتم هرگاه در این مدت سی سال دولت علیه ایران تعهد در عهدنامهای تجارتی خود با دول خارجه به نهجی نظوریکه از برای دولت علیه ممکن گردد ادخال شیشه آلات از قبیل شیشه در و پنجره و بلور آلات و ظروف و آینه وغیره و بارفتن آلات را در خاک ایران قدغن نماید آنوقت تعهد مینماید که بسیر و نی یا بان اشخاصیکه این قرار نامه با ایشان منعقد میشود بتوان تمام ادخال و ساختن و فروش شیشه آلات از قبیل شیشه در و پنجره و بلور آلات و ظروف و آینه وغیره و بارفتن آلات را در تمام خاک دولت علیه ایران فقط بموجب شرایط جدیده ذیل بدهند

اولاً در عوض صدی پانزده در فصل چهارم ذکر شده است صدی بیست از منفعت خالص در وجه بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه پرداخته شود

ثانیاً قدغن اکید شود که کسان دیگر در تمام دولت علیه ایران شیشه آلات و بارفتن آلات داخل ننمایند و نسازند و نفروشند

امتیاز شیشه آلات

ثالثاً صاحب امتیاز یا سایرین من جانبه حق دارند چوب آلات
لازمه را بجهت ساختن و دایر نمودن این امتیازنامه از جنگلهای
دولتی مجاناً استخراج نمایند

فصل نهم مسیو دنی لز المحال مأذون است که این امتیاز را مجدداً
باتمام حقوقات و تعهدات باشخاص دیگر یا کمپانی منتقل سازد
ولی این انتقال باذن و اجازه و امضای دولت علیه ایران خواهد بود

فصل دهم این امتیازنامه چه در خط ایرانی نوشته شده و ترجمه
رسمی آن بزبان فرانسه در حاشیه سطر رفته است باید بمهر حضرت
مستطاب اشرف امجد افخم اعظم آقای امین السلطان ممهور و بصحه مبارکه
بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه مزین گردد
در دار الخلافه طهران بتاریخ هفدهم شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۰۶ هجری
مطابق هجدهم آوریل سنه ۱۸۸۹ مسیحی نسختان نوشته شد

امتیازنامه شمع کچی

فیمابین بندگان حضرت مستطاب اشرف امجد افخم اعظم آقای امین السلطان
وزیر اعظم دولت علیه ایران من جانب بندگان اعلیحضرت اقدس
شاهنشاهی ارواحنا فداه و موشح بصحه مبارکه همایون شاهنشاهی و مسیو دنی
رعیت فرانسه ساکن طهران مراتب ذیل از طرفین برقرار گردید

فصل اول دولت علیه ایران بمسیو دنی یا وارث یا وکلای
او امتیاز و حق برای ساختن شمع کچی مثل شمع اروپا در تمام دولت
علیه ایران میدهد

فصل دویم این کارخانجات باید در جائیکه صاحب امتیاز
مصلحت میداند احداث و معین شود ولی باطلاع دولت علیه ایران

فصل سیم دولت علیه ایران بصاحب امتیاز اجازه میدهد
که تمام ادوات و اسباب و مصالحی برای ساختن و دایر داشتن
محصول این کارخانجات لازم است بدون حقوق گمرک و راهداری
و غیره وارد نماید و دولت علیه ایران مالیات و حقوق دیگر از
ادوات و مصالح و محصل کارخانجات و دخل و املاک و نیز از
اجزاء و عملجات و چیزها یکه متعلق باین امتیازنامه است بوجهاً
من الوجوه حق مطالبه نخواهد داشت

امتیاز شمع کچی

فصل چهارم صاحب امتیاز آنچه را که متعلق بساختن و دایر داشتن امتیاز و فروختن حاصل خود میباشد یکجا مأذون و مختار است

فصل پنجم صاحب امتیاز همه ساله باید در وجه سرکار علیه حضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه صدی پانزده از منفعت خالص که از دایر داشتن این امتیاز نامه حاصل میشود بپردازد و دولت علیه ایران حق خواهد داشت که بکمیسر مأمور تعیین نماید که در آخر هر سال از دفتر خرج و دخل میزانها بهائی را که منافع سالیانه را معلوم کند اطلاع حاصل نماید

فصل ششم طول مدت این امتیاز نامه از روز امضای آن الی مدت سی سال میباشد در این مدت سی سال ساختن شمع مزبور در تمام ممالک دولت علیه ایران چه از برای تبعه ایران و چه از برای تبعه خارجه یکلخت قدغن و ممنوع است و حق مطلق ساختن شمع در تمام مدت مذکور برای صاحب امتیاز خواهد بود هرگاه در انقضای مدت دو سال صاحب امتیاز شروع در برقرار نمودن کارخانجات خود نکرد این قرار نامه باطل و از درجه اعتبار ساقط خواهد شد

فصل هفتم دولت علیه تعهد مینماید که نسبت باشغل و اجزای آن حمایت خود را مبذول فرمایند

امتیاز شمع کچی

فصل هشتم هرگاه در این مدت سی سال دولت علیه ایران تغییر در عهدنامه‌های تجارتی خود با دول خارجه بدهد بطوریکه از برای دولت علیه ایران ممکن گردد ادخال شمع کچی را در ممالک ایران قدغن نمایند از وقت تعهد مینمایند که مسیو دنی یا بان اشخاصی که این قرار نامه با ایشان منتقل میشود موافق تمام ادخال شمع را در تمام ممالک دولت علیه ایران فقط بموجب شرایط ذیل به مسیو دنی بدهند

اولاً صاحب امتیاز یا سایرین از جانب حق دارند هر چوب و آلات لازمه را بجهت ساختن و دایر داشتن این امتیاز نامه از جنگلهای دولتی مجاناً استخراج نمایند ولی فقط بجهت این امتیاز نامه است

ثانیاً قدغن اکید بشود که کسان دیگر در تمام دولت علیه ایران شمع داخل نمایند و نسازند و نفروشند

ثالثاً در اوقات منفعتی که از سود نبی حاصل میشود و قرار حقوق دولت را از قرار صدی بیست از منافع خالص خواهند داد

فصل نهم مسیو دنی از الحال مأذون است که این امتیاز نامچه را با تمام حقوقات و تعهدات خود باشخاص دیگر یا کمپانی منتقل سازد ولی این انتقال با اذن و اجازه و امضای دولت علیه خواهد بود

امتیاز شمع کچی

فصل دهم این امتیاز نامچه که بخط ایرانی نوشته شد و ترجمه رسمی آن بخط
فرانسه در حاشیه مسطور رفته است باید بمهر همایون حضرت مستطاب
اشرف امجد افخم اعظم آقای امین السلطان ممهور و بصحه مبارکه همایون
اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه مزین گردد

در دار الخلافه طهران بتاریخ هفدهم شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۰۶ هجری مطابق
هجدهم ماه آوریل سنه ۱۸۸۹ مسیحی نوشته شد

ساختن شمع پیه که حالا در ایران معمول است مجاز خواهد بود و ایرانیها
حق خواهند داشت همه وقت آنرا بسازند

ضمیمه امتیاز نامهای کارخانه قند و بلور چینی و شمع سازی

همایون اعلیحضرت قدر قدرت اقدس شهریاری ارواحنا فداه در حق مسیو
ادوارد ونی صاحب این امتیاز نامها تفضیلات آتیه را در ضمن امتیاز
نامهای مذکوره در تاریخ هجدهم آوریل سنه ۱۸۸۹ بمشارالیه مرحمت داشتند
قبول و عنایت سفیر نامیز

اولاً مدت شروع باعمال امتیاز نامهای مذکوره را بهجده ماه دیگر
امتداد داده میشود

امتیاز شمع کچی

ثانیاً مدت طول امتیاز نامها به چهل و پنج سال مقرر میگردد

ثالثاً صاحب امتیاز میتواند املاک و ابنیه در جهت دایر نمودن کارخانجات
لازم باشد بقدر اندازه لزوم کارخانجات خریداری یا اجاره نماید و دولت
علیه اراضی در جهت کارخانجات مزبوره لازم خواهد شد مجاناً باصحاب
امتیاز مرحمت خواهند فرمود و اراضی مزبوره اندازه اراضی که متعلق بدولت
بوده و بایرست معین خواهد شد

در دار الخلافه طهرانی مورخه شهر جمادی الاول سنه ۱۳۰۸ هجری اعطا شد

امتیاز مشروبات

دولت علیه ایران امتیاز ساختن مشروبات والکلی را در تمام مملکت خود بشرایط
مشروحه ذیل بسادولا خان عطا میکند و احداث کارخانجات مزبوره در تمام
اقطاع مملکت ایران منحصر مخصوص او خواهد بود
این امتیاز در تحت حمایت دولت علیه خواهد بود
مدت این امتیاز پنجاه سال است و در تمام مدت مزبوره حقوق این
قرارنامه محفوظ خواهد ماند
دولت علیه ایران اجازه میدهد بسادولا خان از تبعه خارجه و داخله
مملکت ترتیب شرکتی برای اجرای این عمل بدهد
برای ابنیهٔ لازمه در اراضی خالصه مجانا و در زمینهائیکه متعلق باشخاص است
بقیمت عادلانه بمشارالیه واگذار میشود که کارخانجات خود را دایر نماید
شراب و الکلی سوای گمرکیکه در ورود شهرها دریافت میشود هیچگونه مالیات
تازه نخواهد گذاشت که تا امروز معمول نبوده است
بعد از سه سال از آنچه حاصل کارخانجات حمل میشود صدی سه بدولت علیه
حق خروج میدهد
ساختن و فروش شراب و عرق هر کس بدون امتیاز مخصوص است و احدی
مجاز نیست نه در فروش و نه در ساختن فقط اشخاصیکه در خانه خود برای

امتیاز مشروبات

مصارف شخصیه مشروبات میسازند از این حکم مستثنی خواهند بود
دارندهٔ امتیاز هر ساله مبلغ بیست و پنجهزار تومان بخزانه دولت علیه ایران خواهد داد
اهالی دهات و مالکین انگور محصول خود را بقیمت عادلانه و رضای خاطر بدارندهٔ
امتیاز خواهند فروخت و اگر مزروع خالصه کافی نباشد دارندهٔ امتیاز
میتواند با اجاره یا شراکت بزراعت انگور بپردازد
از چوب و مصالحی که برای کارخانجات لازم میشود بیش از قیمت عادله
مطالبه نخواهند کرد
آلات و ادوات که از خارج ایران برای کارخانجات مزبوره لازم
میشوند بیاورند از رسوم گمرک معاف است
در انقضای پنجاه سال تمام کارخانجات و ادوات آن بدولت علیه تعلق
خواهد یافت
در هنگام مبادله این قرارنامه سادولا خان بیست و پنجهزار تومان نقد خارج از
تعهدات سابق الذکر بحضور اعلیحضرت شاهنشاهی تقدیم خواهد کرد
چنانچه از تاریخ امروز در ظرف پنجاه این امر صورت اجرا نیافت
قرارنامه حاضره کان لم یکن خواهد بود
در صورت ظهور اختلاف مابین مامورین دولت علیه و دارندهٔ امتیاز

امتیاز مشروبات

نص فارسی مطلقاً معتبر و اعتبار خواهد بود
در شهر فی ۱۷ ماه مه روسی مطابق ماه مه فرانسوی سنهٔ ۱۸۸۹

امتیاز نامهٔ مشروبات بتاریخ پنج و نهم ماه مه سنهٔ ۱۸۸۹ مسیحی در شهر
ورشو لساولاخانی اعطا شد و بتاریخ هشتم ماه اوت سنه مزبور در پاریس
ثبت سفارتخانه دولت علیه ایران گردیده و از طرف جناب نظر آقا
امضا شد و در تاریخ پنج و دهم ماه اوت سنه مذکور وجه مقرری امتیاز نامه
مسطوره که مبلغ پنج هزار منات باشد در شهر بوداپست تقدیم حضور مبارک
بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه گردید و امتیاز نامه
مزبوره ممهور و موشح بصحه مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی و نیز
مزین گردیده بامضای حضرت مستطاب اجل اشرف اسعد اعظم آقای
امین السلطان ادام الله اقباله العالی بدین مضمون مبلغ پنج هزار منات
از بابت مزبوره ساختن و فروش مشروبات والکلی در ایران که
بتاریخ آن از پنج و نهم ماه مه بود و ساولاخانی تعهد کرده بود و سررسید
امروز پنج و دهم ماه اوت سنهٔ ۱۸۸۹ جاپشه بود اینک از جانب جنابان
مشاراليه و شرکای او تسلیم شد و مرتبط من تقدیم حضور مبارک بندگان اعلیحضرت
اقدس شاهنشاهی گردید بنا براین امتیاز نامه مزبوره در کمال اعتبار است

امتیاز مشروبات

و ناسخی بجهة او نخواهد بود

امضاء امین السلطان
محل مهر

و بعد بصحه اعلیحضرت شاهنشاهی مزین گردیده

امتیاز نامه مزبوره بتاریخ فوق از جانب جناب ... خانی امضا شد
در غره سپتامبر سنهٔ ۱۸۸۹ در پاریس جناب نظر آقا نیز امضا کرده اند

نقض [illegible]
امتیاز نامه [illegible]
[illegible] بود [illegible]
بتاریخ ماه [illegible] بود

امتیاز چراغ برق و تلفن

بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه ممالک محروسهٔ ایران روحنا فداه اعطای مفخرانه بجناب اشرف یحیی خان مشیرالدوله امتیاز بکار داشتن چراغ برق و تلفن و اسبابیکه متعلق است بقوهٔ الکتریک در تمام ممالک محروسهٔ ایران موافق شروط مفصلهٔ آتیه

فصل اول کسان چاکر بهر نحوه مایلند مجاز خواهند بود که برای روشنی چراغ در کوچها و خانهای دارالخلافه و سایر بلاد داخله لوازم اسباب چراغ فراهم آورند از کشیدن سیم و نصب چراغهای پایه دار و کشیدن سیم تلفن

فصل دویم آنچه لازمه خرید و مخارج لوازم اسباب چراغ برق و تلفن باشد بعهدهٔ خود چاکر خانهزاد است

فصل سیم هرچه اسباب از قبیل دیوار کوب و چراغ پایه دار برای روشن کردن چراغ برق در کوچها و معابر حالیه لازم باشد کسان چاکر تهیه خواهند کرد ولی هرچه اسباب چراغ از دیوار کوب و پایه دار که با گاز روشن میشود حالا موجود باشد دولت بکسان چاکر مرحمت خواهند فرمود یعنی هر وقت چراغ برق موجود شود آن وقت تحویل داده میشود و عین آنها همیشه مال دولت است

فصل چهارم بعد از اعطای این امتیاز کارخانهای چراغ برق و سیمهای

تلفن از تاریخ فرمان همایون بعد از دو سال دایر و جاری خواهد شد و اگر هم بتواند زودتر از دو سال بموقع اجری خواهد گذاشت

فصل پنجم در باب قیمت چراغ و قیمت مخابرهٔ تلفن برای عامهٔ مردم قبل از وقت چاکر خانهزاد با اولیای دولت هر آنکه خواهد کرد که قرار معین داشته باشد از آن قرار تجاوز نشود و در ایام استمرار روشنائی چراغ برق چهار ساعت خواهد بود مگر آنکه اولیای دولت قرار جداگانه و فرمایش دیگر بفرمایند

فصل ششم معابر و کوچهائیکه حالا در طهران بچراغ گاز روشن است بهمان قیمتی که الان دولت میدهد همان قیمت را مرحمت فرمایند که کسان چاکر با چراغ برق روشن بکنند

فصل هفتم رعایت روشن کردن چراغهای برق چه از برای دولت و چه از برای عامهٔ مردم با خود کسان چاکر خانهزاد است

فصل هشتم امتیاز روشنائی چراغ برق و تلفن تا مدت استمرار این قرارنامه در طهران و سایر شهرهای ممالک محروسه فقط شخص کسان چاکر خواهد بود و بس

فصل نهم مدت امتیاز این چراغ برق و تلفن و سایر انواع آلات

امتیاز چراغ برق

الکتریک از تاریخ اعطای فرمان همایونی در مدت شصت سال خواهد بود

فصل دهم تمام آلات و ادوات کارخانه الکتریک از هر گونه گمرک و راهداری و سایر عوارض دیوانی معاف خواهد بود و آنچه را برای خرید و فروش باشد اداره گمرک حق بازرسی خواهد داشت

فصل یازدهم دولت و اولیای دولت چاکر خانه زاد را مجاز خواهند فرمود در حقوق این امتیاز را بهر کسی واگذار نماید که برای دایر نمودن چراغ برق و تلفن یک کمپانی تشکیل شود

فصل دوازدهم چاکر درگاه با سرمایه خود چراغی برای عمارات همایونی در طهران لازم است نصب و برقرار خواهد کرد و این چراغ از هر قبیل که باشد از چراغهای بزرگ بجهت حیاط و خیابان و چراغهای کوچک محلی از قبیل چراغ و غیره بجهت اطاق که باشد باید حاضر نماید و قرار قیمت آنرا با اولیای دولت خواهد داد و همیشه ده عدد چراغ بزرگ در طهران بجهت دولت مجانی خواهد بود

فصل سیزدهم کسان چاکر خانه زاد بجهت اعمال مرجوعه خود مختارند که سیمهای لازمه در میان کوچه‌ها و یا بامها و یا زیر خاک بکشند

فصل چهاردهم مخابرات و فرمایشات اعلیحضرت اقدس

امتیاز چراغ برق

همایون شاهنشاهی روحنا فداه با تلفن مجانی و بلاعوض خواهد بود

فصل پانزدهم اولیای دولت امتیاز احداث فونوگراف و آنچه اسبابیکه حالا اختراع شده است در باره چیزهائی که میتوان مطلب را ساخت و مطلب را ثبت و ضبط کرد و فرس مطرلیس که عبارت از قوه الکتریک است که با آن میتوان صنایع و کارخانه جات و کالسکه و غیره را حرکت داد بچاکر در تحویل مرحمت معزز نمایند و اگر دیگری از آنچه از الکتریک وارد و رواج میدهد بخواهد مرحله که چون منحصر باین اداره است باید از این اداره بخواهد بخودی خود حق مداخله نخواهد داشت و برای تمام ادارات که مجاز است هر قدر خانه و انبار و کارخانه و عملجات لازم باشد خواه باجاره یا با ابتیاع از هر گونه صادرات و عوارض و مالیات دیوانی معاف و مسلم خواهد بود

فصل شانزدهم هر گونه اشکالاتی و گفتگوئی در باب چراغ برق و تلفن و غیره فیمابین دولت و کمپانی احداث شود رفع آن با حکمی است که طرفین باجازه دولت انتخاب خواهند کرد

هرگاه اختلافی فیمابین نسختین فارسی و فرانسه بهم رسد متن اعتبار خط فرانسه خواهد بود

امتیاز چراغ برق

فصل هفدهم این امتیاز نامه در وزارت جلیله امور خارجه دولت علیه ایران و دارنده امتیاز در دو نسخه مبادله شد عبارات فصول آن فارسی و فرانسه متساوی با سند طرفین خواهد بود

انشاءالله تعالی این امتیاز نامه [illegible]
زیر [illegible] فصل است [illegible]
[illegible] ۱۳۰۷ [illegible]
[illegible]

امتیاز نامه راه عربستان

این امتیاز نامه برای ساختن راه [illegible] دار الخلافه الی اهواز برای حمل مال التجاره توسط یک عراده با یک شعبه از راه بروجرد باصفهان

فصل اول اولیای دولت علیه [illegible] این امتیاز را مرحمت خواهند فرمود و مدت آن از تاریخ صدور فرمان الی انقضای شصت سال تمام باشد این [illegible] حق انحصار خواهد داشت که راه [illegible] از اهواز و طهران را با انضمام راه [illegible] بروجرد و اصفهان بسازد وحق دیگر [illegible] آنست که در عرض راه در هر نقطه که مکانی را صلاح داند کاروانسرا و چاپارخانه برای سکونت عملجات و انبار و اصطبل و لوازمات دیگر و کارخانجات سنگ تراشی و [illegible] که برای راه ضرورت دارد بسازد وحق دیگر [illegible] این است که حمل و نقل مال التجاره و سیاح را بوقت و قرار معین تجهیز نماید و در عرض راه حق انحصار خواهد داشت و در هر جا لازم است مجرای آب قنات احداث نماید ولی فقط برای منزلگاههای [illegible] داشته باشد و در هر منزلگاهی اراضی بایره که مال دولت باشد باندازه چهار هزار ذرع منزلگاه اعطا خواهند فرمود که بجهت قوت خود کشت و زرع نماید و مجاز خواهد بود محصول آنرا اگر بخواهد بفروشد یا بسایر جهات حمل نماید و همچنین مجاز خواهد بود که اراضی [illegible] توسط صاحب امتیاز دایر شده است اجاره بدهد ولی برعیت ایران

امتیاز راه عربستان

و دیگر چاکر خانه‌زاد متعهد است که حق عبور از رودخانه‌ها و معابر و مسافرین دریافت نکند مگر در سر پلهائیکه مخصوص ساخته شده است و قرار آنرا قبل از وقت با اولیای دولت بدهد

فصل دویم برای ساختن ابنیه مفصله فوق در عرض راه اراضی که متعلق بدولت باشد باید بقدر لزوم مجاناً مرحمت شود و اگر متعلق بمردم است چاکر خانه‌زاد یا اجاره خواهد کرد یا خریداری خواهد نمود

فصل سیم راه و ابنیه در هر قریه که ساخته خواهد شد آلات و ادوات و دارائی و اجناس و غیره در تحت حمایت اولیای دولت خواهد بود و محض آزادی تجارت و امنیت مال التجاره و سیاح در عرض راه چاکر خانه‌زاد حق اخذ خواهد داشت و اولیای دولت حمایت کامل فرموده بحکام و ضباط و ولایات عرض راه که خط راه عبور میکند احکام مؤکد صادر فرمایند و از اجزاء و اعضای راه حمایت نموده حفظ و حراست کنند تا تعهدات چاکر بموقع اجرا برسد و اگر در ضمن این حفظ کاملاً احتیاطاً محتاج بقوه عسکریه بشود دریغ نکنند و بهیچگونه غفلت نشود

فصل چهارم چاکر خانه‌زاد برای اجرای این مقصود مجاز خواهد بود که از خارجه از سرمایه داران خارجه کمک بخواهد و مهندسین و عملجات

امتیاز راه عربستان

خارجه اجیر نماید تا بوسیله آن این خدمت بزرگ را انجام پذیر شود

فصل پنجم اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی حق مخصوص بچاکر میدهند که ساختن راه و ابنیه از قبیل پلها و منزلگاه و قنوات و مجاری آب و دالانات حمل و نقل را محض اطمینان سرمایه داران داخله و خارجه در پول ایشان بمصرف کلیه را انضمانات بدهد و این امتیاز در مدت شصت سال از چاکر گرفته نخواهد شد مادامیکه تمام پول بمصرف اینکار رسیده است بسرمایه داران رسیده باشد تا کارهای این راه تمام رسیده باشد و اتمام اینکار باید در دو سال و نیم بعد از شروع باشد

فصل ششم ششماه بعد از صدور فرمان باید شروع بکار شود و الا این امتیازنامه از درجه اعتبار ساقط است

فصل هفتم بعد از دایر شدن اداره حمل و نقل مال التجاره و مسافرین در آخر هر سال از منافع خالصه این اداره چاکر خانه‌زاد ده صد بخزانه دولت تقدیم خواهد کرد اولیای دولت بهیچ اسم و رسم مالیات و رسوم راهداری و صادر و عارض از اراضی مزروع و غیر مزروع و مستغلات و متعلقات باین راه مطالبه نفرموده کلیه را معاف خواهند فرمود

و نیز آلات و ادواتی را که از هر قبیل برای این راه لازم میشود از دادن گمرک

امتیاز راه عربستان

معاف خواهد بود و مباشرین گمرکخانه حق تجسس در بارها خواهند داشت که معلوم شود مال متفرقه داخل آن نباشد

فصل هشتم خانزاد متعهد است که حمل و نقل پست دولتی را در خط این راه به نصف نرخ ببرد و نیز این چاکر متعهد است که در حمل و نقل مال التجاره با کرایه تقدم و تفاوت با شخاص نهد و یا ملاحظه رعایتی نموده اشخاص را به یکدیگر ترجیح و اختصاص نهد و با تمام مردم در این مسئله مساوات حرکت خواهد نمود که اسباب رنجش احدی نشود

فصل نهم چاکر خانزاد برای انجام این مقصد مهندسین و نفر عمله و افراد خارجه لازم خواهد داشت و آنها در تحت قانون و اداب دولت علیه خواهند بود

فصل دهم برای تحصیل ده منافع معروضه اولیای دولت علیه حق خواهند داشت که هر شش ماه یکمرتبه بواسطه مامور مخصوص دفاتر کمپانی چاکر را ملاحظه و رسیدگی نمایند و این مامور باید دارای ... باشد

فصل یازدهم محض اطمینان خاطر اولیای دولت که راه مسلماً باتمام خواهد رسید چاکر خانزاد مبلغ ده هزار لیره انگلیسی در بانک ... آکده

امتیاز راه عربستان

بطور ضمانت خواهد گذاشت و قبض بانک را تسلیم اولیای دولت خواهد کرد و این وجه ضامن اتمام راه در مدت سه سال ابتدا از تاریخ صدور فرمان خواهد بود و این مبلغ وجه ضمانت که ده هزار لیره انگلیسی است چاکر خانزاد رد نخواهد شد مگر وقتیکه یک خمس از راه ساخته شد یک خمس از این وجه مسترد گردد باین ترتیب هر یک خمس از راه که ساخته شد یک خمس آن مسترد گردد و قس علیهذا اگر در مدت سه سال راه تمام نشد هر قدر از وجه ضمانت که باقی است حق دولت خواهد بود

فصل دوازدهم مدت شصت سال مدت امتیاز نامه است از تاریخ صدور فرمان است در صورتیکه امتیاز نامچه تجدید نشود تمام آلات و ادوات و مستغلات غیر منقول مال دولت و منقول را در صورت لزوم خریداری خواهند فرمود

[illegible] ... ۱۳۰۷ ...

متعلق براه عربستان

فرمان مهر لمعان مبارک همایونی

چون در اتمام راه شوشتر قدم اهتمام مخصوص معین السلطنه و همه سعی پیشتر از آنچه با
دو قاطش را مصروف بانجام آن قطعه داشته‌اند لهذا مدتی که در
قرارنامه معین شده کافی نخواهد بود برای اتمام راه عربستان بنا بر این دولت
علیه ایران بجهة اتمام دیگر کار مدت یکسال بر آنچه در قرارنامه معین شده
افزوده‌اند یعنی عوض آنکه باید از ۳ شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۰۷ مطابق ۲۷
نومبر سنه ۱۸۸۹ میلادی بنهایت دو سال و نیم دیگر اتمام شود در سه سال و نیم
مطابق بیست و هفتم می یکهزار و هشتصد و نود و سه میلادی و نیز دولت
علیه اجازه میدهد راه شوسته عربستان مطابق امتیازنامه با ...
ممدود بوده تا مجری داشته شود شهر شوال المکرم سنه ۱۳۰۸

متعلق براه عربستان

فرمان قضا جریان جهان مطاع همایونی

چون کمپانی راه شوسته برای ساختن راه از طهران بقم متحمل مخارج گزاف
کردیده و علاوه برای تعمیرات راه هر ساله واقع میشود باید
مصارف کلی نماید لهذا مطابق قانونیکه در سایر راههای شوسته معمول است
امر و مقرر میشود که از حالتحریر و ما بعد برای هر کالسکه و دلیژانس و بارکش و عراده
از هر قبیل که از طهران بقم بخواهد از خط راه جدید برود مبلغ کمپانی حق
عبور بدهند و برای هر چارپای بارکشی نیز که بخواهد از آن راه برود پنجشاهی حق العبور
از اینکه بار داشته باشد یا نداشته باشد و اگر بتوسط چارپایان اتمام مسافت
پیموده نشود بازای هر منزلی در سر مسکنه باید یکشاهی بدهند و از دروازه
حضرت عبدالعظیم که در طهران است تا خود حضرت عبدالعظیم که از ادای این
حق معاف است حضرات مکارین باید در عرض سال چنین ترتیبی
از این راه عبور و مرور نمایند میتوانند با دارۀ کمپانی آنچه قراری میدهند
که جهة ایشان مناسب تر تمام شود شهر شوال المکرم سنه ۱۳۰۸

امتیازنامه راه فیمابین تبریز و طهران

قرارنامه امتیاز راه فیمابین تبریز و دارالخلافه و شعبات و احداث ادارهٔ
حمل و نقل مال التجاره و مسافرین توسط عراده و عماره از قرار فصول ذیل است

فصل اول اولیای دولت علیه ایران این امتیاز را برای شصت
سال از تاریخ صدور فرمان مرحمت خواهند فرمود و صاحب امتیاز حق خواهد
داشت که راه فیمابین تبریز و دارالخلافه طهران و جلفا و در سرحد روس
و بایزید در سرحد عثمانی و از تبریز بروجرد از راه کردستان و همدان
بسازد و حق خواهد داشت در هر نقطه و مکانی که لازم باشد کاروانسرا
و چاپارخانه برای سکونت عملجات و انبار و اصطبل و لوازمات دیگر
از قبیل کارخانجات نجاری و حدادی و غیره که برای ادارهٔ این راه
ضرورت داشته باشد بسازد و نیز حق خواهد داشت در حمل و نقل
مال التجاره و مسافرین را بوقت معین و قرار معین تجهیز نماید
و حق این را دارد که در عرض راه هر جا لازم شود مجرای آب قنات تبریز شرط
رضای مالک احداث نماید و در هر منزلگاه از اراضی بایره که متعلق
به دولت باشد از هر طرف منزلگاه کلیتاً ده هزار ذرع مضروب به ذرع آن
بصاحب امتیاز عطا خواهد شد که بجهة خود کشت و زرع نماید و
مجاز خواهد بود که محصول آن اراضی را اگر خواهد بفروشد یا بتجارت حمل نماید

[illegible]

امتیاز راه تبریز

و همچنین حق خواهد داشت که اراضی را توسط خود و اراضی شرکت اجاره به هر دولتی
فقط به رعایای ایران و نیز حق خواهد داشت که در روی دریاچه ارومیه
دو فروند کشتی تجارتی بکار بیندازد بجهة حمل و نقل مال التجاره و مسافرین از
شهرهائیکه در سواحل آن واقعند و هم توسط آنها جهاز بادیه راکبه و صاحب
امتیاز متعهد است که حق عبور از آب وسکاری و مسافرین مطالبه ننماید
مگر در بعضی مخصوصاً برای اداره ساخته شود و این حق عبور را باید قبل از وقت
باولیای دولت اعلان کنند

فصل دویم برای ساختن ابنیه منفصله وقف در عرض راه لازم میشود
اگر اراضی متعلق به دولت باشد بلا عوض مجاناً مرحمت شود و اگر متعلق
بمردم است صاحب امتیاز اجاره خواهد کرد یا خریداری خواهد نمود

فصل سیم راه و ابنیه در هر نقطه ساخته خواهد شد آلات و اسباط
و اراضی ابتیاعی و تمام اموال اداره در تحت حمایت اولیای دولت
خواهد بود و محض ازدیاد تجارت و امنیت مال التجاره و مسافرین
عرض راه صاحب امتیاز حق دارد دولت علیه حمایت کامل
فرموده بحکام و ضابطان ولایات عرض راه در حفظ راه عبور مکنه
و حکام مشوکه صادر فرمایند از اجزاء و اعضاء و اموال اداره

امتیاز راه تبریز

راه حمایت نموده حفظ و حراست کنند تا تعهدات صاحب امتیاز بموقع اجرا برسد و اگر در ضمن این حفظ و حراست کاملاً احتیاطاً محتاج تقویت عسکریه شود دریغ نکنند و بهیچگونه عذری متعذر نشوند

فصل چهارم صاحب امتیاز برای اجرای مقصود خود مجاز خواهد بود که از سرمایه داران خارجه کمک بخواهد یا امتیاز راه را با آنها منتقل نماید و یا کمپانی ساخته شود و کمک خواستن و منتقل نمودن هر یکی باید با اطلاع و تصویب اولیای دولت باشد

فصل پنجم یکسال بعد از صدور فرمان باید شروع بکار شود و الا این امتیاز نامه لغو و از درجه اعتبار ساقط است و سه سال بعد از شروع بکار یعنی چهار سال بعد از صدور فرمان تمام راه باید ساخته و دایر شود

فصل ششم یکسال بعد از دایر شدن اداره حمل و نقل مال التجاره و مسافرین در آخر هر سال حاصل این اداره بعد از وضع مخارج صاحب امتیاز نامه باید صدی پنج بخزانه دولت علیه کارسازی نماید و اولیای دولت بهیچ اسم و رسم مالیات و راهداری و جواز و عوارض از اراضی مزروع و غیر مزروع و مستغلات و منقولات این اداره مطالبه نفرمایند و کلیه معاف خواهند بود و نیز اثاثیه که از هر قبیل برای همین اداره لازم باشد از دادن گمرک

امتیاز راه تبریز

معاف خواهد بود مباشرین گمرکخانه حق تحقیق و تجسس در بارها خواهند داشت که معلوم شود اجناسی غیر متعلق باداره در جزو آنها نباشد و این معافی فقط برای آن چیزی است که برای راه لازم است و بدیهی است گمرک حق آن دارد که از هر چه از این راه حمل و نقل بشود جزئی و کلی موافق معمول دولت گمرک داخله و خارجه را دریافت دارد

فصل هفتم صاحب امتیاز نامه متعهد است که حمل و نقل پست دولت علیه ایران را در این خط راه نصف نرخ ببرد و متعهد است که در حمل و نقل مال التجاره تقدم و تاخر باشخاص ندهد یا ملاحظه رعایتی نکند که بعضی اشخاص را بر بعضی دیگر اختصاص و ترجیح بدهد بلکه با تمام مردم در این مسئله مساوات جاری نماید که اسباب رنجش احدی نشود

فصل هشتم صاحب امتیاز نامه برای انجام این مقصود حق نخواهد داشت که زیاده از پنجاه نفر عملجات و اجزای خارجه بیاورد و این اجزای خارجه باید قوانین و رسوم ایران را محترم بدانند و مطابق آن رفتار کنند

فصل نهم برای تحصیل صدی پنج منافع معروضه دولت علیه حق خواهد داشت که هر شش ماه شش ماه بواسطه مامور مخصوص دفاتر کمپانی

امتیاز راه تبریز

صاحب امتیاز نامه را ملاحظه و رسیدگی نماید و این مامور مخصوص حق خواهد داشت که همیشه اوقات رسیدگی نماید در کارهای اداره مطابق فصول قرارنامه است

فصل دهم در آخر شصت سال مدت امتیازنامه است از تاریخ صدور فرمان در صورتیکه این امتیازنامه تجدید نشود تمام آلات وادوات غیر منقول[۲] را دولت علیه در صورت لزوم بنرخ امروز خریداری خواهند فرمود و تجدید باختیار دولت است خریدن اسباب غیر منقول هم بمیل دولت میخواهد بخرد نمیخواهد نخرد ذر هیچیک از این دو فقره دولت مجبور نخواهد بود

این قرارنامه در دو نسخه مطابق در شهر جمادی الثانی سنه ۱۳۰۷ هجری نوشته شد یک با مضای اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه و ثبت وزارت خارجه در نزد دارنده امتیاز و یک با مضای دارنده امتیاز در نزد اولیای دولت علیه ایران ضبط شد

[۲] در اصل عبارت چنین بوده: و ادوات منقول

صحه همایون

محل مهر نایب السلطنه

ترجمه از نسخه اصل قرارداد انشاء الله تعالی صحیح است

متعلق براه تبریز

این امتیاز در بیست و هفتم ماه فوریه یکهزار و هشتصد و نود و یک مطابق بیست و هشتم[۲۷] جمادی الثانی سنه ۱۳۰۷ اعطا شد از بیست و هفتم ماه فوریه سنه ۱۸۹۱ مطابق بیست و هشتم جمادی الثانی سنه ۱۳۰۸ یکسال دیگر است برقرار است کمپانی مدت یکسال باعمال مرجوعه مهلت داشته باشد

اولیای دولت علیه ایران متعهد و متقبل میشوند در مدت شصت سال این امتیاز برقرار است از طرفین راه مذکور از هر طرف بفاصله پنجاه کیلومتر که هشت فرسخ باشد احدی حق هیچگونه احداث راه شوسه[۳] رقابت با این راه کمپانی ندارد و اگر امتیاز راه آهن دولت بخواهد بکسی بدهد باید اول کمپانی تعهد کند در این کمپانی راه شوسه[۳] را راضی کند و از عهده خسارت او برآید

و در فصل اول امتیازنامه مزبور که مذکور است در سر پلها که کمپانی میسازد حق العبوری بگیرید باقی راه وخیابانها معاف باشد سازان معین است عابرین نمیتوانند بدون ادای حق عبور از پلهای مذکور عبور کنند و در وقت خشک رودخانه تا نیز جهة عابرین ممکن است از پلهای منحرف شده از ادای حق کمپانی تکاهل کنند و همچنین اخذ حق عبور در سر پلها بجهة عابرین ذکاریها اسباب معطل و زحمت است و بجهة کمپانی اسباب خرج و ضرر

لهذا هر آنکه از نقطه ابتدای حرکت تا انتهای مقصد بجهة هر یک کیلومتر دو شاهی
معین اخذ نماید تا اسباب آسوده گی طرفین بوده باشد باندازه‌ای که در
سرحدها قرار است حق العبور بگیرد و نه بیشتر

موافق رای و میل اولیای دولت علیه معین است در راه بسیار خوب
ترتیب دالان و پست و پلها را هموار نموده در طرفین راه چوب
برقرار کرده که آب را بکشد و پلهای لازمه بزرگ یا کوچک ساخته
درشکه‌ها و کالسکه‌ها بخوبی و بسهولت بتوانند عبور کنند و منزلگاهها و متعلقات
آنها نیز جهة سهولت و ارزانی حمل و نقل مال التجاره عبور مسافرین نموده باشد
اولیای دولت کمپانی را مجاز منصرف نمایند در حق عبور از عابرین و اجرت
حمل و نقل مال التجاره را در سه سال اول با اطلاع و تصدیق اولیای
دولت معین نماید در ظرف مدت سه سال اول از قرار صدی
دوازده از اصل سرمایه عاید دارد هرگاه منفعت آن از صدی
دوازده تجاوز نماید اولیای دولت علیه حق دارند در قیمت حمل و نقل
مال التجاره و وجه عبور مسافرین را خود معین نمایند با کمپانی مطیع
و مجبور شد برای اولیای دولت علیه در باب حمل و نقل مال التجاره
و وجه عبور مسافرین بر چه نحو خواهد بود و کمپانی مجبور است در صورت تصحیح

مخارج راه را بدولت بدهد که بتواند ماخذی برای تعیین آن کار در دست
داشته باشد و همچنین کمپانی را مجاز نمیدارد هر یک صد کیلومتر راه که
ساخته و تمام شود مشغول حمل و نقل مال التجاره و عبور دادن مسافرین
شوند اولیای دولت علیه متعهد میشوند احدی از حکام و مباشرین در عرض
راه هیچگونه حق مطالبه وجه حمل و نقل و غیره را نداشته باشند و نیز
حق رسیدگی و بار کردن بارها بگیرد که بکمپانی سپرده شد در بین راه
نداشته باشند که اسباب معطلی و تعطیل عمل کمپانی شود مگر در گمرکخانهای
دولتی بعد از تحویل دادن بکمپانی امتعه را بصاحبان آنها در استقرار اداد
بنا بر احداث ضروری برای گمرک و راهداری معموله دولت بکند
فصل نهم امتیازنامه و فصل ششم را در یک فصل منظور خواهیم داشت
که بنا بر این صحیح است

این قرارنامه در دو نسخه مطابق در شهر رجب ۱۳۰۸ هجری نوشته شد یک
نسخه با امضای اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه
ثبت وزارت خارجه در نزد دارنده امتیاز و یک نسخه با امضای
دارنده امتیاز در نزد اولیای دولت علیه ایران ضبط شد

ملاحظه شد
[illegible]

امتیازنامه دخانیات

مونوپل خرید و فروش و ساختن در داخل و خارج ایران کل توتون و تنباکو که
در ممالک محروسه ایران بعمل آورده میشود تا انقضای مدت پنجاه سال از تاریخ
امضای این امتیازنامه بماژور تالبوت و شرکای خودشان مشروط بشرایط ذیل
مرحمت و واگذار فرمودیم

فصل اوّل صاحبان این امتیازنامه همه ساله مبلغ پانزده هزار لیره انگلیسی
بخزانه عامره اعلی کارسازی خواهند نمود اعمّ از اینکه از این کار نفع یا ضرر
ببرند و این پول هر ساله در پنجاه از سال گذشته پرداخته میشود

فصل دویم فقط محض تعیین مقدار توتون و تنباکو که در ممالک
محروسه ایران بعمل آورده میشود صاحبان این امتیاز ثبتی از زارعین که
میخواهند عمل زراعت این امتیاز را بکنند نگاه خواهد داشت و دولت علیه
بحکام محلیه حکم اکید خواهند فرمود که زارعین تنباکو و توتون را مجبور
بدادن ثبت نمایند دادن اجازه نامچه از برای خرید و فروش و معامله
و غیره توتون و سیگار و سیگارت و انفیه و غیره حق خالص صاحبان
امتیاز است و احدی جز صاحبان این امتیازنامه حق صدور اجازه
نامجات مذکوره ندارد و نخواهد داشت و اصناف توتون و تنباکو
فروش که مشغول این حرفه در کسب معاملات داخله خود برقرار خواهند بود

امتیاز دخانیات

مشروط براینکه اجازه نامچه که بدارندگان امتیاز خواهند داد در دست داشته باشند

فصل سیم بعد از وضع جمیع مخارج متعلق باین عمل و تقسیم صدی پنج بر سرمایه
خودشان پس صاحبان این امتیاز یک ربع منافع باقی مانده را سال
بسال تسلیم خزانه عامره اعلی خواهند نمود و دولت علیه ایران حق وارسی بر دفاتر
ایشان خواهند داشت

فصل چهارم جمیع اسباب کارخانه و ملزومات این کار که صاحبان
این امتیاز داخل در ممالک محروسه می‌آورند از جمیع عوارضات گمرکی
و غیره آزاد خواهد بود

فصل پنجم حمل و نقل توتون و تنباکو در ممالک بلا اجازه صاحبان
این امتیاز ممنوع است مگر آنچه را که مسافرین برای استعمال یومیه خودشان
داشته باشند

فصل ششم صاحبان این امتیاز باید جمیع توتون و تنباکو که در
ممالک محروسه بعمل آورده میشود ابتیاع نمایند و در عوض آن نقد کارسازی
نمایند تا آن درجه که قابل استعمال باشد باید تمام توتون و تنباکو و غیره
را که فعلاً موجود است ابتیاع نمایند قیمت را باید عمل آورنده یا مالک
و [illegible] شود دوستانه بین عمل آورنده یا مالک و صاحبان این امتیاز

امتیاز دخانیات

قرار خواهد شد ولی در صورت عدم رضایت طرفین به حکمیت مرضی الطرفین
رجوع خواهد شد و حکم حکم قطعی و مجری خواهد شد

فصل هفتم دولت علیه متقبل میشود که بهیچوجه علاوه و اضافه بر مالیات
و عوارضات و رسوم گمرک حالیه در باب توتون و تنباکو و سیگار و سیگارت
و انفیه تا انقضاء مدت پنجاه سال از تاریخ امضای این امتیاز ننماید
همچنین دارنده امتیاز و شرکای او متعهد هستند تمام رسوماتی را که بالفعل
از تنباکو عاید دولت علیه ایران میشود کماکان عاید گردد

فصل هشتم هرکس یا کسانی که بخواهند از این فصول گریزی اختیار نمایند
مورد سیاست و مجازات سخت دولت خواهند شد و هرکس
یا کسانی که در پیش آنها خفیه تنباکو یا توتون و غیره بجهت فروش یا معامله
پیدا شود نیز بجریمه و سیاست سخت دولت گرفتار خواهند شد
دولت علیه حمایت و تقویت صریح هرچه تمامتر خود را در باب جمیع
اعمال صاحبان این امتیاز مرعی خواهد نمود و صاحبان این امتیاز
متعهد نیز میشوند بهیچوجه از حقوق خود موافق این امتیاز تجاوز
ننمایند

فصل نهم صاحبان این امتیاز مجاز خواهند بود تمام حقوق

امتیاز دخانیات

یا امتیازات و یا تعهدات و غیره خود را به کسی یا کسانی که میل دارند منتقل
نمایند ولی قبل از وقت باید اولیای دولت علیه اطلاع بدهند

فصل دهم عمل آورنده یا مالک هر وقت توتون و یا تنباکوی
خود را حاصل نمود باید فوراً بنزدیکترین وکیل صاحبان امتیاز
اطلاع بدهد حاصل ایشان بچه مقدار است تا اینکه صاحبان امتیاز هم
بتوانند تعهدات مقرره فوق در فصل ششم را بموقع اجری بگذارند لذا
بزودی ابتیاع نمایند

فصل یازدهم صاحبان این امتیاز حق خواهند داشت اراضی
ابتیاع نمایند هر قدر بخواهند لزوم اجرای این امتیازنامه بجهت انبار و منزل
و لوازم آن

فصل دوازدهم زراعین بر طبق بعضی شروطات که از جانب صاحبان
این امتیاز بهمراهی دولت مقرر میشود محق میباشند و باید از برای حاصل
خود پیشکی بایشان داده شود

فصل سیزدهم اگر از تاریخ امضای این امتیاز تا انقضای
مدت یکسال کمپانی اجرای آن تشکیل نشود و شروع بکار نشده این
امتیازنامه از درجه اعتبار ساقط است مگر اینکه جنگ یا امثال آن

مانع تشکیل کمپانی باشد واقع شود

فصل چهاردهم در صورت وقوع اختلاف مابین دولت علیه و صاحبان امتیاز آن اختلاف رجوع بحکمیت مرضی الطرفین خواهد شد و در صورت عدم امکان رضایت در تعیین حکم اختلاف را رجوع به حکمیت قطعی حکمی به تعیین یکی از نمایندگان دول اتازونی یا المان یا اطریش مقیم طهران خواهد شد

فصل پانزدهم این امتیاز نامه در دو نسخه مابین دولت علیه ایران و ماژور تالبت با امضای اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و مهر وزارت امور خارجه مبادله و مضمون فارسی آن محل اعتبار خواهد بود بتاریخ ۲۰ ماه مارچ سنه ۱۸۹۰ مطابق ۲۷ شهر رجب المرجب سنه ۱۳۰۷

عریضه که ماژور تالبت بخاکپای مبارک عرض نموده

حضور مبارک اعلیحضرت امپراطوری پادشاه ایران وغیره اعلیحضرتا

امضا کننده جرالد فرانسیس تالبت بعرض حضور مبارک میرساند که مطابق فصل هفتم امتیاز مورخه هشتم مارس سنه ۱۸۹۰ در باب انحصار مرحمت شده بموجب آن مونوپل خرید و فروش و ساختن تمام توتون و تنباکو در تمام مملکت ایران با من چاکر عطا شد حالیه دارم امتیاز مزبور را منتقل نمایم بشرکت موسوم کمپانی شاهنشاهی تنباکوی ایران که بقوانین دولت انگلیس تشکیل شده تا آنکه امتیاز را تحصیل نموده دارایش نماید

لندن ۱۳ دسامبر سنه ۱۸۹۰

مستمند بنده مطیع جان نثار ماژور جرالد فرانسیس تالبت

امتیازنامه دخانیات

جواب دولت بماژور تالبرت

عالیجاه مجدت و نجابت همراه دولت محترم ماژور طالبرت زید عزه
عریضه شما در باب انتقال امتیاز توتون و تنباکو و غیره بکمپانی شاهنشاهی
تنباکوی ایران بعرض حضور مراحم ظهور اعلیحضرت اقدس همایونی دام سلطانه
رسید چون انتقال مزبور مطابق فصل نهم امتیازنامه مزبوره
موقع قبول یافت من بعد کمپانی شاهنشاهی تنباکوی ایران را صاحب
این امتیاز میشناسند و این عریضه را که در باب انتقال مزبور عرض
کرده بودید در دفاتر دولت علیه ایران ثبت شد

فی ۱۰ شهر رجب المرجب سنه ۱۳۰۸

امتیازنامه مُن دُ پیته

قرارنامه و امتیاز برای ایجاد مُن دُ پیته و ساختن مکانی جهت حراج عمومی و همچنین
ساختن انبارها جهت حفظ اسبابهائیکه در نزد کمپانی رهن میگذارند

فصل اول اشخاصیکه با گرو پول قرض بخواهند برای اینکه از منفعت دادن
گزاف آسوده باشند و عمل حراج در تحت قاعده باشد اعلیحضرت
همایون شاهنشاهی اجازه میدهند به شاک ای پیاکوف قونسول جنرال
ایران و وارث او که مُن دُ پیته برقرار نمایند و مکان حراج و انبارهائیکه
لازم دارند بسازند و مدت این امتیاز هفتاد و پنجسال خواهد بود از تاریخ
امضای این قرارنامه

فصل دویم اسم این کمپانی قرض دهنده است از هر قبیل اجناس منقول
رهن قبول خواهد کرد غیر منقول مثل خانه و ملک و دکان و زمین و غیره
قبول نخواهد داشت و یک مکانی خواهد ساخت برای حراج کردن
عمومی مثل اینکه در شهرهای فرنگستان معمول است

فصل سیم صاحب امتیاز ابتدا شروع در طهران خواهد کرد
و بعد حق خواهد داشت که در سایر شهرهای ایران مثل طهران یک
مُن دُ پیته و مکانی جهت حراج عمومی برقرار نماید

فصل چهارم صاحب امتیاز میباید در سال بعد از امضای

این قرارنامه شروع بکار نماید والا این امتیاز از درجه اعتبار ساقط است قرار داشتیکه جهة این کار خواهد داد قبل از اجرا باید بعرض و اطلاع اولیای دولت برساند بعد شروع بکار کند

فصل پنجم سرمایه و تقسیم سهام و ساختن انبار و دکاکین کلیه تمام مخارج لازمه این کار بعهده صاحب امتیاز خواهد بود

فصل ششم تمام آلات و اجناس منقول مرهونه و نقد و ابنیه از قبیل خانه و انبار و عملجات وغیره که متعلق بصاحب امتیاز است و برای همین کار اسباب کرده است در تحت حمایت اولیای دولت خواهد بود بجهة حفظ اموال او هرچند قراول که لازم باشد دولت مضایقه نخواهد فرمود

فصل هفتم در آخر هر سال بعد از وضع مخارج صاحب امتیاز باید صدی ده از منافع کل بخزانه دولت کارسازی نماید علاوه بر این صدده در هر سالی مبلغ هزار تومان مالیات خراج املاک است صاحب امتیاز بخزانه دولت کارسازی خواهد نمود

برای معلوم نمودن منافع ده از صد که بدولت باید برسد دولت علیه ایران حق دارد که دفاتر عمل رسیدگی نماید

فصل هشتم در تمام مدت این امتیاز نامه اموال صاحب امتیاز

از قبیل منقول و غیر منقول و وجه نقد کلیه آنچه را که مالک هست از جمیع حقوقات و عوارضات دیوانی معاف خواهد بود

فصل نهم عملجات و اجزای کمپانی نمی‌توانند تبعه دولت ایران باشند

فصل دهم اجناسی که از هر قبیل در رهن صاحب امتیاز است کسی نمی‌تواند بهیچوجه آن اسباب را ضبط کند یا بفروشد تا زمانیکه تمام تنخواه صاحب امتیاز داده شود

فصل یازدهم هرگاه گفتگو و منازعه مابین صاحب امتیاز و دیگران پیدا شود رسیدگی با مجلسی که مرکب از چهار نفر خواهد بود که دو نفر آنها را دولت معین خواهد فرمود و دو نفر آنرا صاحب امتیاز هر حکمی که طرفین مجلس خواهند کرد همان مجری خواهد شد هرگاه ادعا و گفتگو در انجمن تمام نشود چند نفر دیگر را طرفین معین خواهند کرد که رسیدگی نمایند هرگاه صاحب امتیاز مطلب حقی داشته باشد بجناب وزیر اعظم اظهار نماید

فصل دوازدهم هرگاه گفتگوئی جهة این امتیازنامه بمیان بیاید از روی نوشته بخط فرانسوی که عیناً مطابق ترجمه فارسی آن خواهد بود رسیدگی خواهد شد

فصل سیزدهم قرار منفعت در هر صدی دوازده الی بیست خواهد بود

راهم تجاوز نخواهد کرد و همه قبیل اسباب و اشیاء قبول خواهد شد الی اسبابیکه
بجز از قیمت آن باشد مگر اسبابیکه نگاهداشتن آن مشکل و متضمن خطر باشد

فصل چهاردهم شخص مقروض میتواند دین خود را به دفعات ادا بکند و
این وجوه دفعتی از ده قران به بالا قبول خواهد شد هرگاه بموجب [illegible]
قرض کننده اسباب مرهونه فروخته شود وجوه دفعتی محسوب خواهد شد و جمع
از وجه فروش باقی مانده بصاحب گرو داده میشود

فصل پانزدهم هرگاه در سر وعده اسباب مرهونه از رهن خارج نشود
یا دیگر سندش را تجدید نکنند آن اسباب در حراج عمومی فروخته
خواهد شد صاحب طلب نمی‌تواند آن اسباب را بخرد تفاوتی که از
فروش اسباب بعد از ادای قرض پیدا میشود بصاحب گرو داده
خواهد شد و صاحب گرو از فردای روز حراج الی سه سال میتواند مطالبه
آن تفاوت را بکند

فصل شانزدهم اسباب مرهونه باید بعد از مدت یکسال از گرو خارج
بشود هرگاه صاحبان مال نشوند بعد از یکسال مال خود را از گرو بیرون
بیاورد یا تجدید سند نماید در ماه سیزدهم آن سنه فروخته خواهد شد
برای تجدید سند باید ابتدا فرع گذشته را بدهد بعد گرو را مجدداً

بقیمت بیاورد تفاوت قیمت حالیه با قیمت دفعه اول هرچه باشد باید
شخص مقروض به تعیین قیمت ثانوی در وقتی خواهد شد و فرع گذشته را
داده باشند و هرگاه کسر قیمت پیدا شود صاحب گرو باید آن کسر قیمت را بدهد
و باقتضای قیمت ثانوی گرو بهای وعده و شرایط اول تجدید میشود

فصل هفدهم هرگاه شیئی گروی مفقود شود قیمت آنرا از روی تعیین
تعیین روز اول بعلاوه یک ربع بصاحب گرو داده خواهد شد هرگاه
اسباب گرو معیوب شود صاحبش حق دارد یا دارد واگذار نماید
و قیمت آنرا از روی تعیین روز اول یا از قرار تعیین دفعه ثانی مثل اینکه
سند تجدید میشود مطالبه نماید

فصل هجدهم برای حراجی شهرهای دیگر صاحب امتیاز مالیات
حالیه حراجی آن شهر را خواهد داد

این قرارنامه در دو نسخه نوشته شد
بتاریخ غره شهر شوال المکرم سنه ۱۳۰۷ هجری

امتیازنامه کالسکه

بفرمان اعلیحضرت اقدس ظل اللهی ارواح العالمین فداه بمیرزا جواد خان سعدالدوله امتیاز و حق مخصوص مرحمت میفرمایند که در شهر دارالخلافه ناصری و حوالی آن کالسکه های عمومی از قبیل کالسکه و درشکه ارابه های عمومی و امنیبوس و سایر عرابه‌های عمومی تأسیس و دایر نماید

اعطای این امتیاز مشروط بشرایط ذیل خواهد بود

اولاً صاحب امتیاز حق نخواهد داشت امتیاز خود را بدیگری بفروشد ولی مأذون است شرکاء یا کمپانی تشکیل بدهد و آنها نیز جمیع شرایط این امتیازنامه را باید رعایت کنند

ثانیاً صاحب امتیاز متعهد است که از تاریخ امضای این امتیازنامه تا مدت یکسال سیر و حرکت کالسکه های مزبور شروع شود با همین مدت مسطور اقلاً سی کالسکه و درشکه و غیرها شروع بحرکت نمایند و در صورت تخلف امتیازنامه باطل و صاحب امتیاز مسلوب الاجازه خواهد بود

ثالثاً صاحب امتیاز در شهر و حوالی آن هر قدر لازم بداند و بخواهد از قبیل کارخانه کالسکه سازی و کالسکه خانه و طویله و غیرها خواهد ساخت مشروط بر اینکه قیمت زمین و خرج بنائی کلیةً بعهده خود او باشد و ابداً تکلیف ضرری بدولت اعلا ننماید

امتیازنامه کالسکه

رابعاً در کارخانه مزبور علاوه بر کالسکه های دیگر ساخته بفروشد تا این صنعت در مملکت ایران تکمیل و رواج پیدا کند

خامساً صاحب امتیاز کلیةً در تأسیس این عمل و ترتیبات و نظم اداره و وضع اجرای آن آزاد و مجاز است مشروط بر اینکه حقوق ذیل را همیشه رعایت کند اولاً برای کالسکه چیهای اداره یکنوع لباس مخصوص ترتیب بدهد که اعلیحضرت اقدس ظل اللهی ارواحنا فداه آن انتخاب را قبول امضاء فرموده باشند دویم کالسکه های اداره مزبور از یک اسب الی چهار اسب ببندد هرگاه از چهار اسب به یک کالسکه بیش را اجازه نخواهد داشت سیم محض فقط احتیاط و اجتناب از خطر قدغن خواهد کرد کالسکه های عمومی را با تاخت حرکت بدهد

سادساً بفرمان اعلیحضرت اقدس ظل اللهی ارواح العالمین فداه اجازه و رخصت مرحمت میفرمایند در کالسکه های عمومی مزبوره را در هر نقطه و محل از معابر و میدانهای عمومی که مقتضی بدانند وادارد مشروط بر اینکه باعث اشغال عابرین نشود

سابعاً صاحب امتیاز متعهد میکند گمرک معمولی کالسکه و اسباب و آلات متعلق باین عمل را که از خارجه وارد ایران میکند بدولت

امتیازنامه کالسکه

علیه صاحب امتیاز را بجز گمرک که مسطور است از مالیات و عوارض هرچه باشد
که بتأسیس و دایر ساختن اینهمه تعلق یابد معاف میفرمائیم

ثامناً دولت بندگان اعلیحضرت ظل اللهی ارواح العالمین فداه قبول
میفرمایند که در امور راجعه بامتیاز نامه حاضره توجه و حمایت و تقویت را
مضایقه نفرمایند

تاسعاً مدت اعتبار امتیاز نامه حاضره از تاریخ امضای آن تا
پنجاه سال شمسی خواهد بود در ظرف مدت مزبوره احدی از تبعه داخله و خارجه
حق نخواهد داشت از قبیل سنه رجات این امتیاز نامه را تأسیس و دایر
نماید

بتاریخ شهر شوال المکرم مطابق پارس ئیل [illegible] ۱۳۰۷

محل صحه مبارک

این امتیاز نامه را [illegible] نعیم الدوله برات
[illegible] ممهور نموده در وزارت عظمی
[illegible] ضبط شد

امتیازنامه کالسکه

ضمیمه امتیاز نامه کالسکه و درشکه و امنیبوس و سایر عرابه‌های عمومی

چون بر خاطر مقدس همایون ما معلوم گردید که مدت مقرره مسطوره در امتیاز
نامه کالسکه و درشکه و امنیبوس و سایر عرابه‌های عمومی که بتاریخ شهر شوال المکرم
هزار و سیصد و هفت ۱۳۰۷ بمیرزا جواد خان سعد الدوله مرحمت شده است برای اجرای
مقاصد آن غیر کافی است لهذا بموجب این دستخط صریح شاهانه
ده سال دیگر بر مدت مقرره در امتیاز نامه مسطوره افزودیم که استفاده از بهبودات
ادارات توانند شد فی تاریخ شهر جمادی الاولی سنه ۱۳۰۸

محل صحه مبارک

محل مهر وزارت عظمی

استیجار چوب شمشاد

قرار داد فیمابین جناب فخامت نصاب امیر الامراء العظام محمود خان ناصر السلطنه حکمران استرآباد و گرگان دام اجلاله العالی با عالیجاهان مجدت و نجدت همراهان مسیو کوسیس و تیوفیلاکتوس تبعه دولت سنیه روس مفخم

شرایط ذیل

شرط اول جناب ناصر السلطنه دویست هزار اصله چوب شمشاد از دیوان همایون اعلی برسم اجاره پنجساله گرفته و چهار سال مجموع مدت آن است باقی است تمام و کمال برکه از مسیو کوسیس و تیوفیلاکتوس نموده واگذار نمود که اختیاراً خود کالاشتگان و عملجات خودشان چوب شمشاد را بریده حمل نمایند

شرط دویم دیوان همایون اعلی و جناب ناصر السلطنه حق اجاره بریدن و حمل کردن چوب شمشاد از استارالی استرآباد را از باحدی بر نهند و هیچکس مداخله ننماید در این شغل کسی غیر از کالاشتگان مسیو کوسیس و تیوفیلاکتوس

شرط سیم چنانچه شرطنامه جناب ناصر السلطنه در این اجاره و مهر و امضا لازم برای چوب شمشاد برعایای داخله و خارجه داده باشند از درجه اعتبار ساقط است و همچنین دولت علیه ایران اگر قرارنامه بغیر از قرار نامه مسیو کوسیس و تیوفیلاکتوس با مهر و امضای دولت علیه

استیجار چوب شمشاد

ایران در دست داده باشد یا پیش از تاریخ آن داده باشند و یا اگر بعد از بعد تا باحدی قرار داد یا شرطنامه درباب چوب شمشاد از استارالی استرآباد بدهند از درجه اعتبار ساقط خواهد بود

شرط چهارم مسیو کوسیس و تیوفیلاکتوس متعهد میشوند در مدت چهار سال هر ساله مبلغ یازده هزار تومان در دو قسط بعنوان مالیات و گمرک و غیره تعارفات جنگلهای مخصوص جناب ناصر السلطنه تسلیم جناب معظم له نمایند چه امنای دولت علیه ایران و چه جناب ناصر السلطنه و چه دیگران دیناری زیاده از مبلغ فوق الذکر حق مطالبه ندارند

شرط پنجم چنانچه دیگران بخواهند بر خلاف اجاره کوسیس و تیوفیلاکتوس بدون اجازه کالاشتگان آنها چه مخفی و چه آشکارا از جنگلهای استارالی استرآباد چوب شمشاد ببرند چه دیوان همایون اعلی و چه جناب ناصر السلطنه چوبها را ضبط و تنبیه و سیاست لازمه را بمرتکب نموده هر چه ضرر و خسارت وارد آورده باشند از مرتکب اخذ و بمسیو کوسیس و تیوفیلاکتوس یا کالاشتگان آنها ایصال دارند همچنین در مدت چهار ساله عملجات ایشان را الیها چنین مشغول بریدن و حمل کردن چوب شمشاد میباشند در وقت لزوم چه امنای دولت علیه ایران و چه جناب

امتیاز چوب شمشاد

نصرالسلطنه و چه حکام در و سایر دیگر همه قسم کمک و همراهی لازمه بنمایند

شرط ششم قرارنامه حاضره از روز سه شنبه ۲۰ ربیع الاول پارس ئیل
سنه ۱۳۰۸ مطابق ۲۳ اکتبر ماه روسی سنه ۱۸۹۰ تا مدت چهار سال متوالی
در درجه اعتبار خواهد بود

محمدرضای کوسیس

این قرارنامه بطور صحیح و ممضی است در صورتیکه
حضرت مستطاب اجل اکرم اشرف افخم آقای
امین السلطان وزیر اعظم دولت علیه ایران
امضا و مهر فرموده باشند بتاریخ فوق ۱۳۰۸

[illegible]

امتیازنامه بیمه

با تأسیس اداره بیمه و حمل و نقل در مملکت ایران چون همواره منظور نظر همایون
ترتیب اسبابی است که در تقویت و تهیه شرایط ضمانت آسایش و راحت و بناهای
خیر و اصلاحات مفیده بجهة آحاد و افراد رعایای خود حفظ آنها را از آفات
و بلیات وارده از حریق یا خسارات زراعی که بواسطه تگرگ حاصل شود
و یا مرگ حیوانات و چهارپایان در شهرها و قصبات و قراء محروسه ایران
و نیز چون همیشه مترصد و مقتضم آن بوده و هستیم که هریک از رعایای
خود حتی آنهائیکه نه دارای ملک و نه مایه بضاعت هستند بتوانند در
صورت عارضه بدنی و عجز از کار لذا که از آن مالیه و معاش آتیه خود
اطمینان حاصل کنند وسیله در ضمانت فقرات مزبوره را اسباب تدارک
فرمائیم همچنین محض تسهیل لوازم حفظ تجارت در داخله و یا در خارجه
از هر قسم خسارات و مخاطرات که در حمل و نقل و ارسال مرسول یا
در حمل و انبار بر مال التجاره وارد میشود و یا ممکن است بر مال التجاره وارد
میشود لازم و حتم شمردیم که یک اداره بیمه حمل و نقل در ممالک خود
تأسیس و برقرار فرمائیم علیهذا نظر بهمین مقصود بموجب امتیازنامه
حاضره به **لازار پولیاکوف** عضو عالیه شورای دولتی رئیس
اداره شرکت ترویج تجارت و صناعت در ایران امتیاز مخصوص

امتیازنامه بیمه

مرحمت میفرمائیم که اجرای نیات مقاصد سابق الذکر در ممالک ما
اداره بیمه و حمل و نقل احمال و اثاثیه موافق شروط مفصله ذیل که
معمول و مجری دارد

فصل اول اعمال مزبوره فوق در تمام قطعات مملکت ایران از
روز امضای امتیازنامه حاضره تا مدت هفتاد و پنج سال معمول و مستدام
خواهد بود و در عرض مدت مزبوره غیر از صاحب امتیاز یا کمپانی که از طرف
صاحب امتیاز تشکیل خواهد داد احدی حق نخواهد داشت که در حدود ممالک
ما در اعمال بیمه دخالت نماید و همچنین احدی حق نخواهد داشت که در هیچ جا
من الوجوه به هر اسم و رسم که باشد اداره حمل و نقل احمال و اثاثیه تأسیس
نماید ولیکن بدیهی است هر کس حق داشته و میتواند بدون تأسیس اداره
دفتر و هر قسم حمل و نقل را در مملکت ایران بدون انحصار و حق تعقیب
و نیز اداره پست دولتی هم حق دارد که به هر اندازه حمل و نقل امانات نماید

توضیح: اگرچه در [illegible] معمول و مستدام [illegible] [illegible]

فصل دویم این اداره موسوم به اداره بیمه و نقلیات و دارای
مهر مخصوص خواهد بود که مختص کارهای خود او باشد و جمیع اسناد و بلیتها
و قبوض و مراسلات و غیره که از اداره مرکزیه یا شعبات
آن صادر میشود ممهور به آن خواهد بود

امتیازنامه بیمه

فصل سیم محل اداره مرکزیه در دارالخلافه ناصری طهران خواهد بود ولی
در جمیع شهرها و نقاط دیگر از مملکت ایران که اداره مزبوره صلاح و لازم
شمارد شعبات برقرار خواهد بود

فصل چهارم ادارات دولتی و حکام و مباشرین مملکت ایران مکلف هستند
که در جمیع اظهارات و دعاوی راجعه به امور متعلق به امتیازنامه حاضره
از اداره مرکزیه و اجزای آن چه در دارالخلافه و چه در سایر ولایات حمایت
و اعانت نمایند

فصل پنجم اداره بیمه و نقلیات حق خواهد داشت که در جمیع بلاد
و قراء و نقاط ممالک محروسه ایران از قرار تفصیل ذیل بیمه و تضمین نماید

اولاً هر قسم اموال و مخلفات و املاک را از خسارات و ضرر
و خرابی که از حریق و یا بواسطه سوء استعمال اسباب در حریق و یا بواسطه
در بردن اثاث البیت در صورتیکه بیمه شده باشد ضمانت خواهد نمود

ثانیاً محصولات زراعتی از خساراتیکه بواسطه تگرگ حاصل میشود

ثالثاً هر نوع حیوانات را از مرگ و میر

رابعاً مال التجاره و بارهای کشتی و امانات و عموماً هر قسم محمولات
و اشیاء گران بها و کشتی تجاری و کشتی آبی و کرجی و قایقهائیکه بار و اثاث آن بیمه شده

یا خالی باشند و واگن و مسافرین کشتی و کرایه حواله درکشتی و یا خشکی بوده باشد
وغیره را بیمه خواهد کرد از هر قبیل خسارات و خطرهای هنگام نقل و تحویل یا عبور یا توقف
یا ورود خانه یا نهرهای طبیعی و یا نهرهای مصنوعی وارد آید

خامساً سرمایه و منافع آنها را هم بعد از انقضای مدتی که در کنترات اداره
بیمه معین شده باشد بصاحب حواله یا بوارث او کارسازی خواهد شد

سادساً مسافرین بیمه شده را از هر قسم حوادث یا مخاطرات در
عرض راه اتفاق بیفتد

فصل ششم اداره بیمه و نقلیات هر نوع مال التجاره و بارهای کشتی و اشیاء
سنگین و سایر اشیاء را خواه بواسطه راههای آهن و سفاین و بارها راههای
شوسه یا سایر راههای بر و بحر در داخل ایران و همچنین مال التجاره جات و
وغیره را از ممالک محروسه ایران بسایر جاها فرستاده میشود حمل و نقل خواهد داد

فصل هفتم شرایطی که در جمیع انواع بیمه و نقلیات فوق الذکر باید
رعایت شود از قبیل قرار و مبلغ و شرایط ادای وجه و توسط شرایط اداره
و شرایط غرامت دادن اداره بمشتریان و غیره بسته بقرار دادی
خواهد بود که مشتریان با کمال رضایت با اداره داده اند و شرایط مزبوره
جمیعاً بطور واضح و مفصل در آن قبض اداره مرکزی یا شعبات آن

بمشتریان خواهند داد مندرج خواهد شد و قبوض مزبوره دارای یک کنترات
صریحی خواهند بود ما بین اداره و مشتریان منعقد شده باشد

فصل هشتم نظر بضرورت و اهمیتی که از اعانت تاسیس این اداره
ممکن خاطر ما است بعموم حکام و مباشرین ممالک خود امر و مقرر
میفرمائیم در جمیع احوال را از مقصود اصلی و فواید و منافع اداره از تاسیس چنین
بنائی عاید تواند شد مطلع و آگاه سازند و بنا بمراتب مزبوره اداره کمپانی
نیز مأذون و مرخص است در اعلانات راجع بمقصود اصلی و فواید
و منافع اداره که از دایر نمودن بیمه و نقلیات خواهد بود بطبع رساند

فصل نهم همچنین نظر بفواید عامه که در دایر نمودن این اداره برای مملکت خواهد
داشت و محض اینکه تمام رعایای ما با خرج قلیلی بتوانند از فواید سابق الذکر
آن اداره بهره مند و مستفیض گردند جمیع عملیات و معاملات و تمامی
اسناد و نوشتجات متعلقه باداره مرکزی و شعب و فروعات آن و دوایر
و آنچه تعلق بآنها دارد و نیز خود دفترخانها و اشخاصی که در آنها مشغول خدمت
هستند در طول مدت امتیاز نامه از جمیع حقوق دیوانی از قبیل مالیات
و عوارض و حقوق نقدیه و غیره خواه از حقوقی باشند که اکنون بنحو اول
و معمول هست که در آتیه بشود در مدت طول امتیاز نامه برقرار خواهند شد

[illegible]

امتیاز نامه بیمه

هر قسم و رسم که باشد معاف خواهند بود و نیز اشیائیکه برای اداره بیمه و نقلیات
لازم خواهند شد از قبیل ملزومات و اثاث البیت و دفاتر و سایر ملزوم
و شعبات آن و اشیاء بارسنجی از قبیل شمع و غیره و شکنه آلات
بارکردن محمولات و سایر آلات و در انبار که داشته خواهند شد و طلمبه
جهة خاموش کردن حریق و غیره از جمیع حقوق گمرک و راهداری و مالیات
و غیره معاف خواهند بود ولی اداره گمرک حق دارد که باین نامبرده از [2]

فصل دهم در مقابل معافیت مزبور صاحب امتیاز باید در ده سال اول
شروع بکار هر ساله سیصد تومان و در ده سال ثانی ساله پانصد و در سنوات
بعد تا موعد انقضای مدت امتیاز نامه حاضره سالی یک هزار تومان بخزانه
دولت علیه بپردازد

فصل یازدهم صاحب امتیاز حق دارد در یک شرکت مخصوص تشکیل
بدهد و یا هر یک قسمتی از سرمایه را که بگذارند با یک شرکت و سهامی تأسیس
نماید و در صورت ذخیره حق خواهد داشت که سهام بلیکاسیون یا اسناد
دیگر را صلاح بداند صادر کند بدیهی است دولت علیه ایران ضمانت
این اسناد را نخواهد نمود

فصل دوازدهم هرگاه در عرض مدت شش سال از تاریخ صحه این قرارنامه

[2] گمرکی که از جنس [illegible] و وارد [illegible] و مالیات [illegible] داخل [illegible] دریافت کند

امتیاز نامه بیمه

صاحب امتیاز شروع بتأسیس بنای و قرار نکرده و نمود امتیاز نامه حاضره
کلیه از درجه اعتبار ساقط خواهد بود این قرارنامه بتاریخ غره شهر
جمادی الاول سنه ۱۳۰۸ پارسی ئیل در طهران بنسختین نوشته و مبادله شد

امتیازنامهٔ کاغذسازی

محض انتشار و ترویج صنعت کاغذسازی در دارالخلافه طهران و سایر ممالک محروسهٔ ایران استعلام با کمال ضراعت و خاکساری از خاکپای فلک فرسای مبارک اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه استدعای امتیاز انرا برای خود و وارث خود مینماید بشرایط معروضهٔ ذیل که کمپانی تشکیل داده این مقصود مهم را انجام دهد و این صنعت مفیده را در کل ممالک محروسهٔ ایران منتشر سازد و در این کارخانه انواع و اقسام کاغذ که مملکت را حاجت و ضرورت باشد یعنی خواه آنچه از قبیل کاغذ و پاکت تحریر و چه آنچه بطوریکه در فرنگستان بایران می‌آورند و همچنین کاغذ اطاق [illegible] و کاغذ منقوش و غیره

اولاً کسان خانه را مجاز باشند در هر جائیکه صلاح بدانند کارخانجات را در آن نقطه بنا و احداث نمایند چنانچه در آن نقاط متعلقه اراضی بایره غیر مزروع بمصرف باشد متعلق بدولت داشته باشد استدعا چنانچه که بقدر کفاف کارخانجات و ضروریات آن مجاناً مرحمت فرمایند

ثانیاً آنچه متعلق باین کارخانهٔ کاغذسازی است از هر گونه صادر و عوارض و مالیات بهر اسم معاف و مسلم باشد تا در سایه همایونی این صنعت بزرگ در ممالک محروسه بسهولت رواج پیدا کند و هر گونه

امتیازنامهٔ کاغذسازی

اسباب و چوب آلات که برای این کارخانه لازم میشود اجازه مرحمت فرمایند که از جنگلهای دولتی بریده بمصرف احداث کارخانه برسانند و از برای لوازم آنکار هر قدر خانه و انبار و ما یحتاج لازم میشود اجازه مرحمت خواهند فرمود ساخته شود یا اجاره کنند

ثالثاً استدعا از خاکپای مبارک همایونی این است که محض تشویق و ترویج این صنعت در ایران این اداره مظهر توجهات خاصهٔ ملوکانه بوده هر نوع کاغذ و پاکت که برای صرف تحریر دولت و وزارتخانجات دولت و همچنین از کاغذ اطاق و منقوش و غیره که مربوط باین کارخانجات و در سال از برای دولت لازم است باید از این کارخانه ابتیاع فرمایند و در باب قیمت هم قبل از وقت کار که از اولیای امور دولتی با صاحبان کارخانه مذاکره خواهند کرد که در تعیین قیمت و سرعت رسانیدن آنها قرار قاطعی لازم است بدهند

رابعاً بقای این امتیاز از روز امضای قرارنامه الی پنجاه سال خواهد بود و ضمناً مقرر خواهد شد که در مدت این امتیاز پنجاه سال احدی از خارجه و داخله بهیچوجه من الوجوه حق ایجاد و احداث هیچگونه کارخانه که مربوط بکاغذسازی است نداشته باشند و تمام امتیاز با کمپانی خواهد بود

امتیاز کاغذسازی

خانه‌زاد خواهد بود
خامساً پس از اینکه کارخانه دایر شد و حاصل آن معرض فروش درآمد
از منافعی که حاصل میشود از هر یکصد تومان ده تومان دینار بابت مالیات همه
ساله به دیوان همایون ارفع تقدیم خواهد شد این ده تومان و نیم بعد از وضع
مخارج و شرکت پول کارخانه از منافعی که عاید میشود تقدیم خواهد شد
سادساً شروع بساختن این کارخانه‌جات سه سال بعد از امضای همایونی
خواهد شد چنانچه در ظرف این سه سال از قضای آسمانی و حادثه روی
دهد که اسباب تعویق ساختن کارخانجات بشود البته آن سبب در
حضور اولیای دولت ملاحظه و منظور خواهد شد
سابعاً این غلام خانه‌زاد دارای این امتیاز است حق هر گونه انتقال و فروش این امتیاز را
با هر یک از داخله و خارجه داشته و هر کس مجاز خواهد بود در کمپانی برای تشکیل این
کارخانه یا داخله تحصیل نماید که در سایه همایونی دایر و مرتب شود — از خارجه

فی ۱۷ شهر جمادی الثانیه سنه ۱۳۰۸ هجری

[illegible]

صورت امتیازنامه گچ و آهک و سنگ تراش و مرمر و سنگ اره‌ای (سنگ مشق)

چون اراده قدسیه ملوکانه اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایون شاهنشاهی
کل ممالک محروسه ایران ارواح العالمین فداه تعلق یافته بود در معادن
گچ و آهک و سنگ تراشی و مرمر و سنگ اره‌ای در ممالک محروسه
شیوع و رواج داده بهتر ساخته و دایر کرده و مسیر ارادت ملوکانه مهندسین در بیت ترکیب
و وارث و صاحبان آن از امتیاز و حق مخصوص اعطا شود بهم در معادن
سنگ و آهک و گچ و سنگ تراشی و مرمر و سنگ اره‌ای
(سنگ مشق) که در اطراف دارالخلافه ناصری الی سی و پنج کیلومتر (یعنی
[illegible]) واقع است کار کرده و دایر نموده گچ و آهک و سنگ
تراشی و مرمر و سنگ اره‌ای در طهران و حوالی و حومه آن فروخته
و مصالح مزبوره را با راههای آهنی یا بواسطه سنکار یا بطور دیگر در همین محوطه
سی و پنج کیلومتر حمل و نقل و هر که موافق شرایط مذکوره در فصل پنجم در خصوص
جاده‌های آهنی باشد ولی معادنیکه باشخاص متفرقه تعلق داشته و فعلاً دایر
باشند میتوانند بقرار سابق چنانچه در فصل ششم نیز اشاره شده است
در دست صاحبان آنها باشد

امتیاز گچ و آهک وغیره

فصل اوّل صاحب امتیاز مختار است در امتیاز خود را با تمام اختیارات و تکالیف خود باشخاص و کمپانی های دیگر واگذار نماید و همچنین اختیار دارد که خود تشکیل یک کمپانی برای کار انداختن امتیاز بدهد

فصل دوّیم صاحب امتیاز متعهد میشود در جهة آوردن آهک و گچ و سنگ تراش و مرمر و سنگ اره از بعد حفر بهر از قرار ذیل مالیات بدولت بدهد

اولاً از بابت آهک و گچ مالیات جنسی موافق معمول حالیه در عبارت از ده یک باشد در سایر کوره پزها بدولت اعلا میپردازند مثلاً بجهة یکصد خروار گچ ده من و بجهة یکصد خروار آهک ده من

ثانیاً بجهة سنگ تراش و مرمر مالیات نقدی یعنی از سنگ تراش یا مرمر یا پارچه های آن از نیم متر مکعب زیاد نباشد مبلغ یکهزار دینار برای هر یک متر مکعب و از سنگ تراش یا مرمر هر پارچه آن از یک متر مکعب بزرگتر باشد مبلغ دو هزار دینار از قرار هر یک متر مکعب

ثالثاً بجهة هر یک خروار سنگ اره از مبلغ پانصد دینار مالیات

مسطور در فوق به تفصیل ذیل داده خواهد شد

اولاً درباب ادای مالیات نقدی از جانب دولت علیه مأموری

امتیاز گچ و آهک وغیره

با خرج و مواجب دولتی مشخص خواهد گردید و هر ماه در انبار که مصالح مزبوره وارد میشود حاضر شده باتفاق گماشته صاحب امتیاز ثبت سنگهای تراش و مرمر و سنگ اره که وارد میشود بردارد و در ده روز آخر هر ماه ادارهٔ صاحب امتیاز مالیات سنگهای تراش و مرمر وارده از وارده در مدت ده روز آخر ماه گذشته و چند روز اول ماه حاضره بدولت علیه میپردازد درباب ادای مالیات جنسی یعنی از گچ و آهک دولت علیه حقوق خود را در سر کورهای صاحب امتیاز باندازه و میزان هر کوره دریافت خواهد نمود

فصل سیّم صاحب امتیاز میتواند آهک را خرواری کمتر از ... و گچ را خرواری چهار هزار دینار بفروش برساند و در ازای تر فروختن مختار است و نیز در صورت لزوم میتواند قیمتهای مزبوره را از قرار ده نیم زیاد کند و چون باید امکان ترقی قیمت اجرت عمله و ماکولات و اسباب و ادوات و سوخت لوازم نه کانی وغیره را ملاحظه کرد لهذا صاحب امتیاز میتواند در صورت اینگونه ترقیات بر قیمت آهک و گچ به نسبت و میزان ترقیات مزبوره بیفزاید ولی اگر قیمت سه ساله اینها را تعین نماید ترقی اجرت کارگر و ماکولات و حبوبات وغیره را

[illegible]

کمیسیون مزبور چنانچه در تعیین آن اجناس قیمت منظور دارد در هر صورت طوری باشد که صاحب امتیاز همیشه بتواند اقلاً صدی پانزده منفعت خالص از سرمایه کمپانی و قبوضات خود دارد و کمیسیون مزبور از دو نفر اجزا از جانب دولت علیه ایران و دو نفر وکلای صاحب امتیاز مرکب خواهد شد

صاحب امتیاز آزاد است که هر وقت بخواهد مصالح خود را ارزان تر بفروشد مشتریها میتوانند حمل و نقل مصالحی را که از صاحب امتیاز خریده‌اند یا خودشان بدهند یا آنکه در این خصوص با مشارالیه قراری بگذارند که صاحب امتیاز حمل نماید و اگر مشتریها گچ و آهک مخصوصی بخواهند که درشت کوبیده و یا سرند کرده باشد در قیمت خرید آنها با صاحب امتیاز کنار بیایند

فصل چهارم صاحب امتیاز در ترتیب دادن و دایر نمودن معادن و فروش مصالح مزبوره مختار خواهد بود و هر نوع که آلات و ادوات و چرخها و اسباب حمل و نقل و جاده‌های آهنی و غیره که برای استکار مقتضی و منفعه بداند استعمال و احداث نماید و نیز میتواند اراضی و معادن و ابنیه که لازم دارد خریده یا اجاره نماید کلیه عملیات خود را

بصلاحدید خود ترتیب خواهد داد و جهت تشکیل و دایر نمودن جاده‌های آهنی صاحب امتیاز میتواند موافق فصل پنجم رفتار نماید همچنین صاحب امتیاز در فروش مصالح خود مختار است ولی شرایط فصل سیم این امتیازنامه را نیز در خصوص قیمت منظور دارد کمیسیون مذکور در فصل سیم این امتیازنامه اگر آرای اجزای آن مختلف باشد منحصر بقرارداد یک شخص خواهد شد که از یکی از سفارتخانه‌ها منتخب گردد هرگاه راههای آهنی از اراضی بایر متعلق بدولت بگذرد دولت علیه ایران از اراضی مزبوره بقدر پانصد ذرع بصاحب امتیاز مجاناً مرحمت میفرمایند و نیز دولت علیه اراضی بایری را که در اطراف معادن مزبوره واقع است بجهة کارگذاشتن آلات و ادوات و چرخها و بنای ابنیه و زراعت و غیره مجاناً بصاحب امتیاز واگذار میفرمایند

فصل پنجم صاحب امتیاز اکنون مختار است که یک جاده آهنی با شعبات آن جهة کار انداختن معادن ساخته و دایر نماید نقطه حرکت این جاده آهنی خواه از گار طهران خواه از گار حضرت عبدالعظیم ع اعتبار خواهد شد و تعیین آن نقطه حرکت فقط در اختیار صاحب امتیاز است جاده آهنی مذکور سمت معادن آهک و سنگ تراشی واقعه در میان [illegible] [illegible] تقریباً [illegible] و قبرستان گبرها و سوی معادن گچ واقعه در آن طرف قبرستان بگذرد و راه

امتیاز گچ و آهک و غیره

مشهد مقدس کشیده خواهد شد طرح تشکیل جاده و خط مطلقا در اختیار صاحب
امتیاز است ولی دو شرط مفصله الذیل باید منظور و ملحوظ باشد

۲ اولاً [illegible]

ثانیاً جاده مذکوره از حدود دویست و پنج کیلومتر گرفته از ابتدای خندقهای دور
شهر نرود و باین جاده شعبات دیگر هم متصل میتوان نمود و در تعیین کردن نقاط
اتصال و محل امتداد و نقاط و غیره آنها و اعداد طول شعبات صاحب امتیاز
مطلقا مختار است ولی دو شرط ذیل هم باید منظور و ملحوظ باشد

اولاً جمع طول تمام شعبات باید از [illegible] کیلومتر تجاوز نکند

ثانیاً شعبات مذکوره از حدود [illegible] کیلومتر از ابتدای خندقهای دور شهر خارج
نرود چنانکه جاده عمده نیز باین قید محدود است در صورت ترک کار کردن
در یک معدن و یا اینکه بملاحظه دیگر اگر صاحب امتیاز لازم شمارد که
چیزی را از خطوط برداشته در جای دیگر تشکیل بدهد در یک معدن دیگر
کار کند مختار و آزاد است و آنوقت خطوط جدیده نیز باید از حدود
معینه در همین فصل خارج نرود ولی چون این خطوط جدیده عوض
همان خطوط سابق است لهذا بهیچوجه طول آنها در جمع طول معین ۴۲
خطوط که صاحب امتیاز قبول کرده حساب نخواهد شد
صاحب امتیاز مختار است که در جاده عمده آهنی و یا در شعبات آن

امتیاز گچ و آهک و غیره

هر قسمی که بخواهد با واسطه بخار یا نفت منجنیک و یا بقوت اسب و غیره
و اسباب حرکت و حمل و نقل را فراهم خواهد آورد و در جمله منتهی جمیع شعبات
که بی کیلومتر باشد شعبات دیگر (بلدان آهنیه) و شعباتیکه بواسطه قوت آدم
یا حیوانات یا طناب و غیره در حرکت است حساب نخواهد شد ولی
این راه نیز چنانچه جاده عمده و شعبات آن از حدود دویست و پنج کیلومتر
در اطراف طهران خارج نخواهد شد در صورتیکه یک خط شعبات یا دیگر
در میان قراء شمیرانات بکار بیاید آنوقت صاحب امتیاز اختیار
خواهد داشت که با آن خط شعبات دیگر متصل نماید که معادن گچ
و آهک و سنگ تراشی و سربرداره از دایر نماید در خصوص جمع
طولها و در باب حدود آنها هم متضمن همان شرایط پیشه که برای
شعبات مذکوره در فوق ذکر شده است و آنها را میتوان بقوه بخار
یا بطور دیگر بکار انداخت عرض تمام راههای مذکوره در این فصل
یک [illegible] نخواهد شد مانند راه آهن حاضره حضرت عبدالعظیم ۴ و یک
[illegible] خطوط مذکوره را نباید جهت مسافرین ساخت و دکوینهای
مخصوص مسافرین است در این خطوط کار نخواهد کرد بلکه خطوط مذکوره
فقط باید جهت حمل و نقل محصولات معادن و حبوبات و اشیائیکه

صاحب امتیاز از محصولات معادن درست نماید تشکیل بدهد صاحب امتیاز
میتواند همچنین بواسطهٔ این راههای آهن آنچه لازم و نافع کار خود شمرد احداث نماید
صاحب امتیاز میتواند با شرکت راه آهن سنگدار دولتی در ایران در خصوص
تشکیل و دایر نمودن جاده‌های آهنی مذکوره در همین فصل کنار بیاید

فصل ششم معادن سنگ تراش و مرمر و آهک و گچ و سنگ آهک [illegible]
که از حدود مذکوره فوق واقع و هنوز کارش نشده ملک مخصوص صاحب
امتیاز خواهد بود و تنها خود او حق دایر کردن آنها را خواهد داشت
همچنین معادن محصولات مزبوره که فعلاً دایر و متعلق بدولت علیه ایران
ملک مخصوص صاحب امتیاز گردیده و حق مطلق خواهد داشت که
در آنها کار کند معادنیکه اکنون دایر و مال اشخاص متفرقه هستند صاحبان
آنها حق دارند که کما فی السابق در آنها تا مسافت غیر محدود هر قدر باشد
کار کنند ولی بشرطی که فقط خود صاحبان آن معادن از آنها استخراج فعلاً
مشغول کار بوده برود پیش بروند و نیز میتوانند محصولات آنها را
پخته و بفروش برسانند ولی این استثناء منحصر مخصوص محصولات
معادنی است که فعلاً دایر و متعلق باشخاص متفرقه میباشند و
محض طی دعاوی و گفتگوهای آتیه صورت و اسامی معادنیکه از این

استثناء بهره‌مند خواهند شد بطوریکه در این فصل مندرج شده است ضمیمهٔ این امتیاز
نامه خواهد گردید هرچه در امتیازنامه حاضره ذکرش در خصوص استثناء در منفعت
معادنیکه فعلاً دایر و متعلق باشخاص متفرقه است فقط در حدود سی و پنج
کیلومتر از ابتدای خندقهای دور شهر میباشد در خارج این حدود همه کس
اختیار دارد در باب احتیاط مشغول دایر نمودن معادن سنگ تراش
و گچ و آهک و مرمر مجاز باشد

فصل هفتم غیر از روسا و مباشرین و کارکنان مخصوص صاحب
امتیاز حتی الامکان از رعایای دولت علیه ایران عمله و کارگر خواهد
داشت

فصل هشتم صاحب امتیاز از جمیع حقوق و مالیات و مال الاجاره
و بنائیات و دایر نمودن یا بمنافع محصول معادن مزبوره
راجع باشد معاف خواهد بود باستثناء شرطیکه در فصل دوم این
امتیازنامه نوشته شده است

فصل نهم دولت علیه ایران قبول مینماید که در پیشرفت
و اجرای این امتیازنامه حمایت و تقویت خود را مضایقه نفرماید
و در صورت ظهور گفتگو و نزاع با مالکین معادن و اراضی دولت علیه

امتیاز گچ و آهک و غیره

حکومت عادلانه خواهند فرمود

فصل دهم مدت طول این امتیاز نامه از روز امضای آن الی پنجاه سال شمسی خواهد بود و در تمام مدت مذکوره اجرای هرجا که امتیاز حق عملیات حقوقیکه بموجب این امتیاز نامه بصاحب امتیاز داده شده است دارد

فصل یازدهم صاحب امتیاز مجبور است در مدت دو سال از تاریخ این امتیاز نامه شروع بکار نماید ولی در صورت اتفاقات قضائی که باعث تاخیر در عملیات بشود از قبیل امراض مسریه مدت مزبوره بالاستحقاق باندازه طول آن واقعه امتداد خواهد یافت

فصل دوازدهم این امتیاز نامه بزبان فرانسه و ایرانی نوشته شده است بامضای بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه مزین و موشح خواهد شد و خط فارسی در این قرار نامه معتبر و سند طرفین خواهد بود

در دار الخلافه طهران مورخه ۲۱ جمادی الثانی سنه ۱۳۰۸ هجری مطابق سیم ژانویه سنه ۱۸۹۰ نسختین نوشته شد مبادله گردید

امتیاز راه آهن نوع دکویل

امتیاز یک رشته راه آهن نوع دکویل از طهران الی معادن فشند و تمام طول خط آن متجاوز از شصت کیلومتر نکند

فصل اول دولت علیه ایران اجازه میدهد بمسیو فابیوس بوتال مهندس تبعه دولت فرانسه یک رشته راه آهن نوع دکویل وضع و دایر نماید برای معادن فشند در ملک سویت و خال ایران چنانچه این راه آهن نیز مجاز است در تمام محصولات کارخانجات را که مسیو بوتال در پنج حصارک و ینگی امام احداث خواهد کرد حمل و نقل نماید علاوه محصولات اطراف فشند را از قبیل کاه و جو و گندم و یونجه و پنبه و انگور و انواع میوه جات و سبزی آلات ایضاً چوب و سنگ و سایر مصالح بنائی

فصل دویم صاحب امتیاز باید روی رودخانه کرج و کردان پلهای مخصوص برای راه آهن بسازد و باید در تمام طول راه آهن مانع جریان آبها نشود

فصل سیم تمام این کارها را صاحب امتیاز بامخارج خود خواهد کرد

فصل چهارم تمام این کارها در شش ماه بعد از امضای این امتیاز نامه شروع شود

امتیاز راه آهن نوع دکویل

فصل پنجم ریل های راه آهن خط مزبور در بعضی نقاط ممکن است در پهلوی راه کشیده شود ولیکن مانع عبور و مرور گردد

فصل ششم در هر کجا خط راه از اراضی بایره بگذرد مسیو بواطال خواهد توانست بقدر کفایت راه آهن از آن اراضی بگیرد ولی از اراضی که در آن کشت و زرع میشود مسیو بواطال باید صاحبان اراضی را راضی کند و دولت علیه ایران در خرید آن اراضی توجه لازمه برای رفع اشکالات بروز دهد خواهد نمود

فصل هفتم آلات و ادوات لازمه راه از خارجه حمل میشود از حقوق گمرک معاف خواهند بود

فصل هشتم طول مدت این امتیاز نامه مدت شصت سال است در انقضای این مدت خط راه آهن و ادوات دایر داشتن آن ملک دولت علیه ایران خواهد شد

فصل نهم مسیو بواطال مجاز است یک یا چند نفر شریک برای خود قرار بدهد و یا برای اجرای این امتیاز بوسیله تشکیل کمپانی که خودش مدیر آن باشد در هر صورت بدون اجازه دولت علیه نمیتواند منوسیه واگذار نماید

امتیاز راه آهن نوع دکویل

فصل دهم هر اختلافی بروز دهد بواسطه محاکمه قطع خواهد شد در صورت عدم اصلاح دولت علیه ایران و صاحب امتیاز بجهة حکمیت یک یا چند نفر از اجزای سفارتخانه های آلمان امریک و اطریش یا ایطالیا را انتخاب خواهد کرد

بتاریخ شهر جمادی الثانی سنه ۱۳۰۸ مطابق ژانویه سنه ۱۸۹۱ مسیحی در طهران بدو نسخه متساوی این قرارنامه مبادله شد

امتیاز اسب دوانی

صورت فرمان مبارک همایونی

نظر به ترویج و ترقی جنس اسب در ممالک محروسه ایران و تشویق اهالی
مملکت به ترتیب اسبهای نجیبه در سواری تاخت و تاز و عراده و کالسکه
و غیره بکار ضرورت از این تاریخ فرخنده
اجازه نامه فرمودیم که در دار الخلافه طهران تشکیل کمپانی شرکت خاصه داده
لوازم اسب دوانی و نمایش انواع اسبها را چنانکه معمول به ممالک است
به عهده شرکت مزبوره که در تحت حمایت خاصه اعلیحضرت اقدس همایون
شاهنشاهی است از این سال الی سی سال شمسی امتیاز انحصار اسب دوانی
دارد و در تمام این مدت با اسناد و ابنیه و متعلقات آن هیچ حقوق
و منال دیوانی که داشته نمی‌شود و از جانب سنی الجوانب همایون یک قطعه
زمین واقعه در خارج خندق طهران محدود به حدود مشروحه ذیل

حد شمالی حرم خیابانی مشجر عشرت آباد	حد جنوبی خندق طهران	حد شرقی خیابانی غیر مشجر عشرت آباد که از بر دروازه شمیران میرود	حد غربی خیابان غیر مشجر شمیران

بملکیت مرحمت و واگذار میشود که میدان اسب دوانی و غیره ساختن
معتبر مردانه و زنانه و امکنه لازمه برای عموم تماشاچیان و اصطبلها و غیره
و قهوه خانه و مهمانخانه بنا نمایند و همچنین تعهد و یک باغ نیز

امتیاز اسب دوانی

و کاخ مخصوص سلطنتی برای قدوم همایون ما بنا نمایند و در موسم و ایام
اسب دوانی خاصه وجود مسعود همایون ما باشد. مقرر آنکه شرح
فرمان مرحمت نشان همایون را در دفاتر خلود دوام دولت ثبت
نموده از شوائب تحریف مصون نمایند و در عهده شناسند
فی شهر جمادی الثانیه پارس ئیل سنه ۱۳۰۸

امتیاز چراغ گاز

بندگان اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه امتیاز
مخصوص استقرار و ترتیب چراغ گاز را در دار الخلافه طهران و نواحی آن
و همچنین در تمام ممالک محروسه ایران با بنده خانه‌زاد مرحمت و واگذار
میفرمایند بشرایط برقرار داد مفصله ذیل و ضمناً این غلام ماذون است
که کمپانی از داخله و خارجه جهة تشکیل این امتیاز و اداره تحصیل نماید

فصل اوّل بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه
کارخانه موجوده چراغ گاز را در دار الخلافه با اراضی و ابنیه و لوله‌ها
و فانوس‌ها و چراغها کلیةً با جمیع لوازم و متعلقات آن باین غلام
واگذار خواهند فرمود و این غلام ماذون و مختار خواهد بود یا کارخانه
حالیه را دایر نماید یا کارخانه جدیدی احداث کند در صورت تأسیس
کارخانه جدید کارخانه قدیم نیز باختیار این غلام خواهد بود و هر طور
تغییر و تبدیلات در ترتیب و تنظیم این کارخانه برای اصلاح و تسویه
آلات و ادوات موجوده لازم باشد این غلام ماذون و مجاز
خواهد بود

فصل دوّیم این غلام متعهد است در چراغ عمومی تهیه و ترتیب
کند تدارک و تهیه لوله‌های گاز عمومی شهر بر عهده این غلام است ولی

امتیاز چراغ گاز

تعیین مخارج و قیمت آن با اولیای دولت علیه است که بر طور اقتضا که
با این غلام قرار داده قطع فرمایند عده چراغ کمتر یا زیادتر در صورت
لزوم باز بهمان ترتیب معروضه با این غلام مقرر خواهند فرمود و نیز
مقرر خواهند فرمود فاصله چراغها از همدیگر بیشتر از بیست ذرع نباشد
و هر یک از چراغها شبی زیاده از چهار ساعت نباید بسوزد و در هر یک
از چراغهای عمومی ساعتی یکصد و چهل لیتر مصرف خواهد رسید و از طرف
قرین الشرف دولت علیه سالی دوازده تومان بابت برای هر یک چراغ
با این غلام مرحمت خواهند فرمود و این مبلغ هم در عرض سال‌های ایلکان
از قیمت یک چراغ در آخر هر ماه مقرّر و مرحمت خواهد شد ضمناً
هر قسم مخارج از قبیل تعمیرات و رنگ کاری و تعمیر شیشه و خرج عمله
و غیره لازم شود خرج همین کمپانی است و آنچه در خصوص شرایط
روشنائی چراغ عمومی عرض شد فقط مخصوص دار الخلافه طهران است
برای استقرار چراغ گاز در شهرهای دیگر داخله اولیای دولت و با نمایندگان
دولت با این غلام قراری که مقتضی و مناسب باشد خواهند فرمود

فصل سیم هرگاه اشخاص دیگر برای روشنائی شهرها غیر از چراغ
گاز باشد از خاکپای مبارک اقدس همایونی روحنا فداه استدعا نمایند

امتیاز چراغ گاز

بتقدم طرف رجحان خواهد بود که بهمان شرایطیکه آنها دستور عمل کرده قبول نماید

فصل چهارم در تعیین شرایط و قیمت و تقسیم چراغ برای سایر ادارات متفرقه دولت و ترتیب آن این غلام مأذون و مجاز خواهد بود که بهر طور مقتضی است معمول دارد

فصل پنجم این اداره از جمیع الجهات و اعطاء و اجزای آن طرف توجه و رعایت مخصوص اولیای دولت علیه بوده از هر نوع حمایت و تقویت بقدر امکان دریغ نخواهند فرمود

فصل ششم امتداد این امتیاز از روز امضای امتیازنامه الی نود و نه سال خواهد بود

فصل هفتم بعد از انقضای نود و نه سال آلات و ادوات کارخانه از قدیم و جدید هر چه هست بدولت تفویض و تقدیم خواهد شد

فصل هشتم شروع و افتتاح این کارخانه از تاریخ امضای قرارنامه الی مدت سه سال خواهد بود

[illegible]